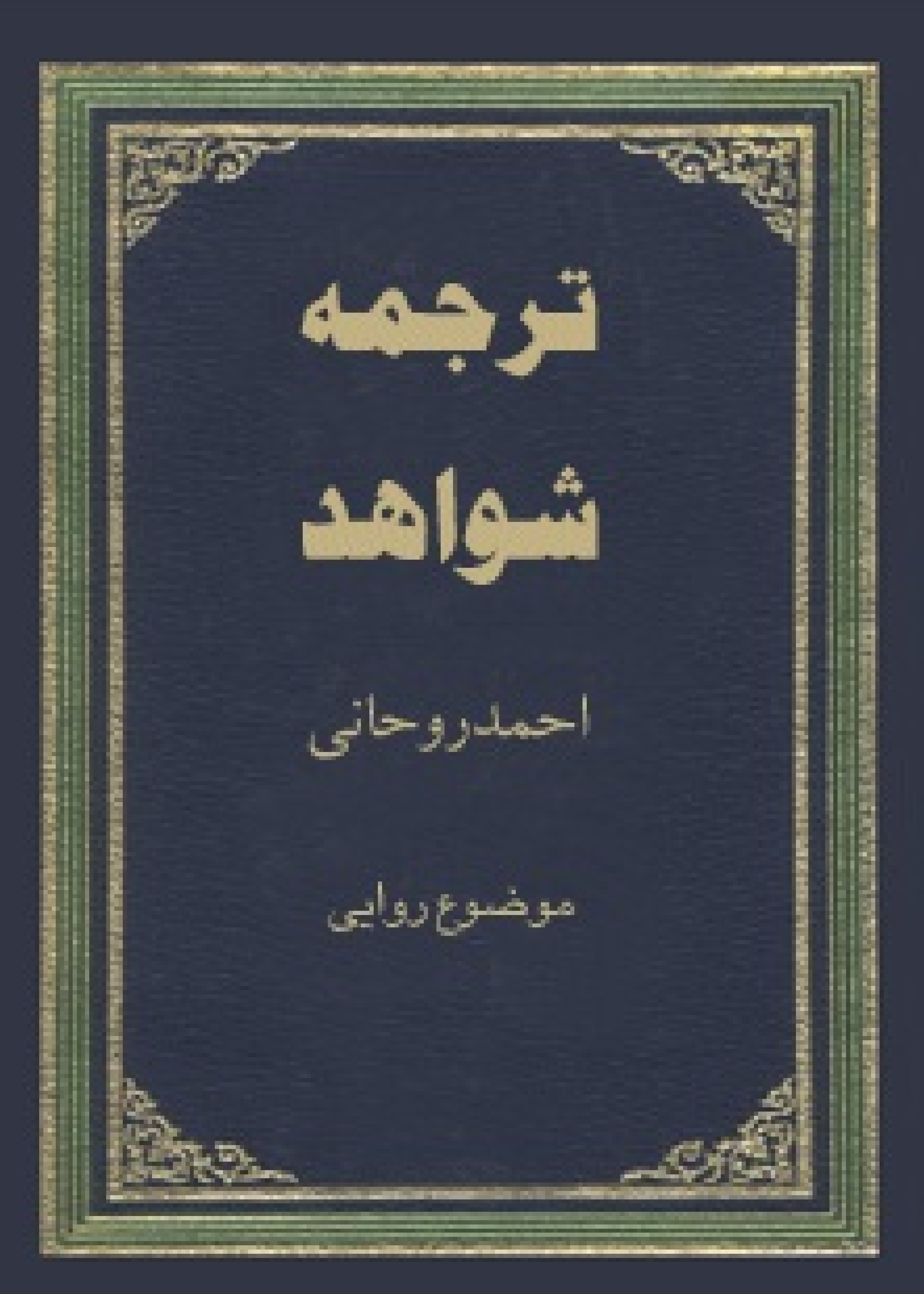

ترجمه
شواهد
احمد روحانی
موضوع روایی



ترجمه شواهد

نویسنده:

احمد روحانی

ناشر چاپی:

احمد روحانی

ناشر دیجیتالی:

فهرست

ترجمه شواهد

مشخصات کتاب

نام کتاب: ترجمه شواهد نویسنده: روحانی احمد موضوع: روایی قرن: پانزدهم زبان: فارسی مذهب: شیعی ناشر: احمد روحانی مکان چاپ: سال چاپ: نوبت چاپ: تحقیق: توضیح: موضوع

[شواهد التنزیل

مقدمه مترجم

اشاره

بسم اللّه الرحمن الرحيم حمد و سپاس خدای بزرگ را که دوستان و اولیای خویش را به انواع کرامات مزیّن و آنان را رفعت مقام و علوّ درجات عنایت فرماید. -قرآن-۱-۲۷ و بهترین درود و صلوات بر محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله و سلّم سرور کائنات باد. کتاب حاضر ترجمه شواهد التنزیل لقواعد التفضیل متعلّق به یکی از علمای اهل سنّت به نام «حاکم حسکانی است که در قرن پنجم ه. ق می‌زیست و در سال ۴۹۰ ه. ق بدرود حیات گفت کتاب فوق تاکنون ترجمه فارسی نشده است و برای اولین بار به مناسبت سال امیرالمؤمنین علی علیه السّلام ترجمه و چاپ می‌شود. در اینکه مجموعه سعی و تلاش گردید در ذکر شماره آیات و روایات از اصل کتاب متابعت شود تا مراجعه به اصل کتاب در هنگام ضرورت آسان‌تر گردد. و در ترجمه کتاب حاضر، روایت‌های مشابه که از یک نفر نقل شده در پاورقی با ذکر شماره آن روایت آورده شد تا موجب طولانی شدن کتاب نگردد. [صفحه ۶] کتاب شواهد التنزیل در دو جلد با ذکر سلسله سند تدوین شده بود که بعلت عدم تطویل سعی شد از ذکر اسامی سند خودداری شده و فقط دو یا سه نفر که متصل به زمان نقل حدیث بودند آورده شود. لذا مجموعه دو جلدی کتاب اصلی در یک جلد ترجمه و تنظیم گردید. اما انگیزه ترجمه اینکه کتاب با توجه به اینکه که کتاب شواهد التنزیل از کتابهای ارزنده و پر محتوا و مستند می‌باشد که از منابع روایی اهل سنت نقل گردیده و هم اینکه که مؤلف کتاب فوق از علمای برجسته و قابل اعتماد اهل سنت و دارای اطلاعات کافی و تحقیق وافی در علم حدیث و رجال و روایت بوده است و هم اینکه که محتوای کتاب فوق با الهام از آیات قرآنی و روایات نبوی لطف خاصی به فضای معنوی کتاب داده است و مخصوصاً موضوع کتاب فوق درباره شخصیت برجسته و نمونه جهان اسلام امیرالمؤمنین علی علیه السّلام است که اینکه خصیصه‌ها موجب شد اینکه کتاب در سال امیرالمؤمنین مورد توجه قرار گیرد تا محبان فارسی زبان علی و اهل بیتش علیهم السّلام از اندیشه و دیدگاه محدثان و راویان اهل سنّت نسبت به امیر مؤمنان آگاه شوند. امید است اینکه مجموعه ارزشمند، علمی و مستند مورد استفاده برادران ارجمند بالاخص برادران اهل تسنّن و علاقمندان امیرالمؤمنین علی علیه السّلام قرار گیرد.

معرفی مؤلف کتاب شواهد التنزیل

در معرفی صاحب کتاب بزرگان اهل سنت بیاناتی را ابراز داشته‌اند که از باب نمونه سخنان دو تن از آنان را نقل می‌کنیم سیوطی در کتاب «طبقات حفاظ» در معرفی «حاکم حسکانی می‌گوید: حسکانی محدّثی توانا و قاضی زبردست بود نامش به

إبن الحذا معروف بود مردی فاضل شیخی دقیق و مدقق که صاحب ذوق و عنایت به علم الحدیث بود در اینکه فن کتاب‌هایی را تدوین و جمع‌آوری کرد. [صفحه ۷] همچنین ذهبی از علمای اهل سنت از کتاب الطبقة جلد ۱۴ می گوید: الحسکانی القاضی المحدث ابو القاسم عبد الله بن عبد الله بن احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد حسکان القرشی العامری النیشابوری الحنفی الحاکم معروف به إبن الحذاء شیخی مدقق و متقن و صاحب ذوق تام در علم الحدیث بود که با عنایت وافر و همت کامل در اینکه فن جدّ و جهد نمود و کتابهایی را تألیف و تدوین کرد. او از جدّ و همچنین از إبن ابی الحسن علوی و ابی عبد الله حاکم و ابی طاهر بن محمش و ... حدیث نقل می کرد و پیوسته در حال استماع یا افاضه یا جمع آوری حدیث نبوی بود و عمر خویش را در اینکه راه صرف کرد تا در سال ۴۹۰ ه. ق به دار باقی شتافت

انگیزه تألیف کتاب از زبان مؤلف

چنین آورده‌اند که شیخ اجل علی بن حمزة بن علی رشکی خبر داد، فرزند مصنّف به نام وهب بن علی حسکانی الحذاء نقل کرد: پدرش حاکم امام ابو القاسم حسکانی حکایتی شنیدنی در انگیزه تألیف اینکه کتاب ارزشمند را اینکه چنین بیان کرد و گفت بعضی از علمای عوام زده که ریاست بر عوام النّاس را دوست داشتند، سخنانی طبق مذاق و میل آنان می گفتند. از جمله در روزگار ما در یکی از مجالس پر جمعیت و شلوغ یکی از اصحاب إبن کرام که از اینکه صنف عالمان بود بر کرسی موعظه نشست و با سخنان وقیعانه درباره علویان پیروان خود را گمراه و اغواء می کرد. و مبالغت چندان نمود، و سخنان پریشان همی گفت و به عیب‌جویی و مذمت علویان و آباء و اجداد آنان پرداخت چون همدلی و همراهی مستمعین و سکوت حاضرین را مشاهده کرد پا را از گلیم خویش فراتر نهاده درصدد عیب‌جویی سر سلسله علویان یعنی علی بن ابی‌طالب علیه السّلام افتاد و گفت هیچ مفسّری را ندیدم که گفته باشد سوره هل –قرآن–۲۴۴–۲۴۹ [صفحه ۸] اتی علی الانسان در شأن علی بن ابی‌طالب علیه السّلام و اهل بیت او نازل شده است –قرآن–۱–۲۱ نه تنها سوره هل اتی بلکه هیچ آیه‌ای از قرآن در فضیلت و کرامات علی علیه السّلام و اهل بیتش نازل نشده است ؟ او با جرئت و جسارت به گستاخی خویش ادامه داد و همچنان سخنان پریشان می گفت و به تهمت و افترا مبادرت می کرد. من از بزرگان مجلس و اکابر علما، توقع داشتم که جوابی سخت و نیکو به او دهند. ولی متاسفانه همه سکوت کرده و کسی اعتراض نکرد مگر قاضی عماد الاسلام ابی العلا صاعد بن محمّد [قدس روحه که اعتراض خویش را آشکار کرده و او را از باب امر به معروف و نهی از منکر مورد عتاب و سرزنش قرار داد. من در پایان آن مجلس مصلحت چنان دیدم که باید به اینکه سخنان ناصواب و شبهه خطرناک جوابی نیکو گویم تا اذهان مسلمانان و اصحاب قرآن نسبت به علی بن ابی طالب علیه السّلام مشوش نگردد لذا در اینکه راستا، به جمع‌آوری آیات قرآنی و روایات نبوی که در شأن علی بن ابی طالب علیه السّلام بیان شده بود مبادرت کردم تا شخصیت علمی و مجاهدات‌های فرهنگی و فضیلت‌های بی‌شمار آن حضرت مورد شک و تردید نسلهای آینده قرار نگیرد. بر همین اساس هر آیه‌ای که قطعا یا احتمالا در شأن علی علیه السّلام نازل شد استقصاء [شمارش کردم و روایات مستند را با ذکر سند آن در ذیل آیات نقل کردم که ۲۰۹ آیه و ۱۱۶۳ روایت را در دو جلد کتاب به نام شواهد التنزیل لقواعد التفضیل تدوین کردم تا شاید گوشه‌ای از عظمت و فضیلت بیکران علی بن ابی طالب علیه السّلام را شناسانده باشم و حسبنا اللّه و نعم الموفّق و الوکیل احمد روحانی [صفحه ۹] بسم اللّه الرحمن الرحیم مؤلف دانشمند، حاکم حسکانی قبل از وارد شدن به آیات قرآنی و بیان شأن نزول آنها فصولی را در طلیعه کتاب به عنوان آغاز بحث مطرح کرده است که رابطه تکمیلی با مقاصد کتاب و ارتباط عقلائی با مباحث آن دارد و فصلهای آن به شرح زیر است –قرآن–۱–۲۷ فصل اول فضائل بی‌شمار علی علیه السّلام فصل دوم تقدم و

برتری علی علیه السّلام در تلاوت قرآن فصل سوم سبقت بر یاران در جمع آوری قرآن فصل چهارم عالم‌ترین فرد به تفسیر و عارف‌ترین به تنزیل فصل پنجم کثرت آیات در شأن علی علیه السّلام و اولاد فصل ششم معنای یا ایّها الّذین آمنوا -قرآن-۳۱۰-۳۳۶ [صفحه ۱۱]

فصل اول فضایل بی‌شمار علی علیه السّلام

اشاره

صفات حمیده خصلت‌های پسندیده و فضایل ارزنده امیرالمؤمنین علی علیه السّلام به قدری زیاد و فراوان است که اکثر محدّثان و دانشمندان شیعه و سنّی از متقدمین و متأخرین در کتابهای خویش نقل کردند. در اینکه جا به پاره‌ای از اینکه احادیث که از متقدمین بالاخص عبد اللّه بن عباس شاگرد تفسیری علی علیه السّلام نقل شده است اشاره می‌شود. [۱] روایتی با سند طولانی از حکیم بن جبیر از مجاهد نقل شد که إبن عباس شاگرد امیرالمؤمنین علی علیه السّلام در بیان عظمت استادش گفته است لقد کان لعلی بن ابی طالب علیه السّلام ثمانیهٔ عشر منقبهٔ لو لم یکن له الّا واحدهٔ لنجابها، و لقد کانت له ثلاثهٔ عشر منقبهٔ لم تکن لاحد من هذه الامّهٔ -روایت-۱-۱۷۲ برای علی علیه السّلام هجده منقبت وجود دارد که حتی اگر یکی از اینکه هجده منقبت را می‌داشت اهل نجات بود همچنین سیزده منقبت از اینکه هجده کرامت مختص آن سید و سرور است و احدی را در آن نصیبی نیست [۲] مجاهد و عبد اللّه بن شدّاد چنین نقل کرده‌اند: [صفحه ۱۲] روزی در حضور عبد اللّه بن عباس سخنی درباره علی علیه السّلام به میان آمد. إبن عباس گفت «لقد کانت لعلیّ ثمانیهٔ عشر منقبهٔ ...» -روایت-۱-۴۲ از کسی سخن گفتید، که هجده منقبت را به تنهایی داراست که اگر یکی از آن منقبت‌ها را هم می‌داشت اهل رستگاری و نجات بود سیزده صفت و منقبت او مختصّ به اوست که هیچ یک از امّت مصطفی صلی اللّه علیه و آله غیر از او اینکه منقبت‌ها را ندارد. [۳] حکیم بن جبیر از [مجاهد و عبد اللّه بن شدّاد] نقل کرده است إبن عباس بیان کرد: لقد کان لعلیّ علیه السّلام ثمانیهٔ عشرهٔ منقبهٔ .... -روایت-۱-۵۷ علی علیه السّلام را هجده منقبت است اگر یکی از اینکه هجده منقبت را به تنهایی می‌داشت اهل نجات و رستگاری بود حال آن که دارای مناقب هجده گانه است و همچنین برایش دوازده منقبت است که هیچ یک از امّت محمّد صلی اللّه علیه و آله دارای اینکه منقبت‌ها نیست و اینکه مناقب اختصاص به علی علیه السّلام دارد. [۴] ابو نعیم می گوید: کامل بن علا برایم نقل کرد که مجاهد در مناقب علی علیه السّلام گفت انّ لعلیّ علیه السّلام سبعین منقبهٔ ما کانت لاحد من اصحاب النّبی [ص مثلها و ما من شیء من مناقبهم الّا و قد شرّکهم فیها -روایت-۱-۱۴۶ برای علی بن ابی طالب علیه السّلام هفتاد فضیلت و منقبت وجود دارد. که هیچ یک از اصحاب مصطفی صلی اللّه علیه و آله در آنها سهمی و نصیبی ندارند. امّا منقبتی که اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله دارند، علی علیه السّلام در آن مناقب شریک است [۵] محمّد بن عباد از محمّد بن معتمر و او از پدر و جدش نقل کرده است کان لعلیّ بن ابی طالب علیه السّلام عشرون و مائهٔ منقبهٔ لم یشترک معه فیها احد من اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله و قد اشترک فی مناقب النّاس -روایت-۱-۱۷۴ علی علیه السّلام را یکصد و بیست منقبت از مناقب مخصوص است که احدی از اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله را در آن مناقب نصیب و سهمی نیست امّا علی علیه السّلام در مناقب دیگران شریک است یعنی هر منقبتی را که اصحاب مصطفی صلی اللّه علیه و آله داراست علی علیه السّلام نیز همان فضیلت و منقبت را دارد. [صفحه ۱۳]

دیدگاه اصحاب مصطفی صلی اللّه علیه و آله در تفضیل علی علیه السّلام

اشاره

[۶] ابی طفیل از قول بعضی از اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله روایت کرده لقد سبق لعلیّ بن ابی طالب علیه السّلام من المناقب ما لو انّ واحدهٔ منها قسّمت بین الخلق و سعتهم خیراً. -روایت-۱-۱۲۴ مناقب کثیری برای علی بن ابی طالب علیه السّلام است که اگر یکی از آن مناقب را بین جمیع خلایق تقسیم می‌کردند همه آنان را خیر و خوبی و برکت فرا می‌گرفت [۷] محمّد بن منصور از احمد بن حنبل چنین نقل کرده است ما جاء لاحد من اصحاب النّبی من الفضائل اکثر ممّا جاء لعلیّ بن ابی طالب علیه السّلام -روایت-۱-۱۰۲ برای احدی از صحابه مصطفی صلی اللّه علیه و آله به اندازه علی بن ابی طالب فضایل و مناقب وارد نشده است [۸] ابو حامد حضرمی و ابو نصر محمّد بن احمد گفته‌اند: از محمّد بن منصور شنیدیم که او نقل کرد، احمد بن حنبل امام اهل حدیث در فضیلت علی علیه السّلام بیان کرده است ما جاء لاحد من اصحاب النّبی صلی اللّه علیه و آله من الفضائل اکثر ممّا جاء لعلیّ بن ابی طالب علیه السّلام -روایت-۱-۱۲۹ برای هیچ یک از اصحاب مصطفی صلی اللّه علیه و آله فضایلی به اندازه علی علیه السّلام وجود ندارد. [۹] حمدان وراق می‌گوید از احمد بن حنبل شنیدم که گفت ما روی لاحد من اصحاب رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله من الفضائل الصحاح ما روی لعلیّ بن ابی طالب علیه السّلام -روایت-۱-۱۳۹ روایات صحیحی که در بیان فضایل علی علیه السّلام وارد شده برای هیچ یک از اصحاب مصطفی صلی اللّه علیه و آله وارد نشده است [صفحه ۱۴] [۱۰] فطر بن خلیفه می‌گوید از ابو طفیل شنیدم گفت بعضی از اصحاب مصطفی صلی اللّه علیه و آله در مناقب علی علیه السّلام چنین نقل می‌کردند: لقد کان لعلیّ علیه السّلام من السّوابق ما لو انّ سابقهٔ منها قسّمت بین الخلایق لاوسعتهم خیراً -روایت-۱-۱۱۲ صفات حمیده و سوابق درخشان علی علیه السّلام آن چنان با ارزش است که اگر یکی از آن سوابق برجسته علی علیه السّلام بین خلایق تقسیم شود، همه آنان را خیر و خوبی فرا می‌گرفت [۱۱] محمّد بن عیسی از فطر بن خلیفه و او از ابی طفیل روایت کرده که إبن عبّاس در بیان فضایل علی علیه السّلام نقل کرد: لقد سبقت لعلیّ علیه السّلام من السّوابق ما لو انّ واحدهٔ منها قسّمت بین جمیع الخلایق لاوسعتهم خیراً -روایت-۱-۱۱۸ سوابق درخشان علی علیه السّلام چنان است که اگر یکی از آنها در بین خلایق تقسیم شود. همه اهل خیر و خوبی می‌شوند.

دیدگاه عبد اللّه إبن عمر بن خطّاب در تفضیل علی علیه السّلام

[۱۲] خلف بن خلیفه بیان کرد: از اباهارون عبدی شنیدم که گفت با عبد اللّه بن عمر نشسته بودم نافع بن ارزق به جمع ما پیوست او با بی‌حیایی و گستاخی گفت به خدا سوگند که من دشمن علی علیه السّلام هستم و کینه او را در دل دارم إبن عمر گفت ای نافع خداوند دشمن تو باشد تبغض رجلا سابقهٔ من سوابقه خیر من الدّنیا و ما فیها با مردی دشمنی می‌کنی که یک سابقه از سوابق درخشان او از دنیا و ما فیها بالاتر و برتر است [صفحه ۱۵]

نظر عکرمه مولی إبن عباس در تفضیل علی علیه السّلام

[۱۳] عکرمه از إبن عبّاس چنین روایت کرده است ما فی القرآن آیهٔ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات -روایت-۱-۵۵ الّا و علیّ امیرها و شریفها و ما من اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله رجل الّا و قد عاتبه اللّه و ما ذکر علیّا الّا بخیر. در قرآن کریم هر آیه‌ای با عنوان الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات ذکر شده است -قرآن-۴۲-۷۴ علی علیه السّلام امیر آن مؤمنان و شریف‌ترین

آن صالحان است و از اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله کسی نیست که مورد عتاب خدای سبحان قرار نگرفته باشد مگر علی بن ابی طالب علیه السّلام که همیشه به خیر و نیکویی توصیف شده است سپس عکرمه گفت در مناقب جلیله و فضایل کثیره علی علیه السّلام چیزهایی می‌دانم که اقطار زمین و آسمان تاب و تحمّل شنیدن آنها را ندارند.

نامه عایشه در فضایل علی علیه السّلام

[۱۴] عبد اللّه بن عبد الرّحمان قاضی شهر ری نقل کرده که به ابی عبد الرّحمان گفتم نامه‌ای از عایشه دریافت کردم که مناقب علی علیه السّلام را در آن نوشته است ابی عبد الرّحمان در جواب گفت بدان عایشه هر قدر از فضایل علی علیه السّلام را یادآور شده باشد باز هم کم گفته است چون فضایل آن حضرت بیشتر از آن است که قابل شمارش و نگارش باشد اگر عایشه هم فضایلی را نقل کرده باشد از دریا قطره‌ای و از خشکی ذره‌ای را متذکّر شده است [صفحه ۱۷]

فصل دوم تقدّم و برتری علی علیه السّلام در تلاوت قرآن

[۱۵] عاصم از ابی عبد الرّحمان سلمی اینکه روایت را ذکر کرده است ما رأیت احدا کان اقرأ للقران من علیّ علیه السّلام -روایت-۱-۶۴ هیچ کسی را ندیدم در قرائت قرآن از علی علیه السّلام برتر و مقدم‌تر باشد سپس عاصم می‌گوید: ابو عبد الرّحمان قرائت قرآن را از علی علیه السّلام فرا گرفت [۱۶] ابی مالك از إبن عبّاس نقل می‌کند عبد الرّحمان بن عوف چند تن از اصحاب رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله را به نماز جماعت دعوت کرد، چون جمع شدند علی علیه السّلام را امام جماعت خویش قرار دادند زیرا آن حضرت قرآن را بهتر از دیگران قرائت می‌کرد. [۱۷] إبن فضیل از عطاء و او از ابو عبد الرّحمان سلمی نقل کرده است ما رأیت احداً اقرأ من علیّ علیه السّلام -روایت-۱-۵۰ احدی را قاری‌تر از علی بن ابی طالب علیه السّلام ندیدم یعنی هیچ کسی را ندیدیم قرآن را بهتر از علی علیه السّلام تلاوت کند. [۱۸] یحیی بن آدم می‌گوید به ابی بکر بن عیّاش گفتم [صفحه ۱۸] بعضی از مردم می‌گویند علی علیه السّلام قرائت قرآن را نمی‌داند یا نمی‌خواند. در جواب گفت هر کسی چنین گفت دروغ گفته است بلکه علی علیه السّلام سرآمد قاریان قرآن است [۱۹] عاصم از ابی نجود و او از عبد الرّحمان سلمی چنین نقل می‌کند: ما رأیت احداً اقرأ من علی بن ابی طالب علیه السّلام -روایت-۱-۶۸ هیچ کسی را در قرائت قرآن تواناتر از علی علیه السّلام نیافتم [۲۰] ابی اسحاق از ابی الاحوص و او از عبد اللّه بن مسعود که از قاریان معروف قرآن است درباره علی علیه السّلام چنین نقل کرده است «افرض اهل المدینة و اقرأوها علیّ بن أبی طالب علیه السّلام -روایت-۱-۷۱ داناترین و قاری‌ترین مردم مدینه علی بن ابی طالب علیه السّلام بود [۲۱] عبد اللّه بن عباس گفت عمر بن خطّاب همیشه می‌گفت «اعلمنا بالقضاء و أقرؤنا للقرآن علی بن ابی طالب علیه السّلام -روایت-۱-۷۴ داناترین فرد به علم قضاوت و قاری‌ترین شخص به قرآن علی بن ابی طالب علیه السّلام است [صفحه ۱۹]

فصل سوم سبقت بر یاران در جمع‌آوری قرآن

[۲۲] حسن بن دینار از قول إبن سیرین چنین روایت کرده است وقتی ابو بکر بر مسند خلافت نشست و علی علیه السّلام خانه‌نشین شد، مردی مغرض به ابو بکر گفت علی علیه السّلام از تو اکراه دارد. ابو بکر، علی علیه السّلام را فراخواند و گفت آیا درست است که تو از من بیزاری و نسبت به من اکراه داری علی علیه السّلام فرمود: من از تو اکراهی ندارم امّا چون رسول

اللّه صلی اللّه علیه و آله به ملکوت اعلی پیوسته و قرآن جمع‌آوری نشده است می‌ترسم چیزی از قرآن کم یا زیاد شود سوگند یاد کرده‌ام جز برای نماز از خانه بیرون نیایم تا قرآن را جمع‌آوری کنم ابو بکر گفت اگر چنین است پس کاری نیکو انجام می‌دهی [۲۳] سدیّ از عبد خیر نقل کرد: چون علی علیه السّلام بعد از وفات نبی صلی اللّه علیه و آله از بعضی مردم زمانه سبک عقلی و خیره‌سری مشاهده کرد. سوگند یاد کرد تا قرآن را جمع‌آوری نکند ردا بر دوش نیندازد. پس در خانه نشست و قرآن را جمع‌آوری کرد. پس آن حضرت نخستین کسی بود که قرآن را در مصحف جمع‌آوری کرد و از قلبش به [صفحه ۲۰] صورت مکتوب در مصحف نگاشت و مصحف علی علیه السّلام اکنون در نزد آل جعفر علیه السّلام موجود است [۲۴] ایوب از عکرمه روایت کرد: وقتی بعضی از مردم با ابو بکر بیعت کردند و او خلافت را به عهده گرفت علی علیه السّلام در خانه نشست و از بیعت سرباز زد، عمر به سراغ علی علیه السّلام رفته با او ملاقات کرد و پرسید: یا علی آیا از بیعت با ابو بکر تخلّف می‌کنی علی علیه السّلام فرمود: بعد از وفات رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله سوگند یاد کردم ردا بر دوش نگذارم مگر برای نمازهای واجب تا قرآن را جمع‌آوری کنم چون می‌ترسم در قرآن تقلّبی صورت گیرد و کلام الهی دست خوش تحریف شود. [۲۵] سدیّ از عبد خیر و او از یمان روایت کرده است زمانی که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به ملکوت اعلی پیوست علی علیه السّلام سوگند یاد کرد که ردا بر دوش نگذارد تا سرانجام تمامی سور قرآن را جمع‌آوری کند و به صورت مصحف درآورد. و آن بزرگوار ردا بر دوش نگذاشت تا سرانجام قرآن شریف را جمع‌آوری کرد. [۲۶] إبن عون از محمّد بن سیرین چنین نقل می‌کند که إبن سیرین گفت در مدینه بودم و از ملاقات ابو بکر با علی علیه السّلام با خبر شدم ابو بکر به علی گفت یا علی شنیدم از امارت و حکومت من اکراه داری ؟ علی علیه السّلام گفت خیر بلکه سوگند یاد کرده‌ام تا قرآن را جمع‌آوری نکنم ردا بر دوش نگذارم إبن سیرین ادامه داد و گفت علی علیه السّلام قرآن را با شأن نزول آیاتش مکتوب کرد که اگر آن قرآن به دست ما می‌رسید، به علم کثیر و حکمت‌های فراوان دسترسی پیدا می‌کردیم إبن سیرین می‌گوید از عکرمه درباره آن قرآن پرسیدم که آن قرآن در کجاست او ساکت شد و سخنی نگفت [۲۷] ایّوب از محمّد بن سیرین روایتی به اینکه مضمون نقل می‌کند: وقتی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رحلت فرمود، علی علیه السّلام خانه‌نشینی را انتخاب کرد، و از خانه بیرون [صفحه ۲۱] نیامد. عدّه‌ای به ابو بکر گفتند، علی از خانه بیرون نمی‌آید. او حتماً به امارت و حکومت تو معترض است و از تو اکراه دارد. ابو بکر، علی علیه السّلام را فرا خواند و پرسید: یا علی علیه السّلام آیا از اینکه که امارت و حکومت به دست من است اکراه داری علی علیه السّلام فرمود: از امارت تو کراهت ندارم امّا می‌ترسم قرآن دستخوش تحریف شود، لذا سوگند یاد کردم تا قرآن را جمع‌آوری نکنم عبا و ردا بر دوش نگذارم و از منزل بیرون نیایم [صفحه ۲۳]

فصل چهارم علی علیه السّلام عالم‌ترین فرد به تفسیر و عارف‌ترین کس به تنزیل

[۲۸] ابی طفیل از انس بن مالک روایت کرده است که مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: علیّ یعلّم النّاس بعدی من تأویل القرآن ما لا یعلمون -روایت-۱-۶۵ علی علیه السّلام پس از وفات من تعلیم دهنده تأویل قرآن به مردم است در آنچه نمی‌دانند«۱». -پاورقی-۱۰۸-۱۱۰ [۲۹] عمیر بن بشر خثعمی از قول عبد اللّه بن عمر چنین نقل کرده است علیّ اعلم النّاس بما انزل اللّه علی محمّد صلی اللّه علیه و آله -روایت-۱-۷۹ علی بن ابی طالب علیه السّلام عالم‌ترین و عارف‌ترین مردم به قرآن است [۳۰] سعید بن حنظله از علقمهٔ بن قیس روایت کرد علی علیه السّلام روزی در مسجد کوفه در خطبه‌ای فرمود: سلونی یا اهل الکوفهٔ؟ قبل ان لا تسألونی فو الّذی نفسی بیده ما نزلت -روایت-۱-۸۴ [صفحه ۲۴] اللهآیهٔ الّا و انا اعلم بها اینکه نزلت و فیمن نزلت فی سهل ام فی جبل او فی مسیر ام فی مقام } ای اهل کوفه از مسائل علمی و شرعی و حکمت‌های الهی از من

بپرسید، قبل از آن که نتوانید از من سؤال کنید و من در میان شما نباشم به خدایی که جان علی علیه السّلام در قبضه قدرت اوست هیچ آیه‌ای نازل نشد مگر اینکه که می‌دانم در کجا و برای چه کسی و برای چه چیزی نازل شده است آیا در درشت نازل شده یا در کوه در مسیر راه یا در منزلگاه و می‌دانم در توبیخ یا تمجید چه کسی نازل شده است پس از من درباره قرآن بپرسید تا دانا شوید. [۳۱] وهب بن عبد اللّه نقل کرد ابی طفیل گفت علی علیه السّلام را در حال خطبه دیدم می‌فرمود: «سلونی فو اللّه لا تسألونی عن شیء یکون الی یوم القیامة الّا حدّثتکم به -روایت-۱-۸۹ سلونی عن کتاب اللّه و اللّه ما من آیة الّا و انا اعلم اینکه نزلت بلیل او بنهار، او بسهل نزلت أو فی جبل . -روایت-۱-۱۳۲ ای مردم کوفه از من سؤال‌های علمی کنید، به خدا سوگند؟ درباره هر چیزی که از حالا- تا قیامت مسئله‌اش را بپرسید، خبرش را به شما می‌دهم ای مردم از کتاب خدا قرآن بپرسید، آیه‌ای نیست مگر اینکه که می‌دانم کجا و کی و چگونه و بر چه کسی و برای چه چیزی نازل شده و آیا در کوه یا در دشت نازل شده است ؟ [۳۲] ابی عبد الرّحمان سلمی چنین نقل کرده است هیچ کسی را مثل علی علیه السّلام عالم به علم قرائت قرآن ندیدم او بود که می‌فرمود: «سلونی فو اللّه لا تسألونی عن شیء من کتاب اللّه الّا احدّثکم بلیل نزلت ام بنهار او فی سهل او فی جبل . -روایت-۱-۱۳۰ بپرسید تا بگویم از هر چه بپرسید، جواب عالمانه می گویم اگر از آیات ربّانی سؤال کنید، خبر از شأن نزول زمان و مکان نزول آیات را به شما خواهم داد. [صفحه ۲۵] [۳۳] سید الشهداء، حسین بن علی علیه السّلام بیان کرد پدرم علی علیه السّلام فرمود: ما فی القرآن آیة الّا و قد قراتها علی رسول اللّه و علّمنی معناها. -روایت-۱-۷۹ در قرآن هیچ آیه‌ای نیست مگر اینکه که آن را برای رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله قرائت کردم و آن حضرت معنا و تفسیرش را به من تعلیم داد. [۳۴] زید بن علی علیه السّلام از پدرش علی بن حسین علیه السّلام و او از پدرش حسین علیه السّلام نقل کرد که پدرم علی علیه السّلام فرمود: ما دخل نوم عینی و لا غمض رأسی علی عهد رسول اللّه حتّی علمت ذلک الیوم ما نزل به جبرئیل من حلال او حرام او سنّة او کتاب او امر او نهی و فی من نزلت -روایت-۱-۱۹۱ در عهد رسول اللّه خواب به چشمم راه نمی‌یافت مگر آن که در آن روز علم پیدا می کردم که جبرئیل از حلال و حرام از سنّت و کتاب از امر و نهی چه چیزی را آورده و آیات در شأن چه کسی نازل شده است [۳۵] زید بن علی علیه السّلام از پدر و جدّش نقل کرد که علی علیه السّلام فرمود: ما دخل عینی و لا- رأسی حتّی علمت .... -روایت-۱-۴۶ هیچ شبی چشمم به خواب نمی‌رفت مگر اینکه که علم و معرفت به آیات نازل شده در آن روز و از حلال و حرام از امر و نهی از سنّت و کتاب از شأن نزول آیات علم پیدا می کردم آن گاه می‌خوابیدم [۳۶] ابو بکر بن عیّاش از ثوبر بن ابی فاخته از پدرش نقل کرد که علی علیه السّلام فرمود: کان لی لسان سؤل و قلب عقول و ما نزلت آیة الّا و قد علمت فیم نزلت و علی من نزلت و بم انزلت -روایت-۱-۱۱۳ برای من زبانی گویا و قلبی عاقل قرار داده شد و هیچ آیه‌ای نازل نشد، مگر اینکه که می‌دانم در کجا و برای چه کسی و برای چه چیزی نازل شده است [۳۷] سعید بن حنظله از علقمة بن قیس چنین روایت می کند که علی علیه السّلام می‌فرمود: ۲» -روایت-۳-ادامه دارد [صفحه ۲۶] آیة الّا و انا اعلم اینکه نزلت و فیمن نزلت أفی سهل ام فی جبل ام فی مسیر ام فی مقام . -روایت-از قبل-۱۰۴ [۳۸] سلیمان احمسی از پدرش اینکه روایت را نقل کرده است که علی علیه السّلام فرمود: و اللّه ما نزلت آیة الّا و قد علمت فیما نزلت و اینکه نزلت و علی من نزلت -روایت-۱-۸۹ به خدا سوگند، آیه‌ای نازل نشد مگر اینکه که می‌دانم درباره چه کسی و در کجا و برای چه چیزی نازل شده است سپس ادامه داد و فرمود: «لأنّ اللّه وهب لی قلباً عقولًا و لساناً طلقاً -روایت-۱-۵۳ برای اینکه که خدای حکیم قلبی عاقل و زبانی گویا و آزاد، به من عنایت کرد.» [۳۹] منهال بن عمرو از عباد بن عبد اللّه اینکه روایت را نیز نقل کرده است که علی علیه السّلام فرمود: هیچ آیه‌ای نازل نشد مگر اینکه که می‌دانم آن آیه در کوه یا در دشت در شب و یا در روز نازل شده است و نیز می‌دانم هر آیه‌ای در شأن و منزلت یا مذمّت چه کسی نازل شده است [۴۰]

عطاء از عایشه چنین نقل کرده است که عایشه گفت علی اعلم اصحاب محمّد بما انزل علی محمّد. -روایت-۱-۵۱ علی علیه السّلام عارف‌ترین و عالم‌ترین اصحاب نبی صلی اللّه علیه و آله به قرآن کریم است [۴۱] آبان بن ابی عیّاش از سلیم بن قیس هلالی شنیده است که علی علیه السّلام فرمود: ما نزلت علی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله آیهٔ الّا اقرأنیها علیّ فاکتبها بخطّی و علّمنی تأویلها و تفسیرها و ناسخها و منسوخها و محکمها و متشابهها، و دعا اللّه ان یعلمنی فهمها و حفظها. -روایت-۱-۲۰۶ آیه‌ای نازل نمی‌شد مگر اینکه که مصطفی صلی اللّه علیه و آله بر من قرائت می‌کرد و من آن را با خط خود می‌نوشتم آن حضرت تأویل تفسیر، ناسخ منسوخ محکم و متشابه آن آیات را به من [صفحه ۲۷] آموخت و به برکت دعای مصطفی صلی اللّه علیه و آله حتی یک حرف را فراموش نکردم و بر اثر دعای آن حضرت خدای سبحان فهم حفظ و ضبط قرآن را به من عنایت کرد. [۴۲] از قول شعبی نقل شده است علیّ علیه السّلام اعلم اصحاب به قرآن است ۳». -پاورقی-۵۲-۵۴ [۴۴] عبد الملك بن ابی سفیان گفت از عطا سؤال کردم آیا در بین اصحاب و یاران مصطفی صلی اللّه علیه و آله کسی عالم‌تر از علی علیه السّلام یافت می‌شود. در جواب گفت به خدا سوگند کسی عالم‌تر از او نیست ۴». -پاورقی-۴۶-۴۸ [۴۶] محمّد بن فضیل می‌گوید از إبن شبرمهٔ شنیدم که می‌گفت هیچ کسی را سراغ ندارم بر منبر بنشیند و بگوید. سلونی عمّا بین اللوحین الّا علیّ بن ابی طالب علیه السّلام -روایت-۱-۷۲ جز علی علیه السّلام کسی چنین ادعایی نکرد و نگفت آنچه در قرآن است از من بپرسید. [۴۷] از إبن شبرمه نیز شنیده شده که او گفته است ما کان احد یقوم علی المنبر فیقول سلونی عمّا بین اللوحین الّا علی بن ابی طالب -روایت-۱-۹۶ احدی بر منبر ننشست و نگفت بپرسید از هر چه می‌خواهید مخصوصاً از قرآن بپرسید تا جواب بگویم مگر علی بن ابی طالب علیه السّلام ۵». -پاورقی-۱۴۹-۱۵۱ [صفحه ۲۹]

فصل پنجم کثرت آیات در شأن علی علیه السّلام و اولاد

[۴۸] سعید بن جبیر از إبن عبّاس نقل می‌کند: ما نزل فی احد من کتاب اللّه ما نزل فی علیّ علیه السّلام -روایت-۱-۷۶ برای هیچ کسی به اندازه علی علیه السّلام در قرآن آیه نازل نشده است [۴۹] مجاهد می‌گوید: نزلت فی علیّ سبعون آیهٔ لم یشرکه فیها احد -روایت-۱-۵۲ در حقّ علی علیه السّلام هفتاد آیه نازل شده که هیچ کسی در آن دخالت و شرکت ندارد۶». -پاورقی-۱۰۲-۱۰۴ [۵۰] حفص بن غیاث از لیث و او از مجاهد چنین نقل کرده است ما انزل اللّه آیهٔ فی القرآن الّا علی رأسها. -روایت-۱-۵۳ هیچ آیه‌ای در قرآن نازل نشده مگر اینکه که علیّ علیه السّلام در رأس آن آیه بوده است [۵۳] إبن اسحاق می‌گوید یزید بن رومان گفت [صفحه ۳۰] ما نزل فی احد من القران ما نزل علیّ بن ابی طالب -روایت-۱-۶۳ هر آیه‌ای که برای اصحاب نازل شده علی علیه السّلام هم در آن آیه حظّی و شرکتی داشته است [۵۴] محمّد بن اسحاق از یزید بن رومان چنین نقل می‌کند: ما انزلت فی احد ما انزل فی علیّ من الفضل فی القرآن -روایت-۱-۶۷ فضایلی که برای علی علیه السّلام در قرآن وارد و نازل شده برای احدی از صحابه وارد نشده است [۵۵] عبد الرّحمان بن ابی لیلی می‌گوید: لقد نزلت فی علیّ ثمانون آیهٔ صفواً فی کتاب اللّه ما یشرکه احد من هذه الامهٔ. -روایت-۱-۹۱ هشتاد آیه اختصاصی در قرآن کریم درباره فداکاری عظمت و حقوق علی علیه السّلام نازل شده است که احدی از اصحاب مصطفی صلی اللّه علیه و آله با علی علیه السّلام در آن آیات شریک نیست [۵۶] علی بن حسین علیه السّلام فرمود: نزل القران علینا و لنا کرائمه -روایت-۱-۳۵ قرآن برای ما نازل شد و کرائم قرآن برای ما اهل بیت است [۵۷] إبن عبّاس نقل می‌کند، روزی از روزها نبی صلی اللّه علیه و آله دست من و علی علیه السّلام را گرفته به ثبیر برد. ابتدا دو رکعت نماز گزارد، سپس دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت خدایا؟ موسی بن عمران از تو خواهشی کرد و من محمّد که برگزیده توأم از تو می‌خواهم به من شرح صدر عنایت

فرمایی و کارهایم را آسان گردانی و زبانی گویا و ناطق به من مرحمت فرمایی تا عرب و عجم سخنم را بفهمند. بعد فرمود: و اجعل لی وزیراً من اهلی -روایت-۱-۳۱ علیّ بن ابی طالب علیه السّلام اخی اشدد به ازری و اشرکه فی امری -قرآن-۳۹-۷۹ خدایا؟ وزیر و معاونی مثل علی بن ابی طالب علیه السّلام که از اهل بیت و برادر من است برایم قرار ده تا پشتوانه من در غم‌ها و گرفتاری‌ها و شریک در کارهایم باشد [صفحه ۳۱] إبن عباس ادامه می‌دهد: در پایان سخنان مصطفی صلی اللّه علیه و آله شنیدم که منادی ندا داد، یا محمّد آنچه خواستی به تو عطا کردم آن گاه نبی اللّه صلی اللّه علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: یا ابا الحسن دستت را به آسمان بلند کن و از خدایت درخواست کن تا آنچه را خواسته باشی به تو عنایت فرماید. علی علیه السّلام دست را به سوی آسمان بلند کرد و گفت اللّهم اجعل لی عندک عهداً و اجعل لی عندک ودّاً. -روایت-۱-۵۶ و خدای سبحان آیه شریفه انّ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمان ودّاً را نازل کرد. -قرآن-۲۵-۹۱ سپس نبیّ صلی اللّه علیه و آله آن آیه را برای اصحاب خویش تلاوت کرد. وقتی اصحاب از اینکه صحنه تعجّب کردند، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: ای یاران از چه چیزی تعجّب می‌کنید!؟ بدانید آیات قرآن چهار قسمت است یک قسمت مختص ما اهل بیت است و یک قسمت اختصاص به مذمّت دشمنان ما دارد. و یک چهارم درباره حلال و حرام و یک چهارم باقی مانده در واجبات و فرایض است خدای رحمان درباره علی علیه السّلام کرائم قرآن را نازل فرمود. [۵۸] زکریا بن میسره از اصبغ بن نباته نقل می‌کند که علی علیه السّلام فرمود: آیات قرآن چهار قسمت است یک قسمت آن که یک چهارم قرآن است در شأن ما نازل شد و یک چهارم دیگر آن درباره دشمنان ما و توبیخ آنان وارد شده است یک چهارم قرآن هم در تفسیر سنن و بیان مثال و داستان گذشتگان و انبیا نازل شده است یک چهارم دیگر قرآن در بیان فرایض شرعی و واجبات الهی است امّا آن ربعی که در شأن ماست از کرائم قرآن است ۷». -پاورقی-۳۹۸-۴۰۰ [۵۹] ابو حمزه ثمالی از ابی یحیی [زکریا بن میسره نقل کرده است امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: نزل القرآن اثلاثاً ثلث فینا و ثلث فی عدوّنا و ثلث فرائض و احکام و - روایت-۱-۷۶ [صفحه ۳۲] اللهسنن و امثال } آیات قرآن به سه قسمت تقسیم می‌شود یک ثلث در شأن ما اهل بیت است و یک ثلث در توبیخ و مذمّت دشمنان ماست و ثلث دیگر در توضیح و تبیین واجبات و احکام و سنن و امثال است [۶۰] حسین بن سلیمان از ابی جارود و او از اصبغ بن نباته نقل کرده است که علی علیه السّلام فرمود: نزل القرآن اربعۀ ارباع ربع فینا و ربع فی عدوّنا و ربع حلال و حرام و ربع فرائض و احکام و لنا کرائم القرآن -روایت-۱-۱۲۳ قرآن در چهار قسمت نازل شده است یک چهارم در شأن ما اهل بیت یک ربع درباره دشمنان یک ربع در تبیین حلال و حرام و ربع آخر در توضیح فرایض و احکام است ولی آن بخشی که مربوط به ماست از کرائم قرآن است ۸». -پاورقی-۲۴۵-۲۴۷ [۶۲] حبیب بن ابی ثابت گفت یوسف بن ماهک برای ما طعامی مهیّا کرد در حالی که مجاهد، طاوس و عطا همراه من بودند. مجاهد لب به سخن گشود و گفت لقد نزلت فی علیّ سبعون آیۀ ما شرکه فیها احد. -روایت-۱-۵۵ در شأن امیر المؤمنین علی علیه السّلام هفتاد آیه نازل شده که هیچ کسی در آن آیه‌ها با علی علیه السّلام شرکت ندارد. [۶۳] عبید اللّه بن موسی از عبد العزیز بن سیابه نقل کرده است جماعتی از محدثان و مفسران با یکدیگر سخن می‌گفتند. در آن میان مجاهد گفت لقد نزلت فی علیّ سبعون آیۀ ما شرکه فیها احد. -روایت-۱-۵۵ ای دوستان بدانید هفتاد آیه درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شده است که احدی در آنها با علی علیه السّلام شریک نیست «۹ -پاورقی-۱۵۹-۱۶۱ [صفحه ۳۳] [۶۵] حسین بن سلیمان از ابی جارود و او از اصبغ بن نباته روایت کرده که علی علیه السّلام فرمود: نزل القرآن اربعۀ ارباع ربع فینا، و ربع فی عدوّنا و ربع حلال و حرام و ربع فرائض و احکام و لنا کرائم القرآن -روایت-۱-۱۲۵ قرآن شریف در چهار قسمت نازل شد. یک چهارم در شأن ما، یک چهارم درباره دشمنان ما و یک چهارم در تبیین حلال و حرام و یک چهارم در تشریع احکام و وجوب فرایض است و کرائم

قرآن برای ماست ۱۰». -پاورقی-۲۱۴-۲۱۶ [صفحه ۳۵]

فصل ششم معنای یا ایّها الّذین آمنوا چیست

-قرآن-۱۷-۴۳ در هفتاد موضع از قرآن شریف آیه کریمه یا ایّها الّذین آمنوا نازل شده است در شرح و توضیح اینکه آیه شریفه روایاتی ذکر شده که نقل می‌شود تا شأن و منزلت علی علیه السّلام بیشتر شناخته شود. -قرآن-۴۸-۷۴ [۶۷] زید بن وهب از حذیفهٔ بن یمان نقل کرده است که طایفه‌ای از مردم با هم مذاکره می‌کردند و می‌گفتند: هر آیه‌ای از قرآن با خطاب یا ایّها الّذین آمنوا نازل شده خطاب به اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله است -قرآن-۳۵-۶۱ حذیفه گفت ای دوستان بدانید هر آیه‌ای که با خطاب یا ایّها الّذین آمنوا نازل شده علی علیه السّلام لبّ و لباب آن است ۱۱». -قرآن-۶۳-۹۰-پاورقی-۱۴۹-۱۵۱ [۷۰] علی بن بذیمه از عکرمه نقل می‌کند که عبد اللّه بن عباس گفت [صفحه ۳۶] ما انزل اللّه فی القرآن آیهٔ یا ایّها الّذین آمنوا -روایت-۱-۶۲ الّا کان علیّ امیرها و شریفها، و لقد عاتب اللّه اصحاب محمّد و لم یذکر علیّا الّا بخیر. هیچ آیه‌ای در قرآن با خطاب یا ایّها الّذین آمنوا شروع نشده مگر اینکه که علی علیه السّلام امیر و سرآمد آن مؤمنان است بدانید که خدای محمّد صلی اللّه علیه و آله همه اصحاب او را مورد عتاب و سرزنش قرار داده مگر علی علیه السّلام را و از علی علیه السّلام همیشه با نیکی یاد کرده است ۱۲». -قرآن-۳۵-۶۱-پاورقی-۳۴۶-۳۴۸ [۷۴] عکرمه از إبن عبّاس روایت کرده است ما ذکر اللّه فی القرآن یا ایّها الّذین آمنوا -روایت-۱-۵۶ الّا و علیّ شریفها و امیرها و لقد عاتب اللّه اصحاب محمّد فی آی من القرآن و ما ذکر علیّا الّا بخیر. هیچ جای قرآن یا ایّها الّذین آمنوا ذکر نشده مگر اینکه که علی علیه السّلام امیر و شریف آنان است و خدای جبّار اصحاب مصطفی صلی اللّه علیه و آله را در قرآن مورد عتاب قرار داد. ولی علی علیه السّلام را در قرآن جز به نیکی یاد نکرده است -قرآن-۱۶-۴۲ [۷۵] عکرمه از إبن عباس نقل کرده است ما فی القرآن آیهٔ یا ایّها الّذین آمنوا -روایت-۱-۴۹ الّا علیّ سیّدها و امیرها و شریفها و ... هر آیه کریمه‌ای که با خطاب یا ایّها الّذین آمنوا در قرآن عظیم نازل شده علی بن ابی طالب علیه السّلام به عنوان امیر و شریف و سیّد آنان مورد خطاب خدای سبحان قرار گرفته است هیچ یک از اصحاب مصطفی صلی اللّه علیه و آله نیست که مورد عتاب و سرزنش قرآن واقع نشده باشد به جز علی علیه السّلام که در هیچ جا مورد معاتبه قرار نگرفته است -قرآن-۳۷-۶۳ [۷۶] عیسی بن راشد از علی بن بذیمهٔ و او از عکرمه نقل کرده است که إبن عبّاس شاگرد نمونه علی علیه السّلام گفت ما نزل فی القرآن یا ایّها الّذین آمنوا -روایت-۱-۵۰ الّا علیّ امیرها و شریفها لقد عاتب اللّه المؤمنین فی القرآن فی غیر آیهٔ ما فیهم علیّ. [صفحه ۳۷] هر آیه‌ای با کلمات مبارک یا ایّها الّذین آمنوا نازل شد. علی علیه السّلام امیر و شریف آن جماعت مؤمنان است خدای منّان در آیات متعددی مؤمنان را مورد عتاب و سرزنش قرار داد جز علی علیه السّلام را که او هرگز مورد مؤاخذه و معاتبه واقع نشد. -قرآن-۳۲-۵۸ [۷۷] همچنین از علی بن بذیمهٔ از عکرمه و او هم از إبن عباس نقل کرده است ما انزل اللّه قطّ یا ایّها الّذین آمنوا -روایت-۱-۴۹ الّا علیّ امیرها و شریفها، و لقد عاتب اللّه اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله فی غیر مکان و ما ذکر علیّاً الّا بخیر.«۱۳ -پاورقی-۱۳۳-۱۳۵ [۷۸] مجاهد از إبن عبّاس اینکه چنین نقل کرده است «۱۴ -پاورقی-۶۲-۶۴ ما انزل اللّه آیهٔ یا ایّها الّذین آمنوا -روایت-۱-۴۹ و علیّ رأسها و امیرها. هر جایی آیه یا ایّها الّذین آمنوا نازل شده علی علیه السّلام امیر و رئیس مؤمنان است -قرآن-۱۵-۴۱ [۸۱] مجاهد از عبد اللّه بن عبّاس چنین روایت کرده است ما انزل اللّه فی القرآن یا ایّها الّذین آمنوا -روایت-۱-۵۸ الّا کان علیّ امیرها و شریفها لانّه اوّل المؤمنین ایماناً. هیچ آیه‌ای در قرآن با خطاب یا ایّها الّذین آمنوا نازل نشده مگر اینکه که علی علیه السّلام امیر و شریف آن مؤمنین است چون او اوّلین اسلام آورنده و نخستین مؤمن به دین اسلام و آیین محمّد صلی اللّه علیه و آله و

کتاب خدا بود -قرآن-۳۵-۶۱ [۸۲] جماعتی از عیسی بن راشد اینکه حدیث را نقل کرده‌اند: ما انزل اللّه فی القرآن یا ایّها الّذین آمنوا -روایت-۱-۵۸ الّا علیّ امیرها و شریفها، و لقد عاتب اللّه اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله فی غیر آیهٔ من القرآن و ما ذکر علیّاً الّا بخیر. هیچ آیه‌ای با الفاظ یا ایّها الّذین آمنوا نازل نشد مگر اینکه که علی علیه السّلام امیر آن مؤمنان و شریف‌ترین آنان است خدای سبحان اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله را در آیات متعدّدی مورد عتاب و سرزنش قرار داد، ولی علی علیه السّلام را همیشه به نیکی و خیر یاد کرده است -قرآن-۲۴-۵۰ [صفحه ۳۸] [۸۳] محمّد بن مروان از جعفر بن محمّد و او از إبن عباس شاگرد تفسیری علی علیه السّلام نقل کرده است ما ذکر اللّه فی کتابه یا ایّها الّذین آمنوا -روایت-۱-۵۵ الّا و علیّ امیرها. خدای سبحان در کتابش هرگاه آیه شریفه یا ایّها الّذین آمنوا را ذکر فرمود علی بن ابی طالب علیه السّلام به عنوان امیر المؤمنین آن آیه شریفه است -قرآن-۴۵-۷۱ [۸۴] عبد اللّه بن خراش از عوام بن حوشب و او از مجاهد روایت کرده است ما کان فی القرآن یا ایّها الّذین آمنوا -روایت-۱-۵۱ فانّ لعلیّ سابقهٔ ذلک و فضیلته هر موضعی در قرآن عظیم آیه یا ایّها الّذین آمنوا ذکر شده است علی بن ابی طالب علیه السّلام اوّلین و با سابقه‌ترین مؤمنان و با فضیلت‌ترین آنان است -قرآن-۳۵-۶۱ [۸۵] عبد اللّه بن خراش در مقام علی علیه السّلام از عوام و او از مجاهد چنین روایت کرده است کلّ شیء فی القرآن یا ایّها الّذین آمنوا -روایت-۱-۵۱ فانّ لعلیّ سبقه و فضله هر جا آیه یا ایّها الّذین آمنوا در قرآن نازل شده علی علیه السّلام را سبقت و فضیلت بر همه آن مؤمنان است -قرآن-۱۴-۴۰ [صفحه ۳۹]

شواهد قرآنی در فضایل علی و اهل بیت علیهم السّلام

اشاره

[صفحه ۴۱] [۱] اهدنا الصّراط المستقیم [حمد/ ۶] [خدایا] ما را به راه راست راهبر باش -قرآن-۵-۲۸ [۸۶] حاکم پدر ابو محمّد عبد اللّه بن احمد با سلسله سند از ابی بریدهٔ در تفسیر آیه شریفه اهدنا الصّراط المستقیم نقل می‌کند که صراط مستقیم یعنی صراط مصطفی صلی اللّه علیه و آله و صراط اهل بیت مصطفی صلی اللّه علیه و آله -قرآن-۱۰۵-۱۲۸ [۸۷] عبد اللّه بن عباس شاگرد علی علیه السّلام در تفسیر آیه اهدنا الصّراط المستقیم گفته است ای بندگان خدا بگویید اهدنا به حبّ نبیّ صلی اللّه علیه و آله و اهل بیت گرامی‌اش -قرآن-۷۵-۹۸ [۸۸] سعید بن جبیر از إبن عباس نقل کرده که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود یا علیّ؟ انت طریق الواضح و انت الصّراط المستقیم و انت یعسوب المؤمنین -روایت-۱-۸۴ « یا علی تو طریق آشکار و صراط مستقیم و سرکرده مؤمنان هستی [۸۹] جابر بن عبد اللّه انصاری می‌گوید پیامبر گرامی صلی اللّه علیه و آله فرمود انّ اللّه جعل علیّاً و زوجته و ابنائه حجج اللّه علی خلقه و هم ابواب العلم -روایت-۱-ادامه دارد [صفحه ۴۲] فی امّتی من اهتدی بهم هدی الی صراط مستقیم -روایت-از قبل-۵۳ . خدای سبحان علی علیه السّلام و همسر و فرزندانش را حجّت‌های خود بر مردم قرار داده است و آنان باب‌های علم برای امّت من هستند. هر کسی در جست و جوی هدایت توسط آنان باشد به صراط مستقیم هدایت می‌یابد. [۹۰] ابی جعفر الباقر علیه السّلام از پدر و او از جدش نقل کرده است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: من سرّه من اراد] ان یجوز علی الصّراط کالرّیح العاصف و یلج الجنّهٔ بغیر حساب فلیتولّ ولیّی و وصیّی و صاحبی و خلیفتی علی اهلی علیّ بن ابی طالب علیه السّلام و من اراد ان یلج النّار .... -روایت-۱-۲۱۸ هر کسی مشتاق است که از پل صراط مثل باد تند پاییزی بگذرد و خود را بدون حساب به بهشت جاویدان برساند، ولایت ولیّ و وصیّ و مصاحب و خلیفه من علی بن ابی طالب علیه السّلام را بپذیرد و بر دل بسپارد. و هر کسی می‌خواهد در آتش جهنّم سرنگون شود،

ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام را رها کند. به عزّت و جلال پروردگارم سوگند، علی علیه السّلام باب اللّه است هیچ کسی وارد نمی‌شود، مگر از آن باب و او صراط مستقیم است علی علیه السّلام آن کسی است که خداوند، در روز قیامت از ولایت او سؤال خواهد کرد. [۹۱] جابر بن عبد اللّه انصاری می‌گوید از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله شنیدم که فرمود اهتدوا بالشّمس فاذا غاب الشّمس فاهتدوا بالقمر، فاذا غاب القمر فاهتدوا بالزهرهٔ، فاذا غابت الزّهرهٔ فاهتدوا بالفرقدین -روایت-۱-۱۲۳ با نور خورشید دنبال هدایت و مطلوب خود باشید، اگر خورشید غایب شد، به وسیله ماه هدایت یابید، اگر ماه پنهان شد به وسیله ستاره زهره راه را بیابید، اگر زهره ناپدید شد به وسیله فرقدین به دنبال هدایت باشید. سؤال شد یا رسول اللّه شمس قمر، زهره و فرقدان را نمی‌شناسیم بیان فرمایید تا بدانیم اینان کیستند! حضرت فرمود: من خورشید هدایتم علی علیه السّلام قمر عالمتاب است فاطمه علیها السّلام ستاره نورانی در شب ظلمانی است حسن و حسین علیهما السّلام هم فرقدان اینکه جهان هستند. [صفحه ۴۳] [۹۲] سلام بن مستنیر جعفی می‌گوید، روزی در منزل امام باقر علیه السّلام به خدمت آن بزرگوار رسیدم و عرض کردم فدایت شوم سؤالی دارم اگر مشقت ندارد جواب دهید. حضرت فرمود: از هر چه دوست داری سؤال کن گفتم اجازه می‌فرمایی از مسائل قرآن بپرسم فرمود: سؤال کن پرسیدم معنی آیه شریفه هذا صراط علیّ مستقیم ۱۵» -قرآن-۹۴-۱۱۸-پاورقی-۱۱۹-۱۲۱ فرمود: آن صراط علی بن ابی طالب علیه السّلام است پرسیدم آیا صراط علی بن ابی طالب علیه السّلام منظورتان است دوباره بیان فرمود: بلی آن صراط علی بن ابی طالب علیه السّلام است ۱۶». -پاورقی-۸۱-۸۳ [۹۳] عبد اللّه بن سلیمان نقل می‌کند، از ابی عبد اللّه علیه السّلام سؤال کردم منظور از برهان و نور در کلام خداوند: قد جاءکم برهان من ربّکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً یعنی چه -قرآن-۱۴۰-۱۹۹ آن بزرگوار فرمود: منظور از برهان محمّد صلی اللّه علیه و آله و منظور از نور، علی بن ابی طالب علیه السّلام است و همچنین منظور از صراط مستقیم علی علیه السّلام است ۱۷». -پاورقی-۲۰۰-۲۰۲ [۹۵] ابو بصیر نقل می‌کند از ابی عبد اللّه علیه السّلام پرسیدم صراطی را که ابلیس گفت لاقعدنّ لهم صراطك المستقیم منظور کدام راه و صراط است -قرآن-۱-۳۱ آن حضرت فرمود: منظور از صراط مستقیم صراط علی علیه السّلام است -قرآن-۲۹-۴۱ [۹۶] عبد اللّه بن ابی جعفر از برادرش نقل می‌کند هذا صراط علیّ مستقیم یعنی صراط امیر المؤمنین علی علیه السّلام -قرآن-۶۱-۸۴ [۹۷] حذیفهٔ بن یمان می‌گوید از پیامبر صلی اللّه علیه و آله شنیدم فرمود: [صفحه ۴۴] اگر ابو بکر را به ولایت و امارت انتخاب کنم هر چند زاهد در دنیا و راغب به آخرت است امّا ضعیف است و توانایی جسمی ندارد. اگر عمر را بر اینکه کار بگمارم قوی و امین است ولی از ملامت و انتقاد ابایی ندارد. امّا اگر علی بن ابی طالب علیه السّلام را ولایت دهم شما را به صراط مستقیم هدایت می‌کند و به مقصد نهایی می‌رساند«۱۸». -پاورقی-۱۳۷-۱۳۹ [۱۰۱] حذیفهٔ بن یمان از پیامبر صلی اللّه علیه و آله نقل کرد که آن حضرت فرمود: «و ان تولّوا علیّاً تجدوه هادیاً مهدیّاً یسلك بکم الطّریق المستقیم -روایت-۱-۷۶ ای مردم اگر علی علیه السّلام را به ولایت انتخاب کنید، او را هادی و مهدی خویش می‌یابید، و شما را به طریق مستقیم سوق می‌دهد«۱۹». -پاورقی-۱۵۴-۱۵۶ [۱۰۲] ابی یقظان از ابی وائل و او از حذیفهٔ بن یمان روایت کرد که پیامبر گرامی صلی اللّه علیه و آله فرمود: ان تولّوا علیّاً و لن تفعلوا تجدوه هادیّاً مهدیاً یسلك بکم الطّریق المستقیم -روایت-۱-۹۲ اگر ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام را بپذیرید که نمی‌پذیرید او را هادی و مهدی می‌یابید، شما را به طریق مستقیم سیر می‌دهد. که هرگز گمراهی در آن نباشد« ۲۰». -پاورقی-۱۹۶-۱۹۸ [۱۰۵] عبد الرحمن بن زید بن اسلم می‌گوید از پدرم درباره آیه شریفه صراط الّذین انعمت علیهم سؤال کردم پدرم گفت آن صراط نبی صلی اللّه علیه و آله و پیروانش و همچنین صراط علی علیه السّلام و شیعیانش است که خدای منّان به آنان نعمت هدایت را عنایت فرمود. -قرآن-۸۱-۱۰۸ [صفحه ۴۵] [۲] الم ذلك الکتاب لا ریب فیه هدی للمتّقین [بقره ۲] الف لام میم اینکه است کتابی که در [حقّانیت

آن هیچ تردیدی نیست و مایه هدایت تقوا پیشگان است -قرآن-۵-۵۴ [۱۰۶] ابی صالح از مقاتل و او از ضحّاک نقل می کند که از عبد اللّه بن عباس شاگرد تفسیری امیر المؤمنین علی علیه السّلام از تفسیر آیه ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتّقین پرسیدیم -قرآن-۱۶۳-۲۰۷ او در جواب گفت شک نیست که قرآن از جانب خدای رحمان است و در قرآن هدی یعنی هدایت و نور برای متقین است و بدانید، علی بن ابی طالب علیه السّلام که حتی در یک چشم بهم زدن مشرک نشد، و بت را نپرستید و عبادت خالص را برای خدای سبحان به جای آورد. از متقین است او و شیعیان حقیقی‌اش بدون حساب وارد بهشت می‌شوند«۲۱». -پاورقی-۲۴۴-۲۴۶ [۳] اولئک علی هدی من ربّهم و أولئک هم المفلحون [بقره ۵] آنهایند که از هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگاران‌اند. -قرآن-۵-۵۸ سؤال اینکه است که مفلحون در آیه چه کس یا کسانی هستند سه روایت در تفسیر و تعیین مصداق آیه فوق وارد شده است -قرآن-۲۵-۳۲ [۱۰۷] عیسی بن عبد اللّه بن محمّد بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السّلام از پدرش و پدرش از جدّش و او از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرده است که علی علیه السّلام فرمود: [صفحه ۴۶] روزی سلمان فارسی گفت یا علی علیه السلام هر گاه به خدمت پیامبر وارد می‌شدم آن حضرت دست بر کتفم می گذاشت و می‌فرمود: یا سلمان هذا و حزبه هم المفلحون -روایت-۱-۴۶ ای سلمان اینکه مرد علی علیه السلام و حزبش از رستگاران‌اند«۲۲». -پاورقی-۷۴-۷۶ [۱۰۸] عمر بن علی بن ابی طالب می گوید از پدرم امیر المؤمنین علی علیه السلام شنیدم که فرمود: سلمان فارسی رو به من کرد و گفت یا ابا الحسن هر بار که نزد رسول خدا بودم و شما وارد مجلس پیامبر صلی اللّه علیه و آله می‌شدید، مصطفی صلی اللّه علیه و آله می‌فرمود: یا سلمان هذا و حزبه هم المفلحون یوم القیامهٔ. -روایت-۱-۵۸ ای سلمان اینکه مرد و حزبش در روز قیامت از رستگاران‌اند. [۱۰۹] عیسی بن عبد اللّه بن عبید اللّه بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام می گوید: پدرم از پدرش و او از جدش نقل کرده است که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: سلمان فارسی به من گفت یا علی هر گاه به حضور پیامبر صلّی اللّه علیه و آله می‌رسیدم آن حضرت دستش را به شانه‌ام می گذاشت و می‌فرمود ای سلمان اینکه شخصیت و شیعیان و حزبش از رستگاران عالم‌اند. [۱۱۰] عیسی بن عبد اللّه از زبان پدر و جدّش نقل کرد که علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود سلمان فارسی گفت فلمّا اطلعت علی رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و انا معه الّا ضرب بین کتفی و قال یا سلمان هذا و حزبه المفلحون -روایت-۱-۱۴۳ یا علی هر گاه در خدمت مصطفی صلّی اللّه علیه و آله بودم و تو از بیرون به حضور آن حضرت می‌رسیدی رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله دست بر شانه‌ام می‌زد و می‌فرمود: ای سلمان اینکه شخصیت و حزبش از رستگاران و مفلحان هستند. [صفحه ۴۷] [۴] و إذا قیل لهم آمنوا کما آمن النّاس [بقره ۱۳] و چون به آنان گفته شود: همان گونه که مردم ایمان آوردند، شما هم ایمان بیاورید. -قرآن-۵-۴۹ [۱۱۱] مصادیق جمله مبارک آمنوا کما آمن النّاس چه کسانی هستند. -قرآن-۲۸-۵۲ از عبد اللّه بن عباس درباره کلام خدای تعالی «آمنوا کما آمن النّاس سؤال شد. -قرآن-۶۰-۸۳ إبن عباس در جواب پاسخ داد، آنان علی بن ابی طالب علیه السلام جعفر طیّار، حمزه سید الشهداء، سلمان ابو ذر، عمّار، مقداد، حذیفهٔ بن یمان و امثال اینکه جماعت از مؤمنان راستین هستند. [۵] و إذا لقوا الّذین ءامنوا قالوا ءامنّا. [بقره ۱۴] و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، می گویند ایمان آوردیم -قرآن-۵-۴۶ [۱۱۲] شأن نزول اینکه آیه شریفه را عبد اللّه بن ثابت مقری از پدرش و پدرش از هذیل و او از مقاتل و او از محمّد بن حنفیّه فرزند علی علیه السلام چنین بیان می کند: روزی پدرم امیر المؤمنین علی علیه السلام با اصحابش سلمان فارسی عمّار، صهیب مقداد و ابو ذر از بیرون وارد شهر مدینه می‌شدند که با عبد اللّه بن ابی بن سلول سر کرده منافقین مدینه و پیروانش رو به رو شدند. چون علی علیه السلام نزدیک شد، عبد اللّه بن ابی زبان نفاق گشاد و گفت مرحبا بسیّد بنی هاشم وصیّ رسول اللّه و اخیه و ختنه و ابی السّبطین الباذل له ماله و نفسه علی علیه السلام فرمود: وای بر تو ای إبن ابیّ؟ ولی من

گواهی می‌دهم تو منافقی بی‌دین هستی إبن ابی گفت یا علی آیا اینکه سخنان را درباره من می گویی به خدا سوگند، من [صفحه ۴۸] مؤمنی مثل تو و یارانت هستم علی علیه السّلام فرمود: ای إبن ابی مادرت به عزایت بنشیند. یقین می‌دانم تو منافق بی‌دینی هستی عبد اللّه بن ابی به نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله آمد و از آنچه بین او و پدرم علی علیه السّلام گذشته بود اظهار ناراحتی کرد. إبن ابی هنوز در مجلس رسول خدا بود که آیه شریفه و اذا لقوا الّذین آمنوا نازل شد. -قرآن-۶۱-۸۵ یعنی إبن ابی هر گاه امیر المؤمنین علی علیه السّلام را که مؤمن و تصدیق کننده قرآن است ملاقات کند می گوید: قالوا آمنّا یعنی به محمّد صلّی اللّه علیه و آله و قرآن عظیم ایمان راستین داریم -قرآن-۱۲۹-۱۴۰ همین‌ها وقتی دوستان منافق و شیاطین خود را می‌بینند اظهار می‌دارند، ما در کفر و شرک با شما هستیم و انّما نحن مستهزون ما علی علیه السّلام و یارانش را استهزا می کنیم -قرآن-۱۱۴-۱۳۵ خداوند فرمود: اللّه یستهزء بهم خدای تعالی در پاسخ استهزاء به علی علیه السّلام و یارانش آنان را در آخرت عذابی دردناك و مجازاتی سخت می‌نماید. -قرآن-۱۴-۳۲ [۶] و بشّر الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات انّ لهم جنّات [بقره ۲۵] و کسانی را که ایمان آورده‌اند، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود -قرآن-۵-۶۲ [۱۱۳] از إبن عباس با سلسله سند طولانی آن نقل شده است آنچه از قرآن به طور خاص در حق رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام و اهل بیتش نازل شد. آیه شریفه و بشّر الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات است که در شأن علی بن ابی طالب علیه السّلام و حمزه سید الشهدا و جعفر طیّار و عبیدهٔ بن حارث بن عبد المطلب نازل شده است -قرآن-۲۰۹-۲۴۸ [صفحه ۴۹] [۷] و إذ قال ربّك للملائکهٔ إنّی جاعل فی الإرض خلیفهٔ. [بقره ۳۰] و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت -قرآن-۵-۶۱ [۱۱۴] خدای تعالی فرمود: انّی جاعل فی الارض خلیفهٔ من روی زمین خلیفه و جانشین برگزیدم . سؤال اینجاست اینکه خلفا و برگزیدگان چه کسانی هستند!؟ از عبد اللّه بن مسعود روایتی نقل شده است که در قرآن خلافت از جانب خداوند برای سه نفر واقع شده است -قرآن-۲۸-۵۷ اول خلافت برای آدم علیه السّلام به دلیل قول خدای تعالی در آیه و اذ قال ربّك للملائکهٔ انّی جاعل فی الارض خلیفهٔ. -قرآن-۸۵-۱۴۰ دوم خلافت برای داود علیه السّلام طبق آیه یا داود انّا جعلناك خلیفهٔ فی الارض ۲۳». -قرآن-۵۲-۹۴-پاورقی-۹۵-۹۷ ای داود؟ خلافت سرزمین بیت المقدس را برای تو قرار دادیم سوم خلافت برای مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السّلام است بر اساس آیه لیستخلفنّهم فی الارض کما استخلف الّذین من قبلهم ۲۴» -قرآن-۹۸-۱۵۶-پاورقی-۱۵۷-۱۵۹ [۱۱۵] سفیان ثوری از منصور و او از مجاهد نقل کرده است که سلمان فارسی گفت روزی در خدمت محمّد مصطفی صلّی اللّه علیه و آله بودم آن حضرت فرمود: ای مردم بدانید، وصی و خلیفه و بهترین کسی که بعد از من دین مرا ادا کند و وعده‌های مرا عمل نماید پسر عمّ من علی بن ابی طالب علیه السّلام است [صفحه ۵۰] [۸] و علّم آدم الأسماء کلّها [بقره ۳۱] و خدا همه معانی نامها را به آدم آموخت -قرآن-۵-۳۱ [۱۱۶] مصطفی صلّی اللّه علیه و آله علم و دانش امیر المؤمنین علی علیه السّلام را شبیه آدم قرار داد. إبن راشد از قول ابی حمراء نقل می کند، با جماعتی در کنار رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله نشسته بودیم به محض اینکه که علی علیه السّلام وارد مجلس شد، پیامبر صلّی اللّه علیه و آله از ورود او مسرور شد و اینکه مطلب را فرمود: من سرّه ان ینظر الی آدم فی علمه و نوح فی فهمه و ابراهیم فی حلمه فلینظر الی علی بن ابی طالب علیه السّلام -روایت-۱-۱۳۵ یعنی هر کسی اراده کند به علم آدم و فهم نوح و حلم ابراهیم بنگرد به علی بن ابی طالب نظاره کند. [۱۱۷] روایت دیگری از ابی راشد از ابی حمراء به گونه‌ای دیگر نقل شده است من اراد ان ینظر الی آدم فی علمه و الی نوح فی فهمه و الی ابراهیم فی حلمه و الی یحیی فی زهده و الی موسی فی بطشه فلینظر الی علی بن ابی طالب علیه السّلام -روایت-۱-۱۹۶ یعنی هر کسی بخواهد به علم آدم و فهم نوح و حلم ابراهیم و زهد یحیی و هیبت و قدرت موسی نظاره کند به علی بن ابیطالب علیه السّلام بنگرد و اینکه صفات را

در او مشاهده کند. [۱۱۸] ابو معاویه از اعمش و او از مجاهد نقل می‌کند که إبن عباس گفت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله در فضـل و علم علی علیه السّـلام فرمود: انا مدینـهٔ العلم و علی بابها، فمن اراد العلم فلیأت الباب -روایت-۱-۶۵ من شهر علم و علی علیه السّـلام در آن است پس هر کسـی طالب علم است بایـد از در علم وارد شود. إبن عباس از شاگردان و نزدیکان علی علیه السّـلام می‌گوید: بارها شنیده‌ام که علی علیه السّلام [صفحه ۵۱] می‌گفت در سینه من علم کثیر و معلومات فراوانی جمع است ۲۵». -پاورقی-۶۵-۶۷ [۱۲۲] سـلام بن سـلیمان مـدائنی و او از عمر بن مثنی و او از ابی اسـحاق نقل می‌کند که انس بن مالک گفت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله به دخترش فاطمه علیها السّلام فرمود: ۲۶» -روایت-۳-۷۸ ای دختر عزیزم تو را به ازدواج شخصـی درآوردم کـه از نظر همه کمالاـت معنـوی سـرآمد روزگـار است او را حلمی عظیم و علمی کـثیر و سـابقه‌ای درخشان در اسـلام است و در مسلمانی نخستین فرد است [۱۲۳] حـاکم ابو عبـد اللّه حافظ از ابو بکر بن ابی دارم و او از خالد بن خفّاف و او از عامر و او از إبن عباس در باب علم علی علیه السّـلام روایت جالبی را نقل می‌کند. که چنین است العلم عشرهٔ اجزاء، اعطی علیّ بن ابی طالب منها تسعهٔ، و الجزء العاشـر بین جمیع النّاس و هو بذلک الجزء اعلم منهم -روایت-۱-۱۲۶ علم ده جزء اسـت نـه جزء آن بـه علی بـن ابی طـالب علیـه السّـلام عطـا شـد، و مختص آن حضـرت گردیـد امّـا جزء دهم بین همه مخلوقات عالم تقسـیم شد. و امیر المؤمنین علیه السّلام در آن یک جزء نیز سرآمد همه عالمیان است ۲۷». -پاورقی-۲۴۱-۲۴۳ [۹] و أقیموا الصّلاهٔ و آتوا الزّکاهٔ و ارکعوا مع الرّاکعین [بقره ۴۳] و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید، و با رکوع کنندگان رکوع کنید. -قرآن-۵-۶۱ [۱۲۴] إبن عباس درباره آیات قرآن می‌گوید، آنچه از سوره بقره مخصوص پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السّـلام و اهل بیت آن حضـرت وارد شد همین آیه ۴۳ است که در شأن [صفحه ۵۲] رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و علی بن ابی طـالب علیه السّـلام در آن هنگـام که نخسـتین نمـازگزاران و رکوع کننـدگان بودنـد، نـازل شد«۲۸». -پاورقی-۱۵۵-۱۵۷ [۱۲۵] روایتی مسـند با سلسـله روات طولانی و مضـبوط از قول یحیی بن عفیف کنـدی از پدر و جدّش نقل شـده است جـدّ یحیی بن عفیف کنـدی داسـتانی را که خودش مشاهـده کرد اینکه چنین بیان می‌کند: روزی برای خریدن لباس و عطر به نزد عباس بن عبد المطلب که مردی تاجر پیشه بود رفته در کنارش نشستم و به خانه کعبه نگاه می‌کردم غروب آفتاب فرارسید و قرص خورشید پنهان شد. جوانی خوش سیما را در حالی که به آسمان نگاه می‌کرد دیدم جوان رو به قبله ایسـتاد. بعـد از انـدک زمانی نوجوانی آمـد و در سـمت راست او قرار گرفت بعد از لحظه‌ای بانویی را دیدم که پشت سـر آنان ایسـتاد سـپس آن جوان دست به آسمان بلند کرد آن دو نیز دست بلند کردند. آن جوان به رکوع رفت آن دو هم پیروی کردنـد، و رکوع به جا آوردنـد. گفتم ای عباس امر عجیبی را مشاهـده می‌کنم عباس گفت آیا اینان را می‌شناسـی گفتم خیر، نمی‌شناسم آنان را معرّفی کن تا بدانم عباس گفت آن جوان محمّد بن عبد اللّه بن عبد المطلب برادرزاده من است آن نوجوان علی بن ابی طـالب است و آن زن خـدیجه بنت خویلـد، همسـر آن جوان است برادرزاده‌ام می‌گویـد خـدای او خـدای زمین و آسمان است و آن خدا او را به اینکه دین و آیین امر کرده است در روی زمین غیر اینکه سه نفر هیچ کسی بر اینکه دین نیست [صفحه ۵۳] [۱۰] و استعینوا بالصّبر و الصّلاهٔ و إنّها لکبیرهٔ إلّا علی الخاشعین الّذین یظنّون انّهم ملاقوا ربّهم و أنّهم إلیه راجعون [بقره ۴۵ ۴۶] از شـکیبایی و نماز یاری جویید. و به راستی اینکه [کار] گران است مگر بر فروتنان -قرآن-۶-۱۳۰ همان کسانی که می‌داننـد با پروردگار خود دیـدار خواهند کرد و به سوی او باز خواهند گشت [۱۲۶] کلبی از قول ابی صالـح نقل می‌کند، إبن عباس در تفسیر آیه مبارکه استعینوا بالصّبر و الصّلاهٔ و انّها لکبیرهٔ إلّا علی الخاشعین گفت -قرآن-۸۴-۱۴۶ به کسی که در نماز تذلل نشان دهد، خاشع گویند و آیه خطابش به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السّلام است که با خشوع و اخلاص نماز می‌گزارنـد. همچنین إبن عباس درباره الّـذین یظنّون انّهم ملاقوا ربّهم می‌گوید: -قرآن-۲۸-۶۴ اینکه

قسمت از آیه شریفه برای علی بن ابی طالب علیه السّلام و عثمان بن مظعون و عمّار یاسر و اصحاب علی علیه السّلام نازل شده است ۲۹». -پاورقی-۱۵۷-۱۵۹ [۱۱] و الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات أولئک أصحاب الجنّة هم فیها خالدون [بقره ۸۲] و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان اهل بهشت‌اند، و در آن جاودان خواهند ماند. -قرآن-۶-۸۱ [۱۲۷] از جمله آیاتی که در شأن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام و اهل بیت آن حضرت نازل شده همین آیه شریفه در سوره بقره است [صفحه ۵۴] إبن عباس از مفسرین معروف در شأن نزول آیه الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات اولئک اصحاب الجنّة هم فیها خالدون می‌گوید: اینکه آیه انحصاراً و فقط برای علی علیه السّلام نازل شده چون او نخستین مؤمن به خدا صلّی اللّه علیه و آله و اوّلین نمازگزار همراه پیامبر صلّی اللّه علیه و آله بوده است -قرآن-۵۲-۱۲۵ [۱۲۸] روایت دیگری از طریق عکرمه نقل شده که از زبان إبن عباس حکایت شد در اینکه روایت إبن عباس می‌گوید: برای علی علیه السّلام چهار خصلت ارزنده و بارز وجود دارد که برای احدی ذکر نشده است علی علیه السّلام نخستین عرب و عجمی است که با پیامبر صلّی اللّه علیه و آله نمازگزارد. علی علیه السّلام تنها کسی است که در همه جنگ‌ها پرچم پیامبر صلّی اللّه علیه و آله را پیروزمندانه در دست داشت در جنگ احد تنها کسی که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله را تنها نگذاشت و فرار نکرد علی علیه السّلام بود علی علیه السّلام تنها صحابی بود که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله را غسل داد و او را در قبر گذاشت ۳۰». -پاورقی-۱۲۱-۱۲۳ [۱۲] و کذلک جعلناکم أمّة وسطاً لتکونوا شهداء علی النّاس [بقره ۱۴۳] و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد -قرآن-۶-۶۱ [۱۲۹] از قول سلیم بن قیس نقل شده که وی از امیر المؤمنین علی علیه السّلام در تفسیر آیه کذلک جعلناکم امّة وسطاً پرسید که چه کسانی مورد نظر هستند! -قرآن-۱۱۲-۱۳۷ علی علیه السّلام فرمود: منظور خداوند تبارک و تعالی از آیه شریفه فوق ما هستیم تا بر طبق آیه لتکونوا شهدا علی النّاس شاهد بر همه مردم باشیم و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله شاهد بر ماست -قرآن-۱۱۲-۱۳۸ [صفحه ۵۵] نحن شهداء اللّه علی النّاس و حجّته فی ارضه ما اهل بیت شاهد خداوند بر جمیع مردم و حجّت او بر زمین هستیم ما کسانی هستیم که خداوند در حقّ ما فرمود: کذلک جعلناکم أمّة وسطاً لتکونوا شهداء علی النّاس [۱۳] و ان کانت لکبیرة إلّا علی الّذین هدی اللّه [بقره ۱۴۳] و البته اینکه کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان کرده سخت گران بود -قرآن-۱-۵۳-قرآن-۵۹-۱۰۹ [۱۳۰] ابو ذر هم از حسن روایت می‌کند: علی بن ابی طالب علیه السّلام نخستین مهتدی و اوّلین کسی بود که خدای تعالی او را همراه نبی صلّی اللّه علیه و آله هدایت کرد، و اوّلین یاری بود که به پیامبر صلّی اللّه علیه و آله پیوست [۱۳۱] شعبی نقل می‌کند: ما گروهی بودیم در شهر بصره بر حجّاج بن یوسف وارد شدیم و حسن هم آخرین نفری بود که وارد مجلس شد. حجاج بن یوسف پیوسته از علی علیه السّلام عیب جویی می‌کرد و از او بد می‌گفت و ما همه از ترس و به منظور برحذر ماندن از شرّش او را همراهی می‌کردیم و حسن هم ساکت بود و چیزی نمی‌گفت حجاج بن یوسف پرسید!: ای ابا سعید؟ چرا ساکت نشسته‌ای در مورد ابو تراب بگو، تا بدانم رای و نظر تو چیست حسن گفت خدای تعالی فرمود: و ما جعلنا القبلة الّتی کنت علیها الّا لنعلم من یتّبع الرسول ممن ینقلب علی عقبیه و ان کانت لکبیرة الّا علی الّذین هدی اللّه -قرآن-۳۳-۱۷۸ علی علیه السّلام از کسانی است که خدای تعالی او را هدایت کرده است و از اهل ایمان و یقین قرار داد. او پسر عمّ رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و همسر دختر او و محبوب‌ترین چهره نزد پیامبر صلّی اللّه علیه و آله است دارای سوابق حمیده و فضایل کثیره است که تو و هیچ کس دیگری [صفحه ۵۶] قادر به رد یا منع آن فضایل نیست [۱۳۲] از عبد اللّه بن عمرو هدادی نقل شده است که حجاج بن یوسف از حسن پرسید: ابو تراب چه کسی است و تو درباره‌اش چه می‌دانی حسن گفت علی بن ابی طالب علیه السّلام کسی است که خدای تعالی او را از هدایت یافتگان و مهتدین قرار داد. حجاج بن یوسف گفت ای حسن برای سخن خود دلیل بیاور

و بـا برهـان سـخن بگو. حسن گفت خـدای تعالی فرمود: و ما جعلنا القبلـهٔ الّتی کنت علیها الّا لنعلم من یتّبع الرّسول ممن ینقلب علی عقبیه و ان کانت لکبیرهٔ الّا علی الّذین هدی اللّه -قرآن-۳۳-۱۷۸ علی علیه السّلام نخستین کسی است که خدای تعالی او را همراه نبی صـلی اللّه علیه و آله هدایت کرد. حجاج بن یوسف بعد از شـنیدن فضایل علی علیه السّـلام از زبان حسن او را از بصـره اخراج کرد. [۱۴] و من النّاس من یشـری نفسه ابتغـاء مرضـات اللّه و اللّه رؤف بالعباد. [بقره ۲۰۷] و از میان مردم کسـی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد، و خدا نسبت به اینکه بندگان مهربان است -قرآن-۶-۸۰ [۱۳۳] ابی سعیـد خـدری می گویـد: شبی که مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله قصـد مهاجرت از مکّه به مدینه را داشت و در غار ثور مخفی شـد، علی بن ابی طالب علیه السّـلام برای حفظ جان رسول خـدا و خانواده‌اش در بستر آن حضـرت خوابید. خداوند بزرگ به جبرئیـل و میکائیـل فرمـود: بین شـما دو تن برادری قرار می‌دهم و عمر یکی را طولا‌نی‌تر از دیگری می کنم یکی از شـما عمر طولانی را [صـفحه ۵۷] انتخـاب کنـد، امّا هر دو عمر طولانی را برگزیدنـد، و هر یک عمر طولانی را برای خود می‌خواسـتند. خدای سـبحان فرمود: حالا بنگرید ایثار و از خود گذشـتگی علی بن ابی طالب علیه السّلام را و بدانید بین نبی صلی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام هم برادری برقرار کردم علی علیه السّلام در بستر برادرش مصطفی صلی اللّه علیه و آله خوابیده است هر دو به زمین هبوط کنیـد و او را از شـرّ دشـمنانش حفظ کنیـد. جبرئیل و میکائیل به خانه رسول خـدا صـلی اللّه علیه و آله وارد شدند. جبرئیل در بالای سر علی علیه السّلام و میکائیل در پایین پای او قرار گرفت و جبرئیل ندا می‌داد بخّ بخّ یا بن ابی طالب -روایت-۱-۳۵ ای پسـر ابو طـالب مبـارک بـاد بر تو، خـدای بزرگ به واسـطه ایشـارت بر ملا‌ئکه آسـمان‌هـا مباهـات و افتخار می کند. سـپس آیه و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء مرضاهٔ اللّه و اللّه رؤف بالعباد. در آن شب به پاس از خود گذشتگی علی علیه السّلام نازل شد.« ۳۱ -قرآن-۱۲۵-۱۹۸-پاورقی-۲۷۵-۲۷۷ [۱۳۵] إبن عباس چنین نقل می کند: رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در شب مهـاجرت به سوی غـار حرکت کرد، علی علیه السّـلام لباس آن حضـرت را پوشـید و در بستر او خوابیـد، قریش برای کشـتن نبی صـلی اللّه علیه و آله خانه را محاصره کردند. آن جماعت قصد حمله به علی علیه السّلام را داشتند، چون او را نبی صـلی اللّه علیه و آله می‌پنداشـتند، امّا وقتی با دقت از نزدیک نگاه کردند، دیدند علی علیه السّـلام است که در بستر پیامبر صلی اللّه علیه و آله قرار گرفته است گفتنـد: ای علی خـود را به شـکل صـاحب خـویش درآوردی و مـا را به اشـتباه انـداختی [۱۳۶] إبن عبـاس می گویـد علی علیه السّـلام در شب هجرت رسـول خـدا صـلی اللّه علیه و آله جـان خـود را فروخت و لبـاس مصـطفی صلی اللّه علیه و آله را پوشید و در بستر آن حضرت آرمید. [۱۳۷] عبـد الرحمان بن میمون از پدرش نقل می کند که از إبن عباس شـنید، علی علیه السّـلام در شبی که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در غار پنهان شد در بستر آن حضرت خوابید، لحظاتی بعد [صـفحه ۵۸] ابـو بکر به طلب رسـول خـدا صـلی اللّه علیه و آله به منزل آن حضـرت آمـد. امیرالمؤمنین علی علیه السّـلام او را از ماجرا با خبر کرد، ابو بکر به تعقیب مصطفی صلی اللّه علیه و آله پرداخت تا به آن حضرت ملحق شد. قریش تا صبح علی علیه السّـلام را می‌دیدنـد و گمان می کردنـد پیامبر صـلی اللّه علیه و آله است امّا صـبحگاه با روشـنی هوا علی علیه السّلام را مشاهده کردند. همگی با عصبانیت پرسیدند محمّد صلی اللّه علیه و آله کجاست علی علیه السّلام گفت از جایگاه او خبری نـدارم گفتنـد: امر بر ما اشـتباه شـد. تو را محمّد صـلی اللّه علیه و آله پنداشتیم در همین شب آیه و من النّاس من یشـری نفسه ابتغـاء مرضـاهٔ اللّه درباره علی علیه السّـلام نازل شـد.« ۳۲ -قرآن-۲۱-۷۲-پاورقی-۱۱۲-۱۱۴ [۱۳۹] سدیّ داسـتان غار را چنین بیان می کند: شبی که پیامبر صلی اللّه علیه و آله عازم غار بود علی بن ابی طالب علیه السّلام را در بستر خویش خوابانید، و به تنهـایی به سوی غار به راه افتاد. بعـد از مـدّتی ابو بکر به منزل آن حضـرت وارد شـد. علی علیه السّـلام گفت رسول خـدا صلی اللّه علیه و آله از منزل خارج شده است ابو بکر به تعقیب او پرداخت تا جایی که پیامبر صـلی اللّه علیه و آله از پشت سر،

صدایی شنید و گمان کرد او از مشرکان است ابو بکر بلافاصله لب به سخن گشود و خود را معرّفی کرد تا نگرانی آن حضرت بیشتر نشود. پس هر دو به سوی غار حرکت کردند تا اینکه که به داخل غار شدند، از طرف دیگر مشرکان قریش که خانه مصطفی صلی اللّه علیه و آله را محاصره کرده بودند، به طرف بستر آن حضرت رفتند، علی علیه السّلام را در حالی که لباس پیامبر صلی اللّه علیه و آله را پوشیده بود در جای آن حضرت دیدند. ابتدا گمان کردند پیامبر صلی اللّه علیه و آله است [صفحه ۵۹] بعضی از مشرکان به بعضی دیگر گفتند حمله می‌کنیم و کار محمّد صلی اللّه علیه و آله را تمام می‌سازیم بعضی دیگر گفتند: صبر می‌کنیم تا بیدار شود. آن‌گاه او را با شمشیر از پای درمی‌آوریم امّا چون صبح شد، علی علیه السّلام را در بستر نبی صلی اللّه علیه و آله دیدند، با ناراحتی و عصبانیت گفتند: رفیق تو کجاست ؟ علی علیه السّلام فرمود: جایگاه او را نمی‌دانم امّا آن بی‌دینان یقین پیدا کردند که مصطفی صلی اللّه علیه و آله به جانب مدینه رهسپار شده است خداوند هم به پاس خدمت علی علیه السّلام آیه و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء مرضاة اللّه را نازل کرد. -قرآن-۵۴-۱۰۵ [۱۴۱] حکیم بن جبیر می‌گوید، علی بن حسین علیه السّلام فرمود نخستین کسی که جانش را با خداوند معامله کرد علی علیه السّلام بود سپس اینکه آیه مبارکه را قرائت فرمود: و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء مرضاة اللّه و ادامه داد اینکه آیه به پاس ایثار علی علیه السّلام و جانفشانی او در آن شب نازل شد«۳۳». -قرآن-۴۴-۹۵-پاورقی-۲۰۱-۲۰۳ [۱۴۲] حکیم بن جبیر می‌گوید، از علی بن حسین علیه السّلام درباره آیه و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء مرضاة اللّه سؤال شد آن حضرت فرمود: -قرآن-۸۱-۱۳۲ آن هنگام که علی بن ابی طالب علیه السّلام در بستر رسول خدا صلی اللّه علیه و آله آرمید و آن حضرت غار را پناهگاه خود ساخت آیه شریفه فوق نازل شد و علی علیه السّلام نیز اینکه ابیات را می‌خواند: وقیت بنفسی خیر من وصی الحصی و اکرم خلق طاف بالبیت و الحجر و بتّ اراعی منهم ما ینو بنی و قد صبرت نفسی علی القتل و الاسر محمّد لمّا خاف ان یمکروا به فنجّاه ذو الطول العظیم من المکر و بات رسول اللّه فی الغار آمناً فما زال فی حفظ الاله و فی ستر -روایت-۱-۲۸۶ [صفحه ۶۰] [۱۵] و ءاتی المال علی حبّه ذوی القربی و الیتمی و المسکین و إبن السّبیل و السّائلین و فی الرّقاب [بقره ۱۷۷] و مال خود را با وجود دوست داشتن به خویشاوندان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن بندگان بدهد. -قرآن-۶-۱۱۲ [۱۴۳] ابی بکر سبیعی از علی بن عباس بن ولید و او از محمّد بن مروان غزال و او از ابراهیم بن حکم بن ظهیر و او از پدرش نقل می‌کند که سدّی گفت آیه و اتی المال علی حبّه ذوی القربی در شأن علی بن ابی طالب نازل شده است -قرآن-۴-۴۲ [۱۶] و مثل الّذین ینفقون أموالهم ابتغاء مرضات اللّه و تثبیتاً من أنفسهم کمثل جنّة بربوة أصابها وابل فآتت أکلها ضعفین فإن لم یصبها وابل فطلّ و اللّه بما تعملون بصیر. [بقره ۲۶۵] و مثل [صدقات کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می‌کنند، همچون مثل باغی است که برفراز پشته‌ای قرار دارد که اگر رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد، و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران ریزی برای آن بس است ، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست -قرآن-۶-۱۸۶ [۱۴۴] حسن بن محبوب از ابی جعفر احول و او از سلام بن مستنیر و او از إبن جعفر علیه السّلام نقل کرده که درباره آیه مثل الّذین ینفقون اموالهم ... سؤال شد، آن حضرت فرمود: -قرآن-۱۴۱-۱۷۰ آیه مبارکه در شأن امیر المؤمنین علی علیه السّلام نازل شد. [۱۴۵] ابی بصیر نقل کرد ابی عبد اللّه علیه السّلام در تفسیر و توضیح آیه مثل الّذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات اللّه فرمود: -قرآن-۸۴-۱۳۴ [صفحه ۶۱] علی علیه السّلام افضل و برترین مصداق در آیه شریفه است او بود که پیوسته اموالش را برای به دست آوردن رضایت خدای تعالی انفاق می‌کرد. [۱۷] یؤتی الحکمة من یشاء و من یؤت الحکمة فقد أوتی خیراً کثیراً. [بقره ۲۶۹] خدا به هر کسی که بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هر کسی حکمت داده شود، به یقین خیری فراوان داده شده است -قرآن-۶-۷۰ [۱۴۶] سفیان ثوری از منصور و او از ابراهیم و او از علقمه و او از عبد اللّه بن عباس

نقـل کرده است که عبـد اللّه گفت روزی در حضـور رسول خـدا صـلی اللّه علیه و آله نشسـته بودم شخصـی از علم و دانش و حکمت علی علیه السّـلام سؤال کرد. آن حضـرت فرمود: قسّـمت الحکمـهٔ عشـرهٔ اجزاء فاعطی علیّ تسـعهٔ اجزاء و اعطی النّاس جزء واحداً. -روایت-۱-۷۸ بدانیـد، حکمت به ده قسـمت تقسـیم شده است نه قسـمت آن به علی بن ابی طالب علیه السّـلام و یک قسم آن به بقیه مردم داده شـد. [۱۴۷] إبن عبـاس از رسـول خـدا روایت کرد: من اراد ان ینظر الی ابراهیم فی حلمه و الی نـوح فی حکمتـه و الی یوسـف فی اجتمـاعه فلینظر الی علی بـن ابی طـالب علیـه السّـلام -روایت-۱-۱۵۲ [۱۴۸] سـفیان ثوری می‌گوید، ربیع بن خیثم گفت در دوستی هیچ کسـی را محبوب‌تر از علی علیه السّلام در نزد مردم ندیدم و همچنین در دشمنی آن حضـرت بعضی‌ها او را مبغوض‌ترین بودند، سپس آیه شریفه و من یؤت -قرآن-۱۷۵-۱۸۸ [صفحه ۶۲] الحکمهٔ فقد أوتی خیراً کـثیراً را قرائـت کرد و» گفـت و آن علی علیـه السّـلام است که حکمت وافر و خیر کـثیر را داراست -قرآن-۱-۳۱ [۱۴۹] عامر بن مفضّل تغلبی می‌گوید: روزی به نزد حسن بن صالح رفتم و مسائل بسـیاری را از او سؤال کردم در جواب هر مسئله‌ای می‌گفت حکیم الحکمـاء علی بن ابی طالب علیه السّـلام چنین فرمود و چنان پاسـخ داد یعنی او را حکمتی زیاد و علمی فراوان بـود که جـواب هر مسـئله‌ای را می‌گفت و هرگز در نمی‌مانـد. [۱۵۱] بـاز هم عـامر نقـل می‌کنـد: روزی در نزد ربیع بن خیثم ذکری از نـام علی علیه السّـلام شـد، آهی کشـید و گفت از شخصـی نـام بردیـد، که دوسـتان و محبّـان او و او را بسـیار دوسـت می‌داشتند و دشمنان او نیز نسبت به وی بغضی شدید داشتند. سپس گفت ای مردم هیچ کس را در حکمت به اندازه علی علیه السّـلام ندیـدم آن گاه آیه و من یؤت الحکمهٔ فقد أوتی خیراً کثیراً را تلاوت کرد. -قرآن-۱۰۴-۱۴۵ مردم گفتند: ای ربیع تو در حقّ علی علیه السّلام مبالغه می‌کنی البته هر چند مردم نمی‌فهمیدند چه می‌گویند، از نزدش متفرّق شدند.«۳۴ -پاورقی-۷۳-۷۵ [۱۵۲] ربیع بن خثیم درباره دوسـتان و دشـمنان علی علیه السّلام چنین می‌گوید: مردی که دوستانش در محبّت و دوستی او را از همه گرامی‌تر و محبوب‌تر دارند، علی بن ابی طالب علیه السّلام است و همچنین او کسی است که دشمنانش در دشمنی و کینه از هر دشـمنی شدیدتر و مبغوض‌تر هسـتند. سـپس رو به مردم کرد و گفت به خدا سوگند، علی علیه السّلام عالم به قضاء الهی است چون و من یؤت الحکمهٔ فقد أوتی خیراً کثیراً و او علی علیه السّـلام است که دارای حکمت وافر و علم کثیر است -قرآن-۱۰۶-۱۴۷ [۱۵۳] طـارق بـن شـهاب می‌گویـد: نزد عبـد اللّه بن عبـاس حضـور داشـتم عـدّه‌ای از [صـفحه ۶۳] فرزندان مهاجرین آمدند و پرسـیدند، ای إبن عباس علی بن ابی طالب علیه السّلام چگونه مردی بود إبن عباس گفت ملیء جوفه حکماً و علماً و بأساً و نجدهً و قرابهً من رسول اللّه -روایت-۱-۷۲ علی علیه السّلام یگانه‌ای است که دارای حکمت وافر و علم فراوان و ابهت زیاد است و با رسول خدا صـلی اللّه علیه و آله قرابت دارد«۳۵». -پاورقی-۱۵۴-۱۵۶ [۱۸] الّذین ینفقون أموالهم باللیل و النّهار سرّا و علانیهٔ فلهم أجرهم عند ربّهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون [بقره ۲۷۴] کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. -قرآن-۶-۱۲۶ [۱۵۵] محمّـد بن سـائب از ابی صالـح و او از عبـد اللّه بن عباس نقل کرده که آیه شـریفه الّـذین ینفقون اموالهم باللیل و النّهار سـرّاً و علانیهٔ ... در تحسـین و تمجید علی بن ابی طالب علیه السّـلام نازل شده است -قرآن-۱۰۶-۱۶۳ چون آن حضـرت را چهار درهم نقـد موجود بود یک درهم را در شب یک درهم در روز، یک درهم در پنهانی و یک درهم آشـکارا در طلب رضای خدای سبحان صدقه داد. وقتی مصـطفی صلی اللّه علیه و آله از او پرسید، چه چیزی باعث اینکه کار شد! علی علیه السّـلام گفت یـا رسول اللّه انگیزه اینکه انفاق آن است که امیـد دارم خـدای تعالی مرا مستوجب وعـده‌ها و لطف نیکوی خویش قرار دهـد. مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله فرمود: حقاً که مسـتحق چنین پاداش نیکویی هستی [صـفحه ۶۴] سپس آیه الّـذین ینفقون اموالهم باللیـل و النّهـار سـرّاً و علانیـهٔ بر آن بزرگوار در شأن علی علیه السّـلام نازل شـد. -قرآن-۹-۶۶ [۳۶۵۶]

ایوب بن سلیمان می گوید: محمّد بن مروان درباره آیه الّذین ینفقون اموالهم باللیل و النّهار گفته است اینکه کلام خدا در شأن علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شده درست در زمانی که آن بزرگوار چهار درهم داشت یک درهم در شب یک درهم در روز، یک درهم در پنهان و یک درهم آشکارا در راه خدای بزرگ به عنوان صدقه تقدیم کرد. آن گاه آیه فوق نازل شد«۳۶». -قرآن-۶۴-۱۰۶-پاورقی-۴۱۵-۴۱۷ [۱۵۹] عبد الرّزاق و برادرش عبد الوهاب از فرزند مجاهد و او از پدرش نقل می کند که از إبن عباس درباره کلام خدا الّذین ینفقون اموالهم سؤال شد. -قرآن-۱۳۵-۱۵۹ إبن عباس گفت علی علیه السّلام را چهار درهم یا چهار دینار موجود بود یکی را در روز، دیگری را در شب یکی را در سرّ و دیگری را آشکار انفاق کرد و خدای متعال آن حضرت را با اینکه آیه شریفه ثنا و تحسین کرد«۳۷». -پاورقی-۲۵۳-۲۵۵ [۱۶۱] سفیان ثوری و او از اعمش و او از ابی صالح نقل می کند که إبن عباس در شأن نزول الّذین ینفقون اموالهم گفت اینکه آیه شریفه در حق علی علیه السّلام نازل شد. آن زمان که علی علیه السّلام را چهار درهم بیش نبود. -قرآن-۱۰۶-۱۳۰ یک درهم در روز و درهم دیگر در شب و یک درهم در سرّ و درهم دیگر را آشکارا در راه رضای خدا انفاق کرد. وقتی آیه فوق نازل شد. علی علیه السّلام فرمود: به خدا سوگند فقط چهار درهم داشتم که صدقه دادم و لیکن می شنوم خداوند می‌فرماید ینفقون اموالهم از اموال و دارایی خویش انفاق می کنند. -قرآن-۱۴۴-۱۶۰ [صفحه ۶۵] مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: ای علی علیه السّلام انفاق یک درهم از مقلّ [بی‌پول بهتر و افضل از هزار درهم از موسر [ثروتمند] در نزد خدای سبحان است [۱۶۲] عبد الرّحمان بن جابر از نصر بن بشّار و او از جویبر و او از ضحّاک نقل می کند که عبد اللّه بن عباس بیان نمود: وقتی آیه للفقراء الّذین احصروا فی سبیل اللّه ۳۸» -قرآن-۱۲-۵۲-پاورقی-۵۳-۵۵ و آیه الّذین ینفقون اموالهم باللیل و النّهار برای هر دو آنان نازل شد، بالنّهار یعنی صدقه عبد الرحمن بن عوف که در روز فرستاده شد. و باللیل یعنی صدقه سرّی و شبانه علی علیه السّلام -قرآن-۸-۵۰ [۱۶۳] حبّان از کلبی و او از ابی صالح نقل می کند که إبن عبّاس در شأن نزول آیه الّذین ینفقون اموالهم باللیل و النّهار سرّاً و علانیهً بیان داشت اینکه آیه فقط در حق علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. -قرآن-۹۸-۱۵۵ آن زمان علی علیه السّلام از مال دنیا فقط چهار دینار بیش نداشت یک دینار را در روز و دینار دیگر را در شب و دینار سوم را در پنهان و دینار چهارم را آشکار در راه رضای خدا انفاق کرد. آن گاه آیه شریفه فوق در حقش نازل شد. [صفحه ۶۶] [۱۹] قل أ ؤنبّئکم بخیر من ذلکم للّذین اتّقوا عند ربّهم جنّات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها و أزواج مطهّرهٔ و رضوان من اللّه و اللّه بصیر بالعباد. [آل عمران ۱۵] بگو: آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نزد پروردگارشان باغهایی است که از زیر [درختان آنها نهرها روان است در آن جاودانه بمانند، و همسرانی پاکیزه و نیز خشنودی خدا را دارند و خداوند به [امور] بندگان خود بیناست -قرآن-۶-۱۶۸ [۱۶۴] حبّان از کلبی و کلبی از ابی صالح و او از إبن عباس نقل می کند که عبد اللّه بن عباس درباره آیه قل أ ؤنبّئکم بخیر من ذلکم .... گفته است اینکه آیه شریفه در شأن علی بن ابی طالب علیه السّلام و حمزه سید الشهدا و عبیدهٔ بن حارث نازل شد. -قرآن-۱۲۸-۱۵۸ [۲۰] انّ اللّه اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین -قرآن-۶-۸۱ [آل عمران ۳۳] به یقین خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است

منظور از آل عمران در آیه شریفه چیست

إبن مسعود نقل می کند آل عمران همان آل محمّد صلی اللّه علیه و آله است [۱۶۵] شقیق از روات حدیث چنین بیان کرده است در مصحف إبن مسعود آیه شریفه فوق را اینکه گونه دیدم [صفحه ۶۷] انّ اللّه اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل

عمران و آل محمّد على العالمين ۳۹» -قرآن-۱-۶۰-پاورقی-۸۹-۹۱ انّ اللّه اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران و آل محمّدٍ على العالمين حاکم حسکانی می‌گوید: من معتقدم اگر قرائت إبن مسعود و إبن عباس هم تثبیت نشود شکی نیست که آل محمّد در تحت عنوان آل ابراهیم داخل می‌شوند. -قرآن-۱-۵۹ [۲۱] فمن حاجّک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءنا و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم ثمّ نبتهل فنجعل لعنت اللّه على الكذبين [آل عمران ۶۱] پس هر که در اینکه [باره پس از دانشی که تو را [حاصل آمده با تو محاجّه کند، بگو: -قرآن-۶-۱۷۸ بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم آیه شریفه فوق در عظمت پیامبر صلی اللّه علیه و آله و اهل بیت کرام آن حضرت است [۱۶۸] حصین بن عبد الرّحمان از قول عمرو بن سعد بن معاذ، داستان آمدن رهبانان مسیحی و پیروانش به مدینه را نقل می‌کند، که آنان در مدینه به حضور پیامبر صلی اللّه علیه و آله رسیدند، و گفتند: یا محمّد صلی اللّه علیه و آله شما از صاحب ما در کتاب خود نام می‌بری [صفحه ۶۸] رسول خدا صلی اللّه علیه و آله پرسید: صاحب شما کیست گفتند: صاحب ما، عیسی بن مریم علیه السّلام است پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: او عبد خدا و رسول خدا بود پرسیدند: به ما بگو، خلقت او چگونه بود پیامبر صلی اللّه علیه و آله سخنی نگفت و از آنان جدا شد. جبرئیل نازل شد و آیه إنّ مثل عیسی عند اللّه کمثل آدم خلقه من تراب ۴۰» -قرآن-۲۳-۷۷-پاورقی-۷۸-۸۰ مجدداً روز بعد به حضور آن حضرت آمدند و گفتند: یا محمّد صلی اللّه علیه و آله آیا بمثل خلقت صاحب ما خلقتی وجود دارد! پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: بلی خلقت پیامبر شما مثل خلقت آدم علیه السّلام است سپس آیه إنّ مثل عیسی عند اللّه کمثل آدم را قرائت کرد. -قرآن-۱۱-۴۸ آن جماعت سخنان رسول خدا صلی اللّه علیه و آله را نپذیرفتند. پس آن حضرت به دستور خداوند بر طبق آیه تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم ... مأمور به مباهله با آنان شد. -قرآن-۴۸-۹۷ در روز مقرّر مصطفی صلی اللّه علیه و آله دست علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام را گرفته فرمود: اینان فرزندان و زنان و جان من هستند. چون آماده مباهله و نفرین شدند. بزرگ و مهتر آنان به پیروانش گفت مباهله با اینکه بزرگان صحیح نیست اگر درغگو باشند چیزی نصیب و عاید ما نمی‌شوند و اگر صادق باشند و نفرین و مباهله کنند همه ما مسیحیان هلاک می‌شویم پس با رسول خدا صلی اللّه علیه و آله مصالحه کردند و دادن جزیه را پذیرفتند. در پایان سیّد آنان گفت قسم به آن کسی که جانم در دست اوست در آنان به قدری عظمت [صفحه ۶۹] دیدم که اگر مباهله و لعنت می‌کردند احدی از ما باقی نمی‌ماند. [۱۶۹] إبن عباس داستان مسیحیان نجران را چنین بیان کرده است عدّه‌ای از علمای مسیحی به ریاست اسقف خویش که نامش عبد المسیح بود در مدینه به حضور مصطفی صلی اللّه علیه و آله رسیدند، و پرسیدند: یا محمّد از صاحب ما عیسی مسیح علیه السّلام یاد می‌کنی بیان کن کیفیت خلقت او چگونه بود مصطفی صلی اللّه علیه و آله منتظر ماند تا جبرئیل نازل شد و آیه انّ مثل عیسی عند اللّه کمثل آدم خلقه من تراب را بر پیامبر صلی اللّه علیه و آله قرائت کرد. -قرآن-۱۸۹-۲۴۳ چون مسیحیان لجاجت کردند، دستور مباهله از جانب پروردگار صادر شد و پیامبر صلی اللّه علیه و آله را مأمور به مباهله و ملاعنه کرد. مسیحیان نیز برای ملاعنه و مباهله آماده شدند. مصطفی صلی اللّه علیه و آله دست علی علیه السّلام فاطمه علیها السّلام حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام را گرفت و به وعده‌گاه آورد و فرمود: اللّهم هؤلاء ابناؤنا و نساؤنا و انفسنا. -روایت-۱-۴۲ چون مصطفی صلی اللّه علیه و آله آماده مباهله شد، سیّد مسیحیان گفت با عظمتی که اینکه پنج تن دارند ما هرگز با آنان مباهله نمی‌کنیم زیرا بیم هلاک ما وجود دارد. پس با آن حضرت مصالحه کرده حاضر به پرداخت جزیه سالانه شدند. در همان هنگام رئیس آنان گفت به خدا سوگند اگر اینکه پنج تن با ما مباهله و ملاعنه می‌کردند احدی از ما باقی نمی‌ماند و خداوند ظالمان را هلاک می‌کرد. [۱۷۰] شعبی از جابر بن عبد اللّه نقل می‌کند: گروهی از علمای

مسیحی به حضور نبی صلی اللّه علیه و آله در مدینه رسیدند، چون آن حضرت آنان را به اسلام دعوت کرد، گفتند: ما قبل از حضور مسلمان شدیم پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: در شما موانع مسلمانی را می‌بینم و هنوز مسلمان نشده‌اید، گفتند: یا محمّد صلی اللّه علیه و آله اگر می‌دانی ما را خبر ده مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: حبّ صلیب و شرب خمر و اکل لحم الخنزیر -روایت-۱-۴۳ در وجود شماست و اینها مانع مسلمانی شماست [صفحه ۷۰] پس آن حضرت را دعوت به ملاعنه و مباهله کردند. پیامبر صلی اللّه علیه و آله بر طبق فرمان یزدان در آیه فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثمّ نبتهل فنجعل لعنهٔ اللّه علی الکاذبین آماده مباهله شد، و روز دیگر را موعد مباهله قرار داد. -قرآن-۶۷-۱۸۸ چون آن روز فرارسید آن حضرت دست علی فاطمه حسن و حسین علیهم السّلام را گرفته برای ملاعنه و مباهله حاضر شد. امّا آن گروه وقتی عظمت آن پنج تن را دیدند راضی به مباهله نشدند و با پرداخت خراج سالانه راضی به مصالحه شدند. شعبی می گوید در آیه ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم منظور از ابناءنا حسن و حسین علیهما السّلام و نساءنا یعنی فاطمه علیها السّلام و انفسنا، علی بن ابی طالب علیه السّلام است -قرآن-۲۳-۸۴ [۱۷۱] کلبی از ابی صالح نقل می کند، إبن عباس در تفسیر آیه: فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثمّ نبتهل فنجعل لعنهٔ اللّه علی الکاذبین -قرآن-۷۰-۱۹۱ بیان کرده است آیه در شأن رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام با لفظ انفسنا و فاطمه علیها السّلام با عبارت نساءنا، و حسن و حسین علیهما السّلام با کلمه ابناءنا است و دعا بر ضد کاذبین از علمای نجران به نام‌های عاقب و سیّد و عبد المسیح و اصحاب آنان است [۱۷۲] عامر بن سعد از پدرش نقل کرده است زمانی که آیه ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم نازل شد. رسول خدا صلی اللّه علیه و آله علی فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام را فرا خواند، چون جمع شدند، فرمود: خدایا اینان عزیزان و اهل بیت من هستند. -قرآن-۶۶-۱۲۷ [۱۷۳] جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرده است دو تن از علمای مسیحی به نام‌های عاقب و سیّد در مدینه به خدمت مصطفی صلی اللّه علیه و آله رسیدند. آن حضرت آنان را به اسلام دعوت کرد، آن دو نپذیرفتند. نبی صلی اللّه علیه و آله بر طبق فرمان خدای سبحان در آیه فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم آنان را به مباهله دعوت -قرآن-۳۰۹-۳۸۲ [صفحه ۷۱] کرد، و در روز موعود به همراه علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام و حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام در جایگاه مباهله حاضر شد. امّا آن دو حاضر به مباهله نشدند، بلکه به خراج و جزیه راضی شدند، مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: به خدایی که مرا به رسالت فرستاد، اگر به مباهله تن می‌دادند در اینکه بیابان بر آنان آتش می‌بارید. در اینکه جا شعبی از جابر بن عبد اللّه نقل می کند: منظور از انفسنا، علی بن ابی طالب علیه السّلام و ابناءنا، حسن و حسین علیهما السّلام و از نساءنا، فاطمه علیها السّلام است [۱۷۴] حذیفهٔ بن یمان می گوید: در مدینه حضور داشتم دو تن از اسقف‌های نجران به نام‌های سیّد و عاقب به نزد نبی صلی اللّه علیه و آله رسیدند، و آن حضرت را به مباهله و ملاعنه دعوت کردند چون پیامبر صلی اللّه علیه و آله حاضر به ملاعنه شد عاقب به سیّد گفت ای سیّد؟ اگر محمّد صلی اللّه علیه و آله با اصحاب و یاران برای ملاعنه حاضر شود، او نبی و پیامبر نیست اگر با اهل بیت و خاندانش حاضر شود پیامبری راستین و فرستاده خداست روز دیگر وقتی پیامبر برای ملاعنه می‌آمد، دیدند علی علیه السّلام در سمت راستش و حسن علیه السّلام در سمت چپ و حسین علیه السّلام در سمت راست علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام در پشت سر آنان می‌آیند. عاقب به سید گفت با آنان ملاعنه نکن اگر چنین کنی ما و فرزندانمان هرگز رستگار نمی‌شویم و حتماً از بین خواهیم رفت به همین دلیل از مباهله اعراض کردند. و پیامبر صلی اللّه علیه و آله نیز فرمود: اگر آنان تن به ملاعنه می‌دادند، به یک چشم به هم زدن هیچ مسیحی در نجران باقی نمی‌ماند. [۱۷۵] محدثین از إبن عباس نقل کرده‌اند که جماعتی از نصارای نجران که در میان آنان سیّد و حارث و عبد المسیح حضور

داشتند در مدینه به خدمت مصطفی صلی اللّه علیه و آله آمدند، و گفتند: یا محمّد چرا از صاحب و پیامبر ما نام می‌بری مصطفی صلی اللّه علیه و آله پرسید صاحب شما کیست گفتند: عیسی بن مریم که گمان می‌کنی او عبد و بنده خداست [صفحه ۷۲] پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: بلی چنین است او عبد اللّه و رسول اللّه بود گفتند: آیا دیدی یا شنیدی که خدا بنده‌ای مثل او خلق کند! پیامبر صلی اللّه علیه و آله از سخنان آنان دلتنگ شد و از آنها اعراض کرد. جبرئیل آیه انّ مثل عیسی عند اللّه کمثل آدم خلقه من تراب ۴۱» -قرآن-۱۲-۶۶-پاورقی-۶۷-۶۹ خدای تعالی بار دیگر فرمود: فمن حاجّک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم بر طبق فرمان رحمان پیامبر صلی اللّه علیه و آله آنان را به ملاعنه فراخواند، آنان هم آماده ملاعنه با مصطفی صلی اللّه علیه و آله شدند. -قرآن-۳۰-۱۵۴ رسول خدا صلی اللّه علیه و آله علی فاطمه حسن و حسین علیهم السّلام را به همراه خویش در جایگاه مباهله آورد و گفت خدایا؟ اینان جان زن و فرزندان من هستند. چون حارث هیبت و عظمت آن پنج تن را مشاهده کرد، به عبد المسیح گفت اگر اینان صادق باشند که هستند ملاعنه کنیم همه ما هلاک می‌شویم پس به اتّفاق هم با نبی صلی اللّه علیه و آله مصالحه کردند و پذیرفتند که سالانه هزار دست لباس حلّه جزیه بپردازند. پیامبر صلی اللّه علیه و آله هم فرمود: قسم به خدایی که جان محمّد صلی اللّه علیه و آله در دست اوست اگر منصرف نمی‌شدند، و ملاعنه می‌کردند، خداوند همه آنان را هلاک می‌کرد. [۱۷۶] ابی البختری نقل می‌کند: وقتی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله قصد مباهله با اهل نجران را داشت علی حسن حسین و فاطمه علیهم السّلام را همراه خود به جایگاه مباهله برد تا مصداق آیه مباهله تحقّق یابد.«۴۲ -پاورقی-۲۴۷-۲۴۹ [صفحه ۷۳] [۲۲] و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً [آل عمران ۱۰۳] و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید. -قرآن-۶-۳۵ [۱۷۷] حسین بن خالد از علی بن موسی الرضا علیه السّلام و آن حضرت از پدران خود تا می‌رسد به علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله شنیدم فرمود: من احبّ ان یرکب سفینهٔ النّجاهٔ و یستمسک بالعروهٔ الوثقی و یعتصم بحبل اللّه المتین فلیوال علیّاً و لیأتمّ بالهداهٔ من ولده -روایت-۱-۱۳۸ هر کسی دوست دارد به کشتی نجات درآید، و به دستگیره محکم درآویزد و به ریسمان محکم الهی اعتصام جوید، ولایت علی علیه السّلام و امامت فرزندان او را بپذیرد تا گمراه نشود. [۱۷۸] یحیی بن علیّ علیه السّلام از آبان بن تغلب نقل می‌کند، از جعفر بن محمّد صلی اللّه علیه و آله شنیدم فرمود: ما آن ریسمان محکمی هستیم که خداوند متعال در قرآن فرمود: و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً تمسّک به ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام تمسّک به برّ و نیکی است هر بنده‌ای که تمسک به ولایت علی علیه السّلام کند، مؤمن است و هر کسی ولایت او را ترک کند، در حقیقت ایمان را ترک کرده است و خارج از دایره ایمان شده است ۴۳». -قرآن-۶۸-۹۷-پاورقی-۳۸۲-۳۸۴ [۱۸۰] حسن بن حسین از ابو حفص صانع روایتی نقل می‌کند که جعفر بن محمّد علیه السّلام در تفسیر آیه و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرّقوا فرمود: ما اهل بیت پیامبر حبل اللّه هستیم که اعتصام به آن واجب است -قرآن-۱۱۷-۱۶۱ [۱۸۱] محمّد بن شهاب زهری از نافع نقل کرده که فرزند عمر بن خطاب از رسول [صفحه ۷۴] خدا صلی اللّه علیه و آله روایتی را چنین بیان کرد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: جبرئیل امین برایم خبر آورده که «ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی » -روایت-۱-۸۹ «ولایت علی علیه السّلام قلعه و پناهگاه امن من است هر کسی داخل اینکه پناهگاه شود از عذاب و خطرات محفوظ خواهد ماند. [۲۳] الّذین استجابوا للّه و الرّسول من بعد ما أصابهم القرح للّذین أحسنوا منهم و اتّقوا أجر عظیم [آل عمران ۱۷۲] کسانی که در نبرد احد] پس از آنکه زخم برداشته بودند، دعوت خدا و پیامبر او را اجابت کردند، برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند پاداشی بزرگ است -قرآن-۶-۱۰۹ [۱۸۲] ابی رافع نقل کرده است در جنگ احد که بر اثر سهل‌انگاری عدّه‌ای از مسلمانان کشته و عدّه‌ای نیز زخمی شدند،

مشـرکین صـحنه جنگ را ترک کرده به سوی مکّه روان شدند. رسول خدا صلی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام را با اینکه مجروح بود فراخواند و با جمعی از قبیله خزرج به تعقیب مشـرکین مکّه فرسـتاد. علی علیه السّلام و همراهان منزل به منزل آنان را تعقیب می‌کردند و آنان به سوی مکه گریختند. در آن هنگام خدای سـبحان به پاس خدمات علی و همراهان وی آیه الّذین اسـتجابوا للّه و الرّسول من بعـد مـا أصـابهم القرح را بر پیـامبرش صـلی اللّه علیه و آله نازل فرمود. -قرآن-۷۲-۱۳۵ [۱۸۳] إبن عبـاس نقل می‌کنـد، آن کسانی که فرمان خـدا و رسولش را اجابت کردنـد از مصاديق اینکه آیه شـریفه الّـذین اسـتجابوا للّه و الرّسول هسـتند، و اینکه آیه در شأن ابو بکر و عمر و علی بن ابی طالب علیه السّلام و إبن مسعود نازل شده است -قرآن-۱۲۳-۱۵۶ [۱۸۴] کلبی از ابی صالح نقل می‌کند: إبن عباس در شأن نزول آیه شریفه الّذین -قرآن-۸۴-۹۳ [صفحه ۷۵] استجابوا للّه و الرّسول ... گفت اینکه آیه در تحسین و ثنای علی بن ابی طالب علیه السّـلام و نه نفر از همراهانش که رسول خدا صـلی اللّه علیه و آله آنان را به تعقیب سپاه ابی سـفیان بعد از کوچ کردن فرسـتاد، نازل شد. -قرآن-۱-۲۷ چون علی علیه السّلام با بدن مجروح دسـتور پیامبر صـلی اللّه علیه و آله را اجابت کرد و به تعقیب سپاه ابو سـفیان پرداخت مورد تحسین در آیه شریفه قرار گرفت [۱۸۵] ابی مریم از قول ابو عبد اللّه نقل می‌کند، محمّد مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله علی علیه السّـلام را که در جنگ احـد مجروح شده بود با ده نفر دیگر به تعقیب مشـرکین مکه فرسـتاد که آیه للّذین احسـنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم در تحسـین امیرالمؤمنین علی علیه السّـلام نازل شد. -قرآن-۲۲۷-۲۶۶ [۱۸۶] کلبی از ابی صالـح نقل می‌کند: إبن عباس درباره کلام خدا الّـذین اسـتجابوا للّه و الرّسول بیـان کرده است که اینکه آیه شـریفه در شـأن علی علیه السّـلام و نه نفر از همراهانشان که پیامبر صلی اللّه علیه و آله آنان را به تعقیب ابو سـفیان از مـدینه فرسـتاد، نازل شـد و آنان دعوت پیامبر صـلی اللّه علیه و آله و خدای تعالی را اجابت کردنـد و سـپاه ابو سـفیان را متواری کردند. -قرآن-۷۴-۱۰۷ [۲۴] و سـیجزی اللّه الشّـاکرین [آل عمران ۱۴۴] خداوند سپاسـگزاران را پاداش می‌دهد. -قرآن-۶-۳۲ [۱۸۷] محمّـد بن مروان از جعفر بن محمّد نقل می‌کند که إبن عباس از مفسـرین بزرگ گفت خـدای سـبحان در دو جای قرآن از کارهای با ارزش علی بن ابی طالب علیه السّـلام تشکّر و قـدردانی فرمود: ۱ و سـیجزی اللّه الشّاکرین [آل عمران ۱۴۴] ۲ و سـنجزی الشّاکرین [آل عمران ۱۴۵] [۱۸۸] از قول حـذیفه بن یمان از اصحاب نزدیک رسول خدا صلی اللّه علیه و آله چنین نقل شده است -قرآن-۵-۳۱-قرآن-۵۵-۷۴ [صفحه ۷۶] در جنگ احد درست در گرماگرم نبرد، وقتی اصـحاب مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله منهزم و متواری شدند، و آن حضرت را تنها گذاشتند، علی بن ابی طالب علیه السّلام با شمشیرش به همراهی ابودجانه انصاری از جان نبی صلی اللّه علیه و آله دفاعی جانانه کردند و مشـرکین را از اطراف آن حضـرت پراکنـده نمودنـد. در آن هنگـام آیه‌هـای و لقـد کنتم تمنّون الموت ... تـا آیه سـیجزی اللّه الشّاکرین ۴۴» -قرآن-۲۶-۵۲-قرآن-۶۶-۹۰-پاورقی-۹۱-۹۳ همچنین آیه و کـایّن من نبیّ قاتل معه ربّیون کثیر همان ده نفری که به دسـتور خـدا و رسـول صـلی اللّه علیه و آله به تعقیب مشـرکین مکه پرداختنـد هسـتند. -قرآن-۱۴-۵۷ و اللّـه یحبّ الصّابرین ۴۵» -قرآن-۱-۲۵-پاورقی-۲۶-۲۸ [۲۵] ثواباً من عنـد اللّه و اللّه عنـده حسن الثّواب .... و ما عنـد اللّه خیر للابرار. -قرآن-۶-۵۷-قرآن-۵۸-۹۱ [آل عمران ۱۹۸ ۱۹۵] ثـواب از جـانب خـدا و پـاداش نیکـو نیز نزد خـداست .... و آنچـه در نزد خـداست برای نیکان از همه چیز بهتر و ارزشـمندتر است [۱۸۹] اصـبغ بن نباتهٔ از دوسـتان و اصحاب نزدیک علی علیه السّلام می گوید«۴۶». -پاورقی-۸۳-۸۵ از امیر المؤمنین علی علیه السّلام شنیدم فرمود که روزی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله دستم را گرفت و گفت ای برادرم آیا معنی کلام خـدای تعالی ثواباً من عنـد اللّه و اللّه عنده حسن الثّواب و ما عند اللّه خیر للابرار را می‌دانی کـه ثـواب عنـد اللّـه و ابرار چیست -قرآن-۱۷۴-۲۲۵-قرآن-۲۲۷-۲۵۵ [صـفحه ۷۷] عرض کردم بفرماییـد تا بـدانم رسول خدا صـلی اللّه علیه و آله فرمود: «انت الثواب و شیعتک الابرار» -روایت-۱-۳۴ یعنی تو ثواب هستی و شیعیانت ابرارند.

[۱۹۰] حسین بن سعید از بعضی از اصحاب از قول محمّد بن زریع روایت کرده است اصبغ بن نباته از علی علیه السّلام نقل کرد که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در تفسیر و معنی آیه ثواباً من عند اللّه فرمود: -قرآن-۲۲۰-۲۴۲ یا علی علیه السّلام انت الثّواب و اصحابک الابرار -روایت-۱-۶۳ تو ثوابی و اصحاب تو ابرارند. [۲۶] یا ایّها الّذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه لعلّکم تفلحون [آل عمران ۲۰۰] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید. -قرآن-۶-۸۹ [۱۹۱] انس بن مالک می‌گوید، إبن عباس مفسّر معروف قرآن در کتاب تفسیرش بیان کرده است که یا ایّها الّذین آمنوا اصبروا و صابروا یعنی در محبّت علی بن ابی طالب علیه السّلام پایدار و صبور باشید و اتّقوا اللّه و از خدا بترسید و پروا داشته باشید در محبّت داشتن نسبت به علی علیه السّلام و فرزندانش و هرگز آنان را تنها نگذارید. -قرآن-۱۰۵-۱۴۷-قرآن-۲۲۵-۲۴۰ [۱۹۲] کلبی از ابی صالح نقل می‌کند که إبن عباس در تفسیر کلام خدا گفت [اصبروا] یعنی صبور باشید نزد خودتان [و صابروا] در مقابله با دشمن صبور باشید، [و رابطوا] در راه خدا جهاد کنید و آیه و اتّقوا اللّه لعلّکم تفلحون در شأن مصطفی صلی اللّه علیه و آله و مرتضی علیه السّلام و حمزه سید الشهدا نازل شده است که چنین اوصافی داشتند. -قرآن-۸۸-۹۶-قرآن-۱۲۸-۱۳۸-قرآن-۱۷۵-۱۸۵-قرآن-۲۱۸-۲۴۹ [صفحه ۷۸] [۲۷] و لا تقتلوا انفسکم إنّ اللّه کان بکم رحیماً. [نساء/ ۲۹] و خودتان را نکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است -قرآن-۶-۵۷ [۱۹۳] ابی صالح از إبن عباس نقل می‌کند که إبن عباس در تفسیر آیه شریفه و لا تقتلوا انفسکم گفته است منظور از اینکه آیه یعنی اهل بیت نبیّ صلی اللّه علیه و آله را نکشید. -قرآن-۸۶-۱۰۷ [۱۹۴] ابی صالح می‌گوید، إبن عباس در توضیح کلام خدا در آیه و لا تقتلوا انفسکم بیان کرده است که یعنی اهل بیت پیامبرتان را نکشید، و اهل بیت نبی صلی اللّه علیه و آله بر طبق آیه -قرآن-۷۴-۹۵ تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام از ابناءنا و نساءنا هستند و نفس علی علیه السّلام و نبی صلی اللّه علیه و آله به منزله واحد در نظر گرفته شده است که با تعبیر انفسنا در آیه ذکر شد. -قرآن-۱-۶۸ [۲۸] أم یحسدون النّاس علی ما آتاهم اللّه من فضله [نساء/ ۵۴] بلکه به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند. -قرآن-۶-۶۰ [۱۹۵] یحیی بن یعلی ربعی از ابان بن تغلب نقل می‌کند: از جعفر بن محمّد صلی اللّه علیه و آله شنید که آن حضرت در بیان کلام خدا ام یحسدون النّاس علی ما آتاهم اللّه من فضله فرمود: -قرآن-۱۶۰-۲۱۴ نحن المحسودون -روایت-۱-۱۸ یعنی ما خاندان نبوّت از محسودون هستیم که به جهت فضایل زیاد و صفات پسندیده مورد حسد حسودان واقع شده و می‌شویم [۱۹۶] ابو سعید مودّب نقل می‌کند إبن عباس درباره ام یحسدون النّاس گفت ما بستگان پیامبر از محسودون هستیم -قرآن-۵۵-۷۴ چون فضیلت نبوّت و افتخار رسالت در بین ما خاندان بنی هاشم قرار داده شد، به همین جهت به ما حسد برده می‌شود. [صفحه ۷۹] [۱۹۷] محمّد بن فضیل نقل می‌کند: ابی صباح گفت روزی جعفر بن محمّد علیه السّلام فرمود: ای ابا صباح آیا کلام خدا ام یحسدون النّاس علی ما آتاهم اللّه من فضله را شنیده‌ای -قرآن-۳۱-۸۵ عرض کردم بلی یابن رسول اللّه اینکه آیه را شنیده‌ام بفرمایید تا درباره آن بدانم آن جناب فرمود: نحن و اللّه هم نحن و اللّه المحسودون -روایت-۱-۴۷ به خدا سوگند ما خاندان پیامبر از محسودون هستیم به سبب فضایل کثیر که از جانب خدای عزّ و جلّ به ما عنایت شده مورد حسد حسودان واقع شده‌ایم [۱۹۸] عباس بن هشام از قول پدرش چنین نقل کرده است روزی خزیمهٔ بن ثابت به چهره علی علیه السّلام نگاه کرد. علی علیه السّلام فرمود: ای خزیمه آیا می‌نگری که چگونه به من حسد برده می‌شود، به سبب جایگاهی که در نزد نبی صلی اللّه علیه و آله و علمی که خداوند روزیم کرد، مورد حسد حسودان واقع شدم [۲۹] فقد آتینا آل إبراهیم الکتاب و الحکمهٔ و آتیناهم ملکاً عظیماً [نساء/ ۵۴] در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم -

قرآن-۶-۶۹ [۱۹۹] محمّد بن ابی عمر ازدی از هشام بن حکم نقل می‌کند. جعفر بن محمّد صلی اللّه علیه و آله در توضیح و تفسیر و آتیناهم ملکاً عظیماً فرمود: -قرآن-۶۵-۸۸ جعل فیهم ائمـةً من اطاعهم فقد اطاع اللّه و من عصاهم فقد عصی اللّه - روایت-۱-۷۸ خداوند سبحان در بین آل ابراهیم امامانی قرار داد. هر کسی آنان را اطاعت کند خدا را اطاعت و متابعت کرده است و هر کسی از آنان تمرد، و نافرمانی و عصیان کند، خدا را عصیان کرده است [۲۰۰] ابی خالد کابلی می‌گوید از ابی جعفر علیه السّلام در تفسیر آیه شریفه و آتیناهم ملکاً -قرآن-۸۷-۱۰۵ [صفحه ۸۰] عظیماً سؤال کردم اینکه ملک عظیم که بیان شد چیست -قرآن-۱-۸ ابی جعفر علیه السّلام فرمود: خدای عزّ و جلّ امامانی در بین مردم قرار داد هر کسی آنان را فرمانبرداری و متابعت و اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و هر کسی آنان را عصیان کند خدای بزرگ را تمرد و نافرمانی کرده است ملک عظیم همین امامان هستند«۴۷». -پاورقی-۲۸۵-۲۸۷ [۳۰] یا ایّها الّذین آمنوا اطیعوا اللّه و أطیعوا الرّسول و أولی الأمر منکم [نساء/ ۵۹] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. -قرآن-۶-۸۴ [۲۰۲] ابان بن ابی عیّاش از سلیم بن قیس هلالی نقل کرده که علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی اللّه علیه و آله درباره آیه اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم به من فرمود: اولی الامر که خدای تعالی او را در کنار نام خویش و رسولش در آیه یا ایّها الّذین آمنوا اطیعوا اللّه و أطیعوا الرّسول و أولی الأمر منکم قرار داده است و در منازعات مردم را رجوع به آنان داد آیا می‌دانی کیستند! -قرآن-۵۴-۱۰۵-قرآن-۲۰۵-۲۸۳ عرض کردم یا رسول اللّه آنان چه کسانی هستند! فرمود: یا علی تو اولین نفر از آنان هستی [۲۰۳] مجاهد در تفسیر آیه شریفه گفته است یا ایّها الّذین آمنوا یعنی ای کسانی که تصدیق به توحید دارید اطیعوا اللّه اطاعت کنید خدا را در فرایض و واجباتش و اطیعوا الرّسول اطاعت کنید رسول صلی اللّه علیه و آله را در سنّتش و أولی الامر منکم و اطاعت -قرآن-۵۰-۷۶-قرآن-۱۲۴-۱۳۷-قرآن-۱۸۷-۲۰۲-قرآن-۲۶۷-۲۸۶ [صفحه ۸۱] کنند از امیر المؤمنین علی علیه السّلام که ولیّ امر مسلمین است در جنگ تبوک مصطفی صلی اللّه علیه و آله مرتضی علیه السّلام را جانشین خویش در مدینه قرار داد و خود آن حضرت فرماندهی لشکر را به عهده گرفت تا به سرزمین تبوک حرکت کند. وقتی علی علیه السّلام به خدمت نبی صلی اللّه علیه و آله رسید و گفت یا رسول اللّه آیا مرا در بین اطفال و زنان وامی‌گذاری حضرت فرمود: یا علی آیا راضی نمی‌شوی که برای من به منزله هارون برای موسی باشی زمانی که موسی به برادرش هارون گفت اخلفنی فی قومی و اصلح و تو ولیّ امر و جانشین من هستی و [اولی الامر منکم علی بن ابی طالب علیه السّلام است که خدای سبحان او را ولایت امر در زمان حیات محمّد صلی اللّه علیه و آله زمانی که او را جانشین خویش در مدینه گذاشت عنایت فرمود، و همچنین بندگانش را امر به اطاعت و ترک مخالفت او فرمان داد. -قرآن-۱۴۷-۱۷۳-قرآن-۲۱۰-۲۳۰ [۲۰۴] ابی بصیر می‌گوید از ابو جعفر علیه السّلام درباره معنای کلام خدای تعالی اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول و أولی الامر منکم سوال کردم ابو جعفر علیه السّلام فرمود: آیه برای اطاعت از علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. -قرآن-۱-۵۱ گفتم مردم می‌گویند چه چیزی باعث شده تا خدای تعالی اسم علی علیه السّلام و اهل بیت را صریح و روشن در قرآن بیان نکند. ابو جعفر علیه السّلام فرمود: به مردم بگویید، خدای سبحان امر به نماز فرمود امّا بیان تعداد رکعت‌ها که ۳ رکعت باشد یا ۴ رکعت به اختیار رسول خدا صلی اللّه علیه و آله بود خدای تعالی امر به مناسک حج فرمود، امّا تفسیر و بیان تعداد اشواط به اختیار پیامبر صلی اللّه علیه و آله گذاشته شد. خدای تعالی فرمود: اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول و أولی الامر منکم که اینکه کلام در شأن علی و حسن و حسین علیهم السّلام نازل شد. -قرآن-۲۱-۷۲ و رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: [صفحه ۸۲] اوصیکم بکتاب اللّه و اهل بیتی انّی سألت اللّه ان لا یفرق بینهما حتی یوردهما علیّ الحوض فاعطانی ذلک -روایت-۱-۱۲۲ یعنی شما را به کتاب خدا و اهل بیت خویش توصیه می‌کنم بین آن دو جدایی نیندازید تا در

حوض کوثر بر من وارد شوید، چون خدای یکتا آن دو ثقل را به من عطا فرمود. [۲۰۵] ابراهیم بن سعد بن ابی وقاص از پدرش سعد بن وقّاص نقل می کند. رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در لشکرکشی به سرزمین تبوک برای جنگ با رومیان علی علیه السّلام را جانشین خویش در مدینه قرار داد و با انبوه جمعیت عازم تبوک شد. علی علیه السّلام در حالی که سلاح خویش را به همراه داشت در سرزمین جرف به خدمت مصطفی صلی اللّه علیه و آله رسید. و گفت یا رسول اللّه در اینکه جنگ مرا جانشین خویش قرار دادی و حال اینکه که در گذشته در هیچ نبردی چنین اتّفاق نیفتاد و منافقین مرا بر اینکه کار مذمّت می کنند. سعد بن وقاص می گوید: از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله شنیدم فرمود: یا علی اما ترضی ان تکون منّی بمنزلهٔ هارون من موسی الّا انّه لا نبیّ بعدی فارجع فاخلفنی فی اهلی و اهلک -روایت-۱-۱۳۱ یا علی به جانشینی من راضی باش تو به منزله هارون نسبت به موسی برای من هستی جزء اینکه که بعد از من پیامبری وجود ندارد. پس برگرد و جانشین من در مدینه برای اهل من و خانواده خود باش [۳۱] و من یطع اللّه و الرّسول فأولئک مع الّذین أنعم اللّه علیهم من النّبیّین و الصّدّیقین و الشّهداء و الصّالحین و حسن اولئک رفیقا [نساء/ ۶۹] و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته یعنی با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگان‌اند و آنان چه نیکو همدمان هستند. -قرآن-۶-۱۵۱ [صفحه ۸۳] [۲۰۶] ابی صالح نقل می کند: عبد اللّه بن عباس در تفسیر اینکه آیه شریفه چنین شرح می‌دهد: من یطع اللّه و الرّسول یعنی کسانی که خدای تعالی را در فرایض اطاعت می کنند، و رسول صلی اللّه علیه و آله را در سنّتش پیروی می‌نمایند. -قرآن-۴-۱۰۴-۱۳۱ فاولئک مع الّذین انعم اللّه علیهم من النّبیّین یعنی آنان با محمّد صلی اللّه علیه و آله که از انبیاء الهی [و الصّدیقین یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام که اولین تصدیق کننده نبی صلی اللّه علیه و آله بود [و الشّهداء] یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام و جعفر طیّار و حمزه سید الشهداء و حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام که از سروران و سادات شهیدان هستند، [و الصّالحین یعنی سلمان و اباذر و صهیب و بلال و خباب بن ارت و عمّار یاسر [و حسن اولئک رفیقا] یعنی اینکه یازده نفر از صدّیقین و شهدا و صالحین در بهشت در کمال رفقات در کنار یکدیگرند. -قرآن-۱-۵۷-قرآن-۱۳۵-۱۴۹-قرآن-۲۵۹-۲۷۱-قرآن-۴۳۹-۴۵۳-قرآن-۵۲۵-۵۴۳ [۲۰۷] ابو احمد داوود بن سلیمان می گوید، علی بن موسی الرضا از پدرانش نقل می کند تا می‌رسد به علی علیه السّلام که آن حضرت فرمود: رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در آیه فأولئک مع الّذین انعم اللّه علیهم من النّبیین ... فرمود از من النّبیّین محمّد صلی اللّه علیه و آله و من الصّدّیقین علی بن ابی طالب علیه السّلام و من الشّهداء حمزه سید الشهدا و من الصّالحین حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام و حسن اولئک رفیقا یعنی قائم آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و مهدی امّت مورد نظر است ۴۸». -قرآن-۵۲-۱۰۹-قرآن-۱۲۵-۱۴۰-قرآن-۱۸۴-۱۹۵-قرآن-۲۴۱-۲۴۹-قرآن-۲۷۴-۲۸۴-قرآن-۳۳۰-۳۴۹-پاورقی-۴۳۱-۴۳۳ [۲۰۹] حذیفهٔ بن یمان از یاران صمیمی و اصحاب با وفای رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله می گوید، روزی که آیه فاولئک مع الّذین انعم اللّه علیهم من النّبیّین و الصّدّیقین و الشّهداء و الصّالحین و حسن اولئک رفیقا نازل شد، به خدمت آن حضرت رسیدم -قرآن-۱۳۰-۲۴۵ مصطفی صلی اللّه علیه و آله آیه را برایم قرائت فرمود. پرسیدم یا نبی اللّه صلی اللّه علیه و آله اینان چه کسانی هستند که خداوند اسامی آنان را کنار هم آورده است رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: ای حذیفهٔ؟ من آن نبیّ هستم که خدای تعالی فرمود من -قرآن-۱۰۶-۱۱۰ [صفحه ۸۴] النّبیین الّذین انعم اللّه علیهم که اول آنان در نبوّت و آخرشان در بعثت هستم و از صدّیقین علی بن ابی طالب علیه السّلام است چون زمانی که خدای سبحان مرا به رسالت برانگیخت او اولین تصدیق کننده رسالت بود و از شهدا، حمزه سید الشهداء و جعفر طیّار هستند و از صالحین حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام سیّد جوانان اهل بهشت هستند. و [و حسن اولئک رفیقا] مهدی زمان خویش است -قرآن-۱۱-۳۹-قرآن-۳۹۶-۴۱۷ [۳۲] الیوم أکملت لکم دینکم و

أتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً. [مائده ۳] امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی برگزیدم -قرآن-۶-۸۲ [۲۱۰] ابی هریرهٔ می گوید، هر کسی روز هجده ذی حجّه را روزه بگیرد خدای تعالی برای او روزه شصت ماه را می‌نویسد. و آن روزی است که در غدیر خم نبیّ صلی اللّه علیه و آله دست علی علیه السّلام را گرفته و در بین حاضرین بلند کرد و فرمود: من کنت مولاه فعلیّ مولاه -روایت-۱-۳۵ ای مردم هر کسی من مولای اویم علی هم مولای اوست و عمر بن خطّاب در آن هنگام برخاست و علی را بدین گونه تهنیت و تبریک گفت [بخّ بخّ لک یا بن ابی طالب علیه السّلام یعنی ای فرزند ابی طالب اینکه ولایت بر تو مبارک باشد [۲۱۱] ابی سعید خدری از صحابه رسول صلی اللّه علیه و آله چنین نقل می کند: پس از معرفی ولایت علی علیه السّلام در غدیر خم آیه الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً نازل شد. -قرآن-۱۵۲-۲۲۸ رسول خدا صلی اللّه علیه و آله با شنیدن آیه شریفه از جبرئیل فرمود: [صفحه ۸۵] اللّه اکبر؟ بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی علیه السّلام بعد از من مجدّداً فرمود: ۴۹» -روایت-۳-۱۲۰ [۲۱۳] از لسان ابی هریرهٔ اینکه روایت نقل شده است هر کسی روز هجدهم ذی الحجّه روزه بگیرد خداوند روزه شصت ماه را برای او ثبت می کند، و آن روز، روز غدیر خم است روزی که نبیّ صلی اللّه علیه و آله دست علی علیه السّلام را گرفت در میان جمعیت ایستاد و فرمود: [ألست ولیّ المؤمنین] -روایت-۱-۲۷ ای مردم آیا من ولیّ مؤمنین نیستم همگی یکصدا گفتند: بلی یا رسول اللّه چنین است سپس فرمود: من کنت مولاه فعلیّ مولاه -روایت-۱-۳۵ هر کسی من مولای اویم علی بن ابی طالب علیه السّلام مولای اوست عمر بن خطاب برای تهنیت برخاست و گفت بخّ بخّ یابن ابی طالب اصبحت مولای و مولا کلّ مؤمن ای پسر ابو طالب اینکه ولایت بر تو مبارک باد؟ مولای من و مولای هر مؤمنی هستی بعد از اینکه مراسم بود که آیه الیوم اکملت لکم دینکم نازل شد. -قرآن-۴۱-۶۶ [۲۱۴] سعید بن جبیر می گوید: إبن عباس گفت روزی در طواف کعبه رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: آیا علی بن ابی طالب در میان شماست عرض کردیم بلی یا رسول اللّه آن حضرت او را به خود نزدیک کرد و دستش را بر کتف او زد و فرمود: طوبی لک یا علی هم اکنون آیه‌ای برایم نازل شد که نام من و تو در آن به طور مساوی ذکر شده است و آن آیه الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام -قرآن-۱۳-۸۳ [صفحه ۸۶] دینا است -قرآن-۱-۴ خداوند فرمود: دین را با نبی صلی اللّه علیه و آله کامل کردم و با علی نعمت را به پایان رساندم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم [۲۱۵] عطاء از سعید و سعید از إبن عباس روایتی نقل می کند که نبیّ صلی اللّه علیه و آله در موسم حج و در مکّه مکرمه متوجه علی علیه السّلام شد و فرمود: گوارا باد بر تو یا ابا الحسن خداوند بر من آیه‌ای محکم و صریح نازل فرمود که نام من و تو به طور مساوی در آن ذکر شده و آن اینکه آیه است الیوم اکملت لکم دینکم ... -قرآن-۳۵۴-۳۷۹ [۳۳] انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا الّذین یقیمون الصّلاهٔ و یؤتون الزّکاهٔ و هم راکعون [مائده ۵۵] ولیّ شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی که نماز بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. -قرآن-۶-۱۰۷ [۲۱۶] إبن عباس از مفسرین قابل اعتماد اهل سنت می گوید: آیه شریفه انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا در شأن علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. -قرآن-۷۷-۱۲۲ [۲۱۷] إبن طاووس می گوید، پدرم گفت روزی نزد إبن عباس نشسته بودم مردی غریب وارد شد، و از عبد اللّه بن عباس مفسر معروف قرآن پرسید، مرا از آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله ... با خبر ساز که درباره چه کسی است -قرآن-۱۷۰-۱۹۹ إبن عباس گفت بدان اینکه آیه شریفه در حقّ علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شده است «۵۰ -پاورقی-۱۱۳-۱۱۵ [۲۲۱] سعید بن جبیر می گوید إبن عباس مفسّر قرآن درباره آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله گفت یعنی ناصر و معین شما خدا و رسولش محمّد صلی اللّه علیه و آله هستند. -قرآن-۶۶-۹۵ [صفحه ۸۷] و الّذین آمنوا

یعنی علی علیه السّلام که از بین مؤمنـان فقط علی بن ابی طالب علیه السّلام را اختصاص داد. و فرمود: الّذین یقیمون الصّلاهْ یعنی آنان که وضو و قرائت و رکوع و سجود را با خشوع انجام می‌دهند و یؤتون الزّکاهْ و هم راکعون قضیه چنین است که روزی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نماز ظهر را به جماعت گزارد و همه رفتند، غیر علی علیه السّلام کسی در مسجد نبود، فقیری از فقرای مسلمین وارد مسجد شد، علی علیه السّلام را در حال نماز دیده به سویش رفت و گفت ای برادر نبیّ؟ آنچه ممکن و مقدور شماست به من عنایت فرمایید. -قرآن-۱-۱۵-قرآن-۱۳۸-۱۶۱-قرآن-۲۴۱-۲۷۲ آن بزرگوار انگشتر عقیق سرخ یمنی را که فقط در نمازها در انگشت دست راست می‌کرد، از انگشت خارج و به سائل اهدا کرد. بلافاصله جبرئیل به نزد نبیّ صلی اللّه علیه و آله آمد و بعد مصطفی صلی اللّه علیه و آله علی را فراخواند و فرمود: یا علی علیه السّلام امروز خدای سبحان به وجود کریمانه تو بر ملائکه آسمان مباهات می‌کند، سپس آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا ... را برای علی علیه السّلام قرائت کرد. -قرآن-۱۱۸-۱۶۳ [۲۲۲] انس بن مالک داستان سائل را اینکه گونه نقل می‌کند. مسکینی وارد مسجد شد، و گفت چه کسی اینکه تهی دست و بیچاره را با قرض دادن نوازش می‌کند. علی علیه السّلام در حال رکوع با دستش به سائل اشاره کرد که بیا و اینکه انگشتر را از دستم بیرون آر. رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: ای عمر؟ واجب شد؟ عمر گفت یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله چه چیزی واجب شد! فرمود: به خدا سوگند بهشت بر او واجب شد و انگشتر از دست او بیرون نیامد مگر اینکه که همه گناهان و خطاهای او محو شد. عمر پرسید: آیا برای اینکه عمل کوچک اینکه پاداش داده شد! [صفحه ۸۸] رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: بلی اینکه پاداش برای کسی است که اینکه کار را از سر اخلاص برای یکی از افراد امّتم انجام داد. [۲۲۳] انس بن مالک چنین نقل می‌کند: مصطفی صلی اللّه علیه و آله بعد از نماز ظهر از مسجد خارج شد، و به منزل خویش رفت علی علیه السّلام در نماز ایستاده بود سائلی وارد مسجد شد و چنان از بیچارگی خود نالید که قلب علی علیه السّلام به درد آمد. آن حضرت در حال رکوع با دست راست خود به سائل اشاره کرد تا انگشتری را از انگشت او خارج کند، و آن سائل انگشتری را گرفت و رفت علی علیه السّلام در پایان نماز عازم منزل خود شد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله کسی را فرستاد و علی علیه السّلام را احضار کرد و چون حاضر شد. فرمود: یا علی چه کار زیبایی بین خود و خدایت انجام دادی علی علیه السّلام داستان فقیر و اهدای انگشتر را بیان کرد. نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا ابا الحسن بر تو گوارا باشد خدای عزّ و جلّ در شأن تو آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا الّذین یقیمون الصّلاهْ و یؤتون الزّکاهْ و هم راکعون را نازل فرمود. -قرآن-۱۱۶-۲۱۷ [۲۲۴] محمّد بن حنفیّهْ فرزند علی علیه السّلام قضیه خاتم علی علیه السّلام را چنین حکایت کرد: سائلی مسکین در مسجد رسول صلی اللّه علیه و آله تقاضای مساعدت کرد، غیر از علی علیه السّلام کسی او را به عطایی ننواخت چون رسول خدا صلی اللّه علیه و آله از مسجد خارج شد از سائل پرسید، آیا چیزی دریافت کردی گفت غیر از مردی که در حال رکوع بود و انگشتری به من اهدا کرد، چیزی دریافت نکردم نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: آیا او را می‌شناسی گفت خیر، نمی‌شناسم آن گاه آیه و الّذین آمنوا الّذین یقیمون الصّلاهْ و یؤتون الزّکاهْ و هم راکعون در شأن -قرآن-۱۴-۸۵ [صفحه ۸۹] علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد«۵۱». -پاورقی-۴۸-۵۰ [۲۲۶] عطاء بن سائب درباره آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله ... گفته است اینکه آیه در شأن علی علیه السّلام هنگامی که انگشتری خویش را در حال رکوع به سائل داد نازل شد. -قرآن-۳۶-۶۵ [۲۲۷] عبد الملک بن جریج مکّی درباره نزول آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله ... گفته است -قرآن-۵۶-۸۵ وقتی نبیّ صلی اللّه علیه و آله به سوی مسجد می‌رفت سائلی را در مسجد مشاهده کرد که طلب کمک می‌کرد. بعد از مدّتی رسول خدا پرسید: آیا کسی چیزی به تو اهدا کرد. سائل گفت بلی مردی که او را نمی‌شناسم مرا مورد لطف قرار داد. حضرت پرسید: عطایش چیست سائل گفت اینکه انگشتری را عنایت کرد. پیامبر صلی اللّه علیه و آله

انگشتری را شناخت و فهمید صاحب آن علی بن ابی طالب علیه السّلام است آن گاه آیه فوق در شأن آن حضرت نازل شد. [۲۲۸] عبد الملک بن ابی سلیمان می گوید از ابو جعفر علیه السّلام در مورد آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین امنوا الّذین یقیمون الصّلاهٔ ... پرسیدم آنان چه کسانی هستند! -قرآن-۹۰-۱۶۴ آن حضرت فرمود: اصحاب مصطفی صلی اللّه علیه و آله هستند، گفتم مردم می گویند علی علیه السّلام است گفت علی علیه السّلام هم از آنان است ۵۲» -پاورقی-۵۱-۵۳-قرآن-۳۹۰-۴۶۱ [صفحه ۹۰] نازل شد. و آن حضرت فرمود: من کنت مولاه فعلیّ مولاه اللّهم وال من والاه و عاد من عاداه -روایت-۱-۷۷ [۲۳۲] جابر بن عبد اللّه انصاری از اصحاب خاص رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله می گوید: روزی در زیر درختی نشسته بودیم عبد اللّه بن سلام به همراهی عده‌ای خدمت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله رسید، از کناره گیری مردم و منزوی کردنش بعد از مسلمان شدن شکوه و گله کرد. پیامبر صلی اللّه علیه و آله دستور داد، در اینکه حوالی بگردید و سائلی را بیابید و نزد من آورید. ما داخل مسجد شدیم مسکینی را در گوشه مسجد یافتیم او را نزد نبیّ صلی اللّه علیه و آله بردیم حضرت از او پرسید آیا کسی چیزی به تو عطا کرده یا خیر! سائل گفت بلی یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله مردی که در حال نماز بود انگشتری خود را به من عنایت کرد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: بروید و ببینید او کیست ما همگی رفتیم دیدیم که علی علیه السّلام در حال نماز است سائل گفت همین آقا بود که بزرگواری کرد. به خدمت رسول صلی اللّه علیه و آله برگشتیم که آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله ... هم بر آن حضرت نازل شد. -قرآن-۶۶-۹۵ [۲۳۳] فرزندان علی علیه السّلام از قول پدرشان نقل کرده‌اند که علی علیه السّلام فرمود: آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا ... در خانه رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله بر آن حضرت نازل شد. -قرآن-۶-۵۱ رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله برخاست و به مسجد رفت عده‌ای از مردم در حال رکوع و عده‌ای در حال سجود بودند. در همین اثنا رسول خدا صلی اللّه علیه و آله سائلی را دیدند، پرسیدند ای سائل آیا کسی چیزی به تو عطا کرده است [صفحه ۹۱] سائل گفت یا نبیّ اللّه غیر از اینکه راکع که انگشتری خود را به من داد کسی چیزی نداد و آن شخص علی بن ابی طالب علیه السّلام بود [۲۳۴] مقداد بن اسود کندی می گوید: روزی در کنار رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در مسجد نشسته بودیم یک عرب بدوی وارد شد. علی علیه السّلام در بین نماز ظهر و عصر در وسط مسجد به نماز ایستاده بود آن حضرت به درخواست سائل انگشتری خود را به وی اهدا کرد. نبی اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا علی بخّ بخّ بخّ و جبت الغرفات -روایت-۱-۴۷ یعنی ای علی مبارک باد مبارک باد مبارک باد بر تو غرفه‌های بهشت در همین اثنا جبرئیل به زمین آمد، و آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا الّذین ... را بر مصطفی صلی اللّه علیه و آله خواند. -قرآن-۴۸-۱۰۲ [۲۳۵] اعمش از عبایهٔ بن ربعی نقل می کند که عبد اللّه بن عباس در کنار چاه زمزم نشسته بود و احادیث نبوی را برای مردم نقل می کرد و می گفت قال رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله ... امّا زمانی که مردی عمامه‌دار را می‌دید، در نقل حدیث توقف می کرد. در همین هنگام مردی ژنده‌پوش نزدیک آمد و گفت قال رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله إبن عباس متعجب شد، از او پرسید، تو را به خدا سوگند می‌دهم کیستی آن ناشناس عمامه را از صورت برگرفت و گفت من ابوذر غفاری هستم ای مردم از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله شنیدم فرمود: شما را به اینکه دو رکن سفارش می کنم و همچنین آن حضرت فرمود: «علیّ قائد البررهٔ و قاتل الکفرهٔ، منصور من نصره و مخذول من خذله . -روایت-۱-۷۶ ای دوستان گوش کنید تا از علی علیه السّلام بگویم روزی با رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به نماز ظهر ایستاده بودیم در پایان نماز، سائلی در مسجد تقاضای کمک کرد، احدی او را پاسخ نگفت سائل دست به آسمان بلند کرد و گفت خدایا؟ شاهد باش در مسجد رسول اللّه کسی حاجت مرا برآورده نکرد و چیزی به من عطا نکرد. علی علیه السّلام که در حال رکوع [صفحه ۹۲] بود چون صدای او را شنید. با دست اشاره کرد تا انگشتر را از انگشت وی بیرون آورد. و آن سائل چنین کرد. اینکه ایثارگری

علی علیه السّلام در حضور نبی صلی اللّه علیه و آله بود پس دست را به آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا؟ برادرم موسی علیه السّلام از تو درخواست کرد. ربّ اشرح لی صدری و یسّر لی امری و احلل عقدهٔ من لسانی و اجعل لی وزیراً من اهلی هارون اخی اشدد به ازری و اشرکه فی أمری ۵۳». -قرآن-۵۹-۱۲۱-قرآن-۱۲۲-۲۰۱-پاورقی-۲۰۲-۲۰۴ و تو در پاسخ او فرمودی سنشدّ عضدک باخیک و خواسته او را برآورده کردی -قرآن-۲۹-۴۷ خدایا من نبیّ و برگزیده توام و از تو چنین درخواست می‌کنم «اللّهمّ فاشرح لی صدری و یسّر لی امری و اجعل لی وزیرا من اهلی علیّاً اخی اشدد به ازری . -روایت-۱-۱۰۵ به خدا سوگند، هنوز کلام مصطفی صلی اللّه علیه و آله پایان نیافته بود که جبرئیل به زمین هبوط کرد و به نزد آن حضرت حاضر شد و گفت یا محمّد گوارا باد بر تو به آنچه خدا درباره برادرت علی علیه السّلام به تو عطا کرد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله پرسید: ای جبرئیل آن نوید چیست . جبرئیل گفت خدای تعالی امّت را به ولایت برادرت تا روز قیامت امر فرموده است و آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا الّذین یقیمون الصّلاهٔ و یؤتون الزّکاهٔ و هم راکعون را برایت نازل کرد. -قرآن-۱۰۳-۲۰۴ [۲۳۶] إبن عباس مفسّر مشهور درباره آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله ... بیان کرده است -قرآن-۴۲-۷۱ جماعتی از مسلمانان که قبلًا اهل کتاب و از دین یهود بودند، مثل عبد اللّه بن سلام و اسد و اسید و ثعلبهٔ که به دستور خدای عزّ و جل از یهود و نصاری قطع رابطه کردند. از آن جایی که در حاشیه شهر مدینه سکونت داشتند به خدمت مصطفی صلی اللّه علیه و آله رسیدند [صفحه ۹۳] و گفتند: یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله چون فاصله ما با مساجد و منازل شما دور است حضور یافتن در مجالس شما برای ما سخت و مشکل است از طرفی هم با یهودیان و هم با مسیحیان قطع رابطه کرده‌ایم در همان اثنا که مشغول شکوه و گله بودند. آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله ... نازل شد. -قرآن-۲۹۹-۳۲۸ مصطفی صلی اللّه علیه و آله اینکه کلام یزدان را بر آنان قرائت کرد. آنان گفتند: رضینا باللّه و برسوله و بالمؤمنین یعنی راضی به دستور خدای سبحان و رسول گرامی و مؤمنین هستیم همان وقت بلال حبشی بانگ اذان را سر داد. رسول خدا صلی اللّه علیه و آله برای نماز به مسجد رفت مردم در حال رکوع و سجود بودند، و مسکینی در بین نمازگزاران می‌گشت و تقاضای کمک می‌کرد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله او را فراخواند و پرسید آیا کسی چیزی به تو عطا کرد! گفت بلی به من یک انگشتری دادند. حضرت پرسید: چه کسی اینکه انگشتری را به تو داد! آن مسکین گفت آن جوان که به نماز ایستاده است چون حضرت نگاه کرد، دید علی بن ابی طالب علیه السّلام است سپس پرسید: در چه حالتی اینکه انگشتری را به تو عطا کرد. گفت آن جوانمرد، آن را در حال رکوع به من عنایت کرد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله با شادی اینکه آیه شریفه را تلاوت کرد. انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا الّذین یقیمون الصّلاهٔ و یؤتون الزّکاهٔ و هم راکعون -قرآن-۸۳-۱۸۴ [۲۳۷] اینکه روایت از طریق روات دیگری که نام ابی صالح در میان آنان است مجدداً نقل شد. که تقریباً مشابه روایت ۲۳۶ است که إبن عباس داستان را اینکه گونه نقل می‌کند: عبد اللّه بن سلام و چند نفر از هم مسلکانش که پیرو دین یهود بوده و به اسلام [صفحه ۹۴] پیوستند به حضور نبی صلی اللّه علیه و آله رسیدند و گفتند: یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله منازل ما دور از منزل‌های شماست ما همنشین و هم صحبت نداریم اقوام ما چون فهمیدند مسلمان شده‌ایم ازدواج و مجالست و تکلّم با ما را تحریم کرده‌اند و اینکه تنهایی برای ما مشکل است مصطفی صلی اللّه علیه و آله در جواب آنان آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا الّذین ... را تلاوت و سپس به سوی مسجد حرکت کرد. -قرآن-۵۵-۱۰۸ در مسجد عدّه‌ای در حال رکوع و عده‌ای در حال سجود بودند. سائلی هم در بین آنان تقاضای کمک می‌کرد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله از سائل پرسید آیا کسی کمکی به تو کرده یا خیر! سائل گفت بلی یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله یک انگشتری به من داده شد. حضرت پرسید: چه کسی آن را به تو داد! سائل گفت آن جوان که ایستاده است و اشاره به علی بن ابی طالب علیه السّلام کرد حضرت پرسید: در چه حالتی انگشتری را به تو داد. سائل

گفت آن را در حالت رکوع به من عنایت کرد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله تکبیر بلندی گفت سپس آیه شریفه و من یتولّ اللّه و رسوله و الّذین آمنوا فانّ حزب اللّه هم الغالبون ۵۴» را قرائت فرمود«۵۵». -قرآن-۶۹-۱۴۷-پاورقی-۱۴۸-۱۵۰-پاورقی-۱۶۹-۱۷۱ [۲۳۹] عبد اللّه بن محمّد بن حنفیّهٔ از نوادگان علی علیه السّلام درباره جدّش علی علیه السّلام می گوید. امیرالمؤمنین علی علیه السّلام به نماز ایستاده بود سائلی تقاضای کمک از جمعیت حاضر در مسجد کرد، علی علیه السّلام با اشاره به سائل انگشتری خود را اعطا کرد، سائل به خدمت نبی صلی اللّه علیه و آله آمد. آن حضرت پرسید: آیا کسی چیزی به تو داده یا خیر! سپس آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا ... بر آن حضرت نازل شد. -قرآن-۹-۵۴ [صفحه ۹۵] [۲۴۰] إبن عباس از مفسّران مشهور و قابل اعتماد می گوید: آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا الّذین ... فقط به طور اختصاصی در حقّ علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. و آیه و من یتولّ اللّه و رسوله و الّذین آمنوا ... هم در حقّ علی علیه السّلام نازل شد. -قرآن-۶-۵۹-قرآن-۱۵۰-۱۹۵ و همچنین آیه شریفه بلّغ ما انزل الیك ... هم در حقّ علی علیه السّلام نازل شد. -قرآن-۲۱-۴۲ آن زمان که خدای تعالی مصطفی صلی اللّه علیه و آله را امر به ابلاغ فرمود. آن سید و سرور دست علی علیه السّلام را گرفت به میان مردم آورد و فرمود: من کنت مولاه فعلیّ مولاه -روایت-۱-۳۲ یعنی هر که من مولای او هستم علی مولای اوست و همچنین کلام خدا لا تحرّموا طیّبات ما احلّ اللّه لکم در شأن علی و اصحابش مثل عثمان بن مظعون و عمّار یاسر نازل شد که شهوات و لذات را بر خویشتن تحریم کرده بودند. -قرآن-۲۲-۶۴ [۳۴] و من یتولّ اللّه و رسوله و الّذین آمنوا فإنّ حزب اللّه هم الغالبون [مائده ۵۶] و هر کسی خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولیّ خود بداند [پیروز است چرا که حزب خدا همان پیروزمندان‌اند. -قرآن-۶-۸۴ [۲۴۱] هذیل از مقاتل و او از ضحّاک روایتی را ذیل آیه فوق از إبن عباس نقل می کند. او می گوید إبن عبّاس گفت «و من یتولّ اللّه و رسوله یعنی کسی که خدای سبحان و رسول مکرّم صلی اللّه علیه و آله را دوست دارد. «و الّذین آمنوا» یعنی کسی که دوستی و حبّ علی علیه السّلام را دارد. اینان حزب اللّه هستند. «فانّ حزب اللّه هم الغالبون و پیروان دستور خدا و شریعت محمّدی صلی اللّه علیه و آله و شیعه علوی علیه السّلام غالب و برترند و بر جمیع مخالفان علوّ و -قرآن-۳۵-۶۳-قرآن-۱۵۵-۱۷۲-قرآن-۲۶۵-۲۹۶ [صفحه ۹۶] برتری دارند. إبن عباس می گوید: خدای تعالی در آیه شریفه اوّل خود را ثنا و ستایش کرد، سپس مصطفی صلی اللّه علیه و آله و آن گاه علی علیه السّلام را ستود. وقتی آیه و من یتولّ اللّه و رسوله ... نازل شد، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: -قرآن-۱۰-۳۹ «رحم اللّه علیاً اللّهم ادر الحقّ معه حیث دار.» -روایت-۱-۵۶ خداوند علی علیه السّلام را رحمت کند، خدایا حقّ را دور علی علیه السّلام بگردان هر جا که او باشد إبن عباس همچنین می گوید: إبن مؤمن قائل است هیچ اختلافی بین مفسرین نیست که آیه شریفه و من یتولّ اللّه و رسوله و الّذین آمنوا ... در مقام و شأن امیر المؤمنین علی علیه السّلام نازل شد. -قرآن-۱۰۵-۱۵۰ [۲۴۲] إبن عباس در شأن نزول آیه و من یتولّ اللّه و رسوله چنین می گوید«۵۶»: -قرآن-۳۹-۶۸-پاورقی-۸۴-۸۶ عبد اللّه بن سلام و جماعتی از اهل کتاب [یهودی که مسلمان شده بودند نزدیک اذان ظهر به حضور پیامبر صلی اللّه علیه و آله رسیدند، و گفتند: یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله منازل ما دور از مسجد شماست و مسجدی هم در آن جا نداریم اقوام و همکیشان سابق ما هم وقتی شنیدند که به آیین اسلام درآمدیم عداوت و کینه را نسبت به ما آشکار کردند و مجالست و معاشرت و معامله با ما را تحریم کردند و با ما سخن نمی گویند و ما در مشقت هستیم در اثنای گله و شکوه از احوال خود آیه انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا الّذین ... و آیه و من یتولّ اللّه و رسوله و الّذین آمنوا فإنّ حزب اللّه هم الغالبون نازل شد. -قرآن-۴۷-۱۰۰-قرآن-۱۱۱-۱۸۹ حضرت اینکه آیات را برای آنان قرائت کرد و آنان راضی و خشنود شدند. آن گاه [صفحه ۹۷] رسول خدا صلی اللّه علیه و آله با صدای اذان بلال حبشی به سوی مسجد حرکت کرد. جماعتی در نماز ایستاده بودند،

طایفه‌ای در رکوع و جمعی در سجود مشغول عبادت بودند. سائلی در بین آنان می گشت و تقاضای کمک داشت پیامبر صلی اللّه علیه و آله آن مسکین را فراخواند و پرسید. آیا تا به حال کمکی دریافت کرده‌ای سائل گفت انگشتری نقره‌ای به من داده شد. حضرت پرسید: از چه کسی دریافت کردی سائل گفت آن جوان که ایستاده است چون حضرت نگاه کرد، دید علی بن ابی طالب علیه السّلام است حضرت پرسید: آن انگشتری را در چه حالی به تو عنایت کرد. سائل گفت در حال رکوع از دستش بیرون کشیدم مصطفی صلی اللّه علیه و آله تکبیر بلندی گفت سپس فرمود: و من یتولّ اللّه و رسوله و الّذین آمنوا فإنّ حزب اللّه هم الغالبون -قرآن-۶۶-۱۴۴ [۳۵] یا أیّها الرّسول بلّغ ما انزل إلیک من ربّک و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته و اللّه یعصمک من النّاس [مائده ۶۷] ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر ابلاغ نکنی پیامش را نرسانده‌ای و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد. -قرآن-۶-۱۲۶ [۲۴۴] ابی هریرهٔ از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمود: در شب معراج آن هنگام که به آسمان سیر می کردم ندایی جذّاب از زیر عرش بگوشم رسید که چنین می گفت انّ علیّا رایهٔ الهدی و حبیب من یؤمن بی بلّغ یا محمّد؟ -روایت-۱-۶۷ به درستی که علی علیه السّلام علم هدایت و حبیب و محبوب مؤمن به من است ای محمّد؟ پیامت را ابلاغ کن [صفحه ۹۸] چون مصطفی صلی اللّه علیه و آله به زمین بازگشت اینکه پیام را سرّی نگه داشت و کتمان کرد. تا اینکه خدای سبحان آیه یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک ... را درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل فرمود. -قرآن-۳۷-۹۱ و در ادامه فرمان فرمود: ان لم تفعل فما بلّغت رسالته و اللّه یعصمک من النّاس -قرآن-۲۷-۹۰ و همچنین ابی سعید خدری روایت کرد که آیه یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک در حقّ علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. -قرآن-۴۸-۱۰۲ [۲۴۵] إبن عباس می گوید: اینکه کلام سبحان یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک در شأن علی علیه السّلام نازل شد پیامبر صلی اللّه علیه و آله چون اینکه فرمان را شنید برخاست و دست علی علیه السّلام را گرفت و در میان جمعیت ایستاد و فرمود: -قرآن-۴۹-۱۰۳ من کنت مولاه فعلیّ مولاه اللّهم وال من والاه و عاد من عاداه . -روایت-۱-۷۹ ای مردم و ای مسلمانان هر کسی که من مولای او هستم علی هم مولای اوست خدایا دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن باش «۵۷ -پاورقی-۶۷-۶۹ [۲۴۷] عبد اللّه بن ابی أوفی می گوید: در روز غدیر خم شنیدم مصطفی صلی اللّه علیه و آله آیه شریفه یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل إلیک من ربّک و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته و اللّه یعصمک من النّاس را تلاوت می کرد، سپس دست خود را بلند کرد و فرمود: -قرآن-۱۱۷-۲۳۷ «الا من کنت مولاه فعلیّ مولاه اللّهمّ وال من والاه و عاد من عاداه . -روایت-۱-۸۵ آن گاه سر به آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا؟ تو شاهد باش امروز پیام تو را به اینکه جمعیت ابلاغ کردم [۲۴۸] علی بن محمّد بن سلیمان نوفلی از پدرش نقل می کند که پدرش از زیاد بن منذر اینکه حکایت را شنید: روزی در نزد ابی جعفر محمّد بن علی علیه السّلام حضور داشتیم و آن جناب برای مردم [صفحه ۹۹] سخن می گفت در میان سخن مردی از اهل بصره به نام عثمان اعشی بپاخاست و گفت یابن رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فدایت شوم حسن بصری به ما خبر داده است که آیه یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک درباره فردی نازل شده است امّا آن فرد را معرفی و بیان نکرد. -قرآن-۱۹۸-۲۵۲ ابی جعفر علیه السّلام فرمود: ای عثمان اگر حسن بصری بخواهد می‌تواند از آن مرد خبر دهد، و لیکن او می‌ترسد. پس گوش کن تا برایت شرح آن را بیان کنم در یک فرصتی جبرئیل به خدمت نبی صلی اللّه علیه و آله رسید و گفت خدای تعالی امر می‌فرماید امتت را به نماز و آداب آن راهنمایی کن پس آن جناب آداب نماز را تعلیم داد. بار دیگر جبرئیل آمد و گفت خدای سبحان فرمان داده تا وجوب زکات و شرایط آن را برای پیروانت بیان کنی آن حضرت نیز چنین کرد. بار سوم جبرئیل آمد و گفت خدای تعالی دستور فرمود، امّت خود را به روزه و آداب آن راهنمایی کن و آن بزرگوار چنان کرد. بار دیگر جبرئیل پیام آورد، خدای عزّ و جلّ فرمود،

امت خود را بر حج و آداب آن راهنمایی فرما. رسول خدا صلی اللّه علیه و آله چنان که مرضیّ خدا بود انجام داد. بار دیگر جبرئیل به خدمت رسید، گفت خدایت فرمان داد ولیّ را بر امّت معرّفی کن همان‌گونه که نماز و روز و زکات و حج را بیان کردی تا حجّت بر آنان تمام شود و عذر و بهانه‌ای نداشته باشند. مصطفی صلی اللّه علیه و آله عرض کرد: خدایا؟ تو می‌دانی قوم و قبیله من قریب العهد به دوران جاهلیت هستند و در میان آنان فخر و مباهات جاهلیت هنوز ریشه دارد و اگر چنین کنم شاید نپذیرند و من از اینکه کار خوف دارم و خدای عز و جلّ آیه یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته و اللّه یعصمک من النّاس را بر آن حضرت فرو فرستاد -قرآن-۲۲-۱۴۲ [صفحه ۱۰۰] رسول گرامی صلی اللّه علیه و آله چون ضمانت و عصمت از خداوند را دریافت کرد، دست علی بن ابی طالب علیه السّلام را گرفته در میان جمعیت بلند کرد و فرمود: « یا ایّها النّاس من کنت مولاه فعلیّ مولاه اللّهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصر و اخذل من خذله و احب من احبه و ابغض من ابغضه -روایت-۱-۱۷۳ ای مردم هر که را من مولای اویم علی بن ابی طالب علیه السّلام مولای اوست خدایا؟ هر کسی او را دوست دارد دوست بدار و هر کسی او را دشمن دارد دشمن بدار، نصرت کننده او را یاور و معین باش و خوار کننده او را خوار و ذلیل کن و هر کسی علی را دوست دارد دوست بدار و آن که نسبت به او کینه و بغض دارد. او را مبغوض بدار. [۲۴۹] کلبی از ابی صالح و او از إبن عباس و جابر بن عبد اللّه نقل می‌کند که اینکه دو نفر صحابی معروف گفتند: خدای تعالی به مصطفی صلی اللّه علیه و آله امر فرمود تا علی علیه السّلام را به ولایت نصب کند و مردم را از ولایت او با خبر گرداند. آن حضرت از ترس و خوف اینکه که مردم نگویند پسر عمّ خویش را به جانشینی انتخاب و منصوب کرد و همچنین از طعنه بی‌جا و ناروای آنان اینکه امر مهم را به تأخیر انداخت تا اینکه که خداوند وحی فرستاد: یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک ... در اینکه هنگام که در غدیرخم بود مصطفی صلی اللّه علیه و آله برخاست و ولایت مرتضی علیه السّلام را به همگان خبر داد. -قرآن-۲۳۲-۲۸۶ [۲۵۰] عبد اللّه بن عباس پسر عموی پیامبر صلی اللّه علیه و آله و از مفسرین قرآن کریم از زبان آن حضرت نقل می‌کند که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله داستان معراج را بیان می‌کرد تا رسید به اینکه که خداوند در شب معراج فرمود: ای برگزیده من من هیچ نبیّ‌ای را مبعوث نکردم مگر اینکه که برایش وزیری قرار دادم تو ای محمّد صلی اللّه علیه و آله رسول من هستی و علی علیه السّلام وزیر توست [صفحه ۱۰۱] إبن عباس بیان می‌کند: چون رسول اللّه از آسمان فرود آمد، اکراه داشت برای مردم چیزی از اینکه حدیث را نقل کند چون مسلمانان را قریب العهد به زمان جاهلیت می‌دانست و شرایط را مناسب نمی‌دید. تا اینکه که آیه شریفه فلعلّک تارک بعض ما یوحی الیک ... بر آن حضرت نازل شد. -قرآن-۲۵۲-۲۸۶ باز هم پیامبر صلی اللّه علیه و آله تحمّل کرد و چیزی آشکار نکرد تا آیه شریفه یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک ... نازل شد و تکلیف را نهایی کرد. -قرآن-۸۹-۱۴۳ در اینکه زمان رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به بلال حبشی موذّن اختصاصی امر فرمود اذان بگوید تا همه مردم در غدیرخم جمع شوند. چون همه جمع شدند. رسول خدا صلی اللّه علیه و آله بر بلندی ایستاد و فرمود: ای مردم خدای سبحان مرا به رسالت برگزید و فرمان داد تا علی علیه السّلام را به ولایت معرّفی کنم امّا در اینکه کار درنگ کردم چون خوف داشتم مرا متهم کنید و ترسیدم در ابلاغ ولایت پسر عمّ خود مرا تکذیب کنید. تا اینکه که خدای رحمان مرا مورد عتاب قرار داد و ابلاغ ولایت علی علیه السّلام را بر من فرمان داد. و فرمود: یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک سپس دست علی علیه السّلام را گرفت در میان جمعیت حاضر، بلند کرد به گونه‌ای که زیر بغل‌های او مکشوف شد. آن‌گاه فرمود: -قرآن-۹-۶۳ «ایّها النّاس اللّه مولای و انا مولاکم فمن کنت مولاه فعلی مولاه اللّهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصر و اخذل من خذله . -روایت-۱-۱۵۶ در پایان مراسم معارفه بر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله آیه شریفه الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نازل شد. -قرآن-۸۵-۱۲۶

[صفحه ۱۰۲] [۳۶] یا أیّها الّذین آمنوا لا تحرّموا طیّبات ما أحلّ اللّه لکم [مائده ۸۷] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای استفاده شما حلال کرده حرام مشمارید و از حدّ مگذرید. -قرآن-۶-۷۵ [۲۵۱] ابی صالح می گوید از إبن عباس مفسّر قرآن و یار و یاور علی علیه السّلام درباره کلام خداوند: لا تحرّموا طیّبات ما احلّ اللّه لکم سئوال شد. در جواب گفت -قرآن-۱۱۲-۱۵۴ اینکه آیه در شأن علی علیه السّلام و یاران او مثل عثمان بن مظعون و عمّار یاسر، آن هنگام که تصمیم گرفتند از لذات دنیوی و شهوات حلال کناره گیری کنند نازل شد. [۲۵۲] محمّد بن ابراهیم بن حرث تمیمی درباره آیه شریفه فوق گفت امیرالمؤمنین علی علیه السّلام عثمان بن عفان عثمان بن مظعون و یک نفر دیگر از صحابه پیامبر صلی اللّه علیه و آله با یکدیگر هم عهد و پیمان شدند تا روزها را روزه و شب‌ها را بیدار بمانند، با زنان خود همبستر نشوند و گوشت و غذای لذیذ تناول نکنند و در تهذیب نفس بکوشند چون اینکه خبر به مصطفی صلی اللّه علیه و آله رسید. از طرف دیگر هم خداوند رحمان آیه یا ایّها الّذین آمنوا لا تحرّموا طیّبات ما احلّ اللّه لکم نازل کرد و تکلیف آنان را روشن تر کرد. -قرآن-۳۸-۱۰۷ [۲۵۳] سدیّ از مفسّران قرآن درباره قول خدا یا ایّها الّذین آمنوا لا- تحرّموا طیّبات ما احلّ اللّه لکم گفت «۵۸» -قرآن-۵۲-۱۲۱-پاورقی-۱۲۹-۱۳۱ [صفحه ۱۰۳] تحریم کرده‌اند و جماعتی در روز غذا نمی‌خورند، و بعضی‌ها نیز خواب را بر خویش ممنوع کرده‌اند. و طایفه‌ای همبستر شدن با زنان را تعطیل کردند. بعد از اینکه سخنان خدای مهربان آیه لا تحرّموا طیّبات ما احلّ اللّه لکم را نازل کرد. رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله دستور داد همه حاضر شوند آن گاه فرمود: -قرآن-۲۰۴-۲۴۶ ما بال قوم حرّموا النّساء و الطّعام و النّوم الا- انّی انام و اقوم و افطر و اصوم و انکح النّساء، فمن رغب عنّی فلیس منّی -روایت-۱-۱۳۸ اینکه چه کاری است که انتخاب کردید. من که پیامبر شمایم می‌خوابم و استراحت می کنم هم روزه می گیرم و هم با زنان ازدواج می کنم و هر کسی مثل من رفتار نکند از من نیست [۳۷] و اذا جاءک الّذین یؤمنون بآیاتنا فقل سلام علیکم کتب ربّکم علی نفسه الرّحمهٔ. [انعام ۵۴] و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو: درود بر شما پروردگارتان رحمت را بر خود مقرّر کرده است -قرآن-۶-۹۱ [۲۵۴] حسن بن حسن از حبّان بن علی و او از کلبّی و او از ابی صالح نقل می کند: از إبن عبّاس درباره آیه شریفه و اذا جاءک الّذین یؤمنون بآیاتنا ... سؤال شد. -قرآن-۱۳۸-۱۷۳ إبن عبّاس در جواب گفت اینکه کلام خدا در شأن علی بن ابی طالب علیه السّلام حمزه سید الشّهدا، جعفر طیّار و زید نازل شد. [صفحه ۱۰۴] [۳۸] الّذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الأمن و هم مهتدون [انعام ۸۲] کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، آنان در امن و امان بوده و از راه یافتگان‌اند. -قرآن-۶-۸۴ [۲۵۵] سفیان ثوری از منصور و او از مجاهد نقل می کند عبد اللّه بن عباس مفسّر قرآن درباره اینکه آیه شریفه چنین بیان کرده است [الّذین آمنوا] یعنی کسانی که تصدیق به توحید کردند و حال اینکه اولین موحّد علی بن ابی طالب علیه السّلام است و لم یلبسوا ایمانهم یعنی ایمان خود را با باطل مخلوط و ممزوج نکردند، و نظیر اینکه آیه لم تلبسون الحقّ بالباطل ۵۹» -قرآن-۱-۱۶-قرآن-۱۳۱-۱۵۳-قرآن-۲۳۵-۲۶۳-پاورقی-۲۶۴-۲۶۶ [بظلم یعنی به شرک إبن عباس تأکید می کند، که به خدا سوگند همه یاران پیامبر صلی اللّه علیه و آله بت‌پرستی را رها کرده و به خدا و پیامبر ایمان آورده‌اند و از وادی بی‌برکت کفر و شرک به وادی پر برکت اسلام گرایش پیدا کردند و لیکن علی بن ابی طالب علیه السّلام حتی در یک چشم به هم زدنی مشرک نشد، و هرگز مشرک نبود و از اوّل موحّد بود أولئک لهم الامن و هم مهتدون اینان از آتش جهنّم و عذاب آن ایمن هستند، و بدون حساب به بهشت راه می‌یابند. و علی علیه السّلام اولین ایمان آورنده است در حالی که کودکی هفت ساله بود به دین و آیین پیامبر صلی اللّه علیه و آله پیوست -قرآن-۱-۳۴ [صفحه ۱۰۵] [۳۹] و علی الأعراف رجال یعرفون کلّا بسیماهم [اعراف ۴۶] و بر اعراف مردانی هستند که هر یک از آن دو دسته را از سیمایشان می‌شناسند. -قرآن-۶-۵۰ [۲۵۶] اصبغ بن نباتهٔ از یاران صمیمی علی علیه السّلام

می گوید: روزی در کنار علی بن ابی طالب علیه السّلام نشسته بودم عبد اللّه بن کوّاء وارد مجلس شد و گفت یا امیر المؤمنین مرا از معنای آیه و علی الاعراف رجال یعرفون کلًا بسیماهم با خبر فرما. -قرآن-۱۶۰-۲۰۴ علی علیه السّلام فرمود: وای بر تو ای إبن کوّا؟ نحن نوقف یوم القیامهٔ بین الجنّهٔ و النّار، فمن ینصرنا عرفناه بسیماه فادخلناه الجنّهٔ و من ابغضنا عرفناه بسیماه فادخلناه النّار. -روایت-۱-۱۴۰ آن مردان ما هستیم که در قیامت بین بهشت و جهنّم می‌ایستیم هر بنده‌ای ما را نصرت کرده باشد او را به چهره و سیمایش می‌شناسیم و به بهشت می‌بریم و هر کسی با ما دشمنی و عداوت داشت او را هم با سیمایش می‌شناسیم و در جهنم داخل می کنیم [۲۵۷] ضحّاک نقل کرده است که از إبن عباس ۶۰» -پاورقی-۵۴-۵۶-قرآن-۷۴-۹۶ [صفحه ۱۰۶] [۴۰] و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ تجری من تحتهم الأنهار. [اعراف ۴۳] و هر گونه کینه‌ای را از سینه‌هایشان می‌زداییم از زیر [قصرهای شان نهرها جاری است -قرآن-۶-۶۶ [۲۵۹] عبد اللّه بن ملیل می گوید، از امیر المؤمنین علی علیه السّلام درباره مصداق آیه نزعنا ما فی صدورهم من غلّ سؤال کردم -قرآن-۱۰۳-۱۳۵ آن بزرگوار فرمود: اینکه آیه شریفه در شأن ما اهل بیت نازل شده است [۲۶۰] عبد اللّه بن احمد بن حنبل از پدرش و او از سفیان و او از ابی موسی و ابی موسی از حسن بن علی علیه السّلام نقل کرده است که پدرش علی بن ابی طالب فرمود: به خدا سوگند آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ در شأن ما اهل بیت پیامبر نازل شد. -قرآن-۲۲۴-۲۵۸ [۴۱] فأذّن مؤذّن بینهم ان لعنهٔ اللّه علی الظّالمین [اعراف ۴۴] پس آواز دهنده‌ای میان آنان آواز می‌دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد. -قرآن-۶-۶۰ [۲۶۱] محمّد بن حنفیّهٔ از پدرش علی بن ابی طالب علیه السّلام حکایت می کند، که امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: در آیه فاذّن مؤذّن بینهم ان لعنهٔ اللّه علی الظّالمین آن مؤذّن که در کلام خداوند جلیل آمده است من هستم -قرآن-۱۴۹-۲۰۳ [۲۶۲] إبن عباس یکی از صحابه پیامبر صلی اللّه علیه و آله نقل می کند، برای امیر المؤمنین علی علیه السّلام در کتاب خدا اسم‌هایی است که مردم آنها را نمی‌شناسند. از جمله آن اسم‌ها در آیه شریفه فأذّن مؤذّن بینهم است که نام نیک علی علیه السّلام به عنوان مؤذّن آورده شده است -قرآن-۲۳۶-۲۵۶ و امیر المؤمنین علی علیه السّلام در تفسیر بقیه آیه و انّ لعنهٔ اللّه علی الظّالمین فرمود: یعنی لعنت خداوند بر کسانی که ولایت مرا تکذیب کردند و حق و مقام مرا سبک شمردند. -قرآن-۶۱-۹۶ [صفحه ۱۰۷] [۲۶۳] محمّد بن فضیل از إبن اذینه درباره فأذّن مؤذّن بینهم گفت مؤذّن در آیه شریفه امیر المؤمنین علی علیه السّلام است -قرآن-۵۲-۷۲ [۲۶۵] إبن اذینه از حمران و او از ابی جعفر علیه السّلام درباره آیه فوق بیان کرد: مؤذّن امیر المؤمنین علی علیه السّلام است «۶۱ -پاورقی-۱۵۱-۱۵۳ [۴۲] و ممّن خلقنا امّهٔ یهدون بالحقّ و به یعدلون [اعراف ۱۸۱] و از میان کسانی که آفریده‌ایم گروهی هستند که به حقّ هدایت می کنند و به حقّ داوری می‌نمایند. -قرآن-۶-۵۴ [۲۶۶] مجاهد می گوید إبن عباس در توضیح و تفسیر کلام خداوند و ممّن خلقنا امّهٔ گفت -قرآن-۶۶-۸۴ یعنی خلق کردیم امت محمّد صلی اللّه علیه و آله را و از آن میان علی بن ابی طالب علیه السّلام را که مردم را به حق هدایت می کند یهدون بالحقّ در حالی که [و به یعدلون مردم بعد از تو از خلافت او عدول و سرپیچی می کنند. -قرآن-۱۶۴-۱۷۸-قرآن-۱۹۵-۲۱۱ [۲۶۷] در کتاب فهم قرآن متعلّق به امام جعفر صادق علیه السّلام در بیان آیه و ممّن خلقنا امّهٔ یهدون بالحقّ و به یعدلون فرمود: -قرآن-۹۲-۱۴۰ اینکه آیه شریفه در شأن آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و اهل بیت آن حضرت است که مردم را به حق رهنمون و هدایت می کنند و حال اینکه مردم از آنان عدول می کنند [صفحه ۱۰۸] [۴۳] یا أیّها الّذین آمنوا لا تخونوا اللّه و الرّسول و تخونوا اماناتکم [انفال ۲۷] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او خیانت نکنید و [نیز] در امانتهای خود خیانت نورزید. -قرآن-۶-۸۱ [۲۶۸] در کتاب تفسیر عتیق یونس بن بکّار از پدرش و پدر او از ابی جعفر محمّد بن علی علیه السّلام در بیان آیه شریفه یا ایّها الّذین آمنوا لا تخونوا اللّه و الرّسول و تخونوا اماناتکم می‌فرماید: در حالی که می‌دانید آل رسول صلی اللّه علیه و آله و اهل بیت آن

حضرت از امانت‌های الهی هستند، به آنان خیانت نکنید». -قرآن-۱۴۳-۲۱۸ [۴۴] و اتّقوا فتنهً لّا تصیبنّ الّذین ظلموا منکم خاصّهً. [انفال ۲۵] و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید. -قرآن-۶-۵۷ [۲۶۹] إبن عباس می گوید: وقتی آیه و اتّقوا فتنهً لا تصیبنّ الّذین ظلموا منکم خاصّهً نازل شد. محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: -قرآن-۳۸-۹۰ من ظلم علیّا مقعدی هذا بعد وفاتی فکأنّما جحد نبوّتی و نبوّهٔ الانبیاء قبلی -روایت-۱-۸۷ هر کسی در حقّ علی علیه السّلام که وصی و جانشین من است در بعد از وفاتم ظلم کند، مثل اینکه است که نبوّت من و جمیع انبیای قبلی را منکر شده باشد [۲۷۰] زبیر بن عوّام نقل می کند، وقتی آیه و اتّقوا فتنهً لا تصیبنّ الّذین ظلموا منکم خاصّهً نازل شد، همه متعجّب شدیم که چه فتنه‌ای فرا خواهد رسید. و چه حادثه عجیبی رخ خواهد داد تا اینکه که آن فتنه را دیدیم که در جنگ جمل رخ داد. -قرآن-۴۷-۹۹ [۲۷۱] عقبهٔ به صهبان گفت از زبیر بن عوّام شنیدم می گفت سال‌ها آیه و اتّقوا فتنهً -قرآن-۸۱-۹۶ [صفحه ۱۰۹] لا تصیبنّ الّذین ... را قرائت می کردم امّا نمی‌دانستم که من از جمله مصادیق آن هستم که اهل فتنه و آشوب می‌شوم -قرآن-۱-۲۲ [۲۷۲] سفیان از جویبر و او از ضحّاک بن مزاحم درباره آیه شریفه و اتّقوا فتنهً لا تصیبنّ الّذین ظلموا منکم خاصّهً می گوید: اینکه آیه برای اصحاب نبی صلی اللّه علیه و آله نازل شد و خبر داد که بعضی بعد از حیات رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فتنه ایجاد می کنند و چنین هم کردند. -قرآن-۷۶-۱۲۸ [۲۷۳] سدیّ از اصحابش نقل می کند: آیه و اتّقوا فتنهً ... به اهل بدر که در رکاب پیامبر صلی اللّه علیه و آله بودند توصیه می کند، گرد فتنه نچرخند، امّا فتنه در جنگ جمل ظاهر شد که همانا بعضی از اهل بدر جزء فتنه‌گران شدند و جنگ و خونریزی بر ضدّ علی علیه السّلام به راه انداختند. -قرآن-۴۳-۶۰ [۲۷۴] حسن بن دینار از حسن و او از زبیر بن عوّام نقل می کند که زبیر یک بار آیه و اتّقوا فتنهً ... تا آخر را در اثنای جنگ جمل قرائت کرد، آن گاه گفت نمی‌فهمیدیم اینکه کلام خدا برای ما فتنه‌گران آمده و ما را توصیه به خویشتن داری کرده است تا اینکه که در جنگ جمل و محاربه با علی علیه السّلام فهمیدیم مورد خطاب کلام خداوند سبحان ما هستیم -قرآن-۹۶-۱۱۳ [۲۷۵] حسن می گوید زبیر بن عوّام گفت ما همدیگر را از فتنه بر حذر می‌داشتیم امّا نمی‌دانستیم کدام یک از ما تخلّف می کند و به دنبال فتنه می‌رود. سپس آیه و اتّقوا فتنهً ... را قرائت کرد. -قرآن-۱۸۱-۱۹۸ بعضی از همراهانش گفتند: سبحان اللّه پس تو را چه شد که جنگ را آغاز می کنی زبیر گفت وای بر شما ما به فتنه آگاهی و بصیرت داریم امّا صبر و شکیبایی نداریم [۲۷۶] شدّاد بن سعید از غیلان بن جریر و او از مطرف نقل می کند که به زبیر گفتم یا ابا عبد اللّه شما حقّ خلیفه عثمان را تضییع کردید تا کشته شد. و اکنون خون او را از علی علیه السّلام مطالبه می کنید. زبیر گفت ما در عهد رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و ابو بکر و عمر آیه و اتّقوا فتنهً لا تصیبنّ را -قرآن-۸۷-۱۱۳ [صفحه ۱۱۰] قرائت می کردیم امّا نمی‌دانستیم اهل فتنه ما هستیم تا اینکه که آن واقعه به دست ما اتّفاق افتاد. [۲۷۷] ضحّاک نقل می کند که إبن عباس درباره اینکه کلام خدا و اتّقوا فتنهً لا تصیبنّ الّذین ... بیان کرد: -قرآن-۷۰-۱۰۴ خدای سبحان اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله را از مقاتله و جنگ با علی بن ابی طالب علیه السّلام بعد از حیات پیامبر بر حذر داشته و منع کرد.«۶۲» -پاورقی-۱۷۵-۱۷۷ [۲۷۹] سدیّ در مصداق آیه و اتّقوا فتنهً لا تصیبنّ الّذین ظلموا منکم خاصّهً گفت اهل فتنه اصحاب جمل بودند که بر ضدّ امیر المؤمنین علی علیه السّلام جنگ جمل را به راه انداختند. -قرآن-۳۱-۸۳ [۲۸۰] ابی عثمان نهدی نقل می کند: علی علیه السّلام را در جنگ جمل دیدم که آیه و ان نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم را تلاوت می کرد و می‌فرمود: -قرآن-۵۹-۹۸ به خدا سوگند، اهل اینکه آیه از بعد نزول تا به امروز مقاتله و جنگ نکردند، مگر امروز و اینکه آیه شامل حال آنان می‌شود که به جنگ ما برخاستند. [۲۸۱] عثمان بن مؤذّن می گوید: یک سال کامل مصاحب امیر المؤمنین علی علیه السّلام بودم آن حضرت در طول اینکه مدت کلامی در دوستی یا بیزاری از سران جمل نفرمود مگر اینکه که از زبان مبارک آن حضرت می‌شنیدم می گفت فلان و فلان

چه عـذری دارنـد؟ آن دو با میل و رغبت و بـدون اکراه بیعت کردنـد، سـپس بـدون دلیل و تقصیری پیمان شکسـتند. به خـدا سوگنـد اهل اینکه آیه و ان نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم قتال نکردند مگر امروز که در مقابل من ایسـتادند.«۶۳ -قرآن-۳۸۵-۴۲۴-پاورقی-۴۸۰-۴۸۲ [صفحه ۱۱۱] [۴۵] و اذ یمکر بک الّذین کفروا لیثبتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون و یمکر اللّه و اللّه خیر الماکرین [انفال ۳۰] و [یاد کن هنگامی را که کافران درباره تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کشـند یا بکشند یا از مکّه اخراج کننـد، و نیرنگ می‌زدنـد، و خدا تدبیر می‌کرد، و خدا بهترین تدبیر کنندگان است -قرآن-۶-۱۱۶ [۲۸۳] إبن عباس در تفسیر کلام خدا و اذ یمکر بک الّذین کفروا ... می‌گوید: طائفه‌ای از قریش مکّه تصـمیم خطرناکی درباره مصطفی صلی اللّه علیه و آله گرفتنـد. تـا آن تصـمیم را در یک شب اجرا کننـد. بعضـی از آنان گفتنـد: محمّـد صـلی اللّه علیه و آله را بکشـیم عده‌ای گفتند: او را از شـهر بیرون کنیم دسته‌ای دیگر گفتند: او را سخت مجازات کنیم -قرآن-۴۲-۶۹ خداوند خبیر، مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله را از نیّات پلید آنان مطّلع گردانید. آن شب مرتضی علیه السّلام در بستر مصطفی جای گرفت تا فـدایی برادرش شود. محمّـد صـلی اللّه علیه و آله از شـهر خارج شـد و در غار پناه گرفت مشـرکین هم خانه را محاصـره کرده سخت از آن مراقبت می‌کردند تا مبادا رسول خدا صـلی اللّه علیه و آله از آن خارج شود غافل از اینکه که علی علیه السّلام در خانه نبی صـلی اللّه علیه و آله آرمیـده است چون در سـحرگاه آن شب علی علیه السّـلام را دیدنـد، فهمیدند، فریب خورده‌اند. پس پرسـیدند: یا علی رفیق و مصاحب تو کجاست علی علیه السّلام فرمود: نمی‌دانم در کجاست آن جماعت مشرک به تعقیب رسول خدا صـلی اللّه علیه و آله شـتافتند، و ردّ پای آن حضرت را تا پای کوه دنبال کردند، وقتی به دهانه غاری که آن جا بود رسـیدند، بر در آن تار عنکبوت را بافته دیدنـد. گفتند اگر محمّد صـلی اللّه علیه و آله داخل غار می‌شد، تار عنکبوت باید از [صفحه ۱۱۲] بین می‌رفت در نهایت از رفتن به داخل غار منصرف شدند، و به بالای کوه شتافتند«۶۴». -پاورقی-۹۴-۹۶ [۲۸۶] عثمـان بـن جزری از مقسم نقـل می‌کنـد که إبن عبـاس در تفسـیر آیه و اذ یمکر بـک الّـذین کفروا ... گفت -قرآن-۸۰-۱۰۷ قریش به مشورت نشستند که چون سـحرگاهان شود، نبی صـلی اللّه علیه و آله را سخت مجازات کنند. اما صبح آن روز، علی علیه السّـلام را در جای رسول صـلی اللّه علیه و آله دیدند. به تعقیب آن حضرت پرداختند تا به غار رسیدند، چون دهنه غار را تـار عنکبوت پوشانـده بود به داخـل غـار نرفتنـد و سه روز در کنار آن غار منتظر ماندنـد. [۲۸۷] عبـد الرّزاق از پـدرش و او از عکرمه درباره کلام خدا و اذ یمکر بک الّذین کفروا ... نقل می‌کند. -قرآن-۷۲-۹۹ زمانی که پیامبر صلی اللّه علیه و آله و ابو بکر به غار پناه بردند، علی علیه السّـلام در بستر رسول خدا صـلی اللّه علیه و آله خوابیده بود و مشـرکین آن شب به حراست و محـافظت بیت پیـامبر مشغول بودنـد و هرگـاه نگاه می‌کردنـد، و به نظرشان می‌رسـید که او در بستر آرمیـده است پس کاری نداشـتند و منتظر بودند تا صـبح شود چون روشـنی صـبح فرا رسـید، ناگهان با علی علیه السّـلام مواجه شدند. پرسیدند: یا علی رفیق و مصاحب تو کجاست علی فرمود: نمی‌دانم خـدا بهتر می‌داند؟ پس با همه امکانات به تعقیب پیامبر صـلی اللّه علیه و آله پرداختنـد ولی او را نیافتند. [۲۸۸] مجاهـد از إبن عباس نقل می‌کنـد: زمانی که قریش در دار الندوه برای رهایی از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله تجمّع کردنـد ابلیس به شـکل شـیخ جلیل القـدری بر آنان عرضه شـد. سـران قریش از همدیگر پرسـیدند: اینکه شیخ کیست او گفت شیخی از اهل نجد [صفحه ۱۱۳] هسـتم چون شنیدم درباره امر مهمّی تصمیم می‌گیرید به حضور رسـیدم گفتند پس داخل شو. در آن روز اشـراف و سـران قریش از همه قبایل حضور داشتند. و هر قبیله برای رهایی از رسالت مصـطفی صلی اللّه علیه و آله و آیین او سخن می‌گفت و پیشنهادی می‌کرد. بعضی گفتند: او را زندانی کنید و به او آب و نان ندهیـد تـا جان دهـد. دیگری گفت او را از شـهر و دیار خویش بیرون کنیم تا به هر جا که می‌خواهـد برود. در آن میان شیخ نجدی [ابلیس برخاست و گفت به خدا سوگند اینکه رأی و اندیشه شـما نیکو نیست مگر حسن کلام و حلاوت گفتار و حسن

خلق و منطق نیکو و غلبه بر قلوب مردم را از او نمی‌بینید؟ اگر او را به هر کجا بفرستید، و به هر سرزمینی تبعید کنید، مردم را به خود جذب و پیروان زیادی جمع‌آوری می‌کند، و امور را از دست شما می‌رباید. از اینکه اندیشه درگذرید. ابو جهل گفت مرا اندیشه و رأی دیگری است قریش گفتند: بیان کن تا بدانیم ابو جهل گفت قبایل ما بسیارند، از هر قبیله جوانی رشید و چالاک انتخاب می‌کنیم و در دست هر یک شمشیری برنده می‌دهیم آنان به صورت گروهی بر محمّد صلی اللّه علیه و آله یورش آورند و هر کدام یک ضربه شمشیر بر او زنند تا از دین و آیین او نجات یابیم اگر قبایل مختلف در خون او شریک باشند. بنو عبد مناف قادر به جنگ با همه قبایل نیستند. پس به ناچار به خون بها، و دیه راضی می‌شوند. شیخ نجدی [ابلیس گفت احسنت بر تو؟ رأی رأی اینکه مرد است با وجود اینکه رأی هیچ تصمیمی مطلوب نیست پس همه قبایل بر اینکه رأی و اندیشه اتّفاق کردند و متفرّق شدند. [صفحه ۱۱۴] در آن هنگام پیک وحی جبرئیل به حضور پیامبر صلی اللّه علیه و آله آمد و از تصمیم خطرناک قریش خبر داد. و گفت یا نبیّ اللّه امشب در بستر خویش نخواب چون شب فرا رسید. آن جماعت مشرک جوانان خویش را بر طبق عهد و میثاقی که بسته بودند در اطراف خانه رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرستادند. تا نقشه خود را عملی کنند. وقتی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله آنان را در گرد خانه خویش دید، به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: یا علی امشب در بستر من بخواب و اینکه جامه سبز را بر روی خود بینداز تا اینکه که هیچ آسیبی به تو نرسد. و آن جامه‌ای بود که نبی صلی اللّه علیه و آله به هنگام خواب بر روی خویش می‌انداخت تا اینجا پایان روایت است امّا یونس بن بکیر از قول إبن اسحاق اینکه مطالب را اضافه کرد و گفت زمانی پیامبر صلی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام را در بستر خویش قرار داد، که آن جماعت نااهل بر در منزل ایستاده بودند در همان هنگام پیامبر صلی اللّه علیه و آله از منزل خارج شد. حضرت به هنگام خروج مشتی خاک از زمین برداشت و بر سر آنان پاشید و با خواندن آیات یس و القرآن الحکیم ... تا فاغشیناهم فهم لا یبصرون منزل را ترک کرد. بدون اینکه که هیچ کسی آن حضرت را ببیند چون صبح فرا رسید، خدای تعالی به رسولش اذن خروج از مکّه را داد و آخرین فردی هم که وارد مدینه شد. علی بن ابی طالب علیه السّلام بود زیرا مصطفی صلی اللّه علیه و آله او را امر فرمود در بسترش بخوابد، و سه روز در مکّه توقّف کند، تا دیون و امانات را مسترد کند، سپس به آن حضرت ملحق شود و او هم چنین کرد. و آیه شریفه در اینکه خصوص نازل شد و مکر کفّار قریش را بدین وسیله دفع کرد. -قرآن-۹۸-۱۲۰-قرآن-۱۳۰-۱۵۸ [صفحه ۱۱۵] [۴۶] و ما کانوا أولیاءه إن اولیاؤه إلّا المتّقون و لکنّ أکثرهم لا یعلمون -قرآن-۶-۸۴ [انفال ۳۴] «آنان را هیچ رابطه دوستی با خدا نیست که دوستان خدا جز اهل تقوا نیستند، ولی بیشترشان نمی‌دانند.» [۲۸۹] قتاده از حسن نقل می‌کند إبن عباس در تفسیر آیه و ما کانوا اولیاؤه ... گفت -قرآن-۶۳-۸۷ یعنی کفّار مکه اولیاء و دوستان پیامبر صلی اللّه علیه و آله نیستند بلکه ان أولیاؤه الّا المتّقون دوستان و اولیای او کسانی هستند که از شرک و گناه کبیره پاک‌اند و از متقین می‌باشند و آنان علی بن ابی طالب علیه السّلام و حمزه و جعفر و عقیل هستند، که دوستان حقیقی و راستین پیامبر صلی اللّه علیه و آله هستند. -قرآن-۸۲-۱۱۰ لکنّ اکثرهم لا یعلمون امّا اکثر آنان نمی‌دانند. -قرآن-۱-۲۶ [۲۹۰] انس بن مالک از خدمتکاران نبی صلی اللّه علیه و آله بود او بیان می‌کند، که پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: «آل محمّد کلّ تقیّ» -روایت-۱-۲۵ اهل بیت محمّد صلی اللّه علیه و آله همگی از پاکان و متقین هستند. [۲۹۱] سدیّ از قول یاران خودش صلی اللّه علیه و آله نقل می‌کند که در بیان آیه ان اولیاؤه الّا المتّقون گفتند مصداق آیه فوق اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله هستند. -قرآن-۹۷-۱۲۵ [۴۷] و اعلموا أنّما غنمتم من شیء فأنّ للّه خمسه و للرّسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و إبن السّبیل [انفال ۴۱] و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و از آن خویشاوندان او و یتیمان و بینوایان است -قرآن-۶-۱۲۱ [۲۹۲] عمرو بن عبد الجبّار بن عمرو می‌گوید: پدرم از علی بن

موسی بن جعفر بن [صفحه ۱۱۶] محمّد صلی اللّه علیه و آله و او از پدرانش تا می‌رسد به علی بن ابی طالب علیه السّلام که آن حضرت فرمود: آیه و اعلموا انّما غنمتم من شیء ... مخصوص ما اهل بیت است و خمس اموال اختصاص به ما دارد. -قرآن-۶-۳۷ و خدای سبحان به سبب کرامت و احترام ما، صدقات را برای ما اهل بیت قرار نداد بلکه برای احترام و اکرام ما، چرک و اوساخ دست مسلمین را از ما دفع کرد و به جای آن خمس را برای ما مقرر فرمود. [۲۹۳] عبد اللّه بن عبید اللّه بن عباس از عکرمهٔ نقل می‌کند، که فاطمه علیها السّلام فرمود: روزی علی و عبّاس و اسامهٔ بن زید در مجلس پدرم رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله حضور داشتند. رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: ای دوستان هر یک از شما چیزی از من درخواست کند. عباس گفت یا رسول اللّه از شما فلان مقدار مال می‌خواهم حضرت فرمود: آن مال از آن تو باشد من گفتم پدر جان فدایت شوم هر چه عموی من عباس تقاضا کرد، به همان اندازه درخواست می‌کنم رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا فاطمه قبول است آن مال تو باشد اسامهٔ بن زید گفت یا رسول اللّه زمین فلان منطقه را به من برگردان حضرت فرمود: برگرداندم آن مال تو باشد آن گاه رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: یا علی تو نیز چیزی بخواه علی علیه السّلام گفت یا رسول اللّه از آن جناب خمس اموال را درخواست می‌کنم رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: خمس از آن تو باشد خدای تعالی آیه و اعلموا انّما غنمتم من شیء فانّ للّه خمسه را نازل کرد. -قرآن-۲۰-۶۹ سپس پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: درباره خمس چنین آیه‌ای نازل شد. علی علیه السّلام فرمود: خمس از آن من است که خداوند متعال برای من آن را واجب کرد. سپس هر چه نیزه سالم و نیزه شکسته را غنیمت گرفته بودند، آوردند، رسول [صفحه ۱۱۷] خدا صلی اللّه علیه و آله ۴/۵ آنها را نگه داشت و بقیه را به علی علیه السّلام واگذار کرد. [۲۹۴] عبد الرّحمان بن ابی لیلی می‌گوید از امیر المؤمنین علی علیه السّلام شنیدم فرمود: روزی به اتفّاق عباس و فاطمه علیها السّلام و زید بن حارثه در حضور مصطفی صلی اللّه علیه و آله نشسته بودیم عباس عموی پیامبر صلی اللّه علیه و آله گفت یا رسول اللّه سن من بالا رفته و استخوان‌هایم سست شده است و خرج زندگی‌ام نیز زیاد است امر فرما تا فلان مقدار از مال و طعام برایم آماده شود. مصطفی صلی اللّه علیه و آله خواهش او را اجابت کرده آنچه خواسته بود برایش مهیا کرد. سپس فاطمه علیها السّلام گفت یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله دستور فرما آنچه برای عمویم عباس در نظر گرفتی برای من نیز فراهم شود. پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: بلی اجابت کردم زید بن حارثه گفت یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله زمینی که امرار معاش فرزندانم از آن بود و از من گرفتی به من برگردان پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: آن زمین از آن تو باشد من عرض کردم یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله مسؤلیّت و تولیت تقسیم حقّم را از خمس که خداوند در کتابش برایم در نظر گرفت در حیاتت مشخّص و معیّن فرما تا بعد از شما کسی در اینکه حقّ با من منازعه نکند. پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: چنین خواهم کرد. و سهم مرا از خمس معین فرمود و در زمان حیات آن حضرت سهم مرا به من تحویل دادند. تا اینکه که ابو بکر حکومت را عهده‌دار شد او نیز سهم مرا به من واگذار کرد. سپس عمر حاکم مسلمین شد، او در آخر عمرش مال زیادی از غنایم به دست آورد. حقّ مرا جدا کرد و برایم فرستاد و گفت یا علی علیه السّلام اینکه حق و سهم توست آن را تحویل بگیر. گفتم با اینکه سهمیه خمس از مردم بی‌نیازیم و مسلمین هم به آن نیازمندند. بعد از آن سال هیچ کس حقّم را از خمس غنایم پرداخت نکرد تا اینکه که به مقام خود رسیدم و [صفحه ۱۱۸] حکومت و ولایت را عهده‌دار شدم عباس عمویم گفت یا علی علیه السّلام از ما حقّی را گرفتند که هرگز به ما بر نخواهد گشت [۲۹۵] مجاهد درباره اینکه کلام خدا فانّ للّه خمسه و للرسول و لذی القربی و .. بیان کرد، لذی القربی اقارب و بستگان نبی صلی اللّه علیه و آله هستند که گرفتن صدقه برای آنان حلال نیست -قرآن-۴۰-۸۷ [۲۹۶] مجاهد در تفسیر آیه شریفه بیان می‌کند، [ذی القربی اقارب و فرزندان رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله هستند چون بر نبی صلی

اللّه علیه و آله و اهل بیت آن حضرت صدقه حلال و مباح نیست خداوند خمس را برای آن بزرگواران قرار داد«۶۵». -پاورقی-۲۷۱-۲۷۳ [۴۸] هو الّذی أیّدک بنصره و بالمؤمنین [انفال ۶۲] او همان بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند کرد. -قرآن-۶-۴۴ [۲۹۹] کلبی از ابی صالح و او از ابی هریرهٔ نقل کرده است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: در شب معراج وقتی به آسمان سیر داده شدم در عرش ملکوتی دیدم نوشته بود لا اله الّا انا وحدی لا شریک لی و محمّد عبدی و رسولی ایّدته بعلّی -روایت-۱-۸۱ خدای واحدی جز من نیست و شریکی ندارم محمّد بنده و رسول من است او را به واسطه علی علیه السّلام تأیید و تقویت کردم و اینکه آیه شریفه هو الّذی ایّدک بنصره و بالمؤمنین همان معنای نوشته بر عرش است -قرآن-۲۳-۶۱ [۳۰۰] انس بن مالک می‌گوید: نبیّ صلی اللّه علیه و آله فرمود: در شب معراج بر ساق عرش مکتوبی دیدم که روی آن نوشته شده است [صفحه ۱۱۹] لا اله الّا اللّه محمّد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله ایّدته بعلی نصرته بعلی -روایت-۱-۱۰۰ خدایی جز اللّه نیست محمّد صلی اللّه علیه و آله رسول من است او را به علی علیه السّلام تأیید کردم و یاری دادم [۳۰۱] انس بن مالک نقل می‌کند: روزی بر مصطفی صلی اللّه علیه و آله گرسنگی شدید عارض شد. جبرئیل از جانب ربّ جلیل به نزد آن حضرت حاضر شد و یک لوزه سبز [چیزی مانند بادام از بهشت تقدیم نبیّ صلی اللّه علیه و آله کرد و گفت یا رسول اللّه آن را بگشا. مصطفی صلی اللّه علیه و آله آن را گشود، مکتوبی دید که روی آن نوشته بود «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم لا اله الّا اللّه محمّد رسول اللّه ایّدته بعلیّ و نصرته بعلیّ». -روایت-۱-۱۱۰ به نام مهربان مهربانان خدایی جز اللّه نیست محمّد رسول من است او را به علی علیه السّلام تأیید کردم و نصرت دادم [۳۰۲] جابر بن عبد اللّه انصاری نقل می‌کند پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: ای یاران و پیروان من بدانید. دو هزار سال قبل از خلقت زمین و آسمان بر در بهشت نوشته بود لا اله الّا اللّه محمّد رسول اللّه ایّدته بعلیّ». -روایت-۱-۶۴ یعنی معبودی غیر از اللّه نیست محمّد رسول خداست من صلی اللّه علیه و آله او را به علی تأیید کردم و یاری دادم «۶۶ -پاورقی-۱۴۰-۱۴۲ [۳۰۴] ابی حمزه ثمالی از سعید بن جبیر و او از ابی حمراء نقل می‌کند که مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: در شب معراج و در سیر و سفر آسمان در سمت راست ساق عرش نوشته‌ای را دیدم که نوشته بود [صفحه ۱۲۰] لا اله الّا اللّه محمّد رسول اللّه ایدّته بعلیّ و نصرته به -روایت-۱-۷۵ هیچ خدایی جز اللّه نیست و محمّد صلی اللّه علیه و آله رسول خداست او را به واسطه علی علیه السّلام تأیید کردم و یاری دادم [۴۹] یا أیّها النّبی حسبک اللّه و من اتّبعک من المؤمنین [انفال ۶۴] ای پیامبر، خدا و کسانی از مؤمنان که پیرو توآند تو را بس است -قرآن-۶-۶۹ [۳۰۵] جعفر بن محمّد صلی اللّه علیه و آله از پدرش در شأن نزول آیه یا ایّها النّبی حسبک اللّه و من اتّبعک من المؤمنین می‌فرماید: -قرآن-۸۱-۱۴۵ اینکه آیه شریفه درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. که از پیروان راستین رسول خدا صلی اللّه علیه و آله بود [۳۰۶] قاسم و عبد اللّه از فرزندان حسین بن زید از پدرشان و پدرشان از ابی جعفر و آن حضرت از پدرش در مورد آیه یا ایّها النّبیّ حسبک اللّه ... فرمود: -قرآن-۱۳۵-۱۶۹ اینکه آیه شریفه در حقّ علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. [۵۰] و أذان من اللّه و رسوله الی النّاس یوم الحجّ الأکبر أنّ اللّه بریء من المشرکین [توبه ۳] و اینکه آیات اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حجّ اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند. -قرآن-۶-۹۹ [۳۰۷] حکیم بن جبیر از علیّ بن حسین علیه السّلام نقل می‌کند: برای علی بن ابی طالب علیه السّلام در کتاب اللّه [قرآن اسم‌های متعددی قرار داده شد که [صفحه ۱۲۱] مردم با آن اسم‌ها بیگانه و ناشناس هستند. عرض کردم یابن رسول اللّه آن اسم‌ها کدام است بیان فرمایید. فرمود: در آیه و اذان من اللّه و رسوله ... به خدا سوگند، علی علیه السّلام اذان در روز حج اکبر است -قرآن-۱۸-۴۶ [۳۰۸] إبن عباس بیان می‌کند بین نبیّ صلی اللّه علیه و آله و قبایل عرب عهد و پیمانی وجود داشت خدای تعالی به پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمان داد تا همه عهد و میثاق را کنار بگذارد. مگر آن قبایلی که نمازهای مکتوب

را به جای می‌آورنـد و زکات مفروض را ادا می‌کننـد. رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله علی علیه السّـلام را فراخواند، هفت آیه متوالی از اول سوره برائت را به او سپرد و امر فرمود تا در عیـد قربان که روز حج اکبر است لغو پیمان با قبایل غیر مسـلمانان را اعلام کنـد و از میثاق خود با آنان بیزاری جویـد. علی علیه السّـلام با شـجاعت تمام و عزم راسـخ و دلی قوی آیات فوق را در سرزمین منی و در کنار جمره بزرگ برای تمام مردم و قبایل قرائت کرد. [۳۰۹] انس بن مالک از خدمتکاران رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نقل می‌کند: مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله هفت آیه اول سوره برائت را به ابو بکر سپرد و او را مأمور کرد تا بر اهـل مکـه و قبایـل اطراف بخوانـد، چـون ابـو بکر به ذو الحلیفه رسـید پیـک مصطفی صـلی اللّه علیه و آله به او رسـید و او را برگرداند، و سـپس آن حضرت فرمود: لا یذهب به الّا رجل من اهل بیتی -روایت-۱-۴۴ باید فردی از اهل بیت من حامل پیام و اجرا کننده فرمان یزدان باشد چون ابو بکر اهل بیت رسول صـلی اللّه علیه و آله نبود پس علی بن ابی طالب علیه السّلام را به سوی مکه اعزام کرد. تـا به نحو احسن و اکمل انجام وظیفه کنـد«۶۷». -پاورقی-۱۸۳-۱۸۵ [۳۱۰] انس بن مالک نقل می‌کند، مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله ابو بکر صـدّیق را بـا آیات برائت عازم مکّه کرد، بعـد از اینکه که مسافتی را طی کرده او را فرا خوانـد، و فرمود: لا ینبغی ان یبلّغ -روایت-۱-۲۷ [صفحه ۱۲۲] الله هذا الّا رجل من اهلی } . سـزاوار و شایسـته است که اینکه ابلاغیه به دست شخصی از اهل بیت من انجام پذیرد. آن گاه علی بن ابی طالب علیه السّلام را احضار فرمود، و آیات برائت را به او سپرد و به جانب مکه روانه کرد. [۳۱۲] سمّاک بن حرب از انس بن مالک روایت می‌کند رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله ابو بکر را برای قرائت آیـات اوّل سوره برائت به جانب مکّه اعزام کرد. بعـد از چنـدی علی علیه السّـلام را احضار و او را برای ابلاـغ آیـات فـوق به مکه مـأمور کرد و فرمود: لاـ یبلّغهـا الاـ رجـل من اهلی -روایت-۱-۳۷ تبلیـغ آیـات سوره برائت صورت نمی‌گیرد مگر توسط فردی از اهـل بیـت من ۶۸». -پاورقی-۷۶-۷۸ [۳۱۵] سـمّاک بن حرب از انس بن مالـک نقل می‌کنـد: مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله اول ابو بکر را برای ابلاغ آیات برائت به جانب مکّه اعزام کرد، سپس او را فرا خواند و آیات را از او گرفته به علی علیه السّـلام واگذار کرد تا در جمع مشـرکین و قبایل اطراف مکه در سـرزمین منی قرائت کند. پیامبر صـلی اللّه علیه و آله فرمود: لاـ یؤدّی عنّی الّـا انـا او رجـل من اهل بیتی . -روایت-۱-۵۸ [۳۱۹] سـمّاک از حنش [جیش و او از علی علیه السّـلام حکایت اعزام به مکّه و قرائت آیات برائت را چنین روایت کرده است که علی علیه السّلام فرمود: به نبی صلی اللّه علیه و آله گفتم یـا رسول اللّه من از نظر سن و ایراد خطبه مناسب اینکه مأموریت بزرگ نیسـتم فرد دیگری را مأمور اینکه کار نمایید. آن بزرگوار فرمود: یا علی به ناچار تو یا من باید اینکه سفر را انتخاب کنیم و اینکه مأموریت مهم را انجام دهیم عرض کردم اگر چنیـن باشـد به خـدمتگزاری آمـاده‌ام و مرا برای اینکه سـفر بفرسـت نـبی صـلی اللّه علیه و آله فرمـود: به سـوی مکّه حرکت کن خـدای سـبحان زبانت را محکم و قلبت را [صـفحه ۱۲۳] آرام کنـد و تو را هادی باشد سـپس دسـتش را بر دهانم گـذاشت و گفت برخیز، به جـانب مکه برو و آیات برائت را برای مشـرکین و مردم بخوان [۳۲۰] عامر شعبی روایت کرد، امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: زمانی که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله مرا در موسم حج برای ابلاغ آیات برائت فرستاد. در روز حج اکبر بپا خاسـتم و گفتم ای مردم آگاه باشـید، بعد از امسال هیچ مشـرکی حق انجام دادن مراسم حج را ندارد. و هیچ کسـی مجاز به طواف عریان نیست ای مردم بدانید، غیر از مسـلمانان کسـی داخل بهشت نمی‌شود. آنان که قبلًا با محمّد صـلی اللّه علیه و آله پیمان بسـتند، میثاقشان تا پایان مـدّت معتبر است آگاه باشـید، «انّ اللّه بریء من المشـرکین و رسوله یعنی خدا و رسول صلی اللّه علیه و آله از مشرکین بیزارند«۶۹». -قرآن-۱۲۸-۱۶۸-پاورقی-۲۴۰-۲۴۲ [۳۲۲] إبن عباس داستان ابلاغ آیات برائت را اینکه گونه بیان می‌کنـد: نبیّ صـلی اللّه علیه و آله ابو بکر را به جانب مکّه فرسـتاد و امر فرمود تا آیات برائت را برای آنان بیان و ابلاغ کند، سـپس علی علیه السّـلام را به دنبال او اعزام کرد. زمانی که ابو بکر در مسـیر راه صدای نعره شتر رسول

اللّه را شنید، گمان کرد، آن حضرت از پشت سر می‌آید چون شتر سوار نزدیک شد، دید علی علیه السّلام است آن حضرت نامه رسول اللّه و آیات برائت را از ابو بکر گرفت هر دو به سوی مکّه رهسپار شدند، ابو بکر در مراسم حج شرکت کرد و علی بن ابی طالب علیه السّلام آیات برائت را با صدای رسا در ایام تشریق در سرزمین منی به سمع قبایل عرب رسانید و به آنان گفت ای مردم رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله از هر مشرکی اعلام برائت می‌کند پس چهار ماه مهلت دارید تا تکلیف خود را مشخّص کنید و از شرک و کفر رهایی یابید. [صفحه ۱۲۴] رسول خدا صلی اللّه علیه و آله می‌فرماید هیچ کسی حق ندارد، عریان به طواف بیت اللّه بپردازد و بدانید سعی و تلاش شما ضایع است و به جز مؤمن به خدا و پیامبر صلی اللّه علیه و آله احدی وارد بهشت نمی‌شود. [۳۲۳] مصعب بن سعد از پدرش سعد چنین نقل می‌کند: نبیّ صلی اللّه علیه و آله ابو بکر را با آیات برائت به سوی مکّه فرستاد، چون او به ضجنان رسید، علی علیه السّلام را در پی وی فرستاد، ابو بکر وقتی صدای شتر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله را شنید، گمان کرد، آن حضرت به جانب مکّه می‌آید. چون نزدیک شد. علی علیه السّلام را مشاهده کرد. علی علیه السّلام آیات سوره برائت را از ابو بکر گرفت و به مکه رفت و برای مشرکین خواند. [۳۲۴] ابو هریرهٔ یا ابو سعید خدری یکی از اینکه دو نقل کرده است که در ابتدا رسول خدا صلی اللّه علیه و آله ابو بکر را برای قرائت آیات برائت به جانب مکّه اعزام کرد، وقتی او به ضجنان رسید، از پشت سر صدای ناقه رسول خدا صلی اللّه علیه و آله را شنید، گمان کرد آن حضرت است چون نزدیک شد علی علیه السّلام را دید که بر شتر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نشسته است و به طرف مکّه می‌آید. ابو بکر پرسید: چه خبر جدید داری علی علیه السّلام فرمود: خیر است رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمان داد تا آیات برائت را من در بین مشرکین بخوانم و تو فقط در مراسم حج شرکت کنی پس هر دو به جانب مکه روان شدند و هر یک طبق دستور نبیّ صلی اللّه علیه و آله وظیفه خود را بپایان بردند، چون برگشتند و به خدمت رسول صلی اللّه علیه و آله رسیدند. ابو بکر پرسید: چه اتفاقی افتاد که سلب مأموریت شدم پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: تو برای ما خیر هستی و مصاحب در غار و مصاحب من در حوض کوثر هستی امّا «انّه لا یبلّغ عنّی غیری او رجل منّی . –روایت–۱–۵۱ چون اینکه مأموریت و ابلاغ آن کار فوق العاده‌ای بود باید یا خودم شخصاً [صفحه ۱۲۵] عهده‌دار آن می‌شدم یا مردی از اهل بیت من آن را انجام می‌داد. [۳۲۵] ابی سعید و ابی هریرهٔ می‌گویند: نبی صلی اللّه علیه و آله ابو بکر را با آیات برائت به مکّه اعزام کرد، او در ضجنان صدای نعره شتر مصطفی صلی اللّه علیه و آله را شنید، چون نگاه کرد، علی علیه السّلام را دید که بر شتر سوار است پرسید: چه شده است علی علیه السّلام گفت خیر است جای نگرانی نیست رسول خدا صلی اللّه علیه و آله مرا برای اعلام برائت فرستاد. ابو بکر از نیمه راه برگشت به حضور پیامبر رسید، پرسید: یا رسول اللّه چه خبر شده است پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: خیر است تو رفیق من در غار بودی و مصاحب من در حوض کوثر هستی امّا اینکه مأموریت با عظمت را باید یا خود یا شخصی از خودم انجام می‌داد. و تو خودی نیستی [۳۲۶] جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرد: نبیّ صلی اللّه علیه و آله بعد از مراجعت از حجّ عمره ابو بکر را به سوی مکّه فرستاد. ما همراه او بودیم در وادی عرج در وقت نماز صبح صدای نعره شتر رسول صلی اللّه علیه و آله را شنیدیم گمان کردیم رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به سوی ما می‌آید، چون شتر نزدیک شد، علی علیه السّلام روی آن شتر سوار بود ابو بکر پرسید: یا علی آیا امیری یا رسولی علی علیه السّلام فرمود: رسولم مصطفی صلی اللّه علیه و آله مرا برای ابلاغ و قرائت آیات برائت به مکّه فرستاده است آن دو به مکه رفتند، روز قبل از ترویه ابو بکر برخاست و در میان جمعیت ایستاد و خطبه‌ای خواند، و از اعمال حج و مناسک آن سخن گفت سپس علی بن ابی طالب علیه السّلام بپاخاست و آیات اوّل سوره برائت را با صدایی رسا برای آن جماعت مشرک قرائت فرمود. [صفحه ۱۲۶] همچنین در روز عرفه و روز عید قربان و روز کوچ کردن در بین جمعیت ایستاد و آیات برائت را برای مشرکین خواند. [۳۲۷]

إبن عباس از مفسرین و از اصحاب رسول اللّه و از یاران علی علیه السّلام نقل می کند که مصطفی صلی اللّه علیه و آله ابو بکر را فراخوانـد و آیات اول سوره برائت را به او سپرد و فرمان داد تا آن آیات را برای مردم شـرکت کننـده در مراسم حـج قرائت کنـد، ابو بکر به قصـد مکّه به راه افتاد و بعد از طی مسافتی جبرئیل به خدمت پیامبر صـلی اللّه علیه و آله رسـید و گفت «انّه لا یؤدّی عنک الّا انت او علیّ». -روایت-۱-۴۹ یا رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله اینکه کار را باید یا خود یا علی علیه السّـلام به پایان برسانیـد و از دیگری پـذیرفته نیست بلافاصـله رسول خـدا صـلی اللّه علیه و آله علی علیه السّـلام را به دنبال ابو بکر برای اعلام برائت به سوی مکّه اعزام کرد. ابو بکر در بین راه صدای نعره شتر نبیّ صـلی اللّه علیه و آله را شنید، چون نگاه کرد علی علیه السّـلام را بر شتر آن حضـرت دید. سؤال کرد یا علی علیه السّـلام در پشت سـرت چه خبر است آیا چیزی درباره من نازل شـد! علی علیه السّـلام فرمود: خیر، نگران نبـاش و لیکن رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله فرموده است که آیـات برائت را به من واگـذار کنی چون اعلام برائت کار تو نیست و پیامبر فرمود: لا یؤدّی عنّی الّا انا او علیّ» -روایت-۱-۴۲ . علی علیه السّلام آن آیات را گرفت و در موسم حج شرکت کرد و با شجاعت و صلابت در میان مشرکین ایستاد و چندین بار و در روزهای متوالی آن آیات را قرائت کرد. [صـفحه ۱۲۷] [۵۱] أ جعلتم سـقایهٔ الحاجّ و عمارهٔ المسـجد الحرام کمن آمن باللّه و الیوم الآخر [توبه ۱۹] آیا سـیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسـجدالحرام را همانند [کار] کسـی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسـین ایمان آورده و در راه خـدا جهاد می کند [نه اینکه دو] نزد خدا یکسان نیسـتند. -قرآن-۶-۸۴ [۳۲۸] شعبی می گوید، آیه شریفه فوق در مورد علی علیه السّـلام و عمویش عبـاس زمانی که با هم گفت و گو می کردنـد نازل شـد« ۷۰». -پاورقی-۱۳۸-۱۴۰ [۳۳۰] وکیع از اسـماعیل بن ابی خالد و او از شـعبی روایت کرده است آیه أ جعلتم سـقایهٔ الحاجّ ... در شأن علی علیه السّلام و عباس نازل شد« ۷۱». -قرآن-۶-۳۲-پاورقی-۸۲-۸۴ [۳۳۲] إبن سیرین روایت خویش را چنین نقل می کند: روزی علی علیه السّلام از مـدینه وارد مکّه شـد، به عمـویش عبّـاس گفت ای عموی رسول خـدا چرا مهـاجرت نمی کنی و به پیـامبر صـلی اللّه علیه و آله ملحق نمی‌شوی عباس گفت عمارت و آبادانی مسجد الحرام و پرده‌داری بیت اللّه را به عهده دارم و اینکه کاری ارجمند است و نمی‌توانم آن را رها کنم و به مـدینه مهاجرت نمایم خدای سبحان در پاسخ عباس آیه شـریفه أ جعلتم سـقایهٔ الحاجّ و عمارهٔ المسـجد الحرام کمن آمن بـاللّه و الیوم الآخر و جاهـد فی سبیـل اللّه لا یسـتوون عنـد اللّه و اللّه لا یهـدی القوم الظّالمین را بر پیـامبرش صـلی اللّه علیه و آله نـازل فرمـود. -قرآن-۴۱-۲۰۶ [۳۳۳] عروهٔ بـن زبیر در شـأن نزول اینکـه آیـه شـریفه چنین نقل می کند: دو تن از بزرگان مکّه به نامهای عباس بن عبد المطلب و شـیبهٔ بن عثمان مسـلمان شدند، امّا به مدینه مهاجرت نکردند تا به رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله ملحق شونـد. البته عبّاس [صـفحه ۱۲۸] مسـئولیّت سقایت و آب دادن حاجیان را به عهده داشت و شـیبه هم پرده‌داری بیت اللّه را عهده‌دار بود روزی عبّاس به جهت داشـتن منصب سـقّایی حاجیان به علی علیه السّـلام فخر فروخت و گفت یا علی علیه السّـلام فضیلت من از تو بیشتر است چون ساقی حاجیان هستم علی علیه السّلام فرمود: برتری و تفضـیل از آن من است چون کلام آن دو بالا گرفت خـدای بزرگ آیه ا جعلتم سـقایهٔ الحاجّ ... را نازل فرمود تا مشـخّص شود کدام برترند. -قرآن-۴۸-۷۴ [۳۳۴] حسن از مفسرین قرآن چنین نقل می کند: آیه أ جعلتم سقایهٔ الحاجّ در مورد علی علیه السّـلام و عبّاس و شیبهٔ بن عثمان هنگامی که با هم احتجاج می کردند، نازل شد. -قرآن-۴-۲۶ [۳۳۵] سدیّ از قول اصحاب و یاران خودش در مورد کلام خـدا أ جعلتم سـقایهٔ الحاجّ حکایت می کنـد. -قرآن-۶۷-۸۹ علی علیه السّـلام و عبّاس و شـیبه هر یک به اعمال خود افتخار می کردند و خود را از دیگری برتر می‌دانسـتند. عبّاس عموی پیامبر صـلی اللّه علیه و آله گفت چون سـاقی حاجیـان هسـتم از شـما بالاتر و برترم علی علیه السّـلام فرمود: با مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله هجرت کردم در کنارش مجاهـدت نمودم بنابراین برتری و تفضـیل از آن من است شـیبه گفت عمران و آبادی مسـجد خـدا با من است چون مسـجد را

فضیلت بسیار است عامر مسجد را نیز فضیلت بی‌کران است خداوند متعال با نزول آیه أ جعلتم سقایهٔ الحاجّ و عمارهٔ المسجد الحرام ... برتری علی علیه السّلام و تفصیل او را بر آن دو نفر اعلام فرمود. -قرآن-۲۹-۷۴ [۳۳۶] إبن عباس در شأن نزول آیه أ جعلتم سقایهٔ الحاجّ ... بیان می‌کند. -قرآن-۳۹-۶۵ عبّاس بن عبد المطلب خود را از علی علیه السّلام برتر می‌دانست او به علی علیه السّلام گفت یا [صفحه ۱۲۹] علی من عمّ رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و ساقی حاجیان هستم با اینکه دو خصیصه از تو برترم شیبه نیز گفت من عمارت و تعمیر مسجد الحرام را به عهده دارم و برتری از آن من است علی علیه السّلام بعد از شنیدن سخنان آن دو گفت من از هر دوی شما برترم چون هم مهاجر الی اللّه و هم مجاهد فی سبیل اللّه هستم -قرآن-۲۴۱-۲۵۸ بعد از اینکه مقال آیه أ جعلتم سقایهٔ الحاجّ نازل شد، یعنی آیا عباس که طبق آیه شریفه سقایهٔ حاجیان را به عهده داشت و شیبهٔ که طبق آیه و عمارهٔ المسجد الحرام عمارت مسجد الحرام را به عهده دارد کمن آمن باللّه و الیوم الاخر ... مثل علی علیه السّلام هستند!؟ هرگز چنین نیست بلکه علی علیه السّلام بر آن دو برتری کامل دارد. -قرآن-۳۱-۵۳-قرآن-۱۵۸-۱۸۰-قرآن-۲۲۲-۲۵۸ [۳۳۷] انس بن مالک روایت کرده است روزی عباس بن عبد المطلب و شیبه کنار هم نشسته بودند و بر شغل و مسؤولیّت خویش فخر می‌فروختند و افتخار می‌کردند، در آن هنگام که علی علیه السّلام از کنارشان عبور کرد، عباس گفت ای فرزند برادرم توقّف فرما. علی علیه السّلام ایستاد، عباس گفت شیبه بر من فخر می‌فروشد و گمان می‌کند شریف‌تر و برتر از من است علی علیه السّلام فرمود: شما چه می‌گویی عباس گفت من می‌گویم چون عموی پیامبر صلی اللّه علیه و آله و وصیّ پدرش و ساقی حاجیان هستم از او برترم سپس علی علیه السّلام به شیبهٔ گفت تو چه می‌گویی و دلیلت چیست شیبه گفت من برترم چون امین خدا بر بیت او هستم و عمارت آن را عهده دارم علی علیه السّلام فرمود: آیا راضی می‌شوید من افتخارات خود را بیان کنم آن دو گفتند: بلی یا علی بیان فرما. علی علیه السّلام فرمود: من از هر دوی شما برتر و فضیلتم بیشتر است چون نخستین ایمان آورنده و مهاجر همراه رسول اللّه و مجاهد فی سبیل اللّه هستم -قرآن-۶۵-۸۲ [صفحه ۱۳۰] سپس هر سه به خدمت مصطفی صلی اللّه علیه و آله رفتند تا فرد برتر را معرّفی فرماید. چون هر یک افتخارات خود را بیان کردند آن حضرت سخنی نفرمود و به منزل خویش رفت بعد از چند روز پیک وحی آیه‌ای را تقدیم رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله کرد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله آن سه تن را احضار و آیه أ جعلتم سقایهٔ الحاجّ تا ده آیه بعدی را برای آنان قرائت فرمود و برتری علی علیه السّلام را بر آنان به ثبت رسانید. -قرآن-۶۴-۸۶ [۳۳۸] عثمان بن سلیمان از إبن بریدهٔ و او از پدرش نقل کرده است در مجلسی شیبهٔ و عباس بن عبد المطلب به یکدیگر تفاخر می‌کردند، از علی علیه السّلام که از کنار آنان می‌گذشت پرسید: به چه چیزی با یکدیگر تفاخر می‌کنید! عبّاس گفت فضیلتی که به من داده شده به احدی عنایت نشده است علی علیه السّلام پرسید: چه موهبتی نصیب تو شده است گفت ساقی حاجیان در موسم حج هستم علی علیه السّلام رو به شیبهٔ کرد و گفت ای شیبهٔ تو چه فضیلت و موهبتی داری شیبه گفت عمارت مسجد الحرام با من است و اینکه فضیلتی عظیم است علی علیه السّلام فرمود: ای شیخین مرا فضیلتی است که شرم دارم آن را بیان کنم آن دو گفتند: آن فضیلت چیست بیان کن علی علیه السّلام فرمود: فضیلت من آن است که شمشیر بر پشت گردن شما دو نفر گذاشتم تا به خدا و رسولش صلی اللّه علیه و آله ایمان آوردید. عبّاس از سخن علی علیه السّلام دلتنگ و ناراحت شد و با همان عصبانیت به حضور پیامبر رفت آن حضرت پرسید: ای عبّاس چه حادثه‌ای تو را ملول کرده است عباس گفت آیا نمی‌بینی طفلی خود را بر ما مقدّم می‌دارد! رسول خدا صلی اللّه علیه و آله پرسید: آن طفل کیست [صفحه ۱۳۱] عباس گفت علی بن ابی طالب علیه السّلام پیامبر علی علیه السّلام را فرا خواند و گفت چرا عمویت عباس را ناراحت و دلتنگ کردی علی علیه السّلام گفت یا رسول اللّه او از حرف حق ناراحت شد. می‌خواهد راضی باشد یا غضبناک شود. در همان اثنا جبرئیل نازل شد و گفت یا رسول اللّه خدای

سبحان بر تو سلام رسانید. و فرمود: اینکه آیه را برای آنان قرائت کن أ جعلتم سقایهٔ الحاجّ و عمّارهٔ المسجد الحرام کمن آمن باللّه و الیوم الآخر و جاهد فی سبیل اللّه لا یستوون عند اللّه -قرآن-۱-۱۲۸ عباس چون اینکه آیه را استماع کرد سه بار گفت راضی شدم و فهمیدم علی بن ابی طالب علیه السّلام را برتری و فضیلتی بسیار است «۷۲ -پاورقی-۱۵۰-۱۵۲ [۵۲] ثمّ انزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین [توبه ۲۶] آن گاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان فرو آورد. -قرآن-۶-۶۲ [۳۴۰] ضحّاک بن مزاحم در شأن نزول آیه ثمّ انزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین گفت اینکه آیه درباره کسانی که در جنگ حنین در کنار مصطفی صلی اللّه علیه و آله ثابت قدم ماندند و متواری نشدند، مثل علی علیه السّلام و عباس و ابو سفیان بن حارث بن عبد المطلب و عدّه قلیلی از بنی هاشم نازل شد. -قرآن-۴۶-۱۰۲ [۳۴۱] صالح بن عبد اللّه ترمذی از حسین بن محمّد و او از مسعودی و مسعودی از [صفحه ۱۳۲] حکم بن عتیبهٔ نقل می‌کند: آیه شریفه ثمّ انزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین بی‌شک برای چهار تن از ثابت قدمان جنگ حنین نازل شد و علی بن ابی طالب علیه السّلام مقاوم‌ترین آن چهار تن است -قرآن-۱۳-۶۹ [۵۳] و السّابقون الأوّلون من المهاجرین و الأنصار و الّذین اتّبعوهم بإحسن رّضی اللّه عنهم و رضوا عنه و أعدّ لهم جنّات تجری تحتها الأنهار خالدین فیها أبداً ذلک الفوز العظیم [توبه ۱۰۰] و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنودند، و برای آنان باغهایی آماده کرده که از زیر [درختان آن نهرها روان است همیشه در آن جاودانه‌اند. اینکه است همان کامیابی بزرگ -قرآن-۶-۱۹۳ [۳۴۲] عبد الرّحمان بن عوف در شأن نزول آیه و السّابقون الاوّلون ... بیان کرد: اینکه آیه در مورد شش تن از قریش که نخستین کسانی بودند که اسلام آوردند، نازل شده است از میان اینکه شش تن اوّلین و سابقه‌دارترین آنان علی بن ابی طالب علیه السّلام است -قرآن-۵۳-۷۹ [۳۴۳] ضحّاک نقل می‌کند إبن عباس در توضیح قول خدای تعالی السّابقون الاوّلون ... بیان کرد. -قرآن-۶۹-۹۳ اینکه آیه شریفه درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام و حمزه سید الشهدا و عمّار و ابو ذر و سلمان و مقداد نازل شد«۷۳». -پاورقی-۱۲۹-۱۳۱ [۳۴۵] سلیم بن قیس نقل می‌کند: [صفحه ۱۳۳] روزی حسن بن علی علیه السّلام ابتدا حمد و ثنای خدا به جا آورد و سپس آیه شریفه السّابقون الاوّلون ... را قرائت فرمود و گفت همان طور که برای سابقین در اسلام و مسلمانی فضیلت و اعتباری است برای پدرم علی بن ابی طالب علیه السّلام فضیلتی بالاتر از سابقه‌داران است زیرا که او اولین آنان است -قرآن-۹۲-۱۱۶ [۳۴۶] إبن عبّاس در شأن نزول آیه السّابقون الاوّلون ... می‌گوید اینکه کلام ربّانی در تحسین و تمجید علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. که در ایمان به خدا و رسول از همه مردم سبقت گرفته بود و به طرف دو قبله نمازگزارد و دوبار بیعت نمود و دوبار مهاجرت کرد. -قرآن-۴۰-۶۴ [۳۴۷] عمر بن ابی سلمهٔ از پدرش نقل می‌کند، که اسامهٔ بن زید گفته است روزی علی علیه السّلام و عبّاس عموی پیامبر صلی اللّه علیه و آله پشت در خانه پیامبر بودند و اجازه ورود می‌خواستند، پیامبر صلی اللّه علیه و آله به من فرمود: آیا می‌دانی برای چه چیزی می‌آیند. عرض کردم خیر یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله حضرت فرمود: امّا من می‌دانم برو در را باز کن هنگامی که آن دو وارد مجلس شدند. علی علیه السّلام پرسید: یا رسول اللّه محبوب‌ترین فرد از اهل بیت شما کیست حضرت فرمود: فاطمه علیها السّلام علی علیه السّلام گفت منظورم از مردان است پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: من انعم اللّه علیه و انعمت علیه -روایت-۱-۴۲ . علی علیه السّلام گفت سپس چه کسی است پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: تو یا علی علیه السّلام عبّاس عموی پیامبر صلی اللّه علیه و آله زبان به اعتراض گشود و گفت یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله عمویت را آخرین نفر قرار دادی پیامبر فرمود: علی علیه السّلام با هجرت از تو سبقت گرفت [صفحه ۱۳۴] [۳۴۸] عمر بن ابی سلمه از پدرش روایت کرد که اسامهٔ بن زید حکایت کرد: روزی داخل مسجد شده با علی علیه السّلام و عباس روبه‌رو شدم آن دو گفتند ای زید؟ از رسول اللّه صلی اللّه

علیه و آله اجازه ملاقات بگیر. به خدمت پیامبر صلی اللّه علیه و آله رسیدم و عرض کردم یا رسول اللّه علی علیه السّلام و عباس پشت در منزل‌اند و اجازه ملاقات می‌خواهند. رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: حاجت‌شان چیست و چه کاری دارند! گفتم یا رسول اللّه نمی‌دانم چه کاری دارند. پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: راست می گویی امّا من می‌دانم چه می‌خواهند. اجازه بده داخل شوند. چون داخل شدند در کنار آن حضرت نشستند. پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: چه مطلبی شما را به اینکه جا آورد! علی علیه السّلام گفت یا رسول اللّه آمدیم تا بپرسیم محبوب‌ترین اهل بیت شما کیست پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: دخترم فاطمه علیها السّلام علی علیه السّلام گفت بعد از فاطمه علیها السّلام چه کسی محبوب‌تر است . پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: من انعم اللّه علیه و انعمت علیه -روایت-۱-۴۲ . علی علیه السّلام پرسید: سپس چه کسی محبوب‌تر است رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: تو یا علی عبّاس گفت یا رسول اللّه عمویت را آخرین نفر قرار دادی پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: ای عباس بن عبد المطلب علی علیه السّلام از تو به جهاتی برتری دارد که از جمله آنها سبقت او در هجرت است [صفحه ۱۳۵] [۵۴] یا ایّها الّذین آمنوا اتّقوا اللّه و کونوا مع الصّادقین [توبه ۱۱۹] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستان باشید. -قرآن-۶-۷۰ [۳۵۰] محمّد بن صلت از پدرش حدیثی را نقل کرد که جعفر بن محمّد علیه السّلام فرمود: اتّقوا اللّه و کونوا مع الصّادقین یعنی با محمّد صلی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام باشید و از آنان جدا نشوید. -قرآن-۱-۳۷ [۳۵۱] کلبی از ابی صالح نقل می‌کند: إبن عباس در شأن نزول آیه شریفه اتّقوا اللّه و کونوا مع الصّادقین گفت اینکه کلام خداوند درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. -قرآن-۸۱-۱۱۸ [۳۵۲] باز هم از طریق روات دیگر از إبن عباس مفسّر قرآن نقل شده است که آیه یا ایّها الّذین آمنوا اتّقوا اللّه و کونوا مع الصّادقین درباره علی علیه السّلام و اصحاب آن بزرگوار نازل شد. -قرآن-۹۳-۱۵۷ [۳۵۳] مفضّل بن صالح از جابر و جابر از ابی جعفر امام باقر علیه السّلام نقل کرده است که آن بزرگوار فرمود: کونوا مع الصّادقین یعنی با آل محمّد صلی اللّه علیه و آله باشید و از آنان جدا نشوید. -قرآن-۱۲۶-۱۴۷ [۳۵۴] ضحّاک از إبن عباس روایت کرد: به طایفه‌ای از انصار سفارش و موعظه شد در جنگ‌ها همراه علی بن ابی طالب علیه السّلام باشند و بر طبق دستورات او تأدیب و تربیت شوند و رسول خدا صلی اللّه علیه و آله نام آن عدّه را معرفی فرمود. [۳۵۵] ابان بن تغلب نقل کرده است ابی جعفر علیه السّلام فرمود: اتّقوا اللّه و کونوا مع الصّادقین یعنی با علی بن ابی طالب علیه السّلام باشید. و دامان او را رها نکنید. -قرآن-۱-۳۷ [۳۵۶] إبن عباس درباره آیه شریفه اتّقوا اللّه و کونوا مع الصّادقین می گوید یعنی با علی علیه السّلام و همراه اصحاب علی باشید و از آنان کناره گیری نکنید. -قرآن-۴۰-۷۷ [۳۵۷] مالك بن انس از نافع نقل می‌کند که عبد اللّه بن عمر در شرح اینکه آیه شریفه [صفحه ۱۳۶] چنین گفت «اتّقوا اللّه یعنی خدای بزرگ به همه اصحاب محمّد صلی اللّه علیه و آله فرمان داد، تقوا پیشه کنند و کونوا مع الصّادقین یعنی همیشه با محمّد صلی اللّه علیه و آله و اهل بیتش باشند و از آنان هرگز جدا نشوند. -قرآن-۱-۱۶-قرآن-۱۱۶-۱۳۹ [۵۵] و اللّه یدعوا إلی دار السّلام و یهدی من یشاء إلی صراط مستقیم [یونس ۲۵] و خدا شما را به سرای سلامت فرا می‌خواند، و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند. -قرآن-۶-۷۶ [۳۵۸] اینکه روایت با سلسله روات طولانی از عبد اللّه بن عباس در تفسیر آیه شریفه چنین نقل شده است که إبن عباس در تفسیر و اللّه یدعوا الی دار السّلام گفت -قرآن-۱۵۳-۱۸۶ یعنی خدای تعالی بندگانش را به جنّت و باغ بهشت می‌خواند. و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم و همچنین مسلمانان را به ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام هدایت و ارشاد می کند. -قرآن-۶۹-۱۰۵ [۳۵۹] فضیل بن زبیر از زید بن علی علیه السّلام در تفسیر آیه و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم نقل می‌کند، خداوند بندگانش را به ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام هدایت و راهنمایی می کند. -قرآن-۷۴-۱۱۰ [صفحه ۱۳۷] [۵۶] أ فمن یهدی إلی الحقّ أحقّ ان یتّبع أمّن لّا یهدّی إلّا ان یهدی فما لکم

کیف تحکمون ۷۴». -قرآن-۶-۱۰۴-پاورقی-۱۰۵-۱۰۷ [۳۶۱] در تفسیر عتیق از إبن عباس نقل شده است در روزگار پیامبر صلی اللّه علیه و آله بین طایفه‌ای خصومت و اختلاف پیش آمد آن جماعت به حضور مصطفی صلی اللّه علیه و آله رسیدند تا بین آنان حکم کند. پیامبر صلی اللّه علیه و آله به بعضی از اصحابش امر فرمود تا قضاوت و حکم کنند. چون آن افراد حکم کردند، آن طایفه تسلیم دادرسی آنان نشدند. سپس پیامبر صلی اللّه علیه و آله به علی علیه السّلام فرمان داد تا بین آن جماعت به عدل حکم کند و اختلاف را خاتمه دهد. چون امیر المؤمنین علی علیه السّلام حکم به انصاف صادر فرمود، همگان از قضاوت او راضی شدند. بعضی از منافقین به متخاصمین گفتند: شما چه قوم بدی هستید؟ فلان کس حکم کرد راضی نشدید امّا به قضاوت علی علیه السّلام تن دادید و تسلیم شدید. خدای عزّ و جل برای کوبیدن منافقین و حقانیت علی علیه السّلام در قضاوت آیه ا فمن یهدی الی الحقّ احقّ ان یتّبع ... را نازل فرمود. به همین سبب است که علی علیه السّلام قضاوتش همیشه مطابق واقع است بدون اینکه که تعلیمی در قضاوت دیده باشد -قرآن-۸۹-۱۳۲ [۳۶۲] ابراهیم بن حیّان از قول ابی جعفر علیه السّلام چنین نقل می‌کند: دو نفر در زمان حکومت عمر برای رفع خصومت به حضورش آمدند. عمر آن دو را نزد علی علیه السّلام فرستاد تا بین آنان قضاوت کند. آن حضرت بین آنها قضاوت و حکم [صفحه ۱۳۸] صادر کرد. شخص محکوم لب به اعتراض گشود و گفت اینکه کیست که بین ما قضاوت کند. من قضاوت او را قبول ندارم عمر از اینکه سخن ناراحت شد، و گریبان او را سخت گرفت و گفت وای بر تو؟ چه می‌دانی اینکه مرد کیست او علی بن ابی طالب علیه السّلام است هذا مولای و مولی کلّ مؤمن فمن لم یکن مولاه فلیس بمومن اینکه آقا مولای من و مولای هر مؤمنی است هر کسی علی علیه السّلام مولایش نباشد مؤمن نیست ؟ [۵۷] و یستنبؤنک أ حقّ هو قل إی و ربّی إنّه لحقّ و ما أنتم بمعجزین [یونس ۵۳] و از تو خبر می‌گیرند، آیا آن راست است بگو آری سوگند به پروردگارم که آن قطعاً راست است و شما نمی‌توانید خدا را درمانده کنید. -قرآن-۳۵۶-۴۲۸ [۳۶۳] یحیی بن سعید از جعفر صادق علیه السّلام و آن حضرت از پدرش بیان فرمود: و یستنبؤنک أ حقّ هو یعنی ای محمّد صلی اللّه علیه و آله اهل مکّه درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام می‌پرسند، آیا او امام است یا نه -قرآن-۱-۲۳ در پاسخ آنان بگو به خدا سوگند، امامت او حق است ۷۵». -پاورقی-۶۱-۶۳ [صفحه ۱۳۹] [۵۸] قل بفضل اللّه و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر ممّا یجمعون -قرآن-۶-۷۰ [یونس ۵۸] بگو: به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان باید شاد شوند. و اینکه از هر چه گرد می‌آورند بهتر است [۳۶۵] إبن عباس ۷۶» -پاورقی-۱۹-۲۱-قرآن-۸۶-۱۱۲ بفضل اللّه یعنی نبیّ صلی اللّه علیه و آله و برحمته یعنی علی علیه السّلام منظور نظر است -قرآن-۱-۱۲-قرآن-۵۳-۶۲ [۵۹] ألا انّ أولیاء اللّه لا خوف علیهم و لا هم یحزنون [یونس ۶۲] آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند. -قرآن-۶-۶۶ [۳۶۶] ابو هریرهٔ نقل می‌کند رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: در بین بندگان خدا کسانی هستند که دارای مقام والا و آبروی بالا هستند، انبیا به مقام آنان غبطه می‌خورند. آنان بدون مال و دارایی دنیا، محبوب قلوب انسان‌ها هستند. دارای چهره‌های نورانی و قلوبی مطمئن هستند، در جایی که خلایق را خوف و ترس است آنان اندوهی در دل ندارند، و هنگامی که انسان‌ها محزون شوند حزنی در دل آنان نیست آیا می‌دانید! آنان چه کسانی هستند! گفتند یا رسول اللّه آنان کیستند، بیان فرمایید تا بشناسیم رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: علی علیه السّلام حمزه سید الشهدا، جعفر و عقیل از آن کسان هستند [صفحه ۱۴۰] سپس آیه شریفه الا انّ أولیاء اللّه لا خوف علیهم و لا هم یحزنون را قرائت فرمود. -قرآن-۱۸-۷۸ [۶۰] و أن استغفروا ربّکم ثمّ توبوا الیه یمتّعکم متاعاً حسناً الی اجل مسمّیً و یؤت کلّ ذی فضل فضله [هود/ ۳] و اینکه که از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید، تا اینکه که شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معیّن بهره‌مند سازد، و به هر شایسته‌ای نعمتی از کرم خود عطا کند. -قرآن-۶-۱۱۳ [۳۶۷] در کتاب فهم قرآن متعلق به جعفر بن محمّد علیه السّلام در ذیل

آیه و یؤت کلّ ذی فضل فضله بیان فرمود: ذی فضل همان امیر المؤمنین علی علیه السّلام است -قرآن-۹۱-۱۱۷-قرآن-۱۳۱-۱۳۹ [۶۱] فلعلّک تارک بعض ما یوحی الیک و ضائق به صدرک ان یقولوا لولا انزل علیه کنز او جاء معه ملک انّما انت نذیر و اللّه علی کلّ شیء وکیل [هود/ ۱۲] و مبادا برخی از آنچه به تو وحی می‌شود ترک گویی و سینه‌ات بدان تنگ شود که می‌گویند: چرا گنجی بر او فرستاده نشده یا فرشته‌ای با او نیامد! تو فقط هشدار دهنده‌ای و خدا بر هر چیزی نگهبان است - قرآن-۶-۱۵۹ [۳۶۸] جابر بن ارقم از قول برادرش زید بن ارقم چنین نقل می‌کند: جبرئیل امین در بعدازظهر روز عرفه در سرزمین عرفات خبر ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام را به مصطفی صلی اللّه علیه و آله اعلام و ابلاغ کرد. آن حضرت از جهت انکار طایفه‌ای از منافقان و اهل افترا و تهمت نگران و دلتنگ بود [صفحه ۱۴۱] حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله جماعتی از اصحاب نزدیک و صمیمی را برای مشورت فرا خواند که از جمله آنان من بودم ما نمی‌دانستیم به نبی صلی اللّه علیه و آله چه جوابی بدهیم در آن میان پیامبر صلی اللّه علیه و آله گریان شد. جبرئیل گفت ای رسول خدا آیا از فرمان خدای عزّ و جلّ جزع و بی‌تابی می‌کنی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: هرگز اینکه چنین نیست بلکه پروردگار من آگاه است و می‌داند از قبایل قریش چه مشکلاتی را تحمّل کردم آنان رسالت و نبوّت مرا نپذیرفتند تا خدایم مرا امر به جهاد و جنگ با آنان کرد و با سربازانی از آسمان مرا نصرت داد تا از ترس شمشیر اقرار به رسالتم کردند، اکنون چگونه اقرار و اعتراف به ولایت علی علیه السّلام می‌کنند!؟ جبرئیل به آسمان رفت و سپس بازگشت و آیه فلعلّک تارک بعض ما یوحی الیک و ضائق به صدرک را قرائت کرد. -قرآن-۴۶۳-۵۱۶ [۳۶۹] محمّد بن عمر از عبادهٔ حدیثی را از جعفر بن محمّد علیه السّلام نقل کرد که او از پدر بزرگوارش چنین نقل کرده که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: از پروردگارم درخواست کردم تا بر اخلاص قلب علی علیه السّلام بیفزاید، و پشتیبان و مددکار او در هر ناملایمات باشد خداوند منّان بر من منّت گذاشت و اینکه خواهش مرا اجابت فرمود. مرد جاهلی چون اینکه سخن را شنید گفت اگر محمّد صلی اللّه علیه و آله یک صاع خرما از خدایش طلب می‌کرد، بهتر و نیکوتر بود چون اینکه خبر به نبیّ صلی اللّه علیه و آله رسید، دلتنگ شد. بلافاصله جبرئیل آیه فلعلّک تارک بعض ما یوحی الیک و ضائق به صدرک را بر پیامبر صلی اللّه علیه و آله قرائت کرد و به حضرت تسکین خاطر داد. -قرآن-۲۳-۷۶ [۳۷۰] حاکم حسکانی می‌گوید در تفسیر عتیق روایتی را از طریق جابر بن یزید از ابی جعفر محمّد بن علیّ علیه السّلام دیدم آن روایت چنین بود [صفحه ۱۴۲] رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: از خدای خویش برادری و دوستی علی بن ابی طالب علیه السّلام را خواسته بودم پروردگارم همان دم آنچه را خواسته بودم اجابت فرمود. مردی از قریش چون دعای مرا در حق علی علیه السّلام شنید گفت به خدا سوگند یک صاع خرما در نزد ما بهتر است از آنچه محمّد صلی اللّه علیه و آله از خدای خویش خواسته است چون سخن آن مرد قریشی به پیامبر صلی اللّه علیه و آله رسید، بر او سخت گران آمد و دلتنگ شد. خدای سبحان آیه فلعلّک تارک بعض ما یوحی الیک و ضائق به صدرک ... را برای تسکین و شاد کردن آن حضرت فرستاد. -قرآن-۱۷-۷۰ [۳۷۱] ابی جارود از ابو جعفر علیه السّلام حدیثی را از پیامبر صلی اللّه علیه و آله نقل کرده است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: «سالت ربّی مواخاهٔ علیّ و موازرته و اخلاص قلبه و نصیحته فاعطانی -روایت-۱-۷۴ از خدای خویش برادری علی و پشتیبانی او و اخلاص قلبش و نصیحتش را درخواست کردم پس آنچه از پروردگار خواستم به من عطا فرمود. مردی از قریش چون اینکه سخن را شنید گفت عجب دارم از محمّد صلی اللّه علیه و آله که چنین دعاهایی می‌کند، و اللّه یک صاع خرما در نزد ما محبوب‌تر از آنچه او خواسته است ای مردم پس چرا محمّد صلی اللّه علیه و آله دعا نکرد تا فرشته و ملکی او را در مقابل دشمنانش یاری دهد. یا طلا و نقره طلب نکرد تا با آن قوی شود و بر دشمنانش غالب گردد. چون اینکه سخنان بیهوده به گوش رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رسید، ملول و غمگین

شد. و آن گاه خدای سبحان آیه فلعلّک تارک بعض ما یوحی الیک ... تا آخر آیه را بر آن بزرگوار نازل فرمود. -قرآن-۳۰-۶۴ با شنیدن آیه شریفه قلب مبارک مصطفی صلی اللّه علیه و آله تسلّی یافت و شاد شد. [صفحه ۱۴۳] [۶۲] أ فمن کان علی بیّنهٔ من ربّه و یتلوه شاهد منه [هود/ ۱۷] آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و شاهدی از [خویشان او پیرو آن است -قرآن-۶-۶۱ [۳۷۲] عبّاد بن عبد اللّه حدیثی را نقل کرد و گفت امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: منظور از أ فمن کان علی بیّنهٔ من ربّه رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله است که با بیّنه و برهان از جانب ربّ کریم به رسالت برگزیده شد. -قرآن-۱۱-۴۶ و و یتلوه شاهد منه منظور از شاهد من هستم که آیه شریفه مرا به عنوان شاهد ذکر فرمود«۷۷». -قرآن-۲-۲۱-پاورقی-۹۸-۱۰۰ [۳۷۳] عبّاد بن عبد اللّه می‌گوید در کنار امیر المؤمنین علی علیه السّلام در سرزمین رحبه حضور داشتم مردی از جا برخاست و گفت یا امیر المؤمنین رأی و نظر شما در تفسیر آیه أ فمن کان علی بیّنهٔ من ربّه و یتلوه شاهد منه چیست -قرآن-۲۰۶-۲۶۱ علی علیه السّلام فرمود: قسم به خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد مثل ما، اهل بیت پیامبر صلی اللّه علیه و آله در میان شما مثل سفینه نوح در میان قومش و مانند باب حطّهٔ در بین بنی اسرائیل است امّا آیه أ فمن کان علی بیّنهٔ من ربّه و یتلوه شاهد منه را که قرائت کردی بدان که در اینکه آیه رسول خدا صلی اللّه علیه و آله بیّنه و برهان ربّ جلیل است و من پیرو او و شاهد از جانب رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله هستم -قرآن-۱۱-۶۶ [۳۷۷] ابی طفیل نقل می‌کند: روزی علی بن ابی طالب علیه السّلام بر منبر کوفه خطبه‌ای بلیغ ایراد فرمود. إبن کوّاء از میان جمعیت برخاست و گفت یا علی علیه السّلام آیا آیه‌ای در شأن تو نازل شده است که [صفحه ۱۴۴] احدی با تو در آن شریک نباشد! امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: آیا آیه شریفه أ فمن کان علی بیّنهٔ من ربّه و یتلوه شاهد منه را قرائت کردی -قرآن-۵۸-۱۱۳ بدان طبق اینکه کلام خدا نبیّ صلی اللّه علیه و آله بیّنه پروردگار بر آدمیان است و من شاهد او هستم [۳۷۸] جابر جعفی از طریق عبد اللّه بن نجیّ نقل کرده است که امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: ای مردم من نه گمراه شدم و نه موجب گمراهی کسی را فراهم کردم هرگز عهدی که از من گرفته شد فراموش نکردم من بر بیّنه‌ای که خدای تعالی آن را بر نبیّ صلی اللّه علیه و آله قرار داد هستم و بدانید من بر طریق واضح و صراط بیّن هستم [۳۷۹] عبد اللّه بن نجیّ گفت از علی علیه السّلام شنیدم فرمود: و اللّه تا به حال نه دروغ گفتم و نه دروغ شنیدم هرگز در شبهه نیفتادم و هیچ‌گاه نسیان و فراموشی بر من عارض نشد. بدانید من بیّنه‌ای هستم که خدای تعالی برای نبی صلی اللّه علیه و آله بیان فرمود. من بر طریق آشکار و صراط مبین هستم «۷۸ -پاورقی-۱۴۱-۱۴۳ [۳۸۱] از إبن عبّاس مفسّر مشهور درباره قول خدای تعالی أ فمن کان علی بیّنهٔ من ربّه ... سؤال شد. -قرآن-۶۴-۹۹ إبن عبّاس در پاسخ گفت مصطفی صلی اللّه علیه و آله بیّنه خدای بزرگ بر بندگان است و علی علیه السّلام شاهد بر آن است [۳۸۲] کلبی از ابی صالح روایت کرد، إبن عباس در توضیح آیه شریفه أ فمن کان علی بیّنهٔ من ربّه و یتلوه شاهد منه گفت -قرآن-۷۸-۱۳۳ رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله بیّنه پروردگار است و علی علیه السّلام شاهد از طرف اوست [صفحه ۱۴۵] [۳۸۳] انس بن مالک درباره کلام خدای تعالی أ فمن کان علی بیّنهٔ من ربّه چنین توضیح می‌دهد که منظور از بیّنه رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله است و منظور از شاهد در یتلوه شاهد منه علی بن ابی طالب علیه السّلام است -قرآن-۵۱-۸۶-قرآن-۲۰۱-۲۱۸ به خدا سوگند که علی علیه السّلام زبان گویای نبیّ صلی اللّه علیه و آله در فسخ پیمان با مشرکین مکه بود که آیات برائت را با شهامت و صلابت تمام در مراسم حج بر مشرکین قرائت فرمود. [۳۸۴] حبیب بن یسار حدیثی را نقل کرد که زاذان از هم عصران علی علیه السّلام گفته است امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: لو ثنیت لی الوسادهٔ فجلست علیها لحکمت بین اهل التوراهٔ بتوراتهم و بین اهل الانجیل بانجیلهم و بین اهل الزّبور بزبورهم و بین اهل الفرقان بفرقانهم بقضاء یزهر یصعد الی اللّه ...». -روایت-۱-۲۰۴ اگر کرسی برایم گذاشته شود تا بر آن بنشینم و برای خلایق

حکم کنم می‌توانم در بین اهـل تورات طبق قـانون تورات و در میـان پیروان انجیل به کتاب انجیل و در بین طرفـداران زبور به کتاب زبور و در بین پیروان فرقان به قرآن قضاوت و حکم کنم به خـدا سوگنـد، هر آیه‌ای که در شب یا روز در بیابان یا کوه در خشـکی یـا دریـا نازل شـده است به انـدازه‌ای درباره آن آیات مرا علم و عرفان است که می‌دانم در چه روز و ساعت و در شأن چه کسی نازل شده است هیچ مرد قریشی نیست مگر اینکه که در کتاب خدا جایگاه او را که در نار یا نور است مشخّص کرده است در اینکه میـان مردی برخـاست و پرسـید: یـا امیر المؤمنین چه آیه‌ای در شـأن تو نـازل شـده است علی علیه السّـلام فرمود: آیه أ فمن کان علی بیّنـهٔ من ربّه و یتلوه شاهد منه را حتماً قرائت کردی -قرآن-۳۳-۸۸ بدان محمّد صلی اللّه علیه و آله بیّنه خدای سبحان است و من شاهد از طرف او و پیروی کننده حکمت و آثار او هستم [۳۸۵] حدیث قبلی از طریق ابو جارود چنین نقل شده است که علی علیه السّلام فرمود: اگر به [صفحه ۱۴۶] قضاوت بین خلایق بنشینم بین اهل انجیل به انجیل و بین اهـل تورات به تورات و بین اهـل زبور به زبور و بین امت محمّـد صـلی اللّه علیه و آله به قرآن قضـاوت می‌کنم به گونه‌ای که ذره‌ای خطا نداشته باشد مردی از میان جمعیت برخاست و گفت یا علی علیه السّـلام چه آیه‌ای در شأن تو نازل شده است امیر المؤمنین علی علیه السّـلام فرمود: آیه أ فمن کان علی بیّنهٔ من ربّه و یتلوه شاهد منه در شأن من و مصـطفی صلی اللّه علیه و آله نازل شـد که رسول خـدا بیّنه خـدای سبحان است و من شاهد از جانب مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله هسـتم -قرآن-۵۰-۱۰۵ [۳۸۶] بـاز از ابو جـارود از حبیب بن یسـار و او از زاذان دو روایت قبلی را از طریق راویان دیگری اینکه گونه نقل کرده اسـت روزی علی علیه السّـلام فرمود: اگر بخواهم بین ملل مختلف و ادیان متعـدد بر طبق کتاب آسـمانی آنان حکم کنم قادرم چنین کنم حتی در مورد کلاـم ربّانی و آیات قرآنی می‌توانم بگویم کـدام آیه در شب یا روز و چه آیه‌ای در دشت یا دمن و کـدام آیه در دریـا یـا خشـکی نـازل شـده است حتی مرا معرفت آن گونه است که شأن نزول همه آیات را می‌توانم بیان کنم خـدای تعـالی مرا تـا آن جـا علم عنـایت فرمود که بتوانم بگویم مردان و زنـان قریش بر طبق کـدام آیات به بهشت یا جهنّم سوق داده می‌شوند. چون سـخن بدین جا رسید مردی از آن میان برخاست و گفت یا امیر المؤمنین کدام آیه در حقّ شما نازل شده است علی علیه السّـلام فرمود: در آیه أ فمن کان علی بیّنهٔ من ربّه و یتلوه شاهد منه مصطفی صلی اللّه علیه و آله بیّنه الهی است و من شاهد از طرف مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله هسـتم -قرآن-۴۰-۹۵ [۳۸۷] إبن عبّاس در توضـیح آیه شـریفه فوق می‌گوید: و یتلوه شاهـد منه شاهـد در اینکه آیه فقط علی بن ابی طالب علیه السّـلام است -قرآن-۱-۱۹ [صفحه ۱۴۷] [۶۳] و انّا لموفّوهم نصـیبهم غیر منقوص [هود/ ۱۰۹] و مـا بهره ایشان را تمام و ناکاسـته خواهیم داد. -قرآن-۶-۴۳ [۳۸۸] کلبی از ابی صالـح نقل کرده است که إبن عبّـاس مفسّـر قرآن در توضـیح کلام خداونـد بزرگ و انّا لموفّوهم نصـیبهم غیر منقوص بیان کرد: منظور و مقصود آیه شـریفه بنی هاشم هستند که خداوند در آیه شریفه می‌فرماید سهم و نصیب بنی هاشم را بدون کم و کاست تحویل می‌دهم -قرآن-۱۰۸-۱۴۵ [۶۴] فلو لا کان من القرون من قبلکم اولوا بقیّهٔ ینهون عن الفساد فی الارض [هود/ ۱۱۶] پس چرا از نسل‌های پیش از شـما خردمنـدانی نبودنـد که [مردم را از فساد در زمین باز دارند! -قرآن-۶-۸۸ [۳۸۹] زیاد مـدینی از زید بن علی علیه السّـلام در شأن نزول آیه شـریفه بالا چنین می‌گوید: فلو لا کان من القرون من قبلکم ... در شأن ما خاندان رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل شـده است -قرآن-۱۰۲-۱۴۱ [۶۵] قل هذه سبیلی أدعوا الی اللّه علی بصیرهٔ انا و من اتّبعنی [یوسـف ۱۰۸] بگو: اینکه است راه من ، که من و هر کسـی پیروی‌ام کرد با بینایی به سوی خـدا دعوت می‌کنیم و منزّه است خـدا و من از مشرکان نیستم -قرآن-۶-۷۳ [۳۹۰] عبد الحمید از ابی جعفر علیه السّـلام نقل کرده است که آن حضـرت فرمود: آیه شریفه قـل هـذه سبیلی ادعوا الی اللّه علی بصـیرهٔ انا و من اتّبعنی در حقّ -قرآن-۱۳-۸۰ [صفحه ۱۴۸] امیر المؤمنین علی علیه السّـلام نازل شد. اگر اینکه آیه نازل نمی‌شد، شـفاعت جدّم شامل هیچ کسی نمی‌شد. [۳۹۷۹] احمد بن محمّد بن ابی نصر از ثعلبهٔ بن

میمون نقـل می‌کنـد که نجم می‌گویـد: از ابی جعفر علیه السّلام در تفسیر آیه قل هـذه سبیلی ... و من اتّبعنی سؤال کردم آن بزرگوار فرمود: من اتّبعنی یعنی هر کسـی از علی علیه السّلام اطاعت و متابعت کند.«۷۹ -قرآن-۱۴۱-۱۷۷-قرآن-۲۱۱-۲۲۶-پاورقی-۲۹۳-۲۹۵ [۳۹۳] سلّم الحذّا از زید بن علی علیه السّلام نقل کرد که از مصطفی صلی اللّه علیه و آله شنیدم در تفسیر آیه قل هذه سبیلی ادعوا الی اللّه علی بصیرهٔ انا و من اتبّعنی فرمود: من و اهل بیتم مصداق اینکه آیه شریفه هستیم که یکی پس از دیگری امامت را به عهـده می‌گیرند و شـما را به سبیل اللّه فرا می‌خوانیم -قرآن-۱۳۳-۲۰۰ [۳۹۴] از ابان بن تغلب نقل شده است که جعفر بن محمّد صلی اللّه علیه و آله در تفسیر آیه ادعوا الی اللّه علی بصیرهٔ فرمود: -قرآن-۱۱۳-۱۴۳ به خدا سوگند منظور از آیـه ولایـت مـا اهـل بیـت مصطفی صلی اللّه علیه و آله است که جز گمراهـان و ضـالّین کسـی ولایـت مـا را منکر نمی‌شود. و علی علیه السّلام را جز ضالّین و گمراهان کسـی عیب‌جویی نمی‌کنـد. [۶۶] و فی الإرض قطع متجاورات و جنّات من أعناب و زرع و نخیل صـنوان و غیر صـنوان [رعد/ ۴] و در زمین قطعـاتی است کنـار هم و باغ‌هایی از انگور و کشتزارها و درختـان خرمـا، چه از یـک ریشه و چه از غیر یـک ریشه که با یک آب سـیراب می‌شونـد، و با اینکه همه برخی از آنها را در میـوه از حیـث مزه و نـوع و کیفیـت بر برخی دیگر برتری می‌دهیم -قرآن-۶-۹۳ بی‌گمـان در اینکـه [امر نیز] برای مردمی که تعقل می‌کنند دلایل [روشنی است [صفحه ۱۴۹] [۳۹۵] جابر بن عبد اللّه الانصاری صحابی معروف پیامبر صلی اللّه علیه و آله گفت در حضور مصطفی صلی اللّه علیه و آله بودم دیدم آن حضرت به امیر المؤمنین علی علیه السّلام رو کرد و فرمود: « یا علی النّاس من شجرهٔ شتّی و انا و انت من شجرهٔ واحدهٔ.» -روایت-۱-۷۲ یا علی مردم از درختان پراکنده و مختلف‌اند امّا من و تو از شـجره واحد هستیم سپس مصطفی صلی اللّه علیه و آله آیه و جنّات من اعناب و زرع و نخیل صنوان و غیر صنوان یسقی بماء واحـد را قرائت فرمود. -قرآن-۴۵-۱۱۸ [۳۹۶] هارون عبـدی نقل کرد از ابو سـعید خدری که از اصـحاب نزدیک رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله است درباره مقام و منزلت علی بن ابی طالب علیه السّلام پرسیدم ابو سعید خدری گفت روزی در نزد رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله بودم از آن حضـرت شـنیدم فرمود: «خلق النّاس من اشـجار شتّی و خلقت انـا و علیّ من شـجرهٔ واحـدهٔ فانـا اصـلها و علیّ فرعهـا فطوبی لمن اسـتمسک باصـلها و اکل من فرعها.» -روایت-۱-۱۴۱ مردم از اشـجار مختلـف و متعدّدند امّا من و علی از درخت واحد هستیم من اصل درختم و علی فرع آن است خوشا به حال کسـی که به اصل چنگ زند و از فرعش تناول کند. [۳۹۷] جابر بن عبد اللّه انصاری می‌گوید: در سـرزمین عرفات در کنار رسول خدا صـلی اللّه علیه و آله بودم که علی علیه السّلام دورتر از مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله ایسـتاده بود رسول اللّه فرمود: یـا علی نزدیـک‌تر بیا و خمس خود را در خمس من در آمیز آن گاه فرمود: « یا علیّ؟ خلقت انا و انت من شـجرهٔ، انا اصـلها و انت فرعها و الحسن و الحسـین اغصانها، یا علی من تعلّق بغصن منها ادخله اللّه الّجنّهٔ.» -روایت-۱-۱۵۷ یا علی من و تو از درخت واحـد هستیم من اصل و تو فرع آن هستی حسن و حسـین علیه السّلام شاخه‌های آن درخت‌اند، ای علی هر کسی به شاخه اینکه درخت چنگ زند خدای بزرگ او را وارد بهشت می‌کند. [صـفحه ۱۵۰] [۶۷] انّما انت منـذر و لکلّ قوم هاد [رعد/ ۷] تو فقط هشدار دهنده‌ای و برای هر قومی رهبری است -قرآن-۶-۳۸ [۳۹۸] سعید بن جبیر از إبن عبّاس روایت کرد. هنگامی که آیه انّما انت منذر و لکلّ قوم هاد نازل شد. رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: من منذر و علی علیه السّلام هادی بعد از من است -قرآن-۷۱-۱۰۳ سپس دست خود را بر سـینه علی علیه السّلام گـذاشت و بار دیگر فرمود: یا علی انت الهادی بعـدی یا علی بک یهتـدی المهتدون -روایت-۱-۶۸ تو هادی امت بعـد از من هستی به سـبب تو تشـنگان هـدایت و جویندگان حقیقت هدایت می‌یابند. [۳۹۹] عطاء بن سائب از سـعید بن جبیر نقل کرده است إبن عباس پسر عمّ رسول اللّه درباره آیه فوق گفت وقتی پیامبر صلی اللّه علیه و آله آیه انّما انت منذر و لکلّ قوم هاد را دریافت کرد. با دست به سینه خویش اشاره کرد و فرمود: -قرآن-۱۶۸-۲۰۰ «انا المنذر» -

روایت-۱-۱۵ یعنی من منذر امت هستم سپس با دست به علی علیه السّلام اشاره کرد و فرمود: « یا علیّ؟ بک یهتدی المهتدون بعدی -روایت-۱-۴۵ یا علی به وسیله تو طالبان حقیقت هدایت می‌یابند«۸۰». -پاورقی-۶۰-۶۲ [۴۰۱] سعید بن جبیر از قول إبن عباس نقل کرد وقتی آیه انّما انت منذر ... نازل شد. -قرآن-۶۵-۸۰ رسول خدا صلی اللّه علیه و آله ابتدا دست خود را به روی سینه‌اش گذاشت و فرمود من منذر برای بندگان خدا هستم سپس با دست به کتف علی علیه السّلام اشاره کرد و فرمود: « یا علیّ؟ بک یهتدی المهتدون . -روایت-۱-۴۰ ای علی به واسطه تو تشنگان حقیقت هدایت می‌شوند.«۸۱ -پاورقی-۵۷-۵۹ [۴۰۳] سعید بن جبیر از إبن عبّاس صحابی پیامبر صلی اللّه علیه و آله نقل می‌کند: [صفحه ۱۵۱] از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله شنید فرمود در شب معراج هر درخواست و دعایی کردم همه به اجابت رسید و ربّ جلیل همه درخواست‌های مرا به من عطا فرمود. همچنین از پشت سر شنیدم منادی ندا سر داد و گفت « یا محمّد؟ انت منذر و لکلّ قوم هاد -روایت-۱-۴۴ » . گفتم من منذر امّت هستم پس هادی چه کسی است ندا آمد، علی هادی و مهتدی است و رهبر امّت به سوی بهشت رضوان است [۴۰۴] إبن عباس در تفسیر آیه و لکلّ قوم هاد بیان کرد: -قرآن-۳۶-۵۲ منظور از هادی در آیه شریفه علی بن ابی طالب علیه السّلام است که هدایت امت محمّد صلی اللّه علیه و آله را بعد از او به عهده می‌گیرد. [۴۰۵] ابی برزه می‌گوید: از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله شنیدم آیه شریفه انّما انت منذر را قرائت کرد و دست به روی سینه خویش گذاشت سپس ادامه آیه و لکلّ قوم هاد را تلاوت کرد و با دست به علی بن ابی طالب علیه السّلام اشاره کرد و فرمود: هادی قوم من اوست -قرآن-۶۳-۷۸-قرآن-۱۴۹-۱۶۵ [۴۰۶] سعید بن مسیّب از ابی هریرهٔ نقل کرد. انّما انت منذر یعنی رسول اللّه که منذر امت است امّا از ادامه آیه و لکلّ قوم هاد از مصطفی صلی اللّه علیه و آله پرسیدم منظور چه کسی است آن حضرت فرمود: هادی و هدایت‌گر اینکه امت علی بن ابی طالب علیه السّلام است ۸۲». -قرآن-۵۰-۶۵-قرآن-۱۳۱-۱۴۷-پاورقی-۳۰۹-۳۱۱ [۴۰۷] ابی برزهٔ اسلمی گفت رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله آیه انّما انت منذر را قرائت کرد و با دست به سینه خود اشاره کرد یعنی من منذرم و سپس ادامه آیه و لکلّ قوم هاد را قرائت کرد و اشاره به علی بن ابی طالب علیه السّلام کرد«۸۳». -قرآن-۴۷-۶۲-قرآن-۱۵۷-۱۷۳-پاورقی-۲۴۶-۲۴۸ [۴۰۹] عمر بن عبد اللّه بن یعلی بن مرّه از پدر و جدش نقل کرد که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله آیه شریفه انّما انت منذر، و لکلّ قوم هاد را قرائت کرد و گفت -قرآن-۱۳۵-۱۶۸ [صفحه ۱۵۲] «انا المنذر و علیّ الهادی -روایت-۱-۳۱ من منذر و انذار دهنده مردم هستم و علی هدایت‌گر مردم است ۸۴». -پاورقی-۶۵-۶۷ [۴۱۳] عباد بن عبد اللّه روایت کرده است امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: ای مؤمنین هیچ آیه‌ای از قرآن شریف نازل نشد مگر اینکه که می‌دانم برای چه کسی و به چه منظوری نازل شده است در آن میان مردی پرسید: یا علی چه آیه‌ای در شأن شما نازل شد! علی علیه السّلام فرمود: اگر اینکه مطلب را سؤال نمی‌کردی هرگز از خویشتن سخن نمی‌گفتم سپس فرمود: در بیان مسئولیت من آیه انّما انت منذر و لکلّ قوم هاد نازل شد بدانید منذر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله است و هادی و هدایت‌گر به قرآن من هستم -قرآن-۴۳-۷۵ [۴۱۴] حکیم بن جبیر از ابی برزه اسلمی نقل کرده است که روزی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله آبی برای طهارت و وضو طلب کرد بعد از طهارت دست علی بن ابی طالب علیه السّلام را که در کنارش نشسته بود گرفت و بر سینه‌اش گذاشت و فرمود: انّما انت منذر سپس همان دست را بر روی سینه علی علیه السّلام گذاشت و ادامه آیه که لکلّ قوم هاد بود قرائت کرد. و فرمود: -قرآن-۲۸۴-۲۹۹-قرآن-۳۸۵-۳۹۹ « یا علی انّک منارهٔ الانام و غایهٔ الهدی و امیر القرّاء» -روایت-۱-۶۷ . ای علی شاهد باش و تو اینکه گونه هستی که می‌گویم [۴۱۵] عبد اللّه بن عامر که از مخالفین علی علیه السّلام است چنین نقل می‌کند که زرقاء کوفی بعد از وفات علی علیه السّلام از کوفه به شام نزد معاویه رفت معاویه پرسید: نظر تو درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام چیست زرقاء اینکه دو بیت را در بیان عظمت و تمجید امیر المؤمنین علی علیه السّلام انشاد کرد و

خواند: [صفحه ۱۵۳] صلّی الاله علی قبر تضمّنه || نور فاصبح فیه العدل مدفونا من حالف العدل و الایمان مقترناً || فصار بالعدل و الایمان مقروناً معاویه گفت چرا از علی علیه السّلام با عظمت یاد می‌کنی زرقاء گفت از خدای سبحان در قرآن شنیدم فرمود انّما انت منذر و لکلّ قوم هاد بدان ای معاویه منذر نبی صلی اللّه علیه و آله است و هادی امّت او علی علیه السّلام ولی اللّه است -قرآن-۵۵-۸۷ [۶۸] الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات طوبی لهم و حسن مآب [رعد/ ۲۹] کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، خوشا به حالشان و سرانجام نیکویی دارند. -قرآن-۶-۶۲ [۴۱۷] حصین بن مخارق از موسی بن جعفر علیه السّلام و آن حضرت از پدر و پدرانش چنین نقل کرده است از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله سؤال شد. طوبی در آیه شریفه چیست مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: هی شجرة اصلها فی داری و فرعها علی اهل الجنّة -روایت-۱-۵۳ طوبی درختی است که اصل و ریشه آن در خانه من و شاخه‌های آن در بهشت است دوباره سؤال شد، طوبی چیست آن حضرت فرمود: آن درختی است که در بیت علی علیه السّلام است سؤال کننده متعجّب شد و گفت یا رسول اللّه اینکه چگونه است که دو گونه سخن گفته شد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: بدان منزل و مسکن من و علی در بهشت در مکانی واحد است پس دوگانه سخن نگفتم [۴۱۸] جابر بن عبد اللّه انصاری از ابو جعفر علیه السّلام روایت کرده است [صفحه ۱۵۴] از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در تفسیر آیه طوبی لهم و حسن مآب سؤال شد. -قرآن-۶۴-۸۷ پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: «هی شجرة فی الجنّة اصلها فی داری و فرعها علی اهل الجنّة». -روایت-۱-۶۹ طوبی درختی است در بهشت که ریشه آن در منزل من و شاخه‌های آن در منازل اهل بهشت است مجدداً سؤال شد، طوبی چیست پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: «هی شجرة فی الجنّة اصلها فی دار علیّ و فرعها علی اهل الجنّة». -روایت-۱-۷۳ طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در منزل علی علیه السّلام و شاخه‌های آن در منازل اهل بهشت است حاضران در مجلس تعجّب کردند و گفتند: یا رسول اللّه اول فرمودی طوبی درختی است که اصل آن در خانه من است دوباره بیان کردی اصل آن در خانه علی و شاخه‌های آن بر روی اهل بهشت است ؟ مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: برای اینکه که خانه من و خانه علی در بهشت واحد و در یک مکان است ۸۵» -پاورقی-۳۵۱-۳۵۳ در بهشت درختی تنومند وجود دارد که هیچ قصر و منزل و مجلسی نیست مگر اینکه که شاخه‌های اینکه درخت بر روی آن سایه می‌اندازد و اصل و تنه اینکه درخت در منزل من است از اینکه سخن مصطفی سه روز گذشت تا اینکه که مجدداً آن بزرگوار در جمع اصحاب لب به سخن گشود و فرمود: ای عمر؟ در بهشت درختی بزرگ وجود دارد که بر روی تمامی قصرها و منازل [صفحه ۱۵۵] و خانه‌ها و مجالس سایه می‌اندازد و شاخه‌های آن بر روی اینکه اماکن می‌افتد. امّا بدانید اصل اینکه درخت در بیت علی علیه السّلام است عمر با تعجّب گفت یا رسول اللّه چند روز قبل فرمودی اصل درخت در منزل شماست و امروز می‌فرمایی اصل آن در خانه علی علیه السّلام است رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: اما علمت انّ منزلی و منزل علیّ فی الجنّة واحدة، و قصری و قصر علیّ فی الجنّة واحد و سریری و سریر علیّ فی الجنّة واحد. -روایت-۱-۱۳۳ آیا نمی‌دانی منزل من و علی در بهشت در مکان واحد است و قصر من و کاخ علی علیه السّلام در جای واحد است و تخت من و تخت علی در مکانی واحد است ؟ [۶۹] قل کفی باللّه شهیداً بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب [رعد/ ۴۳] و کسانی که کافر شدند می‌گویند: [تو فرستاده نشده‌ای بگو: کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است میان من و شما گواه باشد -قرآن-۱۸۳-۲۴۷ [۴۲۲] ابو سعید خدری یکی از اصحاب و یاران پیامبر صلی اللّه علیه و آله نقل کرده است که از مصطفی صلی اللّه علیه و آله پرسیدم یا رسول اللّه منظور از و من عنده علم الکتاب کیست -قرآن-۳۳-۵۸ حضرت در جواب فرمود: کسی که علم کتاب نزد اوست برادرم علی بن ابی طالب علیه السّلام است [۴۲۳] سعید بن جبیر نقل کرده است إبن عباس مفسّر قرآن و صحابی پیامبر درباره قول خداوند و من عنده علم الکتاب بیان کرد، که منظور،

علی علیه السّلام است که علم الکتاب در نزد اوست -قرآن-۵۹-۸۴ [۴۲۴] ابی عمر زاذان از إبن حنفیّۀ در توضیح کلام خدا و من عنده علم الکتاب نقل کرد که مصداق آیه علی بن ابی طالب علیه السّلام است -قرآن-۶۵-۹۰ [صفحه ۱۵۶] [۴۲۵] عبد اللّه بن عطاء حکایت کرد: روزی در خدمت ابی جعفر علیه السّلام در مسجد نشسته بودیم دیدم فرزندان و نوادگان عبد اللّه بن سلام در قسمت دیگر مسجد نشسته‌اند. به ابی جعفر علیه السّلام گفتم یابن رسول اللّه اینان گمان می‌کنند در نزد پدرشان عبد اللّه بن سلام علم الکتاب موجود بود -قرآن-۱۲۰-۱۳۲ ابی جعفر علیه السّلام فرمود: خیر اینکه گونه نیست علم الکتاب در نزد علی علیه السّلام جدّ ماست -قرآن-۵۷-۶۹ [۴۲۶] اسماعیل بن ابی خالد حدیثی از زبان ابی صالح نقل کرد که او در توضیح آیه و من عنده علم الکتاب گفت مردی از قریش بیان کرد مصداق بارز و آشکار آیه شریفه فوق علی بن ابی طالب علیه السّلام است امّا ما نام او را ذکر نمی‌کنیم -قرآن-۹۷-۱۲۲ [۴۲۷] از ابی صالح در تفسیر و توضیح آیه شریفه و من عنده علم الکتاب سؤال شد. آن مرد فرزانه گفت مصداق آیه علی بن ابی طالب علیه السّلام است که عالم به تفسیر و تاویل ناسخ و منسوخ حلال و حرام قرآن شریف بود -قرآن-۵۶-۸۱ [۷۰] أ لم تر کیف ضرب اللّه مثلًا کلمةً طیّبةً کشجرةٍ طیّبةٍ أصلها ثابت و فرعها فی السّماء تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربّها و یضرب اللّه الأمثال للنّاس لعلّهم یتذکّرون [ابراهیم ۲۴ و ۲۵] آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده سخنی پاک مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد. و خدا مثلها را برای مردم می‌زند، شاید که پند گیرند. -قرآن-۶-۱۸۰ [۴۲۸] سلام خثعمی در توضیح آیه شریفه گفت روزی به حضور محمّد بن علی علیه السّلام رسیدم و عرض کردم یابن رسول اللّه تفسیر کلام خدای تعالی در کلمةً طیّبةً کشجرةٍ طیّبةٍ اصلها ثابت و فرعها فی السّماء چیست -قرآن-۱۲۳-۱۸۰ [صفحه ۱۵۷] فرمود: ای سلام شجرۀ طیّبۀ محمّد صلی اللّه علیه و آله است و فرع آن شجره علی علیه السّلام امیر المؤمنین علیه السّلام و ثمره و میوه آن حسن و حسین علیه السّلام و شاخه آن درخت فاطمه علیها السّلام است و شعبه‌های مختلف آن شاخه ائمه معصومین از فرزندان فاطمه علیها السّلام هستند و برگ‌های سبز آن درخت شیعیان و محبّان اهل بیت و علی علیه السّلام هستند. هرگاه یک شیعه از ما از دنیا برود، ورقی از درخت می‌افتد و هر زمان مولودی محبّ اهل بیت به دنیا بیاید، یک ورق سبز بر اینکه درخت روییده می‌شود. سؤال کردم یابن رسول اللّه پس توتی اکلها کلّ حین باذن ربّها به چه معناست -قرآن-۳۸-۷۱ فرمود: یعنی ائمه معصومین که حکم حلال و حرام را در مراسم حج و عمره به شیعیانشان فتوی می‌دهند، و بیان می‌کنند. [۴۲۹] مینا غلام عبد الرّحمان بن عوف نقل می‌کند، عبد الرحمان به من گفت ای مینا؟ آیا می‌خواهی حدیثی برایت نقل کنم که حقّ را از باطل بازشناسی سپس به من رو کرد و گفت از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در توضیح و تفسیر آیه کشجرۀ طیّبۀ اصلها ثابت ... شنیدم فرمود: -قرآن-۱۸۸-۲۱۱ انا شجرۀ و فاطمۀ فرعها و علیّ لقاحها و حسن و حسین ثمرها و محبّوهم من امتی ورقها، هم فی جنّۀ عدن و الّذی بعثنی بالحقّ. -روایت-۱-۱۳۴ یعنی من درخت و شجره در اینکه آیه شریفه هستم فاطمه فرع آن شجره است و علی لقاح و بارور کننده درخت است حسن و حسین علیهما السّلام میوه‌های آن هستند، محبان و شیعیان ما برگ‌های سبز اینکه درخت هستند، سوگند به خدایی که مرا مبعوث کرد شیعیان ما در بهشت رضوان مأوا خواهند گرفت [۴۳۰] از روات دیگری از قول مینا، غلام عبد الرّحمان بن عوف چنین روایت شد که عبد الرّحمان بن عوف به غلامش مینا گفت از مصطفی صلی اللّه علیه و آله شنیدم فرمود: من آن شجره‌ام که در آیه کشجرۀ طیّبۀ اصلها ثابت و فرعها فی السّماء ... ذکر شده است و فاطمه فرع و تنه آن شجره است دو فرزندم -قرآن-۸۸-۱۳۲ [صفحه ۱۵۸] حسن و حسین علیه السّلام میوه‌های آن هستند، شیعیان ما برگ‌های آن درخت هستند. اصل و ریشه درخت در بهشت عدن است و سایر قسمت‌های درخت در سایر بهشت‌هاست «۸۶ -پاورقی-۱۷۷-۱۷۹ [۴۳۳] زیاد بن منذر نقل کرد از ابی جعفر علیه السّلام شنیدم فرمود: مثلنا اهل البیت

کمثل شجرهٔ قائمهٔ علی ساق من تعلّق بغصن من اغصانها کان من اهلها -روایت-۱-۹۵ مثل ما اهل بیت مثل درختی است که بر ساق و پایه‌ای استوار باشد هر کسی به شاخه‌ای از شاخه‌های اینکه درخت آویزان شود. جزء و اهل آن مجموعه خواهد شد. پرسیدم یابن رسول اللّه ساق و پایه آن کیست فرمود: پایه آن علی بن ابی طالب علیه السّلام است [۷۱] یثبّت اللّه الّذین آمنوا بالقول الثّابت فی الحیاهٔ الدّنیا و فی الأخرهٔ. [ابراهیم ۲۷] خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و در آخرت با سخنی استوار ثابت می‌گرداند. -قرآن-۶-۸۴ [۴۳۴] کلبی از ابی صالح روایتی را از إبن عبّاس مفسّر معروف در توضیح آیه شریفه یثبّت اللّه الّذین آمنوا بالقول الثّابت ... نقل کرد. -قرآن-۹۹-۱۴۳ که إبن عباس گفت منظور از بالقول الثّابت ولایت علی بن ابی طالب است و خدای سبحان مؤمنان را با ولایت علی علیه السّلام ثابت قدم نگه می‌دارد. -قرآن-۳۵-۵۱ [صفحه ۱۵۹] [۷۲] و اجنبنی و بنیّ أن نّعبد الأصنام [ابراهیم ۳۵] [خدایا] مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار. -قرآن-۶-۴۳ [۴۳۵] عبد اللّه بن مسعود صحابی معروف و قاری مشهور قرآن گفت از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله شنیدم فرمود: أنا دعوهٔ ابی ابراهیم علیه السّلام -روایت-۱-۴۰ ما به دعا و دعوت پدرمان ابراهیم علیه السّلام هستیم گفتم یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله شما چگونه به دعوت و دعای ابراهیم علیه السّلام هستید. فرمود: آن هنگام که خدای سبحان به ابراهیم علیه السّلام وحی فرستاد، انّی جاعلك للنّاس اماماً ابراهیم بسیار شاد و خوشحال شد و از خداوند سؤال کرد. -قرآن-۸۰-۱۰۷ آیا در ذرّیه من هم امامت را قرار می‌دهی همان‌گونه که برای من مقرّر فرمودی خدای عزّ و جلّ فرمود: ای ابراهیم عهدی که قابل اجرا نباشد به تو وعده نخواهم داد. ابراهیم گفت خدایا؟ آن چیست و چرا قابل اجرا نیست خدای تعالی فرمود: عهد من به ظالمان از ذرّیه تو عطا نمی‌شود ابراهیم عرض کرد: خدایا؟ چه طایفه‌ای از فرزندان من ظالم‌اند که که قابلیّت عهد و میثاق تو را ندارند. خدای تعالی فرمود: آن کسانی که بت و صنم را تعظیم و سجده کرده باشند اهلیت امامت و قابلیت عهد و پیمان مرا ندارند. ابراهیم تقاضا کرد: و اجنبنی و بنیّ ان نعبد الاصنام ربّ انّهنّ اضللن کثیراً من النّاس در نتیجه دعای ابراهیم علیه السّلام به کرسی اجابت نشست من و برادرم علی علیه السّلام ثمره و نتیجه دعای ابراهیم علیه السّلام هستیم که لحظه‌ای بت را سجده نکردیم آن‌گاه خدای سبحان مرا نبیّ و علی را وصیّ من قرار داد. -قرآن-۲۰-۹۶ [صفحه ۱۶۰] [۷۳] و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ اخواناً علی سرر متقابلین [حجر/ ۴۷] و آنچه کینه [شائبه‌های نفسانی در سینه‌های آنان است بر کنیم برادرانه بر تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر نشسته‌اند. -قرآن-۶-۶۸ [۴۳۶] سفیان ثوری از کلبی و او از ابی صالح و او از إبن عبّاس نقل می‌کند: آیه شریفه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ اخواناً ... در حقّ بزرگوارانی چون امیر المؤمنین علی علیه السّلام حمزه سیّد الشهدا، جعفر طیّار، عقیل ابو ذر، سلمان فارسی عمّار یاسر، مقداد، حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام نازل شد. که خداوند از قلوب آنان غلّ و حسد را برداشته است -قرآن-۱۰-۵۲ [۴۳۷] عبد اللّه بن ملیل بیان کرد: از علی بن ابی طالب علیه السّلام شنیدم آن جناب فرمود: آیه شریفه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ اخواناً علی سرر متقابلین در حقّ سه طایفه از قریش [بنی هاشم بنی تیم بن مرّه و بنی عدیّ بن کعب نازل شد. -قرآن-۱۲۱-۱۸۳ [۴۳۸] ابو موسی بصری از حسن بصری نقل کرده است امیر المؤمنین علی علیه السّلام آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ ... را تلاوت کرد و فرمود اینکه کلام خدا فقط در حقّ ما اهل بیت و جنگجویان بدر نازل شد. -قرآن-۹۷-۱۳۱ [۴۳۹] ربعی بن حراش نقل کرده است روزی در حضور علی علیه السّلام نشسته بودم فرزند طلحه وارد مجلس شد، بر امیر المؤمنین علی علیه السّلام سلام کرد. علی علیه السّلام بعد از پاسخ سلام به او خوش آمد گفت آن‌گاه فرزند طلحه گفت یا علی تو پدرم را کشتی و اموالم را مصادره کردی علی علیه السّلام فرمود: اموال تو را به بیت المال ملحق کردم برخیز و برو دارایی خویش را بستان امّا در کشتن پدرت چاره‌ای در نابودی او نبود. امیدوارم خدای رحیم من و [صفحه ۱۶۱] پدرت را از مصادیق اینکه آیه قرار دهد. که در قرآن فرمود: و نزعنا ما فی

صدورهم من غلّ ... -قرآن-۷۲-۱۰۶ در پایان سخن علی علیه السّلام مردی از قبیله همدان گفت یا علی علیه السّلام خداوند عادل‌تر است که تو را مصداق اینکه کلام خویش قرار دهد. علی علیه السّلام چنان فریادی بر سرش کشید که دار الاماره به لرزه درآمد. آن گاه فرمود: وای بر تو؟ اگر ما آن کسان نباشیم که غلّ از سینه‌هایشان برچیده شود، پس آنان چه کسانی خواهند بود ؟ [۴۴۰] ربعی بن حراش نقل کرده است از علی علیه السّلام شنیدم فرمود: امید کامل و رجاء واثق دارم که من طلحه و زبیر از مصادیق بارز آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ ... باشیم -قرآن-۷۸-۱۱۲ مردی از قبیله همدان برخاست و گفت یا علی خدا عادل‌تر است که شما را از آن کسان قرار دهد؟ علی علیه السّلام بر سرش فریادی زد که دار الاماره به لرزه درآمد سپس فرمود اگر ما آن کسان نباشیم پس چه کسانی لایق چنین عنایتی هستند!؟ [۴۴۱] قبیصه نقل کرد: از سفیان ثوری شنیدم در شأن نزول آیه شریفه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ اخواناً ... گفت اینکه کلام ربّانی در حقّ علی علیه السّلام ابو بکر، عمر، عثمان و إبن مسعود نازل شد. -قرآن-۳۵۵-۳۹۷ [۴۴۲] محمّد بن یوسف از سفیان ثوری نقل کرد که کلبی در شأن نزول آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ ... بیان کرد، اینکه کلام الهی در حقّ ابو بکر، عمر، عثمان علی علیه السّلام سعید و عبد اللّه بن مسعود نازل شد. -قرآن-۸۶-۱۲۰ [۴۴۳] حسن بصری نقل کرده است علی علیه السّلام فرمود: آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ ... درباره ما اهل بدر که جنگجویان نخستین نبرد با کفّار بودیم نازل شد. -قرآن-۴-۳۸ [صفحه ۱۶۲] [۴۴۴] از قول حسن بصری نقل شده است که امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ ... در اکرام و احترام ما نازل شد. -قرآن-۹۹-۱۳۳ [۷۴] انّ فی ذلک لآیات للمتوسّمین [حجر/ ۷۵] به یقین در اینکه [کیفر] برای هوشیاران عبرت‌هاست [۴۴۵] ابی مریم از حکم در تفسیر و توضیح آیه انّ فی ذلک لآیات للمتوسّمین گفت به یقین محمّد صلی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام از متوسمین [هوشیاران هستند. -قرآن-۶-۴۰-قرآن-۱۶۴-۱۹۸ [۴۴۶] عبد اللّه بن بنان نقل کرد، از جعفر بن محمّد علیه السّلام در تفسیر آیه انّ فی ذلک لآیات للمتوسّمین سؤال کردم که متوسّمین چه کسانی هستند! -قرآن-۹۶-۱۳۰ فرمود: اوّل آنان محمّد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله است بعد از او امیر المؤمنین علی علیه السّلام و دو فرزندش حسن و حسین علیهما السّلام سپس علی بن حسین علیه السّلام و بعد از او محمّد بن علی علیه السّلام است بعد از او خدا عالم است چه کسی از متوسّمین است پرسیدم یابن رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فما بالک انت ای فرزند پیامبر صلی اللّه علیه و آله چرا از خودت نمی‌گویی فرمود: انّ الرّجل ربّما کنّی عن نفسه -روایت-۱-۳۷ یعنی گاهی انسان از خودش با کنایه سخن می‌گوید. [۴۴۷] جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرد ابی جعفر علیه السّلام فرمود: روزی امیر المؤمنین علی علیه السّلام در مسجد کوفه نشسته بود و به شکایات مردم رسیدگی می‌کرد، زنی از همسرش شکایت کرد و تظلّم نمود. آن بزرگوار به نفع شوهرش قضاوت کرده حکم صادر فرمود. زن گفت یا علی علیه السّلام حکمی که صادر کردی به حق نیست تو در بین رعیّت به عدالت رفتار نمی‌کنی و قضاوت تو مرضیّ خدا نیست [صفحه ۱۶۳] علی علیه السّلام به او نگریست و گفت ای زن دروغگو و نابکار؟ گستاخی را به غایت رساندی و سخنان ناروا می‌گویی زن چون چنین دید پا به فرار گذاشت عمرو بن حریث به تعقیب او پرداخت وقتی او را دستگیر کرد، به او گفت ای زن گستاخ علی علیه السّلام به حق سخن راند و به نرمی و ملاطفت رفتار کرد امّا تو سخنان درشت می‌گویی زن که ترسیده بود گفت به خدا سوگند، علی علیه السّلام به حق حکم کرد امّا من از زمانی که با همسرم ازدواج کردم مطلبی را از او کتمان می‌کردم عمرو بن حریث به نزد علی علیه السّلام بازگشت و آنچه شنیده بود باز گفت سپس پرسید، یا علی علیه السّلام آیا علم کهانت می‌دانی که چنین حکمی صادر فرمودی ؟ علی علیه السّلام فرمود: وای بر تو؟ مرا به کهانت چه ارتباط است و اینکه از کهانت نیست به خدا سوگند خدای تعالی در قرآن فرمود انّ فی ذلک لآیات للمتوسّمین که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله نخستین متوسّم بود و بعد از ایشان من هستم و

بعـد از من هم ائمه هدی از ذریّه‌ام متوسّـمین و هوشـیاران هسـتند. -قرآن-۳۴۰-۳۷۴ ای عمرو؟ چون در سـیمای آن زن نگـاه کردم دانسـتم او نـاحق می گویـد.«۸۷ -پاورقی-۷۷-۷۹ [۴۴۹] ابی مریـم از حکـم بـن عتیبـهٔ دربـاره آیـه انّ فی ذلـک لآیـات للمتوسّـمین گفت -قرآن-۵۲-۸۶ متوسّـمین یعنی متفرسّـین و ابـو جعفر علیـه السّـلام از جمله متوسّـمین است [۴۵۰] محمّد بن مسـلم نقـل کرد ابو جعفر علیه السّـلام در توضـیح آیه انّ فی ذلـک لآیـات للمتوسّـمین فرمود: -قرآن-۷۴-۱۰۸ متوسّمین ائمه معصومین علیهم السّـلام هستند و رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود «اتّقوا فراسهٔ المؤمن فانّه ینظر بنور اللّه -روایت-۱-۴۹ از فراست و زیرکی مؤمن بر حذر باشـید که او در شـعاع نور خدا حقایق و [صـفحه ۱۶۴] واقعیت‌ها را می‌نگرد و می‌بینـد. [۴۵۱] جـابر بن یزیـد جعفی اینکه روایت را نقـل کرده است که ابو جعفر علیه السّـلام گفت روزی امیر المؤمنین علی علیه السّـلام در مسجد کوفه نشسته بود زنی از شوهرش شکایت کرد چون آن حضرت به حق حکم کرد. زن غضبناک شد و سخنان پریشان و نـاروا گفت تـا اینکه که علی علیه السّـلام فرمود: بر اسـاس آیه انّ فی ذلـک لآیات للمتوسّـمین رسول اللّه و من از متوسّـمین و هوشیاران هستیم -قرآن-۶۲-۹۶ [۷۵] فو ربّک لنسئلنّهم أجمعین عمّا کانوا یعملون فاصدع بما تؤمر. [حجر/ ۹۴] پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسـید. از آنچه انجام می‌دادند پس آنچه بدان مأموری آشـکار کن -قرآن-۶-۷۲ [۴۵۲] سفیـان ثوری از سـدیّ دربـاره آیه فو ربّـک لنسئلنّهم اجمعین نقـل کرده است در قیـامت و روز حسـاب از ولایت علیّ بن ابی طـالب علیه السّـلام سؤال می‌شـود که به اوامر و نـواهی او چگونه عمـل کردیـد!؟ و همچنین اعمـال و افعـال بنـدگان محاسـبه می‌شود. -قرآن-۴۲-۶۹ إبن عبـاس در تفسـیر آیه فاصـدع بمـا تؤمر بیـان کرده است -قرآن-۲۹-۴۶ خدای تعالی به مصـطفی صلی اللّه علیه و آله فرمان داد تا پیام قرآن و کلام یزدان را برای مشرکان و بی‌دینان اظهار کند و همچنین فضایل زیاد و مناقب با ارزش اهل بیت را همانند قرآن برای مردم اظهار و معرّفی فرماید تا عذر و بهانه‌ای برای آنان باقی نماند. [صفحه ۱۶۵] [۷۶] و علامـات و بالنّجم هم یهتـدون [نحل ۱۶] و نشانه‌هایی [دیگر نیز قرارداد]، و آنان به وسـیله سـتاره [قطبی راه‌یابی می کننـد. -قرآن-۶-۳۹ [۴۵۳] محمّـد بن یزیـد از پـدرش نقـل کرده است که پـدرش از ابو جعفر علیه السّـلام در تفسیر آیه و بالنّجم هم یهتـدون سؤال کرد که منظور از نجم چیست -قرآن-۱۰۹-۱۳۲ آن جناب فرمود: منظور از نجم امیر المؤمنین علی علیه السّـلام است که ماننـد سـتاره نجم در میان خلایق می‌درخشد. [۴۵۴] آبـان بن تغلب گفت از ابو جعفر محمّـد بن علی علیه السّـلام در شرح و تفسیر کلام خدا و علامات و بالنّجم هم یهتدون سؤال کردم منظور از علامات و نجم چیست که موجبات هدایت مردم را فراهم می کنند. -قرآن-۱۰۷-۱۴۰ آن بزرگوار فرمود: منظور از نجم مصطفی صلی اللّه علیه و آله است و مقصود از علامات اوصـیا و جانشینان محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله هستند که علی بن ابی طالب علیه السّلام و فرزندان او هستند. [۷۷] و ان تعـدّوا نعمهٔ اللّه لا تحصوها، انّ اللّه لغفور رحیم [نحل ۱۸] و اگر نعمت [های خدا را شـماره کنید، آنها را نمی‌توانید بشمارید. قطعاً خـدا آمرزنده مهربان است -قرآن-۶-۶۸ [۴۵۵] مجاهـد نقل کرده است که إبن عبّاس صـحابی نوجوان رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله گفت در دار النّدوه در حضور رسول خدا صـلی اللّه علیه و آله بودیم آن حضـرت از علی علیه السّـلام پرسید: یا علی نخستین نعمتی که خـدای تعـالی به تو عنـایت فرمود کـدام است علی علیه السّـلام گفت یـا نبی اللّه اینکه که مرا مرد خلق کرد. نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: نعمت دوم کدام است [صفحه ۱۶۶] علی علیه السّلام گفت نعمت هدایت و مسلمانی که به من عنایت فرمود. نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: نعمت سوم چیست علی علیه السّلام آیه و ان تعدّوا نعمهٔ اللّه لا تحصوها را قرائت کرد. یعنی یا رسول اللّه خداوند نعمت‌های بی‌شـماری به من عنایت فرمود که قابل شـمارش نیستند. -قرآن-۲۶-۶۳ نبی صلی اللّه علیه و آله دسـتش را بر کتف علی علیه السّـلام گـذاشت و فرمود: احسـنت -روایت-۱-۸ بر تو یا علی دشـمن تو جز منافق نیست [۷۸] و اذا قیل لهم مّاذا انزل ربّکم قالوا اسطیر الاوّلین [نحل ۲۴] و چون به آنان گفته شود: پروردگارتان چه چیزی

نـازل کرده است می گوینـد: -قرآن-۶-۶۴ افسـانه‌های پیشـینیان را [۴۵۶] ابی حمزه ثمـالی نقـل می کنـد که جعفر صـادق علیه السّـلام فرمود: جبرئیل بر محمّد صلی اللّه علیه و آله آیه و اذا قیل لهم مّاذا انزل ربّکم را قرائت کرد. یعنی اگر به مشرکان گفته شود خـدای سـبحان در شأن و مقـام و منزلت علی علیه السّـلام چه چیزهایی را نازل فرمود! -قرآن-۵۰-۸۶ آن کـافر کیشان و مشـرکان در جواب می گوینـد: اسـاطیر الاـوّلین یعنی داسـتان‌های اساطیری و بـدون واقعیت را فرسـتاده است -قرآن-۴۸-۶۴ [صفحه ۱۶۷] [۷۹] و اقسـموا بـاللّه جهـد ایمـانهم لاـ یبعث اللّه من یموت .... [نحل ۳۸] و با سـخت‌ترین سوگنـدهایشان به خدا سوگند یاد کردند که خدا کسـی را که می‌میرد بر نخواهد انگیخت -قرآن-۶-۶۴ [۴۵۷] ابی حمزه ثمالی می گوید از برید بن اصـرم شـنیدم گفت علی علیه السّـلام بن ابی طـالب فرمود آیه و أقسـموا باللّه جهـد أیمانهم لا یبعث اللّه من یموت در شأن من نازل شده است -قرآن-۱۱۸-۱۷۶ [۸۰] و الّـذین هاجروا فی اللّه من بعـد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدّنیا حسـنهٔ و لأجر الآخرهٔ اکبر. [نحل ۴۱] و کسـانی که پس از سـتمدیدگی در راه خـدا هجرت کرده‌انـد، در اینکه دنیـا جـای نیکویی به آنان می‌دهیم و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود -قرآن-۶-۱۰۴ [۴۵۸] در شأن نزول آیه و الّذین هاجروا فی اللّه من بعد ما ظلموا ... از عبـد اللّه بن عبـاس مفسّـر مشـهور قرآن سؤال شـد: منظور چه کسانی هسـتند که در راه خـدای بزرگ هجرت کردنـد! -قرآن-۲۹-۷۸ إبن عبّاس در جواب گفت علی بن ابی طالب علیه السّلام و جعفر طیّار و عقیل از مهاجرانی هستند که بر اثر ظلم و بیداد مکّیان مهاجرت کردند، و اینکه آیه در تمجید و تحسین آنان است [صـفحه ۱۶۸] [۸۱] و ما ارسلنا من قبلك الّا رجالًا نوحی الیهم فسألوا أهـل الـذّکر ان کنتم لا تعلمون [نحل ۴۳] و پیش از تـو هم جز مردانی که به آنـان وحی می کردیم گسیل نـداشتیم پس اگر نمی‌دانیـد، از پژوهنـدگان کتابهای آسـمانی جویا شوید. -قرآن-۶-۹۷ [۴۵۹] سـفیان ثوری از سدیّ روایت کرد که حارث گفت از امیر المؤمنین علی علیه السّـلام در تفسـیر آیه شریفه فاسألوا اهل الذّکر ... پرسیدم اهل ذکر چه کسانی هستند! -قرآن-۱۲۳-۱۴۶ علی علیه السّـلام فرمود: به خـدا سوگنـد مـا اهـل ذکر، معـدن علم و عارف به تأویل و تنزیل هستیم رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله در حقّ من فرمود: «انا مدینهٔ العلم و علیّ بابها فمن اراد العلم فلیأته من بابه . -روایت-۱-۷۲ من شهر علم و علی علیه السّـلام در ورودی آن شـهر است هر کسـی طالب علم و تشـنه معرفت است از در آن علم باید وارد شود. [۴۶۰] یحیی بن یمان از اسـرائیل و او از جابر بن عبـد اللّه انصاری نقل کرد که جابر گفت از ابو جعفر علیه السّـلام در توضـیح آیه فاسألوا اهل الـذّکر سؤال کردم -قرآن-۱۵۴-۱۷۳ آن جناب فرمود: اهل الذّکر، ما خاندان پیامبر و اهل بیت مصـطفی صلی اللّـه علیه و آله هسـتیم که در معرفت دین و کسب علـوم بایـد از مـا بپرسـند.«۸۸ -پاورقی-۱۶۰-۱۶۲ [۴۶۳] موسـی بن عثمان حضرمی از جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرد که جابر گفت محمّد بن علی علیه السّلام حکایت کرد آن هنگام که آیه فاسألوا اهل الـذّکر نازل شد، از پدرم سؤال کردم «اهل الذکر» که در قرآن امر به سؤال از آنان شده است چه کسانی هسـتند! -قرآن-۱۶۰-۱۷۹ علی علیه السّـلام فرمود: اهل ذکر که خدای سبحان در قرآن امر به پرسـش از آنان کرد، ما اهل [صفحه ۱۶۹] بیت مصطفی صلی اللّه علیه و آله هستیم که معدن علم و سرچشمه حکمت هستیم [۴۶۴] جابر بن عبد اللّه انصاری از ابو جعفر علیه السّـلام روایت کرد که آن جناب در توضیح آیه فاسألوا اهل الذّکر فرمود اهل ذکر ما اهل بیت رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله هستیم -قرآن-۱۱۱-۱۳۰ [۴۶۵] سـعد اسـکاف از محمّد بن علی علیه السّـلام درباره کلام خدا فاسألوا اهل الذّکر نقل کرد آن جناب فرمود: اهل ذکر، ما اهل بیت محمّـد صـلی اللّه علیه و آله هستیم -قرآن-۷۸-۹۷ [۴۶۶] فضـیل بن یسار از ابو جعفر علیه السّـلام نقل کرده است که آن حضـرت در تفسـیر آیه فاسألوا اهل الذّکر فرمود: -قرآن-۱۰۳-۱۲۲ اهـل ذکر امامان معصوم از عترت و اهل بیت رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله هسـتند و سـپس آیه و انزلنا علیکم ذکراً رسولًا را تلاوت کرد. [۸۲] و آت ذا القربی حقّه و المسکین و إبن السّبیل و لا تبـذّر تبذیراً [اسـراء/ ۲۶] و حق خویشاونـد را به او بـده و مستمند و در راه مانـده را

[دستگیری کن و ولخرجی و اسراف مکن -قرآن-۶-۷۷ [۴۶۷] فضیل بن مرزوق از عطیّه و او از ابی سعید خدری نقل کرد: زمانی که آیه مبارکه و آت ذا القربی حقّهٔ نازل شد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله دخترش فاطمه علیها السّلام را فراخواند، و باغ و بستان فدک را به عنوان حق ذی القربی به او واگذار کرد. -قرآن-۲۶-۴۷ [۴۶۸] باز هم از سلسله روات دیگری از ابی سعید خدری نقل شده است وقتی آیه و آت ذا القربی حقّه نازل شد، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فاطمه را فراخواند و فدک را به دخت گرامی خویش به عنوان حق ذو القربی عطا فرمود. -قرآن-۹۰-۱۱۲ [۴۶۹] علی بن هاشم از داود طائی از فضیل بن مرزوق از عطیه و او از ابی سعید خدری نقل کرده است [صفحه ۱۷۰] وقتی آیه و آت ذا القربی حقّه به وسیله پیک وحی نازل شد«۸۹». -قرآن-۱۳-۳۵-پاورقی-۶۶-۶۸ [۴۷۱] معاویهٔ بن هشام قصار، حدیثی را از طریق فضیل بن مرزوق از عطیّه از ابی سعید خدری روایت کرد که ابی سعید خدری گفت بلافاصله پس از نزول آیه شریفه و آت ذا القربی حقّه مصطفی صلی اللّه علیه و آله دخترش فاطمه علیها السّلام را فراخواند و سرزمین فدک را به او واگذار فرمود. -قرآن-۳۹-۶۱ [۴۷۲] بکر بن اعتق از عطیّه عوفی از ابو سعید خدری روایت کرد: چون آیه شریفه و آت ذا القربی حقّه بر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل شد، رسول خدا صلی اللّه علیه و آله دخترش فاطمه علیها السّلام را به حضور طلبید، و سرزمین فدک و عوالی را به صدّیقه طاهره عطا کرد، سپس فرمود: اینکه سهم توست که خدای سبحان برای تو و فرزندانت مقرّر کرده است -قرآن-۱۵-۳۷ [۴۷۳] ابان بن تغلب از جعفر بن محمّد علیه السّلام و او از پدرش تا می‌رسد به علی علیه السّلام که آن حضرت فرمود: وقتی آیه شریفه و آت ذا القربی حقّه نازل شد، بلافاصله رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله دخترش فاطمه را فراخواند و سرزمین فدک را به عنوان سهمیه ذو القربی به او تقدیم فرمود. -قرآن-۱۷-۳۹ [۸۳] أولئک الّذین یدعون یبتغون الی ربّهم الوسیلهٔ أیّهم اقرب و یرجون رحمته و یخافون عذابه انّ عذاب ربّک کان محذوراً. [اسراء/ ۵۷] آن کسانی که ایشان می‌خوانند خود به سوی پروردگارشان تقرب می‌جویند تا بدانند] کدام یک از آنان به او نزدیکترند، و به رحمت وی امیدوارند، و از عذابش می‌ترسند، چرا که عذاب پروردگارت همواره در خور پرهیز است -قرآن-۶-۱۳۳ [صفحه ۱۷۱] [۴۷۴] علی بن مسهّر می‌گوید: علی بن بذیمهٔ از قول عکرمه مفسّر قرآن نقل کرد: مصداق آیه شریفه اولئک الّذین یدعون یبتغون الی ربّهم الوسیلهٔ نبی صلی اللّه علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام هستند که خدای تعالی را می‌جویند و می‌خوانند. -قرآن-۲۰-۷۰ [۸۴] و استفزز من استطعت منهم بصوتک و أجلب علیهم بخیلک و رجلک و شارکهم فی الأموال و الاولاد و عدهم و ما یعدهم الشّیطان الّا غروراً [اسراء/ ۶۴] و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگانت بر آنان بتاز و با آنها در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آنها وعده‌ای نمی‌دهد. -قرآن-۶-۱۴۸ [۴۷۵] ابی هارون عبدی روایت کرد جابر بن عبد اللّه انصاری گفت روزی در حضور رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نشسته بودم مردی را در حال رکوع و سجود و تضرّع و خشوع دیدم گفتم یا رسول اللّه چه نماز نیکویی می‌خواند؟ رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: اینکه همان کسی است که پدر شما آدم را از بهشت بیرون کرد. در همین زمان علی علیه السّلام از کنارش می‌گذشت چون او را دید به سوی وی رفت و استخوان‌هایش را در هم پیچید. و به او گفت ای حیله‌گر؟ تو را خواهم کشت ابلیس گفت تو قادر نیستی مرا بکشی چون مرا در نزد خدا اجلی معلوم است که از او مهلت گرفتم پس چگونه می‌توانی مرا بکشی امّا ای علی به خدا سوگند هیچ کسی دشمن تو نمی‌شود مگر اینکه که نطفه من زودتر از نطفه پدرش وارد رحم مادرش شود. [صفحه ۱۷۲] یا علی من در اموال و اولاد دشمنان تو شریک هستم چون خداوند در قرآن به من فرمود: و شارکهم فی الاموال و الاولاد و عدهم و ما یعدهم الشّیطان الّا غروراً. -قرآن-۱۰۴-۱۸۰ آن گاه نبیّ صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا علی اینکه ملعون هر چه گفت راست گفته است « یا علیّ؟ لا- یبغضک من قریش الّا سفاحیّاً و لا من

الانصار الّا یهودیّاً و لا من العرب الا دعیّاً و لا من سائر النّاس الّا شقیّاً و لا من النّساء الّا سلقلقةً و هی التی تحیض من دبرها – روایت-۱-۲۱۷ سپس رو به انصار کرد و گفت ای انصار؟ فرزندانتان را با محبّت علی علیه السّلام تربیت کنید. جابر می گوید، ما بعد از اینکه ماجرا فرزندانمان را با حبّ علی علیه السّلام تربیت می کردیم اگر هر یک از فرزندانمان محبّ علی علیه السّلام بود یقین داشتیم اولاد ماست و هر فرزندی را دشمن علی علیه السّلام می‌یافتیم می‌دانستیم خللی در نطفه اوست [۴۷۶] مسلم ملّائی از حبّهٔ عرنی روایت کرد از امیر المؤمنین علی علیه السّلام شنیدم فرمود یک وقت به ملاقات رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رفتم که هیچ گاه آن موقع به خدمت او نرفته بودم دیدم مردی عجیب الخلقه که دارای چهره‌ای مشوّش است در کنار او نشسته که قبل از اینکه او را ندیده بودم چون مرا دید از کنار آن حضرت دور شد. گفتم یا رسول اللّه اینکه مرد کیست که تا به حال او را ندیده‌ام فرمود: اینکه چهره ابلیس بود از خدای سبحان خواسته بودم او را به من نشان دهد. تاکنون غیر از من و تو، کسی او را با اینکه چهره مشوّش و زشت ندیده است علی علیه السّلام فرمود: او را تعقیب کردم تا در کنار احجار الزیت او را یافتم گریبانش را گرفتم و سیلی محکمی به صورتش نواختم سپس او را بر زمین زدم و روی سینه‌اش نشستم ابلیس گفت یا علی از جان من چه می‌خواهی گفتم می‌خواهم تو را بکشم ابلیس گفت تو قدرت و تسلّط نداری که مرا بکشی چون خدای تو تا روز [صفحه ۱۷۳] قیامت به من مهلت داده است پس رهایم کن من بر ضد تو و فرزندانت اسباب و ابزاری در اختیار دارم تا دشمنی را دامن بزنم علی علیه السّلام فرمود: آن اسباب و وسایل چیست گفت یا علی بغض و کینه تو و فرزندانت را فقط کسانی به دل می گیرند که من در رحم مادرهایشان شریک شده باشم مگر خدای تو در قرآن نگفت و شارکهم فی الاموال و الاولاد!؟ [۴۷۷] عبد الرّحمان بن کثیر نقل کرد از جعفر بن محمّد علیه السّلام شنیدم فرمود: اگر خواستید، با زنانتان همبستر شوید، قبل از نزدیکی و جماع اینکه دعا را بخوانید: -قرآن-۱۶۵-۱۹۸ اللّهمّ بامانتک اخذتها و بکلمتک استحللت فرجها اللّهم فان جعلت فی رحمها شیئاً فاجعله بارّاً تقیّاً مؤمناً سویّاً لا تجعل فیه شرکاً للشّیطان -روایت-۱-۱۵۷ عرض کردم یا جعفر بن محمّد آیا شیطان را در هنگام مجامعت نصیبی و شراکتی است فرمود: بلی مگر کلام خدای تعالی را به ابلیس نشنیدی و شارکهم فی الاموال و الاولاد .... -قرآن-۱-۳۳ پرسیدم چگونه فهمیده می‌شود شیطان در آن شرکت داشته است فرمود: به حبّ و بغض ما اهل بیت وضع آن مشخّص می‌شود«۹۰». -پاورقی-۶۲-۶۴ علی علیه السّلام تصمیم گرفت با عصا بر سرش بکوبد. نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا علی آرام باش و دست نگه‌دار، آن ابلیس است او مأمور است در رحم مادران دشمنان و مخالفان تو شراکت داشته باشد و اینکه به سبب کلام خداست که فرمود: و شارکهم فی الاموال و الاولاد ... -قرآن-۲۲۱-۲۵۴ [صفحه ۱۷۴] [۸۵] و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً [اسراء/ ۸۰] و بگو: پروردگارا، مرا در هر کاری به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز، و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار داده -قرآن-۶-۹۴ [۴۷۹] عمرو بن دینار از پدرش و پدرش از عطاء نقل کرد: عبد اللّه بن عباس در توضیح آیه شریفه و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی ... گفت -قرآن-۱۰۹-۱۷۱ به خدا سوگند، خدای سبحان دعای مصطفی صلی اللّه علیه و آله را مستجاب کرد، و علی بن ابی طالب علیه السّلام را برای یاری و نصرت بر ضد دشمنانش به او عطا فرمود. تا با شمشیر کوبنده در جنگها بر سر دشمنان بکوبد و به نصرت آن حضرت بپردازد. [۸۶] و قل جاء الحقّ و زهق الباطل انّ الباطل کان زهوقاً. [اسراء/ ۸۱] و بگو: حق آمد و باطل نابود شد. آری باطل همواره نابود شدنی است -قرآن-۶-۶۳ [۴۸۰] ابی هریرهٔ از جابر بن عبد اللّه انصاری حکایت کرده است که جابر گفت همراه رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در فتح مکه حضور داشتم به اتفاق آن حضرت وارد بیت اللّه الحرام شدیم سیصد و شصت بت و صنم در داخل و بیرون خانه کعبه آویزان بود به دستور نبی اللّه صلی اللّه علیه و آله همه آن بتها را با صورت روی زمین انداختیم

در داخل بیت بتی بزرگ و طویل به نام هبل وجود داشت نبیّ صلی اللّه علیه و آله به علی علیه السّلام نگاهی کرد و سپس فرمود: یا علی یا بر دوش من بایست یا من بر دوش تو می‌ایستم تا آن بت را سرنگون کنیم [صفحه ۱۷۵] وقتی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله بر دوش علی علیه السّلام ایستاد. علی علیه السّلام گفت یا رسول اللّه سنگینی رسالت و نبوت تاب و تحمّل مرا گرفته است و دیگر توانایی مقاومت ندارم نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا علی پس تو بر دوش من بایست و با خنده از دوش علی علیه السّلام فرمود آمد. علی علیه السّلام گفت چون بر دوش آن حضرت ایستادم چنان جایگاه رفیعی یافتم به آن خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد، اگر اراده می‌کردم که آسمان را لمس کنم می‌توانستم با دستم آن را لمس کنم آن گاه بت هبل را سرنگون کردم و بر پشت کعبه انداختم بلافاصله خدای با عظمت آیه و قل جاء الحقّ و زهق الباطل انّ الباطل کان زهوقاً یعنی شعار توحید لا اله الا اللّه و نام محمّد رسول اللّه را به صحنه آورد. -قرآن-۳۴۷-۴۰۴ و زهق الباطل یعنی بت‌پرستی از میان رفت -قرآن-۱-۱۴ و انّ الباطل کان زهوقاً یعنی باطل را ثباتی نیست و از بین رفتنی است -قرآن-۲-۲۷ سپس پیامبر صلی اللّه علیه و آله داخل بیت اللّه شد و دو رکعت نماز شکر گزارد. [۴۸۱] از عبد اللّه بن مسعود حدیثی اینکه گونه حکایت شده است «روزی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله حسن و حسین علیهما السّلام را بر پشتش سوار کرده نشسته به راه افتاد و گفت «نعم المطیّ مطیکما و نعم الرّاکبان انتما. و ابوکما خیر منکما» -روایت-۱-۶۸ یعنی بهترین مرکب مرکب شماست و بهترین سوار شما دو نفر هستید اما پدرتان از شما دو تن برتر و بهتر است [۸۷] و لقد صرّفنا للنّاس فی هذا القران من کلّ مثل فأبی اکثر النّاس الّا کفوراً. [اسراء/ ۸۹] و به راستی در اینکه قرآن برای مردم از هرگونه مثلی آوردیم ولی بیشتر مردم جز سر انکار ندارند. -قرآن-۶-۹۱ [صفحه ۱۷۶] [۴۸۲] محمّد بن فضیل از ابی حمزه ثمالی نقل کرد ابو جعفر محمّد بن علی بن حسین علیه السّلام در تفسیر آیه فأبی اکثر النّاس الّا کفوراً فرمود: -قرآن-۱۲۸-۱۵۸ اکثر حاضران در غدیر خم ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام را در آن روز که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله او را به ولایت معرفی کرد ابا و اکراه داشتند و اینکه آیه شریفه آنان را ملامت می‌کند. [۴۸۳] ابو حمزه ثمالی نقل کرده است که از ابو جعفر علیه السّلام درباره آیه و لقد صرّفنا للنّاس فی هذا القرآن ... سؤال کردم آن حضرت فرمود: -قرآن-۹۰-۱۲۹ «لقد صرّفنا یعنی لقد ذکرنا علیّا فی کلّ قرآن -روایت-۱-۵۴ نام علی علیه السّلام را در تمام قرآن ذکر کردیم فما یزیدهم الّا نفوراً در حالی که جز گریز و فرار برای آنان سود دیگری نداشت -قرآن-۶۱-۸۴ [۴۸۴] جابر بن عبد اللّه انصاری گفت از ابو جعفر علیه السّلام در شرح آیه شریفه و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للنّاس ... سؤال کردم آن بزرگوار فرمود: -قرآن-۹۶-۱۳۵ خداوند تعالی می‌فرماید نام علی علیه السّلام را در هر آیه‌ای ذکر کردم اما از ولایت علی علیه السّلام ابا کردند و گریزان شدند «فما یزیدهم الّا نفورا» و فایده‌ای جز فرار برای آنان نداشت -قرآن-۱۴۹-۱۷۳ [۸۸] إنّا جعلنا ما علی الارض زینهً لها لنبلوهم أیّهم أحسن عملًا. [کهف ۷] در حقیقت ما آنچه بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند. -قرآن-۶-۷۰ [۴۸۵] قتادهٔ از عطاء نقل کرده است که عبد اللّه بن مسعود، صحابی معروف پیامبر صلی اللّه علیه و آله و قاری مشهور مدینه در شرح آیه شریفه إنّا جعلنا ما علی الارض زینهٔ لها گفت -قرآن-۱۶۰-۱۹۶ زیور و زینت زمین به مردان روی آن است و زینت مردان روی زمین علی بن ابی طالب علیه السّلام است [صفحه ۱۷۷] [۴۸۶] ابی مریم روایت کرد، عمّار یاسر گفت رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در بیان فضایل علی علیه السّلام فرمود: یا علیّ؟ انّ اللّه زیّنک بزینهٔ لم یزیّن العباد بأحسن منها، بغّض الیک الدّنیا و زهّدک فیها و حبّب الیک الفقراء، فرضیت بهم اتباعاً و رضوابک اماماً. -روایت-۱-۱۷۰ یا علی خدای سبحان تو را به زینتی نیکو مزیّن کرد که احدی آن گونه مزیّن نشد، بغض و کینه دنیا نسبت به تو و زهد تو نسبت به دنیا از جمله آن است قلب فقرا جایگاه توست و قلب تو راضی به اطاعت و متابعت آنان است امامت تو را به جان خریدارند و

به آن رضایت کامل دارند. [۸۹] هنالك الولایة للّه الحقّ هو خیر ثواباً و خیر عقباً. [کهف ۴۴] در آنجا [آشکار شد که یاری به خدای حق تعلق دارد. اوست بهترین پاداش دهنده و [اوست بهترین فرجام دهنده -قرآن-۶-۶۱ [۴۸۷] ابو حمزه ثمالی می گوید ابو جعفر محمّد بن علیّ علیه السّلام در تفسیر و شرح آیه شریفه هنالك الولایة للّه الحقّ ... فرمود: منظور از ولایت در آیه شریفه ولایت امیر المؤمنین علی علیه السّلام است و هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر به ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام -قرآن-۱۰۷-۱۳۴ [۹۰] و جعلنا لهم لسان صدق علیّاً. [مریم ۵۰] و ذکر خیر بلندی بر ایشان قرار دادیم -قرآن-۶-۳۷ [۴۸۸] ابو القاسم اسماعیل بن علیّ خزاعی از پدرش نقل کرد که علی بن موسی الرضا علیه السّلام از پدرش و او هم از پدرش تا می‌رسد به علی بن ابی طالب علیه السّلام که آن حضرت فرمود: رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله داستان شب معراج را اینکه گونه برایم بیان فرمود: [صفحه ۱۷۸] یا علی در شب معراج بر بال راست جبرئیل نشسته بودم و او در حالی که مرا به سوی آسمان سیر می‌داد، در مسیری آوازی شنیدم که به من گفت یا محمّد چه کسی را جانشین خود در زمین قرار دادی گفتم «خیر اهلها لها اهلًا علی بن ابی طالب علیه السّلام حبیبی و صهری و إبن عمّی . -روایت-۱-۹۲ بهترین اهل زمین علی بن ابی طالب علیه السّلام حبیب و داماد و پسر عمّ خویش را جانشین خود قرار دادم آن گاه خدای تعالی به من فرمود: یا محمّد؟ آیا او را دوست داری گفتم بلی یا رب العالمین او را بسیار دوست دارم خدای سبحان فرمود: احبّه و مر امّتك بحبّه فانّی انا العلیّ الاعلی اشتقت من اسمائی اسماً فسمّیته علیّاً. -روایت-۱-۹۸ یا محمّد او را دوست بدار و امت را امر کن او را دوست بدارند، من علیّ اعلی هستم و نام او را از نام خویش مشتق کردم و او را علی نامیدم سپس جبرئیل به نزدم آمد و گفت یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله خدایت سلام فرستاد و فرمود بخوان گفتم چه چیز را بخوانم جبرئیل آیه وهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق علیّاً را قرائت کرد و گفت اینکه آیه را بخوان -قرآن-۱۴-۶۹ [۹۱] إنّ الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمن ودّاً. [مریم ۹۶] «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی [خدای رحمان برای آنان محبتی در دلها] قرار می‌دهد.» -قرآن-۶-۷۲ [۴۸۹] جابر بن عبد اللّه انصاری روایت کرده است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: یا علی با خدای رحمان مناجات کن و اینکه گونه دعا کن و بگو، خدایا؟ محبّت و مودّت [صفحه ۱۷۹] مرا در قلوب مؤمنان جای ده خدایا؟ برای من در نزد خودت عهد و پیمانی قرار ده خدایا؟ مودّت مرا در نزد خود قرار ده بعد از مناجات علی علیه السّلام جبرئیل فرود آمد و آیه انّ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمان ودّاً را برای نبی صلی اللّه علیه و آله قرائت کرد. -قرآن-۶۷-۱۳۴ آن گاه پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای نیست که در سینه‌اش مودّت و محبّت علی علیه السّلام و اهل بیت من نباشد. [۴۹۰] براء بن عازب ۹۱» -پاورقی-۲۳-۲۵ یا علی علیه السّلام بگو. «اللّهم اجعل لی عندك عهداً، و اجعل لی فی صدور المؤمنین مودّة». -روایت-۱-۷۴ چون علی علیه السّلام اینکه دعا را خواند. خدای سبحان آیه انّ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمن ودّاً را در حقّ علی علیه السّلام نازل فرمود. -قرآن-۷۰-۱۳۵ [۴۹۴] ابی اسحاق سبیعی از براء بن عازب روایت کرد، روزی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: یا علی علیه السّلام بگو «اللّهم اجعل لی عندك عهداً و اجعل لی فی قلوب المؤمنین مودّة». -روایت-۱-۷۴ خدایا؟ در نزد خودت عهد و در قلوب مؤمنان مودّت را برایم قرار ده پس از اینکه دعا، خدای تعالی آیه انّ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمن ودّاً را در شأن علی علیه السّلام نازل فرمود. و آنچه علی علیه السّلام از خدا خواسته بود به آن حضرت عنایت فرمود. -قرآن-۴۱-۱۰۶ [۴۹۵] باز هم از براء بن عازب نقل شد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله به مرتضی علیه السّلام فرمود: یا علی بگو: «اللّهم اجعل لی عندك عهداً، و اجعل لی عندك ودّاً، و اجعل لی فی صدور المؤمنین مودّةً». -روایت-۱-۱۰۰ چون علی علیه السّلام اینکه دعا را به پایان برد، آیه شریفه انّ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات -قرآن-۷۴-۱۱۱

[صفحه ۱۸۰] سیجعل لهم الرّحمن ودّاً در جواب علی علیه السّلام نازل شد. و مودّت علی علیه السّلام را در قلوب مؤمنین قرار داد. -قرآن-۱-۲۷ [۴۹۶] محمّد بن عبید اللّه بن ابی رافع از پدر و جدّش نقل کرد که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: یا علی علیه السّلام بگو: «اللّهم ثبّت لی الودّ فی قلوب المؤمنین و اجعل لی عندك ودّاً و عهداً». -روایت-۱-۸۲ چون علی علیه السّلام بر طبق دستور مصطفی صلی اللّه علیه و آله دعا کرد. نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: به خدای کعبه آنچه علی خواسته بود تثبیت شد. سپس آیه شریفه انّ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات نازل شد. -قرآن-۱۸-۵۵ و رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: اینکه آیه برای کسانی که هم قسم با رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام هستند نازل شد. [۴۹۷] جابر بن عبد اللّه انصاری از محمّد بن علیّ علیه السّلام نقل کرد که مصطفی صلی اللّه علیه و آله به مرتضی علیه السّلام فرمود: یا علی دوست داری تو را چیزی بیاموزم علی علیه السّلام عرض کرد: بلی یا رسول اللّه پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: بگو «اللّهم اجعل لی عندك عهداً و اجعل لی عندك ودّاً» -روایت-۱-۵۸ چون اینکه دعا از جانب علی علیه السّلام به پایان رسید، آیه قرآنی انّ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمان ودّاً در شأن علی علیه السّلام نازل شد. و مودّت را برای آن حضرت در سینه‌های مؤمنین تثبیت و تقریر فرمود. -قرآن-۸۱-۱۴۷ [۴۹۸] جابر بن عبد اللّه انصاری از ابی جعفر علیه السّلام روایتی را نقل کرد. که نبی صلی اللّه علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: یا علی بگو: «اللّهم اجعل لی عندك عهداً و فی صدور المؤمنین ودّاً». -روایت-۱-۶۳ چون علیّ علیه السّلام بر طبق تعلیم رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله دعا کرد. آیه شریفه انّ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات .... در پاسخ خواسته علی علیه السّلام نازل شد. -قرآن-۱۰۵-۱۴۲ [صفحه ۱۸۱] [۵۰۰] ضحّاك روایت کرد. إبن عباس در شرح و تفسیر آیه شریفه انّ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمن ودّا بیان کرد که خدای سبحان محبّت علی علیه السّلام را در قلوب مؤمنین تثبیت کرد و اینکه آیه شریفه درباره علی علیه السّلام نازل شد. -قرآن-۶۷-۱۳۱ [۵۰۹۲] عون بن سلام هاشمی نقل کرد، آیه شریفه انّ الّذین آمنوا ... سیجعل لهم الرّحمن ودّا در شأن علی علیه السّلام نازل شد. و خدای سبحان محبّت او را در قلوب مؤمنین قرار داد.«۹۲ -قرآن-۵۰-۹۹-پاورقی-۲۰۳-۲۰۵ [۵۰۳] کلبی از ابی صالح نقل کرد، إبن عبّاس گفت کلام خدای تعالی سیجعل لهم الرّحمن ودّاً در اعطای دوستی و محبت علی علیه السّلام نازل شد و آیه لتبشّر به المتّقین هم اختصاصاً در شأن علی علیه السّلام نازل شد و آیه شریفه و تنذر به قوماً لدّا در مذّمت بنی امیه و بنی مغیره نازل شد. -قرآن-۷۹-۱۰۶-قرآن-۱۷۳-۱۹۴-قرآن-۲۶۵-۲۸۷ [۵۰۴] ابی سعید خدری روایت کرد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله به مرتضی علیه السّلام فرمود: یا ابا الحسن اینکه دعا را بخوان «اللّهم اجعل لی عندك عهداً و اجعل لی عندك ودّاً و اجعل لی فی صدور المؤمنین مودّه . -روایت-۱-۹۸ امیر المؤمنین علی علیه السّلام همان گونه که پیامبر صلی اللّه علیه و آله تعلیم فرمود دعا کرد. در پایان دعا خدای سبحان آیه شریفه انّ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمن ودّا را بر محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله نازل فرمود. -قرآن-۴۳-۱۰۷ سپس مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: هیچ مؤمنی را نمی‌یابی که در سینه‌اش حبّ علی علیه السّلام نباشد. [۵۰۵] محمّد بن حنفیّهٔ فرزند امیر المؤمنین علی علیه السّلام در توضیح کلام سبحان سیجعل لهم الرّحمان ودّا گفت هیچ مؤمنی را ملاقات نمی‌کنی مگر اینکه که در سینه و قلبش محبّت و مودّت علی علیه السّلام و فرزندانش نهفته است «۹۳ -قرآن-۹۳-۱۲۰-پاورقی-۲۶۲-۲۶۴ [صفحه ۱۸۲] [۵۰۶] ابی عمر غلام بشر بن غالب از قول محمّد بن علی بن حنفیّهٔ در شرح و تفسیر آیه شریفه سیجعل لهم الرّحمن ودّاً گفت هیچ مؤمنی دیده نمی‌شود مگر اینکه که قلبش مالامال از مهر و مودّت علی علیه السّلام است «۹۴ -قرآن-۱۰۷-۱۳۴-پاورقی-۲۴۶-۲۴۸ پس هیچ مؤمنی دیده نمی‌شود مگر اینکه که مهر و محبّت علی و فرزندانش در سینه او نهفته باشد [۵۰۹] مقاتل از محمّد بن حنفیّه روایت کرد که محمّد حنفیّهٔ گفت از پدرم علی علیه السّلام از تفسیر و

معنای آیه سیجعل لهم الرّحمن ودّاً سؤال کردم -قرآن-۱۳۲-۱۵۹ به من جواب فرمود رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله درباره اینکه آیه فرمود: هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای یافت نمی‌شود مگر اینکه که در قلبش مودّت و محبّت علی و اهل بیتش نهفته است [۹۲] و اجعل لی وزیراً من اهلی هارون أخی اشدد به ازری و اشرکه فی امری [طه ۳۲ ۲۹] و برای من دستیاری از کسانم قرار ده هارون برادرم را پشتم را به او استوار کن و او را شریک کارم گردان -قرآن-۶-۸۳ [۵۱۰] ابی طفیل از قول حذیفه بن اسید نقل کرد، مصطفی صلی اللّه علیه و آله دست علی علیه السّلام را گرفت و فرمود: یا علی بشارت باد تو را که موسای کلیم علیه السّلام از خدای حکیم درخواست کرد تا وزیری از اهلش که هارون باشد برایش قرار دهد. امّا من از پروردگارم خواستم علی را که از اهل بیت و برادرم است وزیرم قرار دهد. تا با او پشتم را قوی گرداند، و او را شریک در مسئولیت سنگین من قرار دهد. [۵۱۱] از اسماء بنت عمیس ۹۵» -پاورقی-۲۹-۳۱ «اللّهمّ -روایت-۱-۱۲ [صفحه ۱۸۳] اللهاقول کما قال اخی موسی اللّهم اجعل لی وزیراً من اهلی علیّاً اخی و اشدد به ازری و اشرکه فی امری .} خدایا؟ همان گونه که برادرم موسی گفت من نیز می‌گویم خدایا؟ علی را که از اهل بیت من و برادرم است وزیر من قرار ده و با او پشتوانه‌ام را محکم گردان و سنگینی بار مسئولیتم را کم‌تر گردان و او را شریک در کارهایم قرار ده [۵۱۲] جعفر احمر از عمران بن سلیمان و او از حصین نقل کرده است که اسماء بنت عمیس روایت کرد، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود مثل برادرم موسی علیه السّلام برای پشتیبانی خود از خدای منّان اینکه گونه درخواست می‌کنم «ربّ اشرح لی صدری و یسّر لی امری و اجعل لی وزیرا من اهلی . -قرآن-۳-۳۹-قرآن-۴۰-۶۸ بدین وسیله علی بن ابی طالب را برای پشتوانه و حمایت از خود تقاضا می‌کنم [۵۱۳] عطاء از إبن عبّاس نقل کرد، اسماء بنت عمیس حکایت کرد که از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله شنیدم فرمود: خدایا؟ همان گونه که موسی علیه السّلام هارون برادرش را برای پشتیبانی از خود تقاضا کرد. من هم می‌گویم «اللّهم اجعل لی وزیراً من اهلی علیّ بن ابی طالب اشدد به ازری و اشرکه فی امری . -روایت-۱-۱۰۰ خدایا؟ از اهل بیت من علی بن ابی طالب علیه السّلام را وزیرم قرار ده به وسیله او پشت و پشتوانه‌ام را قوی گردان و او را شریک در کارهای من قرار ده [۵۱۴] عبد اللّه بن حارث بن نوفل بن عبد المطلب از قول إبن عبّاس نقل می‌کند علی علیه السّلام فرمود: وقتی آیه شریفه و انذر عشیرتک الاقربین نازل شد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله مرا به حضور خواند و فرمود: یا علی خدای سبحان مرا به انذار و تبلیغ عشیره‌ام امر فرمود. تو می‌دانی که آنان از دعوت و رسالت من اکراه دارند و گریزان‌اند سپس سکوت کرد تا اینکه که جبرئیل برای بار دوم نازل شد و گفت یا محمّد اگر مأموریت خود را انجام ندهی توبیخ می‌شوی هر چه زودتر وظیفه انذار خویش را به انجام برسان -قرآن-۱۴۴-۱۶۸ [صفحه ۱۸۴] رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله مرا احضار کرد و گفت یا علی یک صاع طعام و یک ران گوسفند و یک ظرف شیر برای پذیرایی مهیا کن و فرزندان عبد المطلب را دعوت نما تا با آنان صحبت کنم و امر خدایم را ابلاغ نمایم چون بنی هاشم جمع شدند، پیامبر صلی اللّه علیه و آله سخن آغاز کرد گفت ای بنیّ عبد المطلب در میان عرب بهترین و برترین آیین را برایتان آوردم که خیر دنیا و سعادت آخرت در آن است خدایا سبحان مرا امر فرمود تا شما را دعوت به دین و آیین کنم و به سوی او بخوانم چه کسی مرا در اینکه کار پشتیبانی می‌کند تا برادر و وصیّ و ولیّ و خلیفه من در میان شما شود! آن جماعت چون سخنان مصطفی صلی اللّه علیه و آله را شنیدند، سخنی نگفتند. من که در میان آنان از همه کوچک‌تر بودم گفتم یا رسول اللّه من وزیر تو در اینکه کار می‌شوم آن قوم برخاستند و جماعتی به ابو طالب با حالت استهزا گفتند ای ابو طالب برخیز و از فرزندت علی علیه السّلام اطاعت کن [۵۱۵] انس بن مالک نقل کرد. رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: انّ اخی و وزیری و خلیفتی فی اهلی و خیر من اترک بعدی یقضی دینی و ینجز موعدی علی بن ابی طالب علیه السّلام -روایت-۱-۱۲۹ ای مردم برادر و وزیر و جانشین و خلیفه و بهترین کسی که بعد از من دینم را ادا کند و وعده‌های مرا وفا

نماید علی بن ابی طالب علیه السّلام است [۵۱۶] باز هم از انس بن مالک نقل شده است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: «انّ خلیلی و وزیری و خلیفتی فی اهلی و خیر من اترک بعدی ینجز موعدی و یقضی دینی علی بن ابی طالب علیه السّلام -روایت-۱-۱۳۳ [صفحه ۱۸۵] اوست وزیر و خلیفه در میان اهل بیتم و بدانید بهترین کسی که وعده‌های مرا وفا کند و قرض و دینم را ادا نماید علی بن ابی طالب علیه السّلام است [۵۱۷] عبد اللّه بن ملیل می گوید از علیّ بن ابی طالب علیه السّلام شنیدم گفت مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: «انّه لم یکن نبیّ الّا قد اعطی سبعهٔ رفقاء نجباء وزراء و انّی قد اعطیت اربعهٔ عشر» -روایت-۱-۹۵ . هیچ پیامبری نبود مگر اینکه که خدای منّان برایش هفت رفیق و هفت وزیر قرار داد امّا برای من چهارده رفیق و وزیر قرار داد که عبارت‌اند از حمزه جعفر طیار، علی بن ابی طالب علیه السّلام حسن علیه السّلام حسین علیه السّلام ابو بکر، عمر، عبد اللّه بن مسعود، ابو ذر، مقداد، حذیفه عمّار، سلمان و بلال حبشی [۹۳] و انّی لغفّار لمن تاب و ءامن و عمل صالحاً ثمّ اهتدی [طه ۸۲] و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست رهسپار شود. -قرآن-۶-۶۴ [۵۱۸] شملال بن اسحاق نقل کرده است جابر جعفی گفت از ابو جعفر علیه السّلام در توضیح کلام خدای تعالی ثمّ اهتدی پرسیدم -قرآن-۱۲۴-۱۳۵ آن جناب فرمود: خدای سبحان فرموده است من غفّار و بخشنده کسانی هستم که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح به جای آرند و به ولایت ما اهل بیت پیامبر صلی اللّه علیه و آله هدایت یابند. [۵۱۹] از جابر جعفی روایت شد که از ابو جعفر علیه السّلام در شرح آیه و انّی لغفّار لمن تاب و آمن و عمل صالحاً ثمّ اهتدی سؤال شد. آن حضرت فرمود: خدای سبحان بخشنده کسانی است که به ولایت ما اهل بیت پیامبر هدایت یابند. -قرآن-۸۲-۱۳۹ [۵۲۰] ثابت بنانی در تفسیر و توضیح قول خدای سبحان و انّی لغفّار لمن تاب و آمن -قرآن-۵۸-۸۹ [صفحه ۱۸۶] و عمل صالحاً ثمّ اهتدی گفت کسی که به ولایت اهل بیت گرایش یابد، هدایت می‌شود. -قرآن-۱-۲۶ [۵۲۱] عبد اللّه بن جعفر بن محمّد بن فیض از پدرش نقل کرد. ابو جعفر محمّد بن علی الباقر علیه السّلام از پدر و جدّش روایت کرده است روزی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله که از منزلش بیرون می‌رفت فرمود: «خدای سبحان می‌فرماید: انّی لغفّار لمن تاب و آمن و عمل صالحاً ثمّ اهتدی یا علی علیه السّلام هر کسی به سبب ولایت تو هدایت شود مورد غفران و عفو قرار می گیرد. -قرآن-۲۶-۸۱ [۵۲۲] ابی ذر در تفسیر و توضیح کلام خدای سبحان و انّی لغفّار لمن تاب ... گفت یعنی ایمان به آنچه مصطفی صلی اللّه علیه و آله آورده بیاورد و فرایض و واجبات را ادا کند. هر کسی چنین کند به حب آل محمّد صلی اللّه علیه و آله رهنمون گردد و با محبت اهل بیت هدایت شود. -قرآن-۵۴-۷۸ [۹۴] و من أعرض عن ذکری فانّ له معیشهٔ ضنکاً و نحشره یوم القیمهٔ اعمی [طه ۱۲۴] و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ «و سختی خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محشور می‌کنیم -قرآن-۶-۷۹ [۵۲۳] ابان بن تغلب از ابی جعفر علیه السّلام و او از علی بن حسین علیه السّلام و او از پدرش حسین بن علی علیه السّلام و او از پدرش علی علیه السّلام نقل کرد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله در جمع مهاجرین و انصار فرمود: «احبّوا علیّاً لحبّی و اکرموه لکرامتی و اللّه ما قلت لکم هذا من قبلی و لکنّ اللّه امرنی بذلک ...» -روایت-۱-۱۱۷ . [صفحه ۱۸۷] ای مهاجر و انصار؟ علی علیه السّلام را دوست بدارید همان گونه که مرا دوست دارید و او را اکرام و احترام کنید همان اندازه که مرا اکرام می‌کنید. اینکه توصیه گفتار من نیست بلکه فرمان خدای سبحان است که در تکریم علی علیه السّلام گفتم ای دوستان عرب من ابغض علیّاً من بعدی حشره اللّه یوم القیامهٔ اعمی لیس له حجّهٔ». -روایت-۱-۸۰ هر کسی کوردل و بی‌بصیرت باشد و بغض و کینه علی علیه السّلام را در دل بگیرد، خدای علیّ او را در روز قیامت کور و نابینا و بی‌بصر و بصیرت محشور کند در حالی که هیچ عذر و بهانه‌ای از او پذیرفته نمی‌شود. [۵۲۴] جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرده است در خطبه‌ای از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله شنیدم آن حضرت فرمود: من ابغضنا اهل البیت حشره

اللّه یوم القیامهٔ یهودیّاً». -روایت-۱-۶۳ هر کسی از روی عناد نسبت به اهل بیت من بغض و کینه در دل پرورد، خدای سبحان او را در روز قیامت یهودی برانگیزد. [۵۲۵] کامل از ابی صالح نقل کرد. إبن عباس مفسّر مشهور قرآن در شرح و توضیح آیه کریمه و من اعرض عن ذکری فانّ له معیشهٔ ضنکاً و نحشره یوم القیامهٔ اعمی بیان کرد. هر کسی ولایت علیّ بن ابی طالب علیه السّلام را منکر شود و نپذیرد. خدای قادر او را در روز حساب کور و کر محشور کند و از قبر نابینا برانگیزاند. -قرآن-۱۰۱-۱۷۴ [۹۵] و أمر أهلک بالصّلوهٔ و اصطبر علیها. [طه ۱۳۲] و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش [۵۲۶] ابو حمرا، خادم رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله گفت هنگامی که آیه کریمه و امر اهلک بالصّلاهٔ و اصطبر علیها به نبیّ صلی اللّه علیه و آله نازل شد. آن حضرت هر روز در وقت نماز به جلو خانه -قرآن-۶-۴۱-قرآن-۲۱۶-۲۵۰ [صفحه ۱۸۸] علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام می‌آمد و می‌گفت الصّلاهٔ رحمکم اللّه -روایت-۱-۲۳ و سپس آیه شریفه انّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت را تلاوت می‌کرد و آن گاه برای نماز به مسجد می‌رفت -قرآن-۲۰-۷۰ [۹۶] فستعلمون من اصحاب الصّراط السّویّ و من اهتدی [طه ۱۳۵] بگو: [همه در انتظارند. پس در انتظار باشید]. زود باشد که بدانید یاران راه راست چه کسانی هستند و چه کسی راه یافته است -قرآن-۶-۵۸ [۵۲۷] معاویهٔ بن اعمش از ابی صالح روایتی را بیان کرده است که إبن عبّاس در تفسیر آیه شریفه فوق بیان کرد: به خدا سوگند اصحاب الصّراط السّویّ محمّد صلی اللّه علیه و آله و اهل بیت گرامی‌اش هستند، سؤال شد پس و من اهتدی یعنی هدایت یافتگان چه کسانی هستند! -قرآن-۱۴۷-۱۷۰-قرآن-۲۴۷-۲۶۰ إبن عباس در جواب گفت آنان اصحاب و یاران محمّد صلی اللّه علیه و آله هستند. [۹۷] انّ الّذین سبقت لهم منّا الحسنی اولئک عنها مبعدون [انبیاء/ ۱۰۰] بی‌گمان کسانی که قبلًا از جانب ما به آنان وعده نیکو داده شده است از آن «آتش دور داشته خواهند شد. -قرآن-۶-۶۳ [۵۲۸] حسن بن راشد از جعفر بن محمّد علیه السّلام و او از پدر و پدرانش تا می‌رسد به علی علیه السّلام که آن حضرت فرمود: از مصطفی صلی اللّه علیه و آله شنیدم به من فرمود: یا علیّ؟ آیه شریفه انّ الّذین سبقت لهم منّا الحسنی اولئک عنها مبعدون برای تو و درباره تو نازل شده است -قرآن-۲۳۴-۲۹۱ [۵۲۹] باز هم علی علیه السّلام فرموده است رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به من فرمود: یا علی آیه کریمه [صفحه ۱۸۹] لا یحزنهم الفزع الاکبر«۹۶» -قرآن-۱-۲۷-پاورقی-۲۸-۳۰ [۵۳۰] ابی عمر نعمان بن بشیر«۹۷» -پاورقی-۳۳-۳۵-قرآن-۱۲۰-۱۷۷ [۹۸] هذان خصمان اختصموا فی ربّهم [حج ۱۹] اینکه دو [گروه که در دین خدا با هم به جدال پرداختند، دشمنان یکدیگرند. -قرآن-۶-۳۸ [۵۳۲] قیس بن عبّاد روایت کرده است علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: من نخستین کسی هستم که برای مخاصمه با دشمنان از قبر برانگیخته می‌شوم سپس قیس بن عباد در ادامه گفت آیه شریفه هذان خصمان اختصموا فی ربّهم در شأن مبارزان جنگ بدر مثل علی علیه السّلام حمزه ابو عبیدهٔ، از جانب موافقان دین خدا و شیبهٔ بن ربیعه عتبهٔ بن ربیعه و ولید بن عتبه از جانب مخالفان دین خدا نازل شد. که سه تن مخالفین به دست مبارزین اسلام به هلاکت رسیدند. -قرآن-۴۹-۸۱ همین روایت را بخاری در جامع صحیح از طریق روات دیگری نقل کرده است [۵۳۳] قیس بن عباده از ابو ذر و ابو سعید خدری در شأن نزول آیه هذان خصمان ... -قرآن-۷۵-۹۱ گفت اینکه آیه درباره علی علیه السّلام و همراهانش از سپاه رسول اللّه و عتبهٔ بن ربیعه و همراهانش از سپاه مشرکان در جنگ بدر نازل شد. که علی و همراهان او در کسب [صفحه ۱۹۰] رضای ربّ مبارزه کردند. [۵۳۴] قیس بن عباده می‌گوید: از ابو ذر شنیدم سوگند یاد می‌کرد که آیه هذان خصمان اختصموا فی ربّهم در تحسین علی علیه السّلام و همرزمانش از لشکر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله که در مقابل عتبهٔ و همراهانش از مخالفان رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در جنگ بدر نبرد کردند نازل شد«۹۸». -قرآن-۴۶-۷۸-پاورقی-۲۹۸-۳۰۰ [۵۳۷] قیس بن عباده گفت از ابو ذر صحابی معروف رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله شنیدم سوگند یاد می‌کرد که آیه شریفه هذان

خصـمان اختصـموا فی ربّهم برای اینکه شـش نفر حمزه سـید الشـهدا، ابو عبیده و علی علیه السّـلام از لشکر مسلمانان و شیبه و عتبه و ولید بن عتبه از جانب کفّار که با یکدیگر خصومت داشـتند و پیکار کردند نازل شد. -قرآن-۱۳۷-۱۶۹ [۵۳۸] با سلسله سند دیگر از قیس بن عباده نقل شده است که گفت از ابو ذر شـنیدم سوگند یاد کرد، آیه شـریفه هذان خصـمان اختصموا فی ربّهم درباره متخاصـمین جنگ بدر نازل شد. که علی علیه السّـلام حمزه و ابو عبیده با مشرکان به نبرد پرداختند و سرانجام سه نفر مبارزان مشـرک با شمشـیر سه تن از دلاوران اسـلام به هلاکت رسیدند«۹۹». -قرآن-۱۲۲-۱۵۴-پاورقی-۳۶۲-۳۶۴ [۵۴۱] حارثهٔ بن مضـرب از علی علیه السّـلام نقل کرده که آن حضـرت فرمود: بعد از مهاجرت مصطفی صلی اللّه علیه و آله به مدینه در آن شـهر زنـدگی می‌کردیم میوه‌ها رسـیده بودند، رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله از بدر کسب خبر می‌کرد تا اینکه که در آن حوالی دو نفر از قریش را دسـتگیر کردنـد از آن دو دربـاره عـدّه مشـرکین و تعـداد اسـلحه و ابزار آنـان سؤال شـد. گفتند عدّه‌شان زیاد و تجهیزاتشان عظیم است امّا آمار و ارقام درست را نمی‌دانسـتند سپس آن دو را نزد رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله آوردند. آن حضـرت پرسید: هر روز چند شتر برای غذا نحر می‌کنند. گفتند: روزی ده شتر. [صفحه ۱۹۱] رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: عـدّه آنان هزار نفر است زیرا برای هر صـد نفر یک شتر ذبح می‌کنند. پس به سوی چاه‌های بدر حرکت کردیم لشکر مشرکین برای جنگ به پیش آمدند و سه تن از آنان که از همه مغرورتر بودند به نام‌های عتبهٔ بن ربیعه و شیبهٔ بن ربیعه و ولیـد بن عتبه به میـدان آمدنـد و گفتنـد، چه کسـی را جرأت مبـارزه است تا با ما نبرد کنـد!؟ مردی انصار از اصـحاب مصـطفی صـلی اللّه علیه و آله پا به میـدان گـذاشت آن سه تن گفتنـد: نیازی به مبارزه تو نیست ما فرزندان قریش را به مبارزه می‌خوانیم رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا علی برخیز، ای حمزه و ای عبیدهٔ برخیزید و جواب آنان را بدهید. ما سه تن به نبرد آنـان رفتیم حمزه حریف خود عتبه را هلاـک کرد و من هم شـیبه را به خـاک انـداختم ولیـد و عبیـده هنوز گرم پیکـار بودنـد من به ولیـد نزدیـک شـدم و او را بـا ضـربت شمشـیری به هلاـکت رسانـدم در آن روز هفتاد نفر را اسیر و هفتاد نفر را هلاـک کردیم در پایـان جنـگ مردی از انصار، عبّاس بن عبـد المطلب را به اسارت نزد رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله آورد. عبـاس گفت یـا رسـول اللّه قبـل از اینکه که من به دست اینکه مرد گرفتـار شـوم به دست مردی خوش سیما که بر اسبی ابلق نشسـته بود اسیر شدم امّا اکنون آن مرد را در میان اصـحاب شـما نمی‌بینم مرد انصاری گفت یا رسول اللّه من او را اسیر کردم پیامبر خدا صـلی اللّه علیه و آله فرمود: ای مرد انصاری ساکت باش خدای تعالی به وسـیله فرشـتگان کریم ما را نصرت و یاری داد و آنـان را مغلوب و مفلوک و اسیر گردانیـد. [۵۴۲] قیس بن عباده نقل کرد، علی علیه السّـلام فرمود: آیه هـذان خصـمان اختصموا فی ربّهم ... در شأن مبارزه ما با کفار و مشرکین در جنگ بدر نازل شد«۱۰۰». -قرآن-۶۹-۱۰۱-پاورقی-۱۷۱-۱۷۳ [صفحه ۱۹۲] [۹۹] انّ اللّه یدخل الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات جنّات تجری من تحتها الانهار یحلّون فیها من اساور من ذهب و لؤلؤاً و لباسهم فیها حریر. [حج ۲۳] خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسـته کرده‌اند در باغ‌هایی که از زیر [درختان آنها نهرها روان است داخل شونـد. در آن جا با دسـتبندهایی از طلا و مرواریـد آراسـته می‌شونـد، و لباسـشان از پرنیان است - قرآن-۶-۱۵۵ [۵۴۶] محمّد بن یزید خدمتکار جعفر بن محمّد علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت از پدرش و جدّش روایت کرده است که کلام خدای تعالی انّ اللّه یدخل الّذین آمنوا ... الی صراط الحمید در شأن علی علیه السّلام و حمزه و عبیدهٔ بن حارث سـلمان فارسـی ابو ذر، و مقـداد است که خدای کریم آنان را وارد بهشت زیبا می‌کند. -قرآن-۱۵۷-۱۸۸-قرآن-۱۸۹-۲۱۰ [۵۴۷] کلبی از ابی صالح نقل کرده است إبن عبّاس مفسر معروف قرآن در توضیح آیه کریمه انّ اللّه یدخل الّذین آمنوا ... بیان کرد. مصداق الّذین آمنوا علی و حمزه و عبیدهٔ هستند که در جنگ بدر جان را در کف گذاشته و از آیین محمّد صلی اللّه علیه و آله دفـاع کردنـد و خـدای بزرگ چنین پاداشـی را به پـاس خـدمات آنان بر ایشان منظور کرد. -قرآن-۱۰۳-۱۳۴-

قرآن-۱۵۷-۱۷۰ [۵۴۸] اصبغ بن نباته و ابی مریم هر دو گفته‌اند از عمّار یاسر در صفّین شنیدیم که مصطفی صلی اللّه علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: ۱۰۱» -روایت-۳-۲۰۸ [۵۴۹] اصبغ بن نباتهٔ از عمّار یاسر نقل کرده است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به ولی اللّه علیه السّلام فرمود: [صفحه ۱۹۳] یا علی انّ اللّه زیّنک بزینهٔ لم یتزیّن الخلایق بزینهٔ احبّ الی اللّه منها، الزّهد فی الدنیا، و جعل الدّنیا لا تنال منک شیئاً. -روایت-۱-۱۵۱ یا علی خدای سبحان تو را به زیوری گرانبها آراست که محبوب‌تر از آن زینت در نزد خداوند نیست و آن زهد تو در دنیاست که میل و رغبتی به دنیا نداری و دنیا نیز نمی‌تواند به تو امیدوار باشد و تو را به خود جذب و جلب کند. [۱۰۰] و بشّر المخبتین الّذین اذا ذکر اللّه وجلت قلوبهم و الصّابرین علی ما أصابهم و المقیمی الصّلوهٔ و ممّا رزقنهم ینفقون [حج ۳۵] فروتنان را بشارت ده همانا که چون [نام خدا یاد شود، دلهایشان خشیت یابد و [آنان که بر هر چه بر سرشان آید صبر پیشه کنند و بر پا دارندگان نمازند، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند. -قرآن-۷-۱۳۴ [۵۵۰] زبیر بن عدیّ از ضحّاک نقل کرد. إبن عباس در شأن نزول آیه شریفه و بشّر المخبتین الّذین اذا ذکر اللّه وجلت قلوبهم و الصّابرین علی ما أصابهم و المقیمی الصّلوهٔ و ممّا رزقنهم ینفقون گفت اینکه کلام ربّانی درباره علی علیه السّلام و سلمان فارسی است که از مخلصین و مخبتین هستند و مخبتین یعنی کسانی که متواضع و خاشع‌اند. -قرآن-۸۶-۲۱۲ [۱۰۱] أذن للّذین یقتلون بأنّهم ظلموا و انّ اللّه علی نصرهم لقدیر [حج ۳۹] به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت [جهاد] داده شده است چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست -قرآن-۷-۷۴ [۵۵۱] زیاد مدینی از قول زید بن علی علیه السّلام نقل کرد که زید بن علی علیه السّلام آیه شریفه اذن -قرآن-۱۱۵-۱۲۱ [صفحه ۱۹۴] للّذین یقاتلون بانّهم ظلموا ... را قرائت کرد. و سپس گفت اینکه کلام ربّانی درباره ما فرزندان پیامبر صلی اللّه علیه و آله نازل شد. -قرآن-۱-۳۲ [۱۰۲] الّذین اخرجوا من دیارهم بغیر حقّ الّا أن یقولوا ربّنا اللّه [حج ۴۰] همان کسانی که بنا حق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. [آنان گناهی نداشتند] جز اینکه که می‌گفتند: پروردگار ما خداست -قرآن-۷-۷۴ [۵۵۲] محمّد بن زید از پدرش نقل کرد که پدرش گفت از ابو جعفر محمّد بن علی علیه السّلام پرسیدم یا بن رسول اللّه «الّذین اخرجوا من دیارهم بغیر حقّ ...» چه کسانی هستند! -قرآن-۱۴۵-۱۸۱ فرمود: آیه شریفه در شأن علی علیه السّلام و حمزه و جعفر طیّار نازل شد و برای حسین علیه السّلام نیز اینکه آیه جریان دارد. [۵۵۳] زیاد مدینی نقل کرده زید فرزند علی بن حسین علیه السّلام در توضیح و شأن نزول آیه شریفه اذن للّذین یقاتلون بانّهم ظلموا و همچنین الّذین اخرجوا من دیارهم بغیر حقّ ... گفت اینکه کلام الهی برای ما خاندان رسول اللّه نازل شد. -قرآن-۱۱۲-۱۴۷-قرآن-۱۵۸-۱۹۵ [۱۰۳] الّذین ان مکّنّهم فی الإرض أقاموا الصّلوهٔ و اتوا الزّکوهٔ و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و للّه عقبهٔ الامور. [حج ۴۱] همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و دیگران را به کارهای پسندیده وا می‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست -قرآن-۷-۱۲۹ [۵۵۴] ابان بن تغلب از ابو جعفر محمّد بن علی علیه السّلام نقل کرد. آن بزرگوار فرمود: [صفحه ۱۹۵] به خدا سوگند آیه شریفه الّذین ان مکّنّاهم فی الارض ... برای ما اهل بیت مصطفی صلی اللّه علیه و آله نازل شد. -قرآن-۳۰-۶۴ [۵۵۵] ابی خلیفه می‌گوید روزی من و ابو عبیده حذّاء به خدمت ابو جعفر علیه السّلام رسیدیم ابو جعفر علیه السّلام فرمود: بیایید در کنار من بنشینید. عرض کردم یابن رسول اللّه همین جا می‌نشینیم فرمود: یا ابا خلیفه بدان اکرام را کسی رد نمی‌کند مگر اینکه حمار و چهار پا باشد پس عرض کردم چگونه می‌توانیم صاحب عصر و امام زمان را بشناسیم فرمود: به کلام خدا الّذین ان مکّنّاهم فی الارض اقاموا الصّلوهٔ و اتوا الزّکوهٔ و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر او را بشناسید. اگر مردی را با مشخصات اینکه آیه ربّانی یافتید از او متابعت کنید و بدانید او صاحب الامر شماست -قرآن-۲۴-۱۲۵ [۵۵۶] فضیل بن زبیر از زید بن علیّ نقل کرد که زید بن علی علیه السّلام در توضیح

آیه شریفه گفت هر گاه قائم آل محمّد صلی اللّه علیه و آله ظهور کند در بین مردم می‌ایستد و می گوید: ای مردم آن کسی که خدای کریم در قرآن مبین فرمود: الّذین ان مکّنّاهم فی الارض اقاموا الصّلوة و اتوا الزّکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر ما هستیم و خویشتن را با اینکه آیه معرفی می کند. -قرآن-۶۲-۱۶۳ [۱۰۴] و انّ الّذین لا یؤمنون بالأخرة عن الصّراط لناکبون [مومنون ۷۴] و به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از راه [درست سخت منحرف‌اند. -قرآن-۷-۶۴ [۵۵۷] سعد اسکاف از اصبغ بن نباته نقل کرد که امیر المؤمنین علی علیه السّلام در شرح آیه کریمه انّ الّذین لا یؤمنون بالاخرة عن الصّراط لناکبون فرمود: -قرآن-۱۱۵-۱۷۰ [صفحه ۱۹۶] کسانی که به ولایت ما ایمان و اعتقاد نداشته باشند. از صراط سقوط می کنند. [۵۵۸] اصبغ بن نباته نقل کرد: علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: [و انّ الّذین لا یؤمنون بالآخرة عن الصّراط لناکبون یعنی کسانی که از ولایت ما دورند از صراط منحرف شده و به مقصد نمی‌رسند. -قرآن-۸۲-۱۳۸ [۱۰۵] قل ربّ امّا ترینّی ما یوعدون ربّ فلا تجعلنی فی القوم الظّلمین و انّا علی أن نریک ما نعدهم لقدرون [مؤمنون ۹۵ ۹۳] بگو: پروردگارا، اگر آنچه از عذاب به آنان وعده داده شده است به من نشان دهی -قرآن-۷-۱۲۵ پروردگارا، پس مرا در میان قوم ستمکار قرار مده و به راستی که ما تواناییم آنچه را به آنان وعده داده‌ایم بر تو بنمایانیم [۵۵۹] عبد اللّه بن عبّاس و جابر بن عبد اللّه انصاری هر دو نقل کرده‌اند در حجّة الوداع [آخرین حج در سرزمین منی از مصطفی صلی اللّه علیه و آله شنیدیم فرمود: ای مردم بعد از من به کفر و بی‌دینی نگرایید و بعضی از شما گردن دیگری را نزند. به خدا سوگند اگر چنین کنید. با من روبه‌رو هستید، در همین هنگام جبرئیل از پشت سر، دست بر شانه راست من گذاشت و گفت «علیّ او علیّ». -روایت-۱-۲۲ سپس آیه شریفه قل ربّ امّا ترینّی ما یوعدون ... را برایم قرائت کرد]. -قرآن-۱۷-۵۰ [۵۶۰] جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرد که خدای سبحان به مصطفی صلی اللّه علیه و آله خبر داد، امّت او بعد از ارتحالش فتنه بپا خواهند کرد. سپس آیه شریفه قل ربّ امّا ترینّی ما یوعدون نازل شد. -قرآن-۱۸۱-۲۱۴ جابر در ادامه می گوید در حجّة الوداع در کنار رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نشسته بودم از آن حضرت شنیدم فرمود: ای مردم بعد از من به کفر و بی‌دینی رجعت نکنید و بعضی از شما گردن دیگری را نزند. [صفحه ۱۹۷] آگاه باشید اگر چنین کنید مرا بار دیگر می‌بینید که در جانب دیگر صف و در مقابل شما قرار می گیرم و بار دیگر برای اسلام با شما پیکار خواهم کرد. پس جبرئیل دست بر شانه من گذاشت چون به سوی او برگشتم گفت یا محمّد صلی اللّه علیه و آله بگو، به خاطر علی بن ابی طالب علیه السّلام با شما مقاتله می کنم آن حضرت به طرف ما برگشت و فرمود: پس با علی علیه السّلام دشمنی و مخالفت نکنید. [۵۶۱] در کتاب عتیق ابی صالح از جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرد: جبرئیل برای نبی صلی اللّه علیه و آله خبر آورد پیروان و امّت تو بعد از تو با علی علیه السّلام به جنگ و جدال بر می‌خیزند. آن گاه آیه؟ قل ربّ امّا ترینّی ما یوعدون ربّ فلا تجعلنی فی القوم الظّالمین «۱۰۲ -قرآن-۱۵-۹۰-پاورقی-۹۲-۹۴ و آیه فامّا نذهبنّ بک فانّا منهم منتقمون او نرینّک الّذی وعدناهم فانّا علیهم مقتدرون ۱۰۳» -قرآن-۸-۹۸-پاورقی-۹۹-۱۰۱ مصطفی صلی اللّه علیه و آله رو به یاران و اصحاب کرد و فرمود: ای مردم بار دیگر کافر نشوید تا بعضی از شما گردن دیگری را با شمشیر بزنند. و قتل و خون‌ریزی به راه افتد.«۱۰۴» -پاورقی-۱۹۴-۱۹۶ [صفحه ۱۹۸] [۱۰۶] فاذا نفخ فی الصّور فلا انساب بینهم یومئذ و لا یتسآءلون [مؤمنون ۱۰۱] پس آن گاه که در صور دمیده شود، در آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد، و از [حال یکدیگر نمی‌پرسند. -قرآن-۷-۷۲ [۵۶۴] سفیان ثوری از إبن جریج از عطاء نقل کرد إبن عبّاس صحابی نوجوان گفت از مصطفی صلی اللّه علیه و آله شنیدم فرمود: «کلّ حسب و نسب یوم القیامة منقطع الّا حسبی و نسبی -روایت-۱-۵۹ همه رابطه‌های فامیلی اعم از حسبی و نسبی در روز قیامت منقطع می‌شود مگر حسب و نسب من که ارتباطش قطع نمی‌شود. اگر دوست دارید. آیه شریفه فاذا نفخ فی الصّور فلا أنساب بینهم یومئذ و لا یتسألون را تلاوت کنید. -قرآن-۱۵۶-

۲۱۹ [۱۰۷] انّی جزیتهم الیوم بما صبروا أنّهم هم الفائزون [مومنون ۱۱۱] من هم امروز به [پاس آن که صبر کردند، به آنان پاداش دادم آری ایشان هستند که از رستگاران‌اند. -قرآن-۷-۶۱ [۵۶۵] علقمه نقل کرده است عبد اللّه بن مسعود قاری مشهور قرآن کریم و صحابی معروف رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در تفسیر و توضیح آیه کریمه انّی جزیتهم الیوم بما صبروا گفت پاداش نیکو و جنّت رضوان به کسانی داده می‌شود که بر ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام و محبّت فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام پایداری کرده و صبور بوده‌اند. -قرآن-۱۷۰-۲۰۲ و همچنین در انجام دادن طاعات و فرایض مطیع و فرمانبردار بوده بر فقر و گرسنگی ناشکیبائی نکرده‌اند، به معاصی نزدیک نشده و به هنگام بلا و گرفتاری بی‌تابی نکرده‌اند و انّهم هم الفائزون یعنی اینکه طایفه که اینکه گونه‌اند اهل نجات‌اند و از حساب و محاسبه رهایی می‌یابند. -قرآن-۱۸۶-۲۰۷ [صفحه ۱۹۹] [۱۰۸] فی بیوت أذن اللّه أن ترفع و یذکر فیها اسمه یسبّح له فیها بالغدو و الاصال رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر اللّه و اقام الصّلوة و ایتاء الزّکوة یخافون یوماً تتقلّب فیه القلوب و الابصر. [نور/ ۳۷] در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن [خانه ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند. -قرآن-۷-۲۲۷ مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی‌دارد، و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود می‌هراسند. [۵۶۶] ابی داود از ابی برزه نقل کرده است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله درباره آیه شریفه فی بیوت اذن اللّه ان ترفع و یذکر فیها اسمه ... فرمود منظور از بیوت در آیه بیت مصطفی صلی اللّه علیه و آله است -قرآن-۱۱۶-۱۶۹ سؤال شد، یا رسول اللّه آیا بیت علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام هم از آن جمله است فرمود: بلی بلکه از افضل آن بیوت است [۵۶۷] ابان بن تغلب از نفیع بن حارث نقل کرد که انس بن مالک و بریدۀ گفته‌اند: چون مصطفی صلی اللّه علیه و آله آیه کریمه فی بیوت اذن اللّه ان ترفع ... را در میان جمعیت قرائت فرمود مردی از آن میان برخاست و پرسید: اینکه «خانه‌ها» که در آیه تلاوت فرمودید کدام خانه‌ها و از خانه‌های چه طایفه‌ای است -قرآن-۱۴۶-۱۷۹ مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: آن خانه‌های انبیاست که دارای چنین منزلتی است ابو بکر از میان جمعیت برخاست و با دست اشاره به بیت علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام کرد و پرسید: یا رسول اللّه آیا اینکه خانه هم از آن خانه‌هایی است که با آیه ان ترفع فیها اسمه یسبّح له ... ارتباط دارد! -قرآن-۸۶-۱۲۱ [صفحه ۲۰۰] مصطفی صلی اللّه علیه و آله با تأکید فرمود: بلی اینکه بیت از بهترین بیوتی است که به اینکه آیه شریفه ارتباط پیدا می کند. [۵۶۸] انس بن مالک و بریدۀ نقل کردند: رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در میان جماعتی از روات آیه فی بیوت اذن اللّه ان ترفع .... را قرائت کرد. -قرآن-۷۶-۱۰۹ مردی از آن میان برخاست گفت بیوتی که اینکه چنین با ارزش هستند بیوت چه کسانی است مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: آن بیوت انبیاست ابو بکر پرسید! یا رسول اللّه آیا بیت فاطمه و علی علیهما السّلام هم از جمله آن بیوت هستند! حضرت فرمود: بلی بلکه از افضل آن بیوت بیت فاطمه علیها السّلام و علی علیه السّلام است [۱۰۹] و من یطع اللّه و رسوله و یخش اللّه و یتّقه فأولئک هم الفائزون [نور/ ۵۲] و کسی که خدا و فرستاده او را فرمان برد، و از خدا بترسد و از او پروا کند آنان‌اند که خود کامیاب‌اند. -قرآن-۷-۸۰ [۵۶۹] ضحّاك از إبن عبّاس مفسّر مشهور قرآن در توضیح آیه شریفه نقل کرد و من یطع اللّه و رسوله و یخش اللّه ... یعنی کسانی که خدا و رسول را اطاعت می‌کنند و از گناهان و خطاهای گذشته خویش خائف‌اند، و نفس خویش را برای آینده کنترل و مراقبت می‌کنند. فاولئک هم الفائزون آنان رستگار و اهل نجات‌اند و وارد بهشت می‌شوند. -قرآن-۸۴-۱۲۵-قرآن-۲۸۹-۳۱۱ إبن عباس در ادامه سخن گفت اینکه آیه شریفه درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد که دارای چنین صفاتی بوده است [صفحه ۲۰۱] [۱۱۰] وعد اللّه الّذین آمنوا منکم و عملوا الصّالحات لیستخلفنّهم فی الارض -قرآن-۷-۸۱ [نور/ ۵۵] خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای

شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در اینکه سرزمین جانشین خود قرار دهد. [۵۷۰] ابی صادق از حنش روایت کرد علی علیه السّلام فرمود: سوگند به آن خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد، خدای سبحان قرآن را بر محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله به صدق و عدل نازل کرد تا با اینکه آیه شریفه مهربانی و عطوفت خویش را به کمال برساند و صالحان را وارثان زمین گرداند. [۵۷۱] سدیّ از إبن عبّاس در شأن نزول آیه کریمه وعد اللّه الّذین آمنوا ... گفت اینکه کلام یزدان در شأن آل محمّد صلی اللّه علیه و آله نازل شد. که آن بزرگواران را وعده خلافت بر روی زمین داده است -قرآن-۶۰-۸۴ [۵۷۲] عبد الرّحمان از قاسم بن عوف حکایت کرد، شنیدم عبد اللّه بن محمّد ۱۰۵» -پاورقی-۸۹-۹۱-قرآن-۱۳۳-۱۸۲ آن کسانی که خدای سبحان به آنان وعده خلافت و جانشینی در زمین را داده است ما اهل بیت و خاندان مصطفی صلی اللّه علیه و آله هستیم [۱۱۱] و هو الّذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً و صهراً و کان ربّک قدیراً. [فرقان ۵۴] و اوست کسی که از آب بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی نسبی و دامادی قرار داد، و پروردگار تو همواره تواناست -قرآن-۷-۸۴ [صفحه ۲۰۲] [۵۷۳] حکیم بن ظهیر حدیثی از سدیّ نقل کرد، که وی گفته کلام ربّانی هو الّذی خلق من الماء بشراً ... درباره نبی صلی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام نازل شد. آن هنگام که پیامبر فاطمه علیها السّلام دختر خویش را به تزویج پسر عمّ خود درآورد. که در اینکه ازدواج هم رابطه نسبی و هم سببی وجود دارد. که علی علیه السّلام هم پسر عموی نبی صلی اللّه علیه و آله و هم داماد آن حضرت است و آیه شریفه به اینکه معنی اشاره کرده است -قرآن-۸۰-۱۱۳ [۵۷۴] ابو قتیبه تیمّی گفت از إبن سیرین شنیدم در توضیح آیه شریفه فجعله نسباً و صهراً بیان کرد: -قرآن-۸۰-۱۰۰ آن مرد بزرگی که افتخار پیوند نسبی و سببی را پیدا کرد، علی بن ابی طالب علیه السّلام است که هم پسر عم و هم داماد مصطفی صلی اللّه علیه و آله است و خدای سبحان او را فامیل نسبی و سببی یعنی پسر عم و داماد نبی صلی اللّه علیه و آله قرار داد. [۱۱۲] و اجعلنا للمتّقین اماماً [فرقان ۷۴] و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده -قرآن-۷-۳۲ [۵۷۵] ابان بن تغلب گفت از جعفر بن محمّد علیه السّلام در توضیح کلام رحمان الّذین یقولون ربّنا هب لنا من ازواجنا و ذرّیاتنا قرّة اعین و اجعلنا للمتّقین اماما سؤال کردم -قرآن-۹۵-۱۸۴ آن جناب فرمود: ما اهل بیت مصطفی صلی اللّه علیه و آله هستیم که مورد تقاضا قرار گرفتیم تا امام و پیشوای متقین شویم [۵۷۶] ابی هارون از ابی سعید خدری در تفسیر آیه شریفه ربّنا هب لنا من ازواجنا و ذرّیاتنا ... نقل کرده است که مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: از جبرئیل پرسیدم منظور از «ازواجنا» کیست جبرئیل گفت خدیجه کبری -قرآن-۶۴-۱۰۱-قرآن-۲۰۱-۲۱۰ پرسیدم منظور از ذرّیاتنا چیست [صفحه ۲۰۳] جبرئیل گفت فاطمه علیها السّلام سؤال کردم پس قرّة اعین چه کسانی هستند! -قرآن-۵۶-۶۶ جبرئیل گفت حسن و حسین علیهما السّلام هستند. آن گاه سؤال کردم و اجعلنا للمتّقین اماماً کیست -قرآن-۲۳-۴۸ جبرئیل گفت علی بن ابی طالب علیه السّلام که امام متقین و مؤمنین است [۱۱۳] ان نشأ ننزّل علیهم من السّماء ایهٔ فظلّت اعناقهم لها خاضعین [شعراء/ ۴] اگر بخواهیم معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم تا در برابر آن گردن‌هایشان خاضع شود. -قرآن-۷-۷۵ [۵۷۷] ابی صالح از عبد اللّه بن عباس در توضیح و تفسیر آیه کریمه فوق چنین نقل کرده است که إبن عباس گفت اینکه کلام الهی درباره ما و بنی امیّه نازل شد. دولت و حکومت برای ما خواهد بود و بنی امیّه بعد از عزّت سلطنت به ذلّت کشیده می‌شوند و سپس آیه ان نشأ ننزّل علیهم من السّمأ ... را قرائت کرد. -قرآن-۳۰۵-۳۴۴ [۱۱۴] فما لنا من شافعین و لا صدیق حمیم [شعرا/ ۱۰۱] در نتیجه نه شفاعت کننده و نه دوست نزدیکی داریم -قرآن-۷-۴۷ [۵۷۸] عبّاد بن یعقوب از عیسی و او از پدرش نقل کرد جعفر بن محمّد علیه السّلام از قول پدر بزرگوارش فرمود: آیه فما لنا من شافعین و لا صدیق حمیم در شأن ما اهل بیت و شیعیان حقیقی ما نازل شده است -قرآن-۶-۴۵ [صفحه ۲۰۴] چون خدای سبحان به ما و شیعیانمان فضیلت شفاعت عنایت کرد تا در جای خودش که قیامت باشد از آنان شفاعت کنیم کسانی که در صحنه قیامت

حاضر شوند، و از شفیع و شفاعت آگاه شوند، با حسرت می‌گویند فما لنا من شافعین یعنی برای ما شفیعی نیست «۱۰۶» -قرآن-۹۵-۱۱۵-پاورقی-۱۴۸-۱۵۰-قرآن-۱۵۷-۱۸۱-قرآن-۲۷۹-۳۰۳ رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرزندان عبد المطلب را که در آن روز چهل نفر بودند دعوت کرد. به علی علیه السّلام فرمود: که ران گوسفندی را بریان کرده غذایی مهیا کن آن گاه آنان را با نام خدا فرا بخوان آنان ده نفر ده نفر بر سر سفره نشستند و همگان از آن غذا تناول کردند و سیر شدند. ابو لهب شروع به سخن کرد و گفت اینکه مرد چه ساحر ماهری است نبی صلی اللّه علیه و آله ساکت بود و سخنی نمی‌گفت روز بعد نیز همان طعام را مهیا کردند و پس از خوردن پیامبر صلی اللّه علیه و آله برای انذار آنان پیام خدای سبحان را ابلاغ کرد و فرمود: ای فرزندان عبد المطلب من نذیر و بشیر به سوی شما هستم دنیا و آخرت را برای شما ارمغان آوردم مسلمان شوید. و از من متابعت و اطاعت کنید تا هدایت شوید و نجات یابید. سپس فرمود: من یواخینی و یوازرنی یکون ولیّی و وصیّ بعدی و خلیفتی فی اهلی و یقضی دینی . -روایت-۱-۹۳ [صفحه ۲۰۵] «امروز هر کسی برادر و وزیر و پشتوانه کارهای من شود، ولیّ و وصیّ و جانشین من در میان اهل و خانواده‌ام می‌شود و دین مرا ادا می‌کند» در پاسخ به تقاضای رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله همه قوم ساکت ماندند و کسی سخنی نمی‌گفت رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله پیام خویش را سه بار تکرار کرد، و آنان همچنان ساکت بودند و سخنی نمی‌گفتند، امّا در هر بار علی علیه السّلام می‌گفت یا رسول اللّه من تو را اطاعت و اجابت می‌کنم مصطفی صلی اللّه علیه و آله می‌فرمود: یا علی ساکت و آرام باش بعد از سخنان رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله آن جماعت برخاستند. در حالی که به ابو طالب می‌گفتند: برو از پسرت علی علیه السّلام اطاعت کن چون محمّد صلی اللّه علیه و آله او را امیر تو قرار داده است [۱۱۶] من جاء بالحسنهٔ فله خیر منها و هم من فزع یومئذ آمنون و من جاء بالسّیئهٔ فکبّت وجوههم فی النّار هل تجزون الّا ما کنتم تعملون [نمل ۹۰] هر کسی نیکی به میان آورد، پاداشی بهتر از آن خواهد داشت و آنان از هراس آن روز ایمن‌اند. هر کسی بدی به میان آورد، به رو در آتش [دوزخ سرنگون شود. آیا جز آنچه می‌کردید سزا داده می‌شوید! -قرآن-۷-۱۴۹ [۵۸۱] محمّد بن زید نقل کرد پدرش از ابو جعفر صادق علیه السّلام شنید که آن جناب فرمود: روزی ابو عبد اللّه جدلی به حضور امیر المؤمنین علی علیه السّلام رسید. علی علیه السّلام به او فرمود: یا ابا عبد اللّه آیا می‌خواهی تو را از راز و رمز و حقیقت آیات کریمه من جاء بالحسنهٔ فله خیر منها و هم من فزع یومئذ آمنون و من جاء بالسّیئهٔ فکبّت وجوههم فی النّار هل تجزون الّا ما کنتم تعملون مطلع کنم -قرآن-۸۴-۲۲۶ ابو عبد اللّه گفت بلی یا امیر المؤمنین بفرمایید تا آگاه شوم علی علیه السّلام فرمود: منظور و مقصود از «حسنهٔ» در آیه شریفه حبّ و دوستی ما اهل [صفحه ۲۰۶] بیت است و منظور از سیّئه بغض و کینه نسبت به ماست [۵۸۲] فضیل بن زبیر از ابی داود سبیعی نقل کرد که ابی عبد اللّه جدلی گفت روزی به خدمت علی بن ابی طالب علیه السّلام رسیدم آن بزرگوار فرمود: یا ابا عبد اللّه آیا می‌خواهی تو را از حسنه‌ای که اگر کسی انجام دهد خدا او را به بهشت داخل می‌کند و از سیّئه‌ای که انجام دهنده آن با پیشانی در آتش افکنده شود و هیچ عملی با آن سیئه پذیرفته نشود، خبر دهم گفتم بلی یا امیر المؤمنین آن حضرت فرمود: «حسنهٔ،» حبّ ما اهل بیت و «سیّئه » بغض و کینه نسبت به ما اهل بیت مصطفی صلی اللّه علیه و آله است [۵۸۳] جابر بن عبد اللّه انصاری نقل می‌کند که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا علی اگر امتم آن قدر روزه بگیرند تا مثل «میخ شوند و شب و روز در حال نماز باشند تا مثل کمان منحنی شوند با اینکه همه نماز و روزه اگر دشمن تو باشند و کینه تو را در دل داشته باشند خدای جبّار، آنان را با صورت و [بینی در آتش جهنّم می‌اندازد. [۵۸۴] عطیّه از ابو سعید خدری نقل کرد در عهد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در مدینه شخصی به دست فردی کشته شد. مصطفی صلی اللّه علیه و آله بر منبر نشست و خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: هر کسی با اهل بیت من دشمن باشد خدای عزّ و جلّ او را با صورت در آتش جهنم می‌افکند. [۵۸۵] جابر بن عبد اللّه و انس بن مالک

گفتند: رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا علی لو انّ امّتی ابغضوک لاکبّهم اللّه علی مناخرهم فی النّار». -روایت-۱-۷۳ یا علی هر کسی از امّتم با تو دشمنی کند. خدای سبحان او را با صورت و بینی در آتش جهنم سرنگون می کند. [۵۸۶] عطاء بن ابی رباح از قول إبن عبّاس نقل کرده است که روزی مصطفی صلی اللّه علیه و آله در جمع بنی هاشم فرمود: ای بنی هاشم من سه چیز از خدای منّان برای شما خواستم [صفحه ۲۰۷] به جاهل بنی هاشم علم و حکمت و به عالم ثبات قدم عنایت کند و نسبت به شما رحمت کند و شما را نجابت عطا فرماید. و بدانید اگر کسی بین رکن و مقام را لانه خود سازد و در آن جا به عبادت پردازد ولی دشمنی و بغض بنی هاشم را در دل داشته باشد خدای تعالی او را با صورت در آتش جهنم واژگون می کند. [۵۸۷] فضیل رسان از ابی داود سبیعی نقل کرد، ابو عبد اللّه جدلی از قول علی علیه السّلام حدیثی را روایت کرد که امیر المؤمنین علی علیه السّلام به من فرمود: یا ابا عبد اللّه آیا خبر دهم تو را از آن حسنه‌ای که خدای سبحان دارندگان آن حسنه را در روز قیامت در رفاه و آسایش قرار می‌دهد! بدان که آن حسنه محبّت و دوستی ما اهل بیت مصطفی صلی اللّه علیه و آله است و آن سیّئه‌ای که موجب سرنگونی در جهنم است دشمنی و کینه نسبت به ما اهل بیت محمّد صلی اللّه علیه و آله است سپس آیه کریمه و من جاء بالسّیئهٔ فکبّت وجوههم فی النّار را تلاوت کرد. -قرآن-۱۶-۶۲ [۵۸۸] ابی امامه باهلی گفت رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: انّ اللّه خلق الانبیاء من شجر شتّی و خلقنی و علیّاً من شجرهٔ واحدهٔ، فانا اصلها و علیّ فرعها و الحسن و الحسین ثمارها و اشیاعنا اوراقها. فمن تعلّق بغصن من اغصانها نجی و من زاغ هوی و لو انّ عابداً عبد اللّه الف عام ثمّ الف عام ثمّ الف عام ثمّ لم یدرک محبّتنا اهل البیت اکبّه اللّه علی منخریه فی النّار. -روایت-۱-۳۴۹ خدای سبحان پیامبران را از درخت‌های مختلف و پراکنده خلق کرد. امّا من و علی علیه السّلام را از درخت واحد خلق کرد. من اصل شجره هستم و علی علیه السّلام فرع آن است حسن و حسین علیه السّلام میوه‌های اینکه درخت هستند. شیعیان ما برگ‌های سبز اینکه درخت‌اند. هر کسی به شاخه‌ای از شاخه‌های اینکه درخت بچسبد و آویزان شود، نجات می‌یابد و هر کسی از آن جدا شود و فاصله گیرد هلاک گردد. [صفحه ۲۰۸] اگر عابدی سه هزار سال عبادت کند و حال اینکه که محبّت ما اهل بیت را درک نکند، خدای رحمان او را با صورت در آتش جهنم سرنگون کند. سپس اینکه آیه شریفه قل لا اسألکم علیه اجراً الّا المودّهٔ فی القربی را تلاوت کرد. -قرآن-۲۶-۸۱ [۱۱۷] و نرید أن نمنّ علی الّذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمّهٔ و نجعلهم الوارثین [قصص ۴] و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منّت گذاریم و آنان را پیشوایان [مردم گردانیم و ایشان را وارث [زمین قرار دهیم -قرآن-۷-۹۵ [۵۸۹] محمّد بن سنان از مفضّل بن عمر نقل کرد، که او گفت از جعفر بن محمّد صادق علیه السّلام شنیدم فرمود: روزی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به علی حسن و حسین علیهم السّلام نظر انداخت و شروع به گریه کرد و اشک ریخت سپس فرمود: شما مستضعفین بعد از من هستید. مفضّل گفت پرسیدم یابن رسول اللّه معنی اینکه کلام پیامبر صلی اللّه علیه و آله چیست فرمود: یعنی مصطفی صلی اللّه علیه و آله به علی و حسن و حسین علیهم السّلام گفت بعد از من ائمه و امام هستید، و خدای سبحان می‌فرماید: و نرید أن نمنّ علی الّذین استضعفوا فی الإرض و نجعلهم ائمّهٔ و نجعلهم الوارثین و اینکه آیه کریمه درباره ما اهل بیت و امامان امت تا قیامت جریان دارد. -قرآن-۱-۸۹ [۵۹۰] ربیعهٔ بن ناجذ گفت علی علیه السّلام فرمود: لیعطفنّ علینا الدّنیا عطف الضروس علی ولدها -روایت-۱-۴۹ ، سپس آیه و نرید ان نمنّ علی الّذین ... را تلاوت کرد. -قرآن-۱۳-۴۴ [۵۹۱] ابی صادق از حنش نقل کرده است که امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: هرکسی بخواهد از کارها و ارتباط ما با مردم و قوم قریش سؤال کند، بداند که ما و شیعیانمان از [صفحه ۲۰۹] روزی که خدای سبحان زمین و آسمان را خلق کرد بر سنّت و سیره موسی علیه السّلام و پیروان او بودیم و هستیم و دشمنان ما هم از روز خلقت زمین و آسمان بر مرام و مسلک و سنّت فرعون و اتباع و پیروانش بودند و هستند. سپس اینکه دو آیه شریفه

را تلاوت کند انّ فرعون علاـ فی الإرض و نرید ان نمنّ علی الّذین استضعفوا .... -قرآن-۴۵-۷۳-قرآن-۷۴-۱۱۴ آن گاه فرمود: سوگند به خدای سبحان که بر موسی علیه السّلام کتابی از سر صدق و عدل نازل شد که اینکه مطلب را خبر داده بود لیعطفنّ علیکم هولاء الآیات عطف الضروس علی ولدها. -روایت-۱-۵۷ [۵۹۲] عبد الجبّار از عثمان اعشی ثقفی و او از ابی صادق نقل کرد علی علیه السّلام فرمود: آیه شریفه و نرید ان نمنّ علی الّذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین برای ما و درباره ماست «۱۰۷ -قرآن-۱۱۷-۲۰۴-پاورقی-۲۳۲-۲۳۴ [۵۹۵] عبد اللّه بن محمّد بن عقیل از قول جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرده است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا بنیّ هاشم انتم المستضعفون المقهورون المستذلّون بعدی -روایت-۱-۶۹ ای بنّی هاشم بعد از من حق شما را تضعیف و شما را مستضعف و مقهور قرار می‌دهند، و آن عزّتی که در زمان حیات من داشتید، به ذلت و خواری تبدیل می‌کنند. [۵۹۷] عبد اللّه بن حسن از مادرش فاطمه بنت حسین علیه السّلام و او از پدرش حسین بن علی علیه السّلام نقل کرده‌اند که ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام فرمود: «نحن المستضعفون و نحن المقهورون و نحن عترة رسول اللّه فمن نصرنا فرسول اللّه نصر و من خذلنا فرسول اللّه خذل -روایت-۱-۱۲۵ به یقین ما به سبب حمایت نشدن مستضعف و مقهور قرار گرفتیم ما عترت مصطفی صلی اللّه علیه و آله هستیم هر مسلمانی ما را یاری و نصرت دهد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله را یاری داده [صفحه ۲۱۰] است و هر کسی ما را خوار گرداند، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله را خوار کرده است بدانید ما و دشمنانمان در روزی که یوم تجد کلّ نفس ما عملت من خیر محضراً ... -قرآن-۴۰-۸۳ تجمع می‌کنیم آنان به سزای دشمنی خویش می‌رسند. [۱۱۸] قال سنشدّ عضدک بأخیک و نجعل لکما سلطاناً. [قصص ۳۵] فرمود: به زودی بازویت را به [وسیله برادرت نیرومند خواهیم کرد و به شما هر دو قدرت می‌دهیم -قرآن-۷-۵۲ [۵۹۸] منذر از ابان بن تغلب و او از انس بن مالک خدمتکار رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نقل کرد، در یک سرزمینی که عده‌ای به تجاوز و نافرمانی پرداختند، آن حضرت عده‌ای از اصحاب را به فرماندهی فردی به نام مصدّق برای سرکوبی آنان فرستاد، آن متجاوزان مصدّق را به قتل رساندند. چون خبر کشتن او به رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رسید، خیلی متأثّر و ناراحت شد. بلافاصله علیّ مرتضی علیه السّلام را به فرماندهی عدّه‌ای از اصحاب به سرکوبی و تنبیه آنان اعزام کرد. علی علیه السّلام مثل صاعقه بر سر آن یاغیان فرود آمد. جنگجویان آنان را کشت و فرزندانشان را اسیر گرفت و به سوی مدینه بازگشت وقتی خبر پیروزی به مصطفی صلی اللّه علیه و آله رسید، بسیار مسرور و دلشاد شد. علی علیه السّلام چون به نزدیک مدینه رسید. نبی صلی اللّه علیه و آله به استقبال وی آمد و او را در آغوش گرفت و معانقه کرد. سپس بین دو چشم او را بوسید. و فرمود: « یا علی بابی انت و امّی من شدّ عضدی به کما شدّ عضد موسی بهارون . -روایت-۱-۸۶[صفحه ۲۱۱] پدر و مادرم فدای آن یار و یاوری که خدای تعالی بازوان مرا به وسیله او تقویت کرد. همان طور که بازوی موسی را به وسیله هارون محکم کرد. [۱۱۹] أ فمن وعدناه وعداً حسناً فهو لاقیه کمن متّعناه متاع الحیاة الدّنیا ثمّ هو یوم القیمة من المحضرین [قصص ۶۱] آیا کسی که وعده نیکو به او داده‌ایم و او به آن خواهد رسید، مانند کسی است که از زندگی دنیا بهره‌مندش کرده‌ایم پس او روز قیامت از [جمله] احضار شدگان در آتش است -قرآن-۷-۱۱۶ [۵۹۹] أبان بن تغلب از قول مجاهد در شأن نزول آیه کریمه أ فمن وعدناه وعداً حسناً فهو لاقیه ... بیان کرد: -قرآن-۶۹-۱۰۶ اینکه آیه درباره علی علیه السّلام و حمزه سید الشهدا و ابی جهل نازل شد که در قیامت به علی علیه السّلام و حمزه وعده نیکو و به ابو جهل وعده عذاب داده خواهد شد. [۶۰۰] أبان بن تغلب از مجاهد درباره آیه شریفه أ فمن وعدناه وعداً حسناً فهو لاقیه ... گفت اینکه آیه در شأن علی علیه السّلام و حمزه نازل شد که پیوسته مورد لطف و عنایت خدای سبحان هستند، و در اینکه آیه وعده نیکو به آنان داده است -قرآن-۵۶-۹۳ و ادامه آیه کمن متّعناه متاع الحیاة الدّنیا در مذّمت ابو جهل و توبیخ او نازل شده است -قرآن-۱۵-

۴۹ [۶۰۱] ابی صالح از عبد اللّه بن عبّاس در توضیح اینکه آیه شریفه بیان کرد که إبن عبّاس گفت أ فمن وعدناه وعداً حسناً در شأن علی علیه السّلام جعفر طیّار و حمزه سید الشهدا نازل شد، چون که خدای سبحان در دنیا از زبان نبیّ صلی اللّه علیه و آله به آنان وعده نیکو داد و اینکه سه تن اخیار در قیامت پاداش‌های نیکوی خویش را دریافت می کنند. -قرآن-۱۱۶-۱۴۲ و منظور از دنباله آیه کمن متّعناه متاع الحیاة الدّنیا ابو جهل بن هشام است که به -قرآن-۲۶-۶۰ [صفحه ۲۱۲] واسطه متاع چند روزه دنیا راه طغیان و مخالفت بر ضدّ محمّد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله را با اصرار ادامه داد، و او طبق آیه ثمّ هو یوم القیامة من المحضرین از کسانی است که در جهنّم معذّب است -قرآن-۱۵۲-۱۸۸ [۱۲۰] الم أ حسب النّاس أن یترکوا أن یقولوا آمنّا و هم لا یفتنون [عنکبوت ۲] الف لام میم آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند! -قرآن-۷-۷۶ [۶۰۲] عبید اللّه بن حسین از پدرش و پدر او از جدّش و جدّ او از حسین بن علی علیه السّلام نقل کرده است که علی علیه السّلام فرمود: وقتی آیه کریمه الم أ حسب النّاس ان یترکوا ان یقولوا آمنّا و هم لا یفتنون بر پیامبر صلی اللّه علیه و آله نازل شد از آن حضرت پرسیدم یا رسول اللّه اینکه چه فتنه و آزمایشی است که در کلام خدای جلیل ذکر شد! -قرآن-۱۸۰-۲۵۰ فرمود: « یا علیّ؟ انّک مبتلی و مبتلی بک -روایت-۱-۴۴ یعنی یا علی تو مورد آزمایش واقع می‌شوی و مردم هم به سبب تو آزمایش می‌شوند و در فتنه می‌افتند و مفتون می‌شوند. [۶۰۳] ابی معاذ بصری نقل می کند، همراه امیر المؤمنین علی علیه السّلام در جنگ جمل بودم وقتی بصره را فتح کرد، نماز ظهر را با مردم و لشکریان به جماعت اقامه کرد. در پایان نماز رو به مردم کرد و فرمود: ای مردم آنچه می‌خواهید بپرسید! عبّاد بن قیس برخاست و گفت یا علی آیا در مورد فتنه از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله سؤالی کردی ! علی علیه السّلام فرمود: بلی آن هنگام که آیه الم أ حسب النّاس ان یترکوا ... بر پیامبر نازل شد. اطراف آن حضرت جمع شدیم و گفتم یا رسول اللّه پدر و مادرم فدای وجود نازنینت اینکه فتنه‌ای که امّت تو به آن مبتلا می‌شوند چیست -قرآن-۵۷-۸۹ [صفحه ۲۱۳] رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا علی از آنچه در ذهن داری سؤال کن گفتم یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله بعد از تو برای چه چیزهایی جهاد و تلاش کنیم فرمود: علی الاحداث یا علی -روایت-۱-۳۰ پرسیدم یا رسول اللّه فبیّنها لی -روایت-۱-۳۵ . فرمود: کلّ شیء یخالف القرآن و سنّتی -روایت-۱-۳۶ با هر چیزی که مخالف قرآن و سنّت من است مخالفت و مقابله کنید. [۱۲۱] أم حسب الّذین یعملون السّیئات أن یسبقونا ساء ما یحکمون من کان یرجوا لقاء اللّه فانّ أجل اللّه لات و هو السّمیع العلیم و من جاهد فإنّما یجاهد لنفسه انّ اللّه لغنیّ عن العالمین و الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات لنکفّرنّ عنهم سیّئاتهم و لنجزینّهم أحسن الّذی کانوا یعملون [عنکبوت ۴ ۸] آیا کسانی که کارهای بد می کنند، می‌پندارند که بر ما پیشی خواهند جست چه بد داوری می کنند. کسی که به دیدار خدا امید دارد [بداند که اجل او از سوی خدا آمدنی است و اوست شنوای دانا. -قرآن-۷-۳۱۳ و هر که بکوشد، تنها برای خود می کوشد، زیرا خدا از جهانیان سخت بی‌نیاز است و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً گناهانشان را از آنان می‌زداییم و بهتر از آنچه می کردند پاداششان می‌دهیم [۶۰۴] ابی صالح نقل کرد، إبن عبّاس در توضیح آیه شریفه أم حسب الّذین یعملون السّیئات بیان کرد. اینکه قسمت آیه شریفه در مذّمت عتبه و شیبه و ولید بن عتبه که به مبارزه علی علیه السّلام و حمزه و عبیده در جنگ بدر حاضر شدند نازل شد. -قرآن-۶۶-۱۰۰ و آیه من کان یرجوا لقاء اللّه فانّ اجل اللّه لآت و هو السّمیع العلیم و من جاهد فانّما -قرآن-۶-۱۰۲ [صفحه ۲۱۴] یجاهد لنفسه در تحسین و تمجید علی علیه السّلام و حمزه سید الشهدا و ابو عبیده نازل شد که به امید ثواب و توقّع لقاء پروردگار در خدمت پیامبر صلی اللّه علیه و آله به میدان جهاد رفتند. -قرآن-۱-۱۴ [۶۰۵] کلبی از ابی صالح نقل کرد، عبد اللّه بن عباس مفسّر مشهور در توضیح شأن نزول آیه شریفه گفت و الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات یعنی علی علیه السّلام و حمزه و ابو عبیده لنکفّرنّ عنهم سیّآتهم که گناهان آنان را به پاس

خدماتشان در جنگ بدر محو و نابود می‌کنیم و آنان را مورد لطف و نوازش و بخشش قرار می‌دهیم -قرآن-۱۱۶-۱۵۰-قرآن-۲۰۱-۲۲۵ و لنجزیّنهم به آنان ثواب و اجر اخروی که بهشت باشد می‌دهیم -قرآن-۱-۱۲ اینان کسانی بودند که بهترین اعمال را در دنیا انجام دادند، و اینکه سه آیه در شأن علی علیه السّلام و دو مصاحبش نازل شد. سپس شامل هر کسی که بر اینکه صفت باشد نیز می‌شود. [۱۲۲] و الّذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا و انّ اللّه لمع المحسنین [عنکبوت ۶۹] و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نمایانیم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است -قرآن-۷-۷۴ [۶۰۶] زیاد بن منذر نقل کرد، ابی جعفر علیه السّلام فرمود: کلام خدای سبحان و الّذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا درباره ما اهل بیت نازل شد. -قرآن-۲۰-۵۸ [۶۰۷] ابان بن تغلب روایت کرد. ابو جعفر علیه السّلام فرمود: آیه کریمه و الّذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا و انّ اللّه لمع المحسنین در حقّ ما اهل بیت نازل شد. و مصداق کامل آیه شریفه ما هستیم -قرآن-۱۳-۸۰ [صفحه ۲۱۵] [۱۲۳] فآت ذا القربی حقّه و المسکین و إبن السّبیل [روم ۳۸] پس حق خویشاوند و تنگدست و در راه مانده را بده -قرآن-۷-۵۶ [۶۰۸] سفیان ثوری از واصل احدب و او از عطاء نقل کرد إبن عباس در تفسیر و توضیح اینکه آیه گفت وقتی آیه فات ذا القربی حقّه نازل شد. رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فاطمه علیها السّلام را فرا خواند و سرزمین فدک را تقدیم و تسلیم او فرمود و مقصود از [المسکین گرسنه‌ای است که تقاضای طعام می‌کند و باید او را طعام دهند و منظور از إبن السبیل مهمانی است که برای ضیافت به منزل کسی می‌رود، باید سه روز به عنوان مهمان او را اکرام و احترام کرد. -قرآن-۱۰-۳۱-قرآن-۱۸۱-۱۹۱-قرآن-۲۷۵-۲۹۰ سپس خدای بزرگ به رسولش خطاب می‌فرماید: یا محمّد اگر اینکه خدمات را به ذوالقربی و مسکین و إبن سبیل انجام می‌دهی به قصد قربت و وجه اللّه انجام ده «و اولئک هم المفلحون . یا رسول اللّه تو و هر کسی اینکه حسنات را انجام دهد، در آخرت از آتش جهّنم نجات می‌یابد و فائز و رستگار وارد بهشت خواهد شد. -قرآن-۳-۲۵ [۱۲۴] و من یسلم وجهه الی اللّه و هو محسن فقد استمسک بالعروة الوثقی [لقمان ۲۲] و هر کسی خود را در حالی که نیکوکار باشد تسلیم خدا کند، قطعاً به ریسمان استوارتری چنگ زده است -قرآن-۷-۷۹ [۶۰۹] انس بن مالک در توضیح و شرح کلام خدا و من یسلم وجهه الی اللّه ... گفت -قرآن-۵۴-۸۵ اینکه آیه درباره شأن و مقام علی علیه السّلام نازل شده است آن حضرت نخستین مؤمن به [صفحه ۲۱۶] خدای سبحان و اوّلین مخلص للّه بود که همه وجودش را در اختیار یزدان قرار داده و تسلیم خدای سبحان بود هو محسن یعنی او مؤمن و مطیع پروردگار بود و به عروة الوثقی مستمسک شد فقد استمسک بالعروة الوثقی که عروة الوثقی کلمه توحید و شعار لا اله الا اللّه است و علی علیه السّلام در طول عمر، چنین خصوصیتی داشت -قرآن-۱-۱۰-قرآن-۸۳-۱۱۰ [۱۲۵] أ فمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستوون [سجده ۱۸] آیا کسی که مؤمن است چون کسی است که نافرمان است -قرآن-۷-۵۷ [۶۱۰] کلبی از ابی صالح نقل کرده است که إبن عباس در توضیح آیه أ فمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستوون گفت -قرآن-۸۱-۱۳۱ منظور از مؤمن علی بن ابی طالب علیه السّلام و مقصود از فاسق ولید بن عقبه است که علی علیه السّلام سمبل ایمان و ولید بن عقبه معروف در فسق و فجور بود [۶۱۱] عبد اللّه بن عباس حکایت کرد. ولید بن عقبه در مقام خود ستایی در مقابل علی علیه السّلام بر آمده و با آن حضرت به مناظره و مشاجره پرداخت و گفت « یا علی انا احدّ منک سناناً و اسلط منک لساناً و املأ منک حشواً فی الکتیبة». یا علی نیزه من از نیزه تو برّنده‌تر، فصاحت من از تو بیشتر و قوّت من از تو افزون‌تر است علی علیه السّلام فرمود: خاموش باش ای فاسق و ای بی مقدار؟ تو را نرسد که خود را با من مقایسه یا برتر بدانی سپس اینکه آیه کریمه بر مصطفی صلی اللّه علیه و آله نازل شد. و صحت سخنان علی علیه السّلام را تأیید و تأکید فرمود که مؤمنی مثل علی علیه السّلام با فاسقی مثل ولید هرگز قابل مقایسه نیستند. [۶۱۲] ابی صالح از قول إبن عبّاس نقل کرد: [صفحه ۲۱۷] روزی ولید بن عقبه به علی علیه السّلام گفت «انا

ابسط منک لساناً و احدّ منک سناناً و املأ منک حشواً فی الکتیبهْ». یا علی زبان من از تو گویاتر و برّنده‌تر و نیزه من از نیزه تو تیزتر و قوّت من از تو بیشتر است علی علیه السّلام فرمود: ساکت باش و سخن گزاف مگو، تو فاسقی بیش نیستی و سخنان هرزه می گویی ؟ سپس آیه شریفه أ فمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستوون بر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل شد. یعنی آیا مؤمنی پاک سیرت [مثل علی بن ابی طالب علیه السّلام با فاسقی بد طینت [مثل ولید بن عقبه با هم یکسان‌اند! و هرگز [ولید با علی علیه السّلام قابل مقایسه نیست -قرآن-۱۸-۶۸ [۶۱۳] عکرمهْ از إبن عباس نقل کرد آیه کریمه أ فمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً درباره علی علیه السّلام و ولید نازل شد. -قرآن-۵۲-۸۹ که علی علیه السّلام به عنوان مؤمن و ولید بن عقبه مصداق بارز فسق و فاسق است که هرگز با هم قابل مقایسه نیستند. [۶۱۴] ابی صالح از عبد اللّه بن عباس در شأن نزول آیه کریمه بیان کرد: أ فمن کان مؤمناً یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام و کمن کان فاسقاً یعنی ولید بن عقبه بن ابی معیط لا یستوون هرگز با هم مساوی و برابر نیستند. علی علیه السّلام مؤمن و الانسب و ولید بن عقبه فاسقی بد سرشت است -قرآن-۸۷-۱۰۶-قرآن-۴-۱۵۴-۱۷۱-قرآن-۲۱۰-۲۲۲ و ادامه آیه شریفه فلهم جنّات المأوی برای علی علیه السّلام است که مسکنش در جنّت است -قرآن-۲۲-۴۲ فماواهم النّار درباره ولید بن عقبه است که جای فاسقی مثل ولید در آتش سوزان است -قرآن-۱-۱۵ [۶۱۵] عمرو بن دینار از عبد اللّه بن عبّاس روایت کرد. آیه شریفه أ فمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستؤون بعد از مجادله علی علیه السّلام و ولید بن عقبه بر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل شد. -قرآن-۱۱-۶۱ پس مؤمن در آیه علی بن ابی طالب علیه السّلام است و فاسق ولید بن عقبه که خدای [صفحه ۲۱۸] سبحان باطن هر دو را روشن و مقام و فضیلت هر یک را بیان کرد. که مؤمنی مثل علی هرگز با فاسقی مثل ولید برابر نیست ۱۰۸». -پاورقی-۶۳-۶۵ [۶۱۹] محمّد بن مغیرهْ با سلسله سندش نقل کرده است أ فمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستؤون مؤمن یعنی مصدّق و فاسق یعنی منافق که با هم در ایمان دنیایی و ثواب آخرتی نزد خدا هرگز مساوی نیستند. -قرآن-۱-۵۰ إبن عبّاس در فلسفه نزول آیه کریمه فوق چنین گفت بین علی علیه السّلام و ولید بن عقبه نزاع لفظی در گرفت و ولید در خودستایی مبالغه بسیاری کرد. و سخنان آن دو به تندی و خشونت کشید. آن گاه آیه شریفه نازل شد. که مرام و مسلک و ایمان و فسق هر یک را مشخص فرمود. تا بار دیگر ولید بن عقبه لاف بیهوده نزند. [۶۲۰] بعضی از صحابه از قول عطاء بن یسار نقل کرده‌اند. سوره سجده به جز سه آیه آن در مکه نازل شد. که اینکه سه آیه درباره علی علیه السّلام و ولید بن عقبه است و در مدینه نازل شد. آن هنگام که ولید بن عقبه در مقابل علی علیه السّلام ایستاد و گفت من از تو شجاع‌تر و سخن‌ورتر و برترم علی علیه السّلام فرمود: ساکت باش تو فاسقی بیش نیستی و خود را با من مقایسه نکن آن گاه خدای سبحان آیه أ فمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً را درباره آن دو نازل فرمود، تا همگان بدانند مؤمن یا فاسق کیست -قرآن-۲۷-۶۴ [۶۲۲] ابو قتیبه نقل کرده است از محمّد بن سیرین شنیدم در توضیح آیه شریفه أ فمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستوون گفت مؤمن یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام و فاسق همان ولید بن عقبه است -قرآن-۸۸-۱۳۸ [صفحه ۲۱۹] [۱۲۶] و جعلنا منهم أئمّهْ یهدون بأمرنا لمّا صبروا و کانوا بآیاتنا یوقنون [سجده ۲۴] «و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را هدایت می‌کردند.» -قرآن-۷-۷۵ [۶۲۴] ابو حمزه ثمالی از قول ابو جعفر علیه السّلام نقل کرده است که آن جناب فرمود: آیه شریفه و جعلنا منهم أئمّهْ یهدون بامرنا ... درباره فرزندان فاطمه علیها السّلام نازل شده است -قرآن-۱۱۲-۱۴۵ آنان امامانی هستند که به امر پروردگار، بندگان خدا را به هدایت رهنمون می‌کنند. [۶۲۵] جابر بن عبد اللّه انصاری از ابو جعفر علیه السّلام نقل کرد. آیه کریمه و جعلنا منهم ائمّهْ یهدون بامرنا منحصراً در حقّ فرزندان فاطمه علیها السّلام نازل شد خدای سبحان از فرزندان زهرا علیها السّلام امامانی را قرار داد که به امر یزدان به هدایت بندگان مبادرت می‌نمایند. -قرآن-۹۱-۱۲۴ [۶۲۶]

عطاء بن یسار از إبن عبّاس مفسر مشهور قرآن در توضیح و تفسیر آیه شریفه و جعلنا منهم أئمّهٔ یهدون بامرنا بیان کرده است -قرآن-۹۰-۱۲۳ خدای تعالی بعد از موسی کلیم و هارون برای بنی اسرائیل هفت نفر از فرزندان هارون را امام آن جماعت قرار داد. همچنین بعد از رحلت رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله هفت نفر را به عنوان امام نصب و معرّفی کرد. که علی علیه السّلام و شش نفر از فرزندان او هستند. سپس بعد از هفت نفر فرزندان هارون پنج نفر دیگر را به عنوان امام نصب و معرفی کرد. و آنان را به دوازده نفر رسانید. و همچنین بعد از شش نفر فرزندان علی علیه السّلام پنج تن دیگر از فرزندان او را به امامت برگزید و عدّه آنان را به دوازده نفر رسانید تا طبق آیه و جعلنا منهم ائمّهٔ یهدون بامرنا امامت امّت را به عهده گرفتند. -قرآن-۱۷۶-۲۰۹ [صفحه ۲۲۰] [۱۲۸] من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا اللّه علیه فمنهم مّن قضی نحبه و منهم مّن ینتظر و ما بدّلوا تبدیلًا. [احزاب ۲۳] از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین انتظارند و [هرگز عقیده خود را تبدیل نکردند [تغییر ندادند]. -قرآن-۷-۱۲۱ [۶۲۷] ابی اسحاق از علی علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود: آیه کریمه رجال صدقوا ما عاهدوا اللّه علیه ... در شأن و منزلت ما نازل شد، به خدا سوگند من از منتظران شهادت در راه عهد و پیمانی که با خدای یگانه بستم هستم و تبدیل و تغییری هم در آن نیست -قرآن-۱۱-۴۷ [۶۲۸] مقاتل از ضحّاک نقل کرد عبد اللّه بن عباس در شرح و توضیح آیه شریفه من المؤمنین رجال صدقوا ما عهدوا اللّه علیه بیان کرد یعنی علی علیه السّلام حمزه و جعفر که از مؤمنان صادق در پیمان با خدا هستند، فمنهم مّن قضی نحبه از میان آن سه تن حمزه و جعفر طیّار در راه پیمان با خدا استقامت و ایثار کردند تا به لقاء اللّه رسیدند. -قرآن-۹۱-۱۴۱-قرآن-۲۴۹-۲۷۱ و منهم مّن ینتظر فقط علی علیه السّلام است که منتظر شهادت در راه خدا و وفای به عهد است به خدا سوگند در پایان عمرش خدای سبحان شهادت را نصیب آن حضرت کرد. -قرآن-۱-۱۸ [۱۲۹] و کفی اللّه المؤمنین القتال [احزاب ۲۵] و خدا [زحمت جنگ را از مؤمنان برداشت -قرآن-۷-۳۸ [۶۲۹] سفیان ثوری از زبیر و او از مرّهٔ نقل کرد«۱۰۹» -پاورقی-۵۶-۵۸ [صفحه ۲۲۱] صحابی معروف مصطفی صلی اللّه علیه و آله آیه شریفه و کفی اللّه المؤمنین القتال را قرائت می‌کرد و می‌گفت خدای سبحان در جنگ‌ها به وسیله علی بن ابی طالب علیه السّلام از مؤمنین و مسلمین دفاع می‌کرد و فتنه کفّار بر ضد مسلمانان را با دست توانای علی علیه السّلام سرکوب و خاموش می‌کرد. -قرآن-۶۰-۹۱ [۶۳۳] مقاتل از ضحّاک نقل کرد، عبد اللّه بن عباس در تفسیر و توضیح آیه کریمه و کفی اللّه المؤمنین القتال بیان کرد: -قرآن-۹۱-۱۲۲ خدای قادر در جنگ خندق خطر کفّار و شرارت عمرو بن عبد ود را به وسیله علی بن ابیطالب علیه السّلام دفع کرد. [۶۳۴] حذیفهٔ بن یمان از اصحاب نزدیک رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله حکایت مفصّلی را از جنگ خندق نقل می‌کند که چنین است عمرو بن عبد ود از خندق عبور کرد و در مقابل لشکر مصطفی صلی اللّه علیه و آله ایستاد و با صدایی بلند و فریادی مستانه مبارز طلبید. رسول خدا به یاران خود فرمود: چه کسی صدای او را خاموش می‌کند! هیچ کسی از جایش تکان نخورد و حرکت نکرد و همگان خاموش بودند، در آن هنگام علی علیه السّلام برخاست و گفت یا رسول اللّه من آماده جانبازی هستم رسول خدا فرمود: یا علی صبر کن و در جای خود بنشین دوباره رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به یاران خود فرمود: چه کسی به مبارزه عمرو مبادرت می‌کند! باز هم کسی سخنی نگفت و همگی ساکت نشستند بار سوم مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: آیا کسی در میان شما هست که نعره عمرو را خاموش کند و شرّ او را دور گرداند. باز هم کسی را جرائت سخن گفتن نبود، همه ساکت بودند و حتی بعضی خود را پنهان می‌کردند. علی علیه السّلام از جا برخاست و گفت یا رسول اللّه من کمر همت بر میان بسته و آماده [صفحه ۲۲۲] رزم و پیکار با عمرو هستم مصطفی صلی اللّه علیه و آله او را به نزد خویش فرا خواند و فرمود: یا علی علیه السّلام او عمرو بن عبد ود است که در شجاعت بی‌نظیر است امیر المؤمنین علی

علیه السّلام گفت یا رسول اللّه من هم علی بن ابی طالب هستم که پهلوانی را از اجداد خویش آموختم رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله زره خود را بر تن او پوشاند و عمامه‌اش را بر سرش بست و ذو الفقار، شمشیر مخصوص خود را به دست او داد سپس فرمود: خدایا؟ علی را از چپ و راست و از جلو و عقب حفظ فرما. علی علیه السّلام به سرعت و با چابکی خود را به عمرو بن عبد ود رساند و به او گفت کیستی و نامت چیست عمرو گفت گمان نمی‌کردم کسی مرا نشناسد؟ مرا عمرو بن عبد ود می‌گویند. امّا نام تو چیست گفت من علی بن ابی طالب علیه السّلام هستم عمرو گفت نوجوانی بودی که در حجره ابو طالب تو را دیدم من از کشتن تو اکراه دارم و به قتل تو راضی نیستم علی علیه السّلام فرمود: امّا من نه تنها در کشتن تو اکراهی ندارم بلکه در نابودی تو بسیار راغبم و لیکن شنیدم دست در پرده کعبه انداختی و عهد کردی هر که سه خواسته از تو داشته باشد حتماً یکی را اجابت می‌کنی عمرو گفت درست است من چنین عهدی کردم علی علیه السّلام فرمود: ای عمرو؟ حالا که چنین است بیا از جنگ دست بردار و از همان راهی که آمدی برگرد. عمرو گفت اینکه محال است علی علیه السّلام فرمود: دین و آیین ما، را بپذیر آنچه برای ماست برای تو نیز خواهد بود [صفحه ۲۲۳] عمرو گفت اینکه را هم نمی‌پذیرم علی علیه السّلام فرمود: تو سواره‌ای و من پیاده‌ام و اینکه سزاوار نیست عمرو با عصبانیت گفت تاکنون چنین درخواستی را نشنیده‌ام اسب خود را تازیانه زده از میدان دور کرد. آن گاه به نبرد پرداخت عمرو که مردی قوی هیکل بود در اثنای مبارزه شمشیری را بر فرق علی علیه السّلام فرود آورد. ضربه چنان محکم بود که علاوه بر سپر، سر را شکافت و خط شمشیر بر پیشانی مبارک آن حضرت ماند. علی علیه السّلام درست در آن هنگام با شمشیر از پایین پاهای عمرو را هدف گرفت و دو پای او را قطع کرد، عمرو بر زمین افتاد، و صدای تکبیر پیروزی علی علیه السّلام در فضای میدان طنین‌انداز شد. رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله با شنیدن صدای تکبیر فرمود: به خدا سوگند، علی علیه السّلام پیروز شد، و عمرو کشته شد. عمر بن خطاب نخستین کسی بود که خود را به او رساند، دید علی علیه السّلام شمشیر خود را با سپر عمرو پاک می‌کند، عمر با صدای بلند تکبیر گفت و عرض کرد: یا رسول اللّه آسوده خاطر باش که عمرو بن عبد ود کشته شد. پیامبر صلی اللّه علیه و آله رو به علی علیه السّلام کرد و فرمود: یا علی «فلو وزن الیوم عملک بعمل امّهٔ محمّد صلی اللّه علیه و آله لرجح عملک بعملهم و ذلک انّه لم یبق بیت من بیوت المشرکین الّا و قد دخله و هن بقتل عمرو و لم یبق بیت من بیوت المسلمین الّا و قد دخله عزّ بقتل عمرو». -روایت-۱-۲۶۰ اینکه پیروزی و ثواب آن بر تو مبارک باد. اگر عمل امروز تو با اعمال امّت محمّد صلی اللّه علیه و آله مقایسه و موازنه شود، همین یک عمل تو برتر و با فضیلت‌تر از همه اعمال امّت من است چون هیچ خانه‌ای از مشرکان و هیچ قلبی از آنان نیست که با کشتن عمرو بن عبد ود، سستی و یأس و نومیدی در آن راه نیافته باشد [صفحه ۲۲۴] و از طرف دیگر هیچ خانه‌ای از مسلمانان نیست که با کشتن عمرو بن عبد ود، شادی و سرور و عزّت در آن داخل نشده باشد پس عمل واحد تو بر همه اعمال امّت من رجحان دارد. [۶۳۵] عبد اللّه بن محمّد بن عمر بن علی علیه السّلام از پدرش و پدر او از پدرش نقل کرد که علی علیه السّلام فرمود: «عمرو بن عبد ود در جنگ خندق با جمعی از قریش باریکه‌ای از خندق را پیدا و با اسبان خویش از آن تنگه عبور کردند و در مقابل لشکر نبی صلی اللّه علیه و آله ایستادند. عمرو بن عبد ود که از همه مغرورتر بود رجز می‌خواند و مبارز می‌طلبید. در آن موقع کسی را جرائت و قدرت مقابله با او نبود. من برای مقابله با او برخاستم رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا علی آن مبارز، عمرو بن عبد ود است گفتم یا رسول اللّه من هم علی بن ابی طالبم هیچ خوفی و ترسی از او ندارم پس به سویش رفتم و دعایی که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به من تعلیم داده بود خواندم و آن دعا چنین بود اللّهمّ بک أصول و بک اجول و بک أدرء فی نحره -روایت-۱-۵۵ چون به نبرد مشغول شدم ضربتی بر سرم حواله کرد. من هم او را با ضربتی محکم‌تر بر خاک انداختم همراهان او پراکنده شده گریختند. [۶۳۶] بهز بن حکیم از پدرش و او از

جدش نقل کرده است که نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: لمبارزهٔ علیّ بن ابی طالب علیه السّلام لعمرو بن عبد ود یوم الخندق أفضل من عمل أمّتی الی یوم القیامهٔ. -روایت-۱-۱۲۱ یعنی پاداش مبارزه و فضیلت نبرد علی علیه السّلام با عمرو بن عبد ود در جنگ خندق از همه اعمال امّتم تا روز قیامت با فضیلت‌تر و برتر است «۱۱۰ -پاورقی-۱۶۷-۱۶۹ [صفحه ۲۲۵] [۱۳۰] أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیرا. [احزاب ۳۳] خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند. -قرآن-۷-۷۵ [۶۳۷] أنس بن مالک ۱۱۱» -پاورقی-۲۳-۲۵ «الصّلاهٔ یا اهل البیت -روایت-۱-۳۱، یعنی ای اهل بیت وقت نماز صبح است سپس آیه کریمه أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیرا. را قرائت می‌کرد. -قرآن-۱۹-۸۷ یعنی اراده خدای سبحان بر اینکه است که رجس و ناپاکی را از اهل بیت من دور کند و شما را طاهر و مطهّر گرداند. [۶۳۸] علی بن زید از أنس بن مالک نقل کرد: نبی صلی اللّه علیه و آله مدّت شش ماه برای نماز صبح از در خانه فاطمه علیها السّلام عبور می‌کرد، چون به نزدیک خانه می‌رسید خطاب به اهل آن سه بار می‌فرمود: «الصّلاهٔ یا اهل البیت -روایت-۱-۳۱ یعنی «ای اهل منزل برای نماز برخیزید و بدانید» أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیرا در شأن شما نازل شد. -قرآن-۵۴-۱۲۲ [۶۴۵] از براء بن عازب نقل شد: امیر المؤمنین علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام در خانه مصطفی صلی اللّه علیه و آله حاضر [صفحه ۲۲۶] شدند. چون عدّه پنج تن کامل شد، رسول اللّه فرمود رداء مرا بیاورید، همگی را در زیر عبا و رداء قرار داد آن گاه فرمود؟ خدایا؟ اینها عترت و اهل بیت من هستند. [۶۴۶] روات از جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کردند: مصطفی صلی اللّه علیه و آله علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام را فرا خواند و جامه خویش را بر روی آنان انداخت و فرمود: «اللّهمّ هؤلاء اهلی هولاء اهلی . -روایت-۱-۳۸ خدایا اینها اهل بیت من هستند. [۶۴۸] محمّد بن منکدر از جابر بن عبد اللّه نقل کرد وقتی آیه کریمه أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیرا بر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل شد، در سرای آن حضرت علی فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام حضور داشتند. -قرآن-۷۷-۱۴۵ نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: «اللّهمّ هولاء أهلی -روایت-۱-۲۵ . خدایا اینکه چهار تن اهل بیت من هستند که مورد لطف بیکران تو قرار گرفتند. [۶۴۹] ابی یقظان از زاذان و او از حسن بن علی علیه السّلام روایت کرد هنگامی که آیه شریفه أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت .... -قرآن-۱۱۱-۱۶۱ نازل شد، جدّ بزرگوار ما، محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله ما را فراخواند و در زیر کساء خیبری که متعلق به امّ سلمه بود جمع کرد و فرمود: «اللّهمّ هؤلاء أهل بیتی و عترتی فاذهب عنهم الرّجس و طهّرهم تطهیراً». -روایت-۱-۸۰ خدایا؟ اینها اهل بیت و عترت پاک من هستند. رجس و ناپاکی را از ایشان زایل فرما و طهارت و پاکی را نصیب آنان قرار ده [۶۵۰] از ابی جمیله روایتی بدین مضمون نقل شده است «۱۱۲» -پاورقی-۶۳-۶۵ [صفحه ۲۲۷] در کوفه با مردم نماز جماعت اقامه می‌کرد، نااهلی از خوارج خنجری در ران آن جناب فرو کرد. که بر اثر جراحت دو ماه بستری شد. حضرت پس از بهبودی به مسجد آمد و بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: ای اهل عراق تقوا داشته باشید و اینکه قدر بی‌پروا نباشید. ما أمرا و میهمان سرزمین شما و اهل بیت نبی صلی اللّه علیه و آله شما هستیم که خدای سبحان در شأن ما فرمود: أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیرا. -قرآن-۱-۶۸ [۶۵۴] عامر بن سعد حکایت کرد، پدرم سعد در مدینه به معاویه گفت ای معاویه از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در حقّ علی علیه السّلام سه فضیلت شنیدم که اگر یکی از آنها برایم بود از شتران سرخ موی در نزدم محبوب‌تر و با ارزش‌تر بود ای معاویه روزی شاهد بودم که نبی صلی اللّه علیه و آله دست فرزندانش حسن و حسین علیهما السّلام و فاطمه علیها السّلام را گرفته و خدای خویش را صدا زد و فرمود: خدایا؟ اینها اهل بیت من هستند، رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک و پاکیزه‌گردان ۱۱۳». -پاورقی-۱۰۷-۱۰۹ [۶۵۶] عامر بن سعد از پدرش

سعد نقل کرد روزی معاویه پدرم را دید و گفت چرا ابو تراب علی علیه السّلام را ناسزا و لعنت نمی گویی پدرم گفت چون از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در مورد فضیلت و بزرگواری علی علیه السّلام سه روایت شنیدم که مرا مانع از سبّ و ناسزا گفتن به او شده است و بدان اگر یکی از آنها درباره من بود برایم از شتران سرخ موی محبوب‌تر و گرانبهاتر بود [۶۵۷] عطیّه از ابو سعید خدری در توضیح و تفسیر آیه کریمه أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیرا بیان کرد، روزی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله علی -قرآن-۶۵-۱۳۳ [صفحه ۲۲۸] فاطمه حسن و حسین علیهم السّلام را فراخواند و کساء خود را بر شانه آنان انداخت و فرمود: خدایا؟ اینکه جمع اهل بیت من هستند. اللّهمّ اذهب عنهم الرّجس و طهّرهم تطهیرا. -روایت-۱-۴۸ خدایا ناپاکی را از آنان دور کن و به آنان طهارت روح و روان عنایت فرما. [۶۵۹] عمران بن مسلم می گوید از عطیه عوفی در توضیح آیه أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیرا. سؤال کردم عطیّه در جواب گفت از ابو سعید خدری صحابه معروف رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله شنیدم گفت -قرآن-۶۷-۱۳۵ اینکه آیه کریمه در شأن و منزلت نبی صلی اللّه علیه و آله علی فاطمه حسن و حسین علیهم السّلام نازل شد. و هنگامی که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله اینکه آیه شریفه را شنید، آن چهار تن را جمع کرد و فرمود: اللّهمّ هؤلاء أهل بیتی و عترتی فاذهب عنهم الرّجس و طهّرهم تطهیرا. -روایت-۱-۷۶ ام سلمه که در مقابل در خانه ایستاده بود چون اینکه سخن رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله را شنید عرض کرد: یا نبی اللّه آیا من هم از اهل بیت هستم حضرت فرمود: ای امّ سلمه تو از زنان خوب خیرخواه و نیکی هستی امّا از اهل بیت و اینکه جماعت پنج تن نیستی [۶۶۰] ابو عبد الرّحمان مسعودی از کثیر النوا از عطیّه عوفی و او از ابو سعید خدری نقل کرد آیه کریمه أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیرا. -قرآن-۱۱۸-۱۸۶ در پاکی روح و طهارت نفس پنج تن یعنی نبی صلی اللّه علیه و آله علی فاطمه حسن و حسین علیهم السّلام نازل شد«۱۱۴». -پاورقی-۱۳۴-۱۳۶ -قرآن-۱۱۱-۱۲۸-قرآن-۱۰۵-۱۲۲-قرآن-۱۲۷-۱۴۴ [صفحه ۲۲۹] [۶۶۵] عبد اللّه بن مسلم ملائی از ابو جحّاف از عطیه عوفی از ابو سعید خدری نقل کرد، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله مدّت چهل روز هنگام سحر به در خانه علی علیه السّلام می‌آمد و وقتی فاطمه علیها السّلام را می‌دید می‌فرمود: السّلام علیکم یا اهل بیت مصطفی و رحمهٔ اللّه و برکاته -روایت-۱-۶۶ وقت نماز و زمان اقامه نماز است خدایتان رحمت کند. سپس آیه کریمه أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیرا را قرائت می کرد. -قرآن-۱۸-۸۶ و مجدداً می‌فرمود: أنا حرب لمن حاربکم و سلّم لمن سالمتم . -روایت-۱-۴۷ من دشمن کسی که با شما دشمن باشد هستم و در صلح و سلامت با کسانی که شما با آنان در صلح و سلّم باشید، هستم «۱۱۵ -پاورقی-۱۴۰-۱۴۲ [۶۶۷] عطیّه عوفی از ابو سعید خدری روایت کرد هنگامی که آیه کریمه و أمر -قرآن-۷۷-۸۲ [صفحه ۲۳۰] أهلك بالصّلاهٔ نازل شد، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله مدّت هشت ماه در سحرگاهان به در خانه علی علیه السّلام می‌آمد و می‌فرمود: -قرآن-۱-۱۴ «الصّلاهٔ رحمکم اللّه -روایت-۱-۲۶ . ای اهل بیت مصطفی هنگام نماز است خدایتان رحمت کند. سپس آیه شریفه أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیرا را با صدای بلند قرائت می‌کرد، تا همگان بشنوند.«۱۱۶ -قرآن-۱۸-۸۶-پاورقی-۱۴۳-۱۴۵ [۷۰۶] عطیّه عوفی از ابو سعید خدری نقل کرده است ام سلمه بیان کرد هنگامی که آیه کریمه أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت ... نازل شد من کنار در خانه نشسته بودم عرض کردم یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله آیا من هم از اهل بیت شما هستم -قرآن-۱۰۳-۱۵۳ نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: «ای امّ سلمه تو از زنان خوب و از همسران نیک پیامبر خدا هستی اما از اهل بیت نیستی . [۷۰۷] عطیّه عوفی از ابو سعید خدری حکایت کرده ام سلمه بیان کرد وقتی آیه شریفه أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس ... نازل شد، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در خانه من حضور داشت -قرآن-۹۱-۱۲۹ علی فاطمه حسن و حسین علیهم السّلام نیز در منزل

من بودنـد و من در کنـار در منزل نشسـته بودم گفتم یـا رسول اللّه آیـا من هم از اهـل بیت آن حضـرت هسـتم [صـفحه ۲۳۱] مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: تو از همسران نبی و از زنان خوب و با تقوا هستی امّا از اهل بیت نیستی و فقط اینکه چهار تن اهل بیت من هستند.«۱۱۷ -پاورقی-۱۷۰-۱۷۲ [۷۲۰] عبد اللّه بن ربیعه غلام ام سـلمه همسر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نقل کرده است که ام سـلمه بیان کرد هنگامی که آیه کریمه أنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس ... نازل شد، رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله به من امر فرمود علی فاطمه حسن و حسـین علیهم السّـلام را دعوت کنم تا حاضر شوند. -قرآن-۱۶۱-۱۹۹ چون همگی به حضور نبی صـلی اللّه علیه و آله رسیدند، علی علیه السّلام را در سمت راست خویش قرار داد و حسن علیه السّلام را در سـمت چپ و حسـین علیه السّـلام را روی سـینه و در بغـل خود گرفت و فاطمه علیها السّـلام را روی پایش نشانیـد. آن گاه دست به آسـمان بلنـد کرد و فرمود: «اللّهمّ هؤلاـء أهـل بیـتی و عترتی فـاذهب عنهم الرّجس و طهّرهم تطهیراً». -روایت-۱-۸۰ خـدایا؟ اینها اهل بیت و عترت من هسـتند، ناپاکی و پلیـدی را از آنان زایل و طهارت روح و صـفای باطن به آنان عنایت فرما. پیامبر صلی اللّه علیه و آله سه مرتبه اینکه دعا را تکرار کرد. ام سلمه می گوید عرض کردم یا رسول اللّه آیا من هم از اهل بیت هسـتم نبی صـلی اللّه علیه و آله فرمود: تو از زنان خوب و خیرانـدیش هستی ولی از اهل بیت نیستی «۱۱۸ -پاورقی-۱۰۵-۱۰۷ [۷۳۴] محمّد بن سیرین از ابی هریره از ام سلمه نقل کرد فاطمه علیها السّلام با ظرفی از غذا به حضور رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رسـید و آن را مقابل پـدرش گـذاشت [صـفحه ۲۳۲] نـبی صـلی اللّه علیه و آله پرسـید: یـا فـاطمه پسـر عمّ تو علی و دو فرزندت حسن و حسـین کجا هسـتند! فاطمه علیها السّـلام گفت در خانه هسـتند، نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: آنان را به نزد من فرا بخوان فـاطمه علیهـا السّـلام به خانه خویش رفت و گفت یا علی پیامبر تو و دو فرزنـدت حسن و حسـین را طلبیـده او را اجابت کنید. علی علیه السّـلام دست حسن و حسـین علیهما السّـلام را گرفته در حالی که فاطمه علیها السّلام در پشت سر آنان بود همگی به سوی رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله آمدند. هنگامی که آن حضرت آنان را دید، کسائی که در موقع خواب از آن اسـتفاده می کرد، برداشت و آن چهـار نفر را در زیر آن قرار داد و فرمود: ۱۱۹» -روایت-۳-۸۲ [۷۴۷] علی بن زید از شهر بن حوشب از امّ سـلمه حکـایت کرد، رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله به فاطمه علیها السّـلام فرمود: همسـرت علی و فرزنـدانت حسن و حسـین را به نزد من فرابخوان فاطمه علیها السّـلام به منزل خود رفت و آنان را فراخوانـد و همگی به خدمت رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رسیدند. نبی صلی اللّه علیه و آله کساء فدکی را برداشته بر شانه آنان انداخت و زیر دستان خود جمع کرد و فرمود: «اللّهمّ أنّ هؤلاء آل محمّـد فاجعل صـلواتک علی محمّـد و آل محمّـد، فأنّک حمیـد مجید» -روایت-۱-۹۱ . خدایا؟ اینها آل محمّد هسـتند، صـلوات خود را بر آنان قرار ده به درستی که تو حمید و مجید هستی -قرآن-۱۱۹-۱۳۶ [صفحه ۲۳۳] ام سـلمه می‌افزایـد من گوشه کساء را کنار زدم تا در زیر آن جای گیرم امّا رسول خـدا صـلی اللّه علیه و آله بر من نهیبی زد و گوشه کسـاء را از دسـتم گرفت و فرمود تو از اهـل بیت و آل محمّـد نیستی اما از زنان خوب هستی «۱۲۰ -پاورقی-۲۵۵-۲۵۷ [۷۵۷] عمرهٔ بنت افعی از ام سـلمه نقـل کرد: آیه شـریفه أنّمـا یریـد اللّه لیـذهب عنکم الرّجس ... در سـرای من نازل شـد و آن هنگـام در خـانه هفت نفر حضور داشـتند، که عبـارت از جبرئیـل و میکائیل و رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسـین علیهم السّـلام بودند و من بر در خانه ایسـتاده بودم چون اینکه صـحنه با عظمت را دیدم به رسول اللّه صلی اللّه علیـه و آله عرض کردم -قرآن-۱۱-۴۹ یـا رسول اللّه آیا من هم از اهل بیت آن حضـرت هسـتم فرمود: ای ام سـلمه تو از زنان خوب و از همسـران نیـک نبی هستی و لیکن از اهل بیت و آل محمّـد صـلی اللّه علیه و آله نیستی «۱۲۱ -پاورقی-۱۴۵-۱۴۷ [صفحه ۲۳۴] [۱۳۱] أنّ الّـذین یؤذون اللّه و رسوله لعنهم اللّه فی الـدّنیا و الاخرهٔ و أعدّ لهم عذابا مهینا. و الّذین یؤذون المؤمنین و المؤمنـات بغیر مـا اکتسبوا فقـد احتملوا بهتنـا و أثمـا مّبینـا. [احزاب ۵۸ ۵۷] بی گمـان کسـانی کـه بـه خـدا و پیـامبر او آزار

می‌رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و بر ایشان عذابی خفّت‌بار آماده ساخته است -قرآن-۷-۱۹۳ و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی‌آنکه مرتکب [عمل زشتی شده باشند آزار می‌رسانند، قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته‌اند. [۷۷۵] مقاتل بن سلیمان بلخی در تفسیر آیه شریفه و الّذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغیر ما اکتسبوا گفت -قرآن-۱-۵۵ یعنی کسانی که مؤمنین و مؤمنات را بدون جرم و تقصیر می‌آزارند لعنت خداوند بر آنان باد. فقد احتملوا بهتنا و أثما مّبینا و اینکه آیه در شأن علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد که سر کرده و امیر مؤمنان است -قرآن-۱-۳۱ شأن نزول آیه فوق بدین قرار است که عدّه‌ای از منافقان در زمان حیات رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام را با زبان و سخن آزار و اذیت می‌کردند و آیه شریفه آنان را به سبب اینکه کار مذّمت کرد. [۷۷۶] زید بن علی از پدرش علی بن حسین علیهما السّلام و او از پدرش حسین بن علی علیهما السّلام و او از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در حالی که با دست موی خود را گرفته بود فرمود: من آذی شعرةً منک فقد آذانی و من آذانی فقد آذی اللّه و من آذی اللّه فعلیه لعنة اللّه -روایت-۱-۱۰۲ یا علی هر کسی به اندازه سر مویی تو را بیازارد، مرا آزرده است و هر کسی مرا آزرده باشد خدای مرا به خشم آورده است و لعنت خدا بر او باد که چنین کند و تو را بیازارد. [صفحه ۲۳۵] [۷۷۷] جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرد، از مصطفی صلی اللّه علیه و آله شنیدم آن حضرت به علی علیه السّلام فرمود: من آذاک فقد آذانی -روایت-۱-۲۶ یا علی هر کسی تو را بیازارد مرا آزرده است [۷۷۸] سلمة بن عبد اللّه بن ابی سلمة از پدرش و او از امّ سلمه همسر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله حکایت کرد: از مصطفی صلی اللّه علیه و آله شنیدم به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: أنت أخی و حبیبی من آذاک فقد آذانی . -روایت-۱-۴۵ یا علی تو برادر باوفا و دوست بی‌ریای من هستی هر کسی تو را اذیت و آزار دهد مرا آزرده است و رنجش تو موجب رنجش من است [۱۳۲] أنّما یخشی اللّه من عباده العلماء. [فاطر ۲۸] از بندگان خدا تنها دانایان‌اند که از او می‌ترسند. -قرآن-۷-۴۵ [۷۷۹] مقاتل بن سلیمان از قول ضحّاک نقل کرده است که عبد اللّه بن عباس در شرح و تفسیر آیه کریمه أنّما یخشی اللّه من عباده العلماء بیان کرد: -قرآن-۱۱۹-۱۵۷ منظور از علما در آیه شریفه علی بن ابی طالب علیه السّلام است که در مقابل خدای سبحان خاشع و خاضع است و مراقب کردار و گفتار خویش در همه حالات است [۷۸۰] إبن عباس در توضیح و تفسیر آیه أنّما یخشی اللّه من عباده العلماء گفت منظور از علماء در اینکه آیه شریفه عالمانی هستند که معرفت به خدای جبّار و خوف از مقام ربوبی حضرت حق دارند. -قرآن-۴۳-۸۱ علی علیه السّلام عارف‌ترین و عالم‌ترین فرد به مقام ربوبی است که آیه شریفه در حق او جریان دارد]. [صفحه ۲۳۶] [۱۳۳] و ما یستوی الاعمی و البصیر. و لا الظّلمات و لا النّور. و لا الظّلّ و لا الحرور و ما یستوی الاحیاء و لا الاموت [فاطر/ ۲۲ ۱۹] و نابینا و بینا یکسان نیستند. و نه تیرگیها و روشنایی و نه سایه و گرمای آفتاب و زندگان و مردگان یکسان نیستند. -قرآن-۷-۱۳۵ [۷۸۱] ابی صالح نقل کرد، إبن عباس در تفسیر و توضیح آیه کریمه فوق بیان کرد. و ما یستوی الاعمی و البصیر منظور از اعمی ابو جهل است که کوری در بصر و بصیرت او راه یافته بود و حق و باطل را باز نمی‌شناخت و منظور از [و البصیر] علی بن ابی طالب علیه السّلام است -قرآن-۸۷-۱۱۶-قرآن-۲۴۸-۲۵۸ و لا الظّلمات یعنی ابو جهل تاریک دل که شرک و کفر، باطن او را نابینا و کور کرده است -قرآن-۱-۱۶ و لا النّور یعنی قلب علی علیه السّلام که نور ایمان دلش را منّور کرده و با بصیرت کامل پیرو قرآن و تابع فرمان یزدان بود -قرآن-۱-۱۳ و لا الظّلّ سایه‌های درختان بهشتی که زیر آن جایگاه علی علیه السّلام است هرگز با «الحرور» یعنی حرارت آتش جهنم که منزل و مأوای ابو جهل است برابر نیستند. -قرآن-۱-۱۴-قرآن-۱۰۰-۱۰۸ و ما یستوی الاحیاء و زندگانی مانند علی علیه السّلام حمزه جعفر، حسن حسین فاطمه خدیجه علیهم السّلام هم با کفار مکه [الاموت برابر نیستند. -قرآن-۱-۲۰-قرآن-۱۴۰-۱۴۹ [۱۳۴] ثمّ أورثنا الکتاب الّذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم

لّنفسه و منهم مّقتصد و منهم سابق بالخيرات [فاطر/ ۳۲] سپس اينكه كتاب را به آن بندگان خود كه [آنان را برگزيده بوديم به ميراث داديم پس برخى از آنـان بر خود سـتمكارند و برخى از ايشـان ميانه‌رو، و برخى از آنان در كارهاى نيك به فرمان خـدا پيشگام‌اند. -قرآن-۷-۱۱۴ [صـفحه ۲۳۷] [۷۸۲] ابو حمزه ثمـالى حكايت كرد در حضور على بن حسـين عليه السّـلام نشسته بودم دو نفر از اهل عراق به نزد آن جناب آمدند و گفتند: يا بن رسول اللّه به خدمت شـما رسـيديم تا از تفسير آيات قرآنى ما را با خبر فرمايى على بن حسـين عليه السّـلام پرسيد از كدام آيه قرآن گفتند: از معنى آيه ثمّ أورثنا الكتاب الّذين اصطفينا ... -قرآن-۲۴-۵۹ على بـن حسـين عليـه السّـلام پرسـيد: اى اهـل عراق اول بگوييـد تـا بـدانم عراقيـان دربـاره اينكه آيه شـريفه چه مى‌گويند! گفتند: در عراق مى‌گويند اينكه آيه درباره امّت محمّد صلى اللّه عليه و آله نازل شده است كه وارثان قرآن هستند. على بن حسين عليه السّلام فرمود: در اينكه صورت بايد همه امّت محمّد صلى اللّه عليه و آله به بهشت وارد شوند و از صالحان باشـند و احدى مجازات نشود. ابو حمزه ثمالى مى‌گويد چون سخن آن حضرت به اينكه جا رسيد، از ميان جمعيت برخاستم و گفتم يـابن رسول اللّه پس اينكه آيه كريمه در حقّ چه كسـى يا كسانى نازل شـده بيان فرماييـد تا با خبر شويم على بن حسـين عليه السّـلام فرمود: «نزلت فينـا أهـل البيت -روايت-۱-۲۷ . و سه بـار تكرار كرد يعنى آيه شـريفه فـوق در حق مـا اهـل بيت مصـطفى صـلى اللّه عليه و آله نازل شـده است پرسـيدم پس چه كسـى ظالم به خويشـتن است فرمود: آن كسـى كه حسـنات و سيئاتش برابر و مساوى باشـد هر چنـد جايش در جنّت و بهشت است سـپس پرسـيدم مقتصـد و ميانه‌رو چه كسـى است فرمود: عابـدى كه در خانه‌اش عبادت خـدا را به جاى آورد تا به ملاقات حقّ رود و دارفانى را وداع كنـد. پرسـيدم سابقين در خيرات چه كسانى هسـتند! [صفحه ۲۳۸] فرمود: كسـى كه در راه خـدا شمشـير را از نيام كشـيده و پيوسته مردم را به راه خدا دعوت كند. [۷۸۳] ابى خالد نقل كرده زيد بن على عليه السّـلام در تفسـير آيه شـريفه ثمّ أورثنا الكتب ... -قرآن-۸۳-۱۰۵ بيان كرد: ظالم لنفسه يعنى كسى كه به خويشتن ظلم كند و المقتصد يعنى عابدى كه به عبادت ربّ بپردازد. -قرآن-۱-۱۲-قرآن-۵۴-۶۳ سابق بالخيرات يعنى كسـى كه شمشير از نيام كشيده است و براى دعوت به دين حق و در راه خدا مبارزه و مجاهدت كند. -قرآن-۱-۱۵ [۷۸۴] سدىّ از عبد خير روايت كرد كه على عليه السّـلام فرمود: از رسول اللّه صـلى اللّه عليه و آله در تفسير آيه كريمه ثمّ أورثنـا الكتب الّـذين ... پرسـيدم منظور چه كسـانى هسـتند! -قرآن-۷۰-۱۰۰ مصـطفى صـلى اللّه عليه و آله فرمـود: فرزنـدان و ذرّيه تو كه وارثان كتاب خـدا هسـتند. وقتى روز رسـتاخيز فرارسد مردم در حالى كه سه دسـته هسـتند، از قبورشان برانگيخته مى‌شوند. دسته اول ظالم لنفسه كسانى هستند كه بدون توبه مردند. -قرآن-۱۴-۲۶ دسته دوم منهم مقتصد كسانى از ذرّيه تو كه حسنات و سيئات آنان مساوى است -قرآن-۱۴-۲۵ دسته سوم سابق بالخيرات آن دسته از ذرّيه تو كه حسناتشان بر سيئاتشان غالب باشد كه اهل رستگارى و نجات‌اند. -قرآن-۱۴-۲۹ [صفحه ۲۳۹] [۱۳۵] وقفوهم أنّهم مسؤلون [صافات ۲۴] و بازداشـتشان كنيد كه آنان مسئول‌اند. -قرآن-۷-۲۹ [۷۸۵] منـدل عنزى در روايت مرفوعه‌اى از نـبى صـلى اللّه عليه و آله نقل مى‌كند مصـطفى صـلى اللّه عليه و آله در توضيح آيه كريمه وقفوهم أنّهم مسؤلون فرمود مردم در صراط متوقف مى‌شوند و از ولايت على بن ابى طالب عليه السّلام از آنان سؤال مى‌شود كه در حقّ ولايت مرتضى عليه السّلام چه كردند!؟ [۷۸۶] ابو سعيد خـدرى در توضيـح آيه شـريفه وقفوهم أنّهم مسؤلون گفت در قيـامت از امـامت على بن ابى طـالب عليه السّـلام بـازخواست و سـؤال مى‌شـود كه بـا امـامت و ولايـت على عليه السّـلام چگونه رفتـار كردنـد. -قرآن-۱۴۸-۱۷۰-قرآن-۳۸۵-۴۰۷ [۷۸۷] ابو هارون از ابو سعيد خدرى در شرح آيه وقفوهم أنّهم مسؤلون بيان كرد: -قرآن-۵۴-۷۶ مأموران الهى مردم را در رستاخيز نگه مى‌دارنـد و از ولايـت على بن ابى طـالب عليه السّـلام سؤال مى‌كننـد تـا روشن شود نسبت به ولايت على عليه السّـلام چگونه اعتقاد و رفتارى داشـتند. [۷۸۸] عطيّه از ابو سـعيد خدرى نقل كرد: مصـطفى صـلى اللّه عليه و آله در تبيين آيه شـريفه وقفوهم

أنّهم مسؤلون فرمود: مردم در مقابـل ولاـیت علی بن ابی طـالب علیه السّلام مسـئول هسـتند و در قیامت متوقف می‌شونـد تا از ولایت علی علیه السّلام سؤال شونـد که با ولایت او چگونه رفتار کردند. -قرآن-۵۸-۸۰ [۷۸۹] سعید بن جبیر از قول عبد اللّه بن عبـاس روایت کرد: رسـول اللّه صـلی اللّه علیه و آله در تفسـیر آیه کریمه وقفـوهم أنّهم مسؤلون فرمود: چون روز قیـامت و رسـتاخیز کبری فرارسد من و علی علیه السّلام بر صـراط می‌ایستیم و هر کسـی که از مقابل ما عبور کند از ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام سؤال می کنیم اگر با ولایت علی علیه السّلام زیسـته باشـد نجات یابـد و خندان بگذرد و اگر با ولایت علی علیه السّلام بیگانه یا منکر و معاند باشد اجازه عبور نخواهد یافت و در آتش جهنم سرنگون خواهد شد. -قرآن-۶۵-۸۷ [۷۹۰] شعبی نقل کرد إبن عباس مفسّر مشهور قرآن در توضیح آیه وقفوهم أنّهم -قرآن-۷۰-۸۶ [صفحه ۲۴۰] مسؤلون بیان کرد: -قرآن-۱-۹ مردم در قیامت در مقابل ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام مسـئول‌انـد و مورد پرسـش قرار می گیرند. همچنین ابی جعفر علیه السّلام در تفسـیر کلاـم خـدا وقفـوهم أنّهم مسؤلون فرمود: -قرآن-۵۷-۷۹ در قیامت خـدای سـبحان از خلایق نسبت به ولاـیت علی بن ابی طـالب علیه السّلام سؤال و پرس و جو می کنـد که اگر ولایت آن بزرگوار را ضایع کرده باشـند مورد تنبیه و توبیـخ سـخت قرار می گیرند. [۱۳۶] سـلام علی ال یاسین [صافات ۱۳۰] درود بر پیروان ال یاسـین -قرآن-۷-۳۰ [۷۹۱۲۲] ابی صالح نقل کرده إبن عباس در توضـیح آیه کریمه سلام علی ال یاسین بیان کرد، آل یاسین یعنی آل محمّد صلی اللّه علیه و آله ۱۲۲». -قرآن-۶۶-۸۸-پاورقی-۱۵۵-۱۵۷ [۷۹۲] حـدیثی را کادح از جعفر بن محمّد الصادق علیه السّلام و آن جناب از پدر و پدرانش تا می‌رسد به امیر المؤمنین علی علیه السّلام که آن سیّد و سرور در معنی و تفسیر آیه شریفه سلام علی ال یاسین فرمود: -قرآن-۲۱۲-۲۳۴ یاسین نام مبارک محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله است و ما آل محمّد صلی اللّه علیه و آله آل یاسین هستیم ۱۲۳». -پاورقی-۱۳۱-۱۳۳ [۷۹۵] میمون بن مهران حکایت کرد إبن عباس در تفسیر و توضیح آیه کریمه و أنّ ألیاس لمن المرسلین ... سـلام علی ال یاسین بیان داشت -قرآن-۸۲-۱۱۰-قرآن-۱۱۵-۱۳۷ [صفحه ۲۴۱] سلام علی ال یاسـین یعنی سلام علی آل محمّد صلی اللّه علیه و آله «۱۲۴ -قرآن-۱-۲۲-پاورقی-۸۲-۸۴ [۷۹۷] حکم بن ظهیر از سدیّ نقل کرد که ابی مالک غفاری کوفی در شرح آیه کریمه سلام علی ال یاسین بیان کرد. منظور از آل یاسین محمّد صلی اللّه علیه و آله و اهـل بیت آن جنـاب است -قرآن-۹۴-۱۱۶ [۱۳۷] أم نجعـل الّـذین آمنوا و عملوا الصّالحات کالمفسـدین فی الارض أم نجعـل المتّقیـن کالفجّار. [ص ۲۸] یـا [مگر] کسـانی را کـه گرویـده و کارهـای شایسـته کرده‌انـد، چـون مفسـدان در زمین می گردانیم یا پرهیزگاران را چون پلیـدان قرار می‌دهیم -قرآن-۷-۱۰۱ [۷۹۸] ابی صالح حکایت کرد إبن عباس مفسّر مشهور قرآن در تفسیر و توضیـح آیه کریمه أم نجعـل الّـذین آمنـوا و عملـوا الصّالحـات ... بیـان کرد: -قرآن-۹۲-۱۳۴ اینکـه آیه در تحسـین سه نفر از مسـلمین صـاحب نـام که از متقین و صالحان سابقه‌دار و فـداکار هسـتند، همچنین در مـذمّت سه تن از کفّار لجوج که جزء اشرار و مفسد و فجّار بودند نازل شده است اما سه نفر مسلمان فداکار علی بن ابی طالب علیه السّلام و حمزهٔ بن عبـد المطلب و عبیدهٔ بن حارث بن عبد المطلب که در جنگ بدر به مبارزه و نبرد با سه تن از مشـرکان به نام‌های ولید، عتبه و شیبه برخاسـتند و علی علیه السّلام ابتدا ولید را به خاک انداخت و حمزه به قتل عتبه پرداخت و عبیده هم شیبه را هلاک کرد. [۷۹۹] محمّـد بن عبیـد اللّه از پـدرش و او از عمویش نقـل کرد امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: خـدای سـبحان آیه کریمه أم نجعـل الّـذین آمنوا و عملوا الصّالحات کالمفسـدین فی الارض أم نجعل المتّقین کالفجّار را در شأن من و حمزه -قرآن-۱۳۵-۲۲۹ -قرآن-۹۱-۱۱۳ [صفحه ۲۴۲] سید الشهدا و عبیدهٔ بن حارث بعد از اینکه که نام ما را با عنوان‌های مؤمنین و متقین مزیّن فرمود نـازل کرد. و سه نفر از کفّـار را که به وسیله مـا به هلاـکت رسـیدند به فجّار نام برد. [۸۰۰] ابی صالـح از ابی عباس در تفسیر اینکه قسـمت از آیه أم نجعـل الّـذین آمنوا و عملوا الصّالحات نقل کرده است -قرآن-۷۰-۱۱۲ مصداق اینکه آیه علی

علیه السّلام و حمزه و عبیدهٔ بن حارث هستند و کالمفسدین فی الارض مفسدین در مقابل آنان شیبه و عتبه و ولید بن مغیره هستند. أم نجعل المتّقین آیا متقین مانند علی علیه السّلام و حمزه و عبیدهٔ کالفجّار مثل فجّارند هرگز آن سه نفر مفسد و فاجر به نام‌های عتبه و شیبه و ولید که در جنگ بدر به مبارزه با مسلمانان مبادرت کردند با متقین مساوی و یکسان نیستند. -قرآن-۷۹-۱۰۱-قرآن-۱۶۸-۱۸۷-قرآن-۲۴۳-۲۵۱ و حال اینکه که در آن روز علی علیه السّلام ولید بن مغیره را به هلاکت رسانید و حمزه عتبه را کشت و عبیده شیبه را به خاک هلاکت انداخت ۱۲۵». -پاورقی-۱۶۸-۱۷۰ [۸۰۳] کلبی از ابی صالح روایت کرده که إبن عباس در توضیح آیه أم نجعل الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات گفت منظور از صالحان علی علیه السّلام حمزه و عبیدهٔ بن حارث هستند. -قرآن-۷۷-۱۱۹ و کالمفسدین فی الارض عتبه شیبه و ولید بن مغیره هستند. که در صف مشرکان و کافران قرار داشتند. -قرآن-۲-۲۴ أم نجعل المتّقین آیا علی علیه السّلام و اصحابش را مانند فجّاری مثل عتبه و یارانش قرار می‌دهیم قطعاً چنین نیست -قرآن-۱-۱۹ [۸۰۴] ضحّاک از جعفر بن محمّد علیه السّلام و او از پدرش و جدش روایت کرد، آیه شریفه أم نجعل الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات ... در شأن و تحسین علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. -قرآن-۱۰۱-۱۴۳ [صفحه ۲۴۳] [۱۳۸] قل هل یستوی الّذین یعلمون و الّذین لا یعلمون أنّما یتذکّر أولوا الالبب [زمر/ ۹] آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند! تنها خردمنداناند که پند پذیرند. -قرآن-۷-۸۸ [۸۰۵] یعقوب جعفی از جابر بن عبد اللّه انصاری روایت کرد: ابو جعفر علیه السّلام در تفسیر و توضیح آیه کریمه قل هل یستوی الّذین یعلمون ... فرمود: -قرآن-۱۲۶-۱۵۶ الّذین یعلمون یعنی عالمان ربّانی که ما اهل بیت نبی صلی اللّه علیه و آله هستیم و الّذین لا یعلمون دشمنان ما که نادانان و جاهلان‌اند و أنّما یتذکّر أولوا الالبب صاحبان خرد و اندیشه و دارندگان عقل شیعیان ما هستند. -قرآن-۱-۱۵-قرآن-۹۸-۱۲۰-قرآن-۱۶۲-۱۸۹ [۸۰۶] در تفسیر عتیق ضحّاک از إبن عباس در توضیح آیه شریفه هل یستوی الّذین یعلمون نقل کرد الّذین یعلمون یعنی علی علیه السّلام و اهل بیت آن بزرگوار از طایفه بنی هاشم که دانایان امت‌اند. -قرآن-۷۴-۱۰۰-قرآن-۱۱۰-۱۲۵ و الّذین لا یعلمون یعنی بنی امیه که از نادانان و جاهلان‌اند. -قرآن-۱-۲۲ و اینکه دو هرگز با هم مساوی نیستند و همچنین به شیعیان علی و پیروان اهل بیت صاحبان خرد و دارندگان عقل می‌گویند که اولی الالباب هستند. -قرآن-۱۳۵-۱۴۹ [۱۳۹] ضرب اللّه مثلًا رجلًا فیه شرکاء متشاکسون و رجلًا سلماً لرجل هل یستویان مثلًا. [زمر/ ۲۹] خدا مثلی زده است مردی است که چند خواجه ناسازگار در [مالکیت او شرکت دارند [و هر یک او را به کاری می‌گمارند] و مردی است که تنها فرمانبر یک مرد است آیا اینکه دو در مثل یکسان‌اند! -قرآن-۷-۹۱ [صفحه ۲۴۴] [۸۰۷] در تفسیر و توضیح اینکه آیه شریفه محمّد بن حنفیّه فرزند علی علیه السّلام از آن حضرت روایت کرد که علی علیه السّلام فرمود: و رجلًا سلما لرجل من آن یگانه رجل سلیمی برای رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله هستم که آیه کریمه در توصیف من نازل شد.«۱۲۶ -قرآن-۱۵۹-۱۷۷-پاورقی-۳۰۶-۳۰۸ [۸۰۸] قتادهٔ از عطاء نقل کرد إبن عباس در شرح آیه ضرب اللّه مثلًا رّجلًا فیه شرکاء متشاکسون گفت مرد مشرک ابو جهل است و شرکای او آن بت‌های بی‌جان و بی‌خاصیت که مورد پرستش او و امثال او قرار می‌گرفتند. -قرآن-۶۰-۱۰۶ و رجلا سلما مرد سلیم و رجل سالمی که دین و ایمانش سالم و قلبش سلیم بود علی بن ابی طالب علیه السّلام است که تنها خدا را معبود خود می‌دانست و فقط او را می‌پرستید. -قرآن-۱-۱۱ هل یستویان مثلًا آیا اینکه دو شخص در طاعت و عبادت پروردگار و دریافت پاداش و ثواب مساوی‌اند. -قرآن-۱-۱۸ [۱۴۰] و الّذی جاء بالصّدق و صدّق به أولئک هم المتّقون [زمر/ ۳۳] و آن کس که راستی آورد و آن را باور کند آنان‌اند که خود پرهیزگاران‌اند. -قرآن-۷-۶۳ [۸۱۰] عبد الوهّاب بن مجاهد از پدرش در تفسیر اینکه آیه شریفه بیان کرد: و الّذی جاء بالصّدق رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله است که کلام صادق و قرآن ناطق را برای هدایت بندگان خدا آورده است و صدّق به علی بن ابی طالب علیه السّلام است که بلافاصله

نبی صلی اللّه علیه و آله را تأیید و به آنچه او آورد با یقین قلبی تصدیق فرمود. -قرآن-۸۷-۱۰۸-قرآن-۲۳۴-۲۴۶ [۸۱۱] مجاهد در تفسیر و تبیین آیه شریفه بیان کرد و الّذی جاء بالصّدق یعنی آن کسی که به صدق و صداقت مبعوث شد و آن محمّد صلی اللّه علیه و آله است -قرآن-۵۶-۷۷ [صفحه ۲۴۵] و الّذی ... صدّق به و آن کسی که به تصدیق نبی صلی اللّه علیه و آله پرداخت علی بن ابی طالب علیه السّلام است که در نخستین لحظه اعلام نبوّت آن حضرت را تصدیق و تأیید کرد و تا آخرین روز هم وفادار ماند«۱۲۷» -قرآن-۱-۲۳-پاورقی-۲۴۶-۲۴۸-قرآن-۲۹۶-۳۳۰-قرآن-۳۵۲-۳۶۴-قرآن-۴۱۸-۴۲۸ [۸۱۳] در کتاب تفسیر عتیق ضحاک از إبن عباس مفسّر معروف در توضیح کلام خدای سبحان و الّذی جاء بالصّدق و صدّق به بیان کرد: -قرآن-۹۸-۱۳۲ و الّذی جاء بالصّدق مصطفی صلی اللّه علیه و آله است که به صداقت و راستی قدم در میدان گذاشته و به ارشاد و هدایت مردم پرداخته است و منظور از صدّق به یار وفادار او علی بن ابی طالب علیه السّلام است که پیوسته یاور صدیق و صادق او بود «۱۲۸ -قرآن-۱-۲۱-قرآن-۱۶۹-۱۷۹-پاورقی-۲۸۴-۲۸۶ [۸۱۵] ابو عیّاش از ابو طفیل و او از امیرالمؤمنین علی علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: و الّذی جاء بالصّدق رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله است و الّذی ... صدّق به من هستم که پیوسته او را تصدیق و تأیید می‌کردم و بقیه مردم از جمله کافران و تکذیب کنندگان بودند و آن زمان غیر از من و او کسی قرآن و اسلام را تصدیق نمی‌کرد. -قرآن-۱-۲۱-قرآن-۷۰-۹۳ [۱۴۱] الّذین یحملون العرش و من حوله یسبّحون بحمد ربّهم و یؤمنون به و یستغفرون للّذین ءامنوا ربّنا وسعت کلّ شیء رّحمةً و علما فاغفر للّذین تابوا و اتّبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم ربّنا و أدخلهم جنّات -قرآن-۷-۲۲۳ [صفحه ۲۴۶] عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّاتهم أنّک أنت العزیز الحکیم و قهم السّیّئات و من تق السّیّئات یومئذ فقد رحمته و ذلک هو الفوز العظیم [غافر/ ۹] کسانی که عرش خدا را حمل می‌کنند و آنان که پیرامون آنند، به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده‌اند طلب آمرزش می‌کنند: پروردگارا، رحمت و دانش تو بر هر چیز احاطه دارد کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده‌اند ببخشای و آنان را از عذاب آتش دور نگاه‌دار. -قرآن-۱-۱۸۰ پروردگارا، آنان را در باغهای جاوید که وعده‌شان داده‌ای با هر که از پدران و همسران و فرزندانشان که به صلاح آمده‌اند، داخل کن زیرا تو خود ارجمند و حکیمی و آنان را از بدیها نگاه‌دار، و هر که را در آن روز از بدیها حفظ کنی البتّه رحمتش کرده‌ای و اینکه همان کامیابی بزرگ است [۸۱۶] ابو الاسود الدؤلی از پدرش نقل کرد، علی علیه السّلام درباره آیه شریفه فوق فرمود: ملائکه و فرشتگان آسمانی مدت چند سال و چند ماه فقط برای رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و من استغفار می‌کردند، و درباره ما دو نفر اینکه آیه کریمه الّذین یحملون العرش و من حوله یسبّحون بحمد ربّهم و یؤمنون به و یستغفرون للّذین ءامنوا ربّنا وسعت کلّ شیء رّحمةً و علما فاغفر للّذین تابوا و اتّبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم ربّنا و أدخلهم جنّات عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّاتهم أنّک أنت العزیز الحکیم نازل شد. -قرآن-۱-۳۱۲ طایفه‌ای از منافقین پس از نزول اینکه آیه گفتند: چه کسانی جزء پدران و ذریّه علی علیه السّلام هستند که اینکه آیه مبارکه درباره آنان نازل شد! علی علیه السّلام فرمود: «سبحان اللّه » -روایت-۱-۱۹ آیا نمی‌دانند پدران ما، ابراهیم اسماعیل اسحاق و یعقوب‌اند، آیا آنان آباء و اجداد ما نیستند! [۸۱۷] ابو جارود از ابو معتمر و او از پدرش نقل کرد، از علی علیه السّلام شنیدم فرمود: [صفحه ۲۴۷] فرشتگان آسمانی هفت سال و چند ماه استغفار نمی‌کردند مگر برای من و رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و درباره ما دو نفر آیه شریفه و یستغفرون للّذین ءامنوا ربّنا وسعت کلّ شیء رّحمةً و علما ... نازل شد. -قرآن-۱۵۰-۲۱۲ وقتی اینکه آیه در شأن ما نازل شد، منافقین گفتند: آباء و اجداد آنان چه کسانی هستند! سپس علی علیه السّلام ادامه داد و فرمود: «سبحان اللّه مگر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق آباء و اجداد ما نیستند؟» [۸۱۸] ابو ظبیان از ابو ذر نقل کرد، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله

فرمود: «أنّ الملائکهٔ صلّت علیّ و علی علیّ سبع سنین قبل ان یسلم بشر. -روایت-۱-۷۵ هفت سال قبل از اینکه که بشری مسلمان شود، فرشتگان آسمان به من و علی علیه السّلام درود و صلوات می‌فرستادند. [۸۱۹] انس بن مالك از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله روایت کرد: صلّت الملائکهٔ علیّ و علی علیّ سبع سنین و ذلك انّه لم یرفع شهادهٔ ان لا اله الّا اللّه الّا منّی و من علیّ. -روایت-۱-۱۳۰ فرشتگان الهی مدّت هفت سال بر من و علی علیه السّلام درود و صلوات می‌فرستادند آن هنگام که شعار توحید و کلمه لا اله الّا اللّه -روایت-۱-۲۳ جز از خانه من و علی برنمی‌خاست [۸۲۰] محمّد بن عبید اللّه از پدرش و پدر او از جدّش ابو رافع اینکه روایت را بیان کرد: نبی صلی اللّه علیه و آله اول روز دوشنبه نماز را بپاداشت و خدیجه علیها السّلام آخر روز دوشنبه نماز گزارد و علی علیه السّلام روز سه‌شنبه نماز گزاردن را آشکار کرد. البته قبلًا مدت هفت سال و چند ماه علی علیه السّلام در پنهانی با نبی صلی اللّه علیه و آله نماز را اقامه می کرد. [صفحه ۲۴۸] [۱۴۲] أ فمن یلقی فی النّار خیر ام مّن یاتی آمناً یوم القیامهٔ. [فصلت ۴۰] آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که روز قیامت آسوده خاطر می‌آید. -قرآن-۷-۶۸ [۸۲۱] مجاهد از إبن عباس مفسّر معروف در تفسیر آیه کریمه بیان کرد أ فمن یلقی فی النّار خیر آیا کسی که به آتش جهنم انداخته می‌شود مثل ولید بن مغیره برتر و بهتر است یا علی بن ابی طالب علیه السّلام که در روز قیامت یأتی آمناً یوم القیامهٔ در حالی که امنیت از عذاب و مصونیت از غضب خدا دارد و به حضور رب العالمین می‌رسد. -قرآن-۷۵-۱۰۳-قرآن-۲۵۶-۲۷۹ [۱۴۳] قل لّا أسئلکم علیه أجراً ألّا المودّهٔ فی القربی [شوری ۲۳] بگو: به ازای آن رسالت از شما پاداشی نمی‌خواهم مگر دوستی درباره خویشاوندان -قرآن-۷-۶۱ [۸۲۲] سعید بن جبیر از إبن عباس حکایت کرد وقتی آیه کریمه قل لّا أسئلکم علیه أجراً ألّا المودّهٔ فی القربی نازل شد، عدّه‌ای از اصحاب پرسیدند یا رسول اللّه اینکه «قربی چه کسانی هستند که خدای عزّ و جلّ ما را امر به مودّت آنان فرمود. -قرآن-۶۹-۱۲۳-قرآن-۱۹۳-۲۰۰ مصطفی صلی اللّه علیه و آله گفت اهل بیت من علی فاطمه و دو فرزندم حسن و حسین هستند که باید آنان را دوست بدارید و محبّت کنید.« ۱۲۹ - پاورقی-۱۵۲-۱۵۴ [۸۲۴] اعمش از سعید بن جبیر از إبن عباس نقل کرد: هنگامی که آیه کریمه قل لّا أسئلکم علیه أجراً ألّا المودّهٔ فی القربی بر -قرآن-۲۶-۸۰ [صفحه ۲۴۹] رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل شد اصحاب و یاران پرسیدند: یا رسول اللّه قرابت تو که خدای سبحان مودّت آنان را بر ما واجب گردانید چه کسانی هستند! نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: علی فاطمه و دو فرزند آنان حسن و حسین از خویشاوندان و اهل بیت من هستند که خدای رحمان مودّتشان را واجب کرد.« ۱۳۰ - پاورقی-۱۶۸-۱۷۰ [۸۲۸] قیس بن ربیع از اعمش و او از سعید بن جبیر نقل کرد إبن عباس مفسّر مشهور قرآن در توضیح آیه شریفه قل لّا أسئلکم علیه أجراً ألّا المودّهٔ فی القربی گفت خویشاوندانی که مودّت آنان در قرآن تأکید و واجب شد علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام هستند. -قرآن-۱۲۵-۱۷۹ [۸۲۹] عثمان بن ابی یقظان از سعید بن جبیر نقل می کند: إبن عباس روایتی را حکایت کرد و گفت انصار رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در مدینه بین خود جلسه خصوصی تشکیل دادند و به مشورت نشستند و گفتند: صلاح است اموالی جمع کنیم و تقدیم پیامبر صلی اللّه علیه و آله کنیم تا گشاده‌دست و متمکّن شود و محتاج کسی نباشد، سپس به حضور مصطفی صلی اللّه علیه و آله رسیدند و گفتند: یا رسول اللّه ما تصمیم گرفته‌ایم اموالی برای شما از مال خود جمع کنیم تا به احدی وابسته نباشی چون تصمیم و قصد خود را با آن حضرت در میان گذاشتند، آیه کریمه قل لّا أسئلکم علیه أجراً ألّا المودّهٔ فی القربی بر نبی صلی اللّه علیه و آله نازل شد و تکلیف آنان را روشن کرد و جواب صریح و روشن به انصار رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله داده شد که اینکه کار را نکنند و به جای آن مودّت و دوستی اهل بیت او را بپذیرند. -قرآن-۷۸-۱۳۲ [۸۳۰] عبد الملك میسره از طاووس نقل کرد که إبن عباس بیان کرد هیچ بنی هاشمی نیست که خویشاوند رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نباشد و چون آیه شریفه قل لّا أسئلکم علیه أجراً -قرآن-۱۷۷-۲۰۵ [

صفحه ۲۵۰] الّا المودّهٔ فی القربی نـازل شـد رسول خـدا فرمود: به خویشـان و نزدیکـانم بپیوندیـد و آنان را دوست بداریـد. –قرآن-۱-۲۵ [۸۳۱] عبد الملک بن میسره گفت از طاووس شنیدم گفت مردی از إبن عباس سؤال کرد قربی در آیه ألّا المودّهٔ فی القربی چه کسانی هستند! –قرآن-۹۷-۱۰۲–قرآن-۱۱۴-۱۳۹ سعید بن جبیر که در آن جا حضور داشت در جواب سؤال کننده گفت فقط خویشاوندان آل محمّد صلی اللّه علیه و آله مورد نظر آیه شریفه است عبد اللّه بن عباس گفت ای ابو سعید؟ در جواب تعجیل کردی بـدان منظور اقربـای رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله از قریش است «۱۳۱ –پاورقی-۱۴۹-۱۵۱ [۸۳۲] یوسف بن مهران نقـل کرد، إبن عبـاس در تفسیر آیه قـل لّما أسئلکم علیه أجراً ألّا المودّهٔ فی القربی بیـان کرد پیامبر فرمود: –قرآن-۶۴-۱۱۸ ان تودّونی فی قرابتی و لا تؤذونی –روایت-۱-۴۳ یعنی به خویشـان من مـودّت کنیـد و به آنـان اذیت و آزار نرسانید«۱۳۲». –پاورقی-۷۱-۷۳ [۸۳۴] شعبی می گویـد: اهل کوفه در معنای آیه شریفه فوق با من اختلاف کردند، نامه‌ای به إبن عباس مفسّر مشهور قرآن نوشتم تا مفهوم و تفسیر کلام خدا را مشخص کند. إبن عباس در جواب نوشت قل لّا أسئلکم علیه أجراً الّا المودّهٔ فی القربی –قرآن-۳۰-۸۴ اراده و قصـد خدای تعالی از اینکه آیه شریفه مواصلت و پیوند با خویشاوندان رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله است که به اهل بیت آن حضرت اکرام و احترام کنید. [۸۳۵] ابی صالح از قول إبن عباس نقل کرد: وقتی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به شهر مـدینه مهـاجرت کرد، دستش از مال و اموال خالی بود چون همه دارایی و اموال را در مکّه به جـا گذاشته در حالی که در مـدینه مخارج و [صـفحه ۲۵۱] تکالیفی به عهده آن حضرت بود امّا دستش خالی بود طایفه‌ای از انصار به مشورت نشستند و گفتند اینکه مرد الهی ما را هدایت و راهنمایی کرد و شایسته است از دارایی خود اموالی را جمع آوری کرده او را مساعدت و یاری دهیم سپس به حضور مصطفی صلی اللّه علیه و آله رسیدند تا اموالی را تقـدیم آن حضـرت کنند. در آن هنگام آیه کریمه قل لّا أسئلکم علیه أجراً الّا المودّهٔ فی القربی بر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نـازل شـد یعنی ای نبی اللّه به آنان بگو برای راهنمایی و هـدایت و آوردن قرآن از شـما مزدی دریافت نمی کنم مگر اینکه که مودّت خویشاونـدان مرا به دل بگیریـد و آنان را اذیت نکنید و آزار ندهید. –قرآن-۲۸-۸۲ [۸۳۶] حدیثی را قتاده از سعید بن جبیر از إبن عبـاس نقـل کرده است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله وقتی به مـدینه مهـاجرت کرد، انصـار مـدینه بـا هم مشورت کردنـد و گفتنـد: خدای تعالی ما را به دست اینکه مرد ربّانی هدایت کرد و اکنون از مال دنیا چیزی ندارد، چون همه دارایی خود را در مکّه به جـا گـذاشت شایسـته است از اموال خویش او را کمـک کنیم در نتیجه هشتصد دینار جمع کرده به حضور رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رسـیدند و گفتنـد: یـا رسول اللّه تو برادر مـا هستی و خـدای سـبحان مـا را به دست تو هـدایت کرد و اموری به عهـده شـماست که نیاز به درهم و دینار است و حال اینکه که دست شـما هم خالی است و از خانه و کاشانه خود دور شده‌اید، بر ما منّت بگذار و اینکه مبلغ را از ما بپذیر. چون سخن بدین جا رسید، آیه قل لّا أسئلکم علیه أجراً الّا المودّهٔ فی القربی نازل شد. یعنی برای تعلیم قرآن و هدایت شـما اجر و مزدی را طلب نمی کنم مگر اینکه که مرا و فرزندانم و اهل بیتم را دوست بدارید. –قرآن-۲۹-۸۳ [۸۳۷] طالوت بن عبّاد از فضال بن جبیر از ابی أمامهٔ باهلی روایت کرد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: انّ اللّه خلق الانبیـاء من اشـجار شتّی و خلقت أنـا و علیّ من شـجرهٔ واحـدهٔ –روایت-۱-ادامه دارد [صفحه ۲۵۲] فانا اصلها و علیّ و الحسن و الحسین ثمارها و اشیاعنا اوراقها و من تعلّق بغصن من اغصانها نجی و من زاغ هوی ... –روایت–از قبل-۱۲۲ خـدای سـبحان انبیـا و رسولا-ن خود را از درختـان مختلف خلق کرد. امّا من و علی از یک درخت خلق شدیم من اصل درخت و علی علیه السّـلام فرع آن است حسن و حسـین ثمره و میوه شـیرین آن درخت و شیعیان ما، برگ‌های سبز و زیبـای اینکه درخت‌انـد، هر کسـی به شـاخه‌ای از شـاخه‌هـای اینکه درخت بچسبد نجـات می‌یابـد و هر کسـی از اینکه درخت دوری جویـد به هـوی و هـوس و گمراهی می‌افتـد. ای یـاران بدانیـد اگر بنـده‌ای دو هزار سـال در بین صـفا و مروه به

عبادت خالق یکتا بپردازد و محبّت ما اهل بیت را درک نکند خدای سبحان او را با صورت در آتش جهنّم سرنگون می‌کند. سپس آیه شریفه قل لّا أسئلکم علیه أجراً الّا المودّهٔ فی القربی را تلاوت فرمود. -قرآن-۱۸-۷۲ [۸۳۸] ابی هاشم رمّانی از زاذان نقل کرد علی علیه السّلام فرمود: در شأن ما اهل بیت در قرآن آیه‌ای هست و آن اینکه که مودّت و محبّت ما را فقط مؤمنین حفظ و رعایت می‌کنند آن گاه آیه شریفه قل لّا أسئلکم علیه أجراً الّا المودّهٔ فی القربی را تلاوت کرد، و فرمود: اینکه کلام خدای تعالی در حق ماست «۱۳۳ -قرآن-۱۴۹-۲۰۳-پاورقی-۲۷۴-۲۷۶ [۸۳۹] إبن بکیر از عکرمهٔ در توضیح آیه شریفه قل لّا أسئلکم علیه أجراً ألّا المودّهٔ فی القربی گفت -قرآن-۵۴-۱۰۸ هر قرابت و خویشاوندی که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله از قریش داشته باشد از اقربای رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله هستند.«۱۳۴ -پاورقی-۱۵۷-۱۵۹ [۸۴۲] ابی نجیح از مجاهد در توضیح آیه شریفه ألّا المودّهٔ فی القربی بیان کرد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: مرا اطاعت و متابعت کنید و به فرزندان من بپیوندید و آنان را احترام و اکرام کنید. -قرآن-۵۴-۷۹ [صفحه ۲۵۳] [۸۴۳] جعفر از سعید بن جبیر در توضیح قول خدای سبحان الّا المودّهٔ فی القربی نقل کرد: -قرآن-۶۲-۸۷ پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود: با اذیت و آزار اقربا و خویشاوندانم مرا آزار ندهید.«۱۳۵ -پاورقی-۹۶-۹۸ [۱۴۴] و من یقترف حسنهٔ نّزد له فیها حسنا. [شوری ۲۳] هر کسی عمل نیکی انجام دهد بر نیکی‌اش می‌افزاییم -قرآن-۷-۴۷ [۸۴۵] حکیم بن ظهیر نقل کرد سدیّ در توضیح آیه شریفه و من یقترف حسنهٔ بیان کرد، هر کسی مودّت و محبّت آل محمّد صلی اللّه علیه و آله را کسب کند، خداوند بزرگ بر حسناتش می‌افزاید.«۱۳۶ -قرآن-۶۳-۸۱-پاورقی-۲۱۰-۲۱۲ [۸۴۷] ابی مالک از إبن عباس روایت کرد و من یقترف حسنهٔ یعنی هر کسی دوستی و مودّت آل محمّد صلی اللّه علیه و آله را کسب کند نزد له فیها حسنا بر حسنات و خوبی‌هایش افزوده می‌شود.«۱۳۷ -قرآن-۴۶-۶۴-قرآن-۱۵۱-۱۷۱-پاورقی-۲۱۳-۲۱۵ [۸۵۰] ابی مالک از ابی صالح روایت کرده إبن عباس مفسّر مشهور در تفسیر و توضیح آیه و من یقترف حسنهٔ گفت هر کسی مودّت اهل بیت مصطفی صلی اللّه علیه و آله را کسب کند، خدای تعالی بر ثواب و پاداش او می‌افزاید.«۱۳۸ -قرآن-۹۸-۱۱۶-پاورقی-۲۴۹-۲۵۱ -قرآن-۷۹-۱۰۴ [صفحه ۲۵۴] [۱۴۵] فأمّا نذهبنّ بک فأنّا منهم مّنتقمون أو نرینّک الّذی وعدناهم فأنّا علیهم مّقتدرون فاستمسک بالّذی أوحی ألیک أنّک علی صراط مّستقیم و أنّه لذکر لّک و لقومک و سوف تسئلون [زخرف ۴۴ ۴۱] پس اگر ما تو را از دنیا] ببریم قطعاً از آنان انتقام می‌کشیم یا اگر آنچه را به آنان وعده داده‌ایم به تو نشان دهیم حتماً ما بر آنان قدرت داریم پس به آنچه به سوی تو وحی شده است چنگ زن که تو بر راهی راست قرار داری و به راستی که [قرآن برای تو و برای قوم تو [مایه] تذکّری است و به زودی در مورد آن پرسیده خواهید شد. -قرآن-۷-۱۹۸ [۸۵۱] علی إبن موسی الرضا علیه السّلام از پدرش موسی بن جعفر و او از پدرش ابی جعفر و او از پدرش ابی محمّد بن علیّ الباقر علیه السّلام نقل کرده است که جابر بن عبد اللّه انصاری حکایت کرد. در آخرین مراسم حج یعنی حجّهٔ الوداع در نزدیک پیامبر صلی اللّه علیه و آله ایستاده بودم که آن حضرت فرمود: لا الفیّنّکم ترجعون بعدی کفّاراً یضرب بعضکم رقاب بعض و أیم اللّه لئن فعلتموها لتعرفنی فی الکتیبهٔ التی تضاربکم -روایت-۱-۱۳۰ ای یاران شما را توصیه می‌کنم بعد از من به کفر و بی‌دینی نگرایید که با شمشیر به جان یکدیگر بیفتید و گردن همدیگر را بزنید. به خدا سوگند اگر چنین کنید مرا از کسانی خواهید یافت که شما را با شمشیر برانم سپس به پشت سرش نگاه کرد و فرمود: علیّ یا علیّ یا علیّ؟ چون سه بار نام علی علیه السّلام را به زبان آورد، دیدیم جبرئیل بر آن حضرت فرود آمد و گفت فامّا نذهبنّ بک فانّا منهم مّنتقمون -روایت-۱-۴۱ بعلی بن ابی طالب علیه السّلام فاستمسک بالّذی اوحی الیک من امر علیّ علیه السّلام انّک علی صراط مّستقیم -قرآن-۳۹-۶۷-قرآن-۹۹-۱۲۴ خدای سبحان می‌فرماید: به وسیله علی بن ابی طالب علیه السّلام از آنان انتقام می گیرم ای [صفحه ۲۵۵] رسول من آنچه از امر علی بن ابی طالب علیه السّلام بر تو وحی می‌کنم تمسک کن

انّک علی صراط مستقیم که تو بر صراط مستقیم و طریق حقیقت هستی -قرآن-۹۹-۱۲۳ [۸۵۲] ابو بکر بن عیّاش از کلبی و او از ابی صالح نقل کرد که جابر بن عبد اللّه انصاری صحابی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در تفسیر و توضیح آیه فامّا نذهبنّ بـک فانّا منهم منتقمون گفت یعنی خـدای قادر از آنان به وسیله علی بن ابی طالب علیه السّلام انتقام می گیرد. -قرآن-۱۷۹-۲۱۷ [۸۵۳] ابی زبیر از جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرد، هنگامی که آیه شریفه فأمّا نـذهبنّ بك فأنّا منهم مّنتقمون ... بر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل شد. آن حضرت بیان کرد خدای قادر در کلام خود فرمود: از آنان به وسیله علی علیه السّلام انتقام می گیرم -قرآن-۸۹-۱۲۸ [۸۵۴] زریق بن مرزوق از حکم بن ظهیر و او از سدی نقل کرد فامّا نـذهبنّ بـک فانا منهم منتقمون خدای سبحان می‌فرماید به وسیله علی بن ابی طالب علیه السّلام از آنان انتقام می گیریم -قرآن-۷۱-۱۰۸ [۱۴۶] و سئل من أرسلنا من قبلك من رّسلنا أ جعلنا من دون الرّحمن ءالهةً یعبدون [زخرف ۴۵] و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم جویا شو آیا در برابر [خدای رحمان خدایانی که مورد پرستش قرار گیرند مقرّر داشته‌ایم -قرآن-۷-۹۰ [۸۵۵] علقمه و اسود از عبد اللّه بن عباس روایت کردند روزی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به من فرمود: یا عبد اللّه جبرئیل به نزدم آمد و گفت یا محمّد و سئل من أرسلنا من قبلك من رّسلنا علی ما بعثوا! -قرآن-۱۹۵-۲۳۶ ای مصطفی صلی اللّه علیه و آله از رسولان گذشته و پیامبران پیشین از رسالتی که بر آن مبعوث شدند بپرس تا بیان کنند. به جبرئیل گفتم انبیای گذشته بر چه رسالتی مبعوث و مأمور شدند! [صفحه ۲۵۶] گفت بر ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام مبعوث شدند.« ۱۳۹ - پاورقی-۸۳-۸۵ [۸۵۷] محمّد بن سوقه از علقمه و اسود حکایت کرد عبد اللّه بن مسعود قاری معروف قرآن و صحابی مشهور مصطفی صلی اللّه علیه و آله گفت رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به من فرمود شبی که به سفر آسمانی رفته بودم ملکی کریم و با منزلت به نزد من آمد و گفت یا محمّد از انبیای گذشته و پیامبران سلف بپرس بر چه عهد و پیمانی مبعوث شدند. گفتم یا معاشر الرّسل و النّبیّین علی ما بعثکم اللّه -روایت-۱-۶۰ ای رسولان الهی و انبیای گذشته بر چه چیزی خدای رحمان شما را مبعوث و مأمور فرمود! انبیا در جواب گفتند: یا رسول اللّه ما بر ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام مبعوث شدیم » ۱۴۰ -پاورقی-۱۲۶-۱۲۸ [۱۴۷] و لمّا ضرب إبن مریم مثلًا أذا قومك منه یصدّون [زخرف ۵۷] و هنگامی که در مورد] پسر مریم مثالی آورده شد، به ناگاه قوم تو از آن [سخن هلهله در انداختند [و اعراض کردند]. -قرآن-۷-۶۰ [۸۵۹] عبد الرّحمان بن ابی نعم نقل کرد علی علیه السّلام فرمود: آیه کریمه و لمّا ضرب إبن مریم مثلًا ... درباره من نازل شد. -قرآن-۸۷-۱۱۶ [۸۶۰] عیسی بن عبد اللّه بن محمّد بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السّلام از پدرش علی علیه السّلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: [صفحه ۲۵۷] روزی پیامبر در میان جمعیتی از قریش نشسته بود من به حضور آن بزرگوار رسیدم پیامبر صلی اللّه علیه و آله نگاهی معنادار به من کرد و فرمود یا علی مثل تو در میان اینکه امّت مانند عیسی بن مریم است طایفه‌ای در دوستی با او افراط روا داشتند و عده‌ای هم در دشمنی و کینه راه تفریط را پیمودند. جماعتی که در حضور رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله بودند، خندیدند، گفتند: بنگرید و ببینید چگونه پسر عمّ خود را با عیسی بن مریم علیه السّلام مقایسه می کند؟ جبرئیل فرود آمد و آیه کریمه و لمّا ضرب إبن مریم مثلًا أذا قومك منه یصدّون را نازل کرد تا جوابی کوبنده بر استهزا و خنده نابجای آن جماعت جاهل باشد ۱۴۱». -قرآن-۲۱۶-۲۶۹-پاورقی-۳۵۷-۳۵۹ [۸۶۲] ابی صادق از ربیعهٔ بن ناجذ روایتی را نقل کرد که علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: روزی مصطفی صلی اللّه علیه و آله مرا فراخواند و گفت یا علی شخصیت وجودی تو مثل عیسی بن مریم علیه السّلام است یهودیان او را دشمن شدند و در دشمنی و بغض و کینه تا آنجا پیش رفتند که به مادرش مریم بهتان زدند و افترا بستند، از طرف دیگر نصاری چنان در دوستی افراط کردند تا او را به جایگاه خدایی نشاندند. علی علیه السّلام در ادامه سخن گفت ۱۴۲» -روایت-۳-۲۴۶ [صفحه ۲۵۸] دو طایفه به واسطه من هلاک شدند

محبّی که افراط کرد و دشمنی که عناد بی‌اندازه ورزید، ای دوستان آگاه باشید که من پیامبر مرسل و نبیّ مکرم نیستم ولی عامل به کتاب خداوند بزرگ هستم اطاعت و پیروی من در آنچه اکراه یا اشتیاق دارید بر شما واجب شد پس با امر و نهی من مخالفت نکنید. [۸۶۶] صالح بن میثم از عبایهٔ بن ربعی نقل کرد«۱۴۳» -پاورقی-۵۵-۵۷ منافقین با شنیدن کلام پیامبر صلی اللّه علیه و آله در حق من گفتند: ببینید چه قدر محمّد صلی اللّه علیه و آله از پسر عمّ خود راضی است که او را به منزله عیسی بن مریم قرار داده و مقام او را تا مقام عیسی بن مریم علیه السّلام بالا برده است چون اینکه سخنان ناروا از منافقین منتشر شد، آیه شریفه و لمّا ضرب إبن مریم مثلًا أذا قومک منه یصدّون ... نازل شد. -قرآن-۲۷۸-۳۳۱ علی علیه السّلام پس از نقل اینکه حکایت فرمود به سبب همین فرمایش رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله است ۱۴۴» -روایت-۳-۱۱۴ [۸۶۸] محمّد بن عبید اللّه بن ابی رافع از پدر و جدش ابی رافع نقل کرد که آن دو گفتند: رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود دو خصلت در توست که در عیسی بن مریم علیه السّلام بود بعضی از صحابه پرسیدند: یا رسول اللّه آیا پیامبران خدا را به علی علیه السّلام تشبیه می‌کنی ؟ در اینکه اثنا علی علیه السّلام سؤال کرد: آن دو خصلت چیست [صفحه ۲۵۹] رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: حبّ نصاری تا آن جا که به هلاکت رسیدند و بغض یهود تا حدّی که هلاک شدند. اما درباره تو افراط در دوستی و محبت تا جایی که موجب هلاکت آنان می‌شود و زیاده‌روی در بغض و کینه و دشمنی تو که باعث هلاک آنان می‌شود. چون اینکه بیانات مصطفی صلی اللّه علیه و آله منتشر شد، طایفه‌ای از منافقین و جمعی از قریش گفتند چگونه ممکن است علی علیه السّلام مانند عیسی بن مریم باشد در آن هنگام آیه شریفه و لمّا ضرب إبن مریم مثلًا أذا قومک منه یصدون ۱۴۵» نازل شد تا دهان مخالفان و معاندان بسته شود.«۱۴۶» -قرآن-۲۱۵-۲۶۷-پاورقی-۲۶۸-۲۷۰-پاورقی-۳۲۲-۳۲۴ [۱۴۸] أم حسب الّذین اجترحوا السّیئات أن نّجعلهم کالّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات سواءً مّحیاهم و مماتهم ساء ما یحکمون [جاثیه ۲۱] آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده‌اند پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به طوری که زندگی آنان و مرگشان یکسان باشد چه بد داوری می‌کنند؟ [۸۷۲] عطاء و ضحّاک از مجاهد نقل کردند که إبن عباس در توضیح و شرح آیه کریمه أم حسب الّذین اجترحوا السّیئات أن نّجعلهم کالّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات سواءً مّحیاهم و مماتهم ساء ما یحکمون بیان کرد -قرآن-۷-۱۳۱-قرآن-۴۵۹-۵۸۳ [صفحه ۲۶۰] آیه در مقایسه بین سه نفر از مؤمنان خالص علی علیه السّلام حمزه سید الشهداء و عبیدهٔ بن حارث با سه تن از مشرکان فاجر مثل عتبه و شیبه و ولید بن عتبه نازل شد. أَلّذین اجترحوا السّیئات یعنی کسانی که شرک و بی‌دینی را کسب کردند. -قرآن-۱-۲۵ و قضیه از اینکه قرار بود که سه تن از مشرکین پلید مثل عتبه و شیبه و ولید بن عتبه در مکه با سه نفر از مؤمنین یاد شده به مجادله و منازعه پرداختند و گفتند شما را فاضل‌تر و برتر از خود نمی‌دانیم و شما مسلمانان و مؤمنین بر مبنای درست و صحیحی نیستید، اگر هم بر فرض قیامتی و آخرتی در کار باشد باز هم ما از شما برتر و بالاتریم و در جایگاه والاتر و بهتری جای داده می‌شویم خدای سبحان که دانای سرّ و نهان است آیه شریفه أم حسب الّذین اجترحوا السّیئات ... را درباره آنان نازل کرد و فرمود: مؤمنان صالح با کافران ناصالح هرگز در نزد ما مساوی نیستند. اگر چنین سخنانی بگویید، قضاوت نادرست و ناحقّی کرده‌اید.«۱۴۷ -قرآن-۵۷-۹۱-پاورقی-۲۶۵-۲۶۷ [۸۷۴] کلبی از ابی صالح نقل کرد إبن عباس در شرح آیه کریمه بیان کرد أم حسب الّذین اجترحوا السّیئات یعنی بنی عبد شمس که دنبال کسب بدی‌ها و سیئات بودند کالّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات بنی هاشم و بنی عبد المطلب هستند که به ایمان و عمل صالح گرایش و اهتمام داشتند. -قرآن-۸۳-۱۱۷-قرآن-۱۸۰-۲۱۴ [۸۷۵] مقاتل بن سلیمان از ضحّاک روایتی را نقل کرد که إبن عباس در توضیح آیه شریفه گفت أم حسب الّذین اجترحوا السّیئات یعنی بنی امیه که پیوسته دنبال سیئات و ضدّیت و مخالفت با قرآن و اسلام بودند و أن نّجعلهم کالّذین ءامنوا

و عملوا الصّالحات یعنی مؤمنین صالح که پیوسته گوش به فرمان یزدان و مطیع قرآن بودند و آنان نبی صلی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام حمزه سید الشهداء، جعفر طیّار، حسن حسین و فاطمه علیهم السّلام -قرآن-۱۱۰-۱۴۴-قرآن-۲۳۷-۲۸۵ [صفحه ۲۶۱] هستند که اینکه آیه در شأن آنان نازل شد و اینکه بزرگان را مورد تمجید و تحسین قرار داد. [۸۷۶] ابو صادق از ربیعهٔ بن ناجذ نقل کرد: علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: در سوره محمّد صلی اللّه علیه و آله آیه‌ای هست که در فضیلت و تحسین ما و مذمّت بنی امیه نازل شد.«۱۴۸ -پاورقی-۲۱۰-۲۱۲ [۸۷۷] عبد اللّه بن حزن نقل کرد، در مکّه در میان جمعی در حضور حسین بن علی علیهما السّلام نشسته بودیم آیه کریمه الّذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ اعمالهم و الّذین أمنوا و عملوا الصّالحات و آمنوا بما نزّل علی محمّد و هو الحقّ من ربّهم ۱۴۹» -قرآن-۱۳۹-۲۸۶-پاورقی-۲۸۷-۲۸۹ آن بزرگوار فرمود: اینکه آیه شریفه در شأن ما اهل بیت و بی‌دینی و مخالفت و سدّ راه بنی امیه نازل شد.«۱۵۰ -پاورقی-۱۱۸-۱۲۰ [۱۴۹] و الّذین قتلوا فی سبیل اللّه فلن یضلّ أعملهم سیهدیهم و یصلح بالهم و یدخلهم الجنّهٔ عرّفها لهم محمّد ۶ ۴] و کسانی که در راه خدا کشته شدند، هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند. به زودی آنان را راه می‌نماید و حالشان را نیکو می‌گرداند، و در بهشتی که برای آنان وصف کرده می‌برد. -قرآن-۷-۱۱۵ [۸۷۸] قتادهٔ از عطاء نقل کرد إبن عباس در تفسیر و توضیح کلام خدای عزّ و جلّ گفت و الّذین قتلوا فی سبیل اللّه یعنی کسانی که در راه خدا و ترویج دین شهید شدند -قرآن-۱-۳۳ [صفحه ۲۶۲] مثل حمزه سید الشهداء و جعفر طیار هرگز حسنات و مجاهدت‌های آنان فراموش نمی‌شود و پاداش آنان جنّت و بهشت رضوان است و سیهدیهم یعنی خدای سبحان به اینکه مجاهدان توفیق انجام اعمال صالح و کارهای خیر را عنایت می‌فرماید. -قرآن-۱-۱۰ و یصلح بالهم و همچنین نیّات و حالات و اعمال آنان را اصلاح می‌کند. -قرآن-۱-۱۴ و یدخلهم الجنّهٔ عرّفها لهم آن هنگامی که در بهشت داخل شوند، آدرس منازل و جایگاه ابدی آنان را نشان داده معرفی می‌کند. -قرآن-۱-۲۹ [۱۵۰] ذلک بأنّ اللّه مولی الّذین ءامنوا و أنّ الکفرین لا مولی لهم محمّد ۱۱] چرا که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، ولی کافران را سرپرست [و یاری نیست -قرآن-۷-۷۹ [۸۷۹] قتادهٔ از سعید بن جبیر نقل کرد إبن عباس مفسّر مشهور در توضیح آیه کریمه بیان کرد، ذلک بأنّ اللّه مولی الّذین ءامنوا یعنی خدای سبحان ولیّ مؤمنانی مثل محمّد صلی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام حمزه جعفر طیّار، فاطمه علیها السّلام و حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام است و آنان را بر دشمنان نصرت و غلبه می‌دهد و عاقبت از آن متقین و مؤمنین است -قرآن-۱۰۲-۱۴۱ و أنّ الکافرین و برای کافران مثل ابو سفیان بن حرب و اعوان و انصارش هیچ ولیّ نیست تا عذاب دنیا و آخرت را از آنان دفع کند. -قرآن-۱-۱۶ [صفحه ۲۶۳] [۱۵۱] أ فمن کان علی بیّنهٔ مّن رّبّه کمن زیّن له سوء عمله و اتّبعوا أهواءهم -قرآن-۷-۸۸ محمّد ۱۴] آیا کسی که بر حجّتی از جانب پروردگار خویش است چون کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده و هوسهای خود را پیروی کرده‌اند! [۸۸۰] مقاتل از عطاء نقل کرد إبن عباس در تفسیر آیه فوق بیان کرد، أ فمن کان علی بیّنهٔ مّن رّبّه -قرآن-۷۸-۱۱۴ آیه برای رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام آن زمان که شهادت أن لا اله الّا اللّه وحده لا شریک له و شعار توحید سر دادند نازل شد. کمن زیّن له سوء عمله آیا اینکه چنین انسان موحد و خداشناسی با مثل ابو جهل بن هشام و ابو سفیان بن حرب که هوای نفس و شیطان مال دنیا را برای آنان زینت داده است برابر و مساوی‌اند. -قرآن-۱۸۵-۲۱۰ و حال اینکه که ابو سفیان و ابو جهل تابع هوی و نبی صلی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام بنده خدا هستند. [۱۵۲] فاذا عزم الامر فلو صدقوا اللّه لکان خیراً لّهم فهل عسیتم أن تولّیتم أن تفسدوا فی الارض و تقطّعوا أرحامکم محمّد ۲۲ ۲۱] و چون کار به تصمیم کشد، قطعاً خیر آنان در اینکه است که با خدا راست [دل باشند. -قرآن-۷-۱۲۷ پس [ای منافقان آیا امید بستید که چون از خدا برگشتید [یا سرپرست مردم شدید] در [روی زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگلسید! [۸۸۱]

سفیان ثوری از إبن جریج و او از عطاء نقل کرد إبن عباس بیان کرد: آیه فلو صدقوا اللّه درباره بنی امیه نازل شد، اگر بنی امیه ایمان می‌آوردنـد و در راه طاعت و متابعت گام بر می‌داشـتند و اجابت دسـتورهای دین و قرآن را می کردند، برای –قرآن-۴-۲۰ [صفحه ۲۶۴] آنان بهتر و نیکوتر از معصـیت و عصیان و نافرمانی که در حق قرآن و یزدان داشتند، بود و تقطّعوا أرحامکم اینکه طایفه از نبی صـلی اللّه علیه و آله و اهل بیت او بریدند و به مخالفت با آنان پرداخته در دشـمنی کمال بی‌رحمی و سنگ دلی را روا داشتند. –قرآن-۱-۱۸ [۱۵۳] و لتعرفنّهم فی لحن القول محمّـد ۳۰] آنان که در دلهایشان مرض است از طرز سـخن گفتنشان می‌توانی آنها را بشناسی –قرآن-۷-۳۶ [۸۸۲] هارون عبدی از ابو سعید خدری در شرح و تفسیر آیه کریمه نقل کرد لتعرفنّهم فی لحن القول یعنی منافقـان و بیمـار دلان را از لحن گفتار و سـخنانی که در بغض و کینه نسبت به علی علیه السّـلام ابراز و اعلام می‌دارند می‌توان شـناخت «۱۵۱ –قرآن-۸۰-۱۰۷-پاورقی-۲۶۶-۲۶۸ [۱۵۴] محمّـد رّسول اللّه و الّذین معه أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم ترهم رکّعا سـجّدا یبتغون فضـلًا مّن اللّه و رضونا سیماهم فی وجوههم مّن أثر السّجود ذلک مثلهم فی التّورهٔ و مثلهم فی الانجیـل کزرع أخرج شـطئه و فئـازره فاسـتغلظ فاسـتوی علی سوقه یعجب الزّرّاع لیغیـظ بهم الکفّار وعـد اللّه الّـذین ءامنوا و عملوا الصّالحات منهم مّغفرهٔ و أجرا عظیما. [فتح ۲۹] –قرآن-۷-۳۷۶ [صفحه ۲۶۵] محمّد صلی اللّه علیه و آله پیامبر خداست و کسانی که با او هسـتند، بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربان‌اند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخّصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است اینکه صفت ایشان است در تورات و مثـل آنـان در انجیـل چون کشته‌ای است که جوانه خود بر آورد و آن را مایه دهـد تا سـتبر شود و بر ساقه‌های خود بایسـتد و دهقانـان را به شـگفت آورد، تـا از [انبوهی آنـان خـدا کافران را به خشم در انـدازد. خـدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است [۸۸۶] سفیان ثوری از إبن جریح و او از عطاء نقل کرد که إبن عباس مفسّـر مشهور در تفسـیر و توضیـح آیه کریمه بیان کرد محمّد رّسول اللّه و الّذین معه محمّد صـلی اللّه علیه و آله و اصـحاب مـؤمنش از سـابقین ترهـم رکّعـا سـجّدًا یعنی علی بـن ابی طـالب علیه السّـلام یبتغـون فضـلًا مّن اللّه یعنی طلحه و زبیر سیمـاهم فی وجـوههم مّن أثر السّـجود یعنی عبـد الرحمـان بن عوف و سـعد بن ابی وقّـاص ذلـک مثلهم فی التّورهٔ و مثلهم فی الانجیل یعنی ابو عبیده جرّاح کزرع أخرج شـطئه فأزره یعنی ابو بکر فاسـتغلظ یعنی عمر فاسـتوی علی سوقه یعنی عثمان یعجب الزّرّاع لیغیظ بهم الکفّار یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام وعد اللّه الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات منهم یعنی تمامی اصحاب محمّـد صـلی اللّه علیه و آله «۱۵۲ –قرآن-۱۳۵-۱۶۹-قرآن-۲۳۴-۲۵۲-قرآن-۲۹۸-۳۲۳-قرآن-۳۴۴-۳۸۱-قرآن-۴۳۷-۴۸۵-قرآن-۵۱۱-۵۳۵-قرآن-۵۵۱-۵۵۸-قرآن-۵۷۰-۵۸۹-قرآن-۶۰۴-۶۳۸-قرآن-۶۸۴-۷۳۴-پاورقی-۷۹۲-۷۹۴ [۸۸۷] عبد الکریم جزری از سـعید بن جبیر نقـل کرد از عبـد اللّه بن عباس در توضـیح و تفسـیر کلام خـدا وعـد اللّه الّـذین ءامنوا و عملوا الصّالحات منهم مّغفرهً و أجراً عظیما سؤال شد. گفت روزی در خدمت پیامبر صـلی اللّه علیه و آله بودم جمعی از آن حضـرت پرسـیدند یا رسول اللّه اینکه کلام الهی درباره چه کسـی نازل شد! –قرآن-۱۱۸-۱۹۰ [صفحه ۲۶۶] مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: چون قیـامت کبری برپـا شود، پرچمی سـفید و نورانی را می‌آورنـد و منادی از جانب پروردگار نـدا می‌دهـد: سـیّد مؤمنان و کسانی که با او بعـد از بعثت محمّـد صـلی اللّه علیه و آله ایمان آوردنـد برخیزنـد و به پیش تازند. علی بن ابی طالب علیه السّلام به سرعت برمی‌خیزد و لوای نورانی و پرچم سفید به دستش داده می‌شود. همه مهاجران و انصار سابقه‌دار زیر اینکه لوای نورانی جمع می‌شونـد و غیر از مهاجر و انصار نخستین و سابقه‌دار کسـی با آنان همراه نخواهـد بود تا اینکه که علی علیه السّـلام بر منبری از نور ربّانی قرار می گیرد. آن گاه بندگان خدا یکی یکی به نزد آن سیّد و سرور می‌آیند و پاداش خویش را دریافت می کنند، وقتی جمعیت زیادی پاداش خود را دریافت کردند به آنان گفته می‌شود، همه شما جایگاه خود را در بهشت

شناختید، خدای سبحان به شما می‌فرماید: عندی مغفرة و اجر عظیم -روایت-۱-۲۵ . علی علیه السّلام و طوایفی که زیر لوای او هستند برخاسته و علی علیه السّلام آنان را به داخل بهشت می‌برد، سپس بر منبر خود می‌نشیند و پیوسته مؤمنان و صالحانی را که نصیب خود را دریافت کرده‌اند به داخل بهشت می‌برد و طوایف دیگری که اهل جهنم و آتش‌اند به آتش سپرده می‌شوند. و اینکه کار به سبب قول خدای سبحان و الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات لهم أجرهم و نورهم است که مؤمنان سابقه‌دار و اهل ولایت را چنین پاداش نیکو و جایگاه رفیعی عنایت می‌فرماید. -قرآن-۴۴-۷۷-قرآن-۷۸-۹۹ و الّذین کفروا و کذّبوا بایاتنا آنان که ولایت علی علیه السّلام و حقّ او را که حقّ مسلّم و واجب بر همه عالمین است زیر پا گذاشتند. -قرآن-۱-۳۲ أولئک أصحاب الجحیم اینان کسانی هستند که علی علیه السّلام جهنّم را برای آنان قسمت کرده و مستحق جهنّم هم هستند. -قرآن-۱-۲۱ [۸۹۱] انس بن مالک می گوید رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله آیه کریمه محمّد رّسول اللّه و الّذین -قرآن-۸۳-۱۱۴ [صفحه ۲۶۷] معه أشدّآء علی الکفّار رحمآء بینهم ... را قرائت فرمود و گفت منظور از کزرع أخرج شطئه محمّد صلی اللّه علیه و آله فئازره ابو بکر فاستغلظ عمر فاستوی علی سوقه عثمان و یعجب الزّرّاع لیغیظ بهم الکفّار علی بن ابی طالب علیه السّلام است «۱۵۳ -قرآن-۱-۴۴-قرآن-۸۲-۹۹-قرآن-۱۳۵-۱۴۲-قرآن-۱۵۱-۱۵۸-قرآن-۱۶۳-۱۸۲-قرآن-۱۹۲-۲۲۶-پاورقی-۲۷۲-۲۷۴ [۱۵۵] أنّما المؤمنون الّذین ءامنوا باللّه و رسوله ثمّ لم یرتابوا و جاهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل اللّه أولئک هم الصّادقون [حجرات ۱۵] در حقیقت مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده‌اند اینها هستند که راست کردارند. -قرآن-۷-۱۴۲ [۸۹۳] عمرو بن دینار از عطاء حکایت کرد إبن عباس در تفسیر آیه شریفه أنّما المؤمنون الّذین ءامنوا گفت یعنی کسانی که خدای سبحان و رسولش را تصدیق کردند و شکّ و شبهه‌ای در ایمان نداشتند. -قرآن-۸۰-۱۱۰ و اینکه آیه در شأن علی بن ابی طالب علیه السّلام و حمزه سید الشهداء و جعفر طیّار نازل شد. که از مؤمنان راستین به خدا و پیامبر صلی اللّه علیه و آله و قرآن بودند. و جاهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل اللّه أولئک هم الصّادقون که از سر صدق و خلوص با جان و مال با دشمنان خدا و در راه طاعت اللّه پیکار و مجاهدت کردند و اینان مؤمنان صادق و وفادارند که خدای سبحان آنان را به صداقت و راستی در اینکه آیه شریفه ستوده و نام برده است -قرآن-۱-۶۹ [صفحه ۲۶۸] [۱۵۶] و جآءت کلّ نفس مّعها سائق و شهید. [ق ۲۱] هر انسانی وارد محشر می‌شود، در حالی که همراه او سوق دهنده و گواهی هست -قرآن-۷-۴۳ [۸۹۴] جعفر بن حکیم از امّ سلمه در شرح آیه کریمه و جآءت کلّ نفس مّعها سائق و شهید نقل کرد: -قرآن-۶۰-۹۶ رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در قیامت به عنوان سائق [سوق دهنده مردم است و علی بن ابی طالب علیه السّلام به عنوان شهید و گواه بر بندگان است [۱۵۷] ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید. [ق ۲۴] [خداوند فرمان می‌دهد] هر کافر متکبّر و لجوج را در جهنم بیفکنید. -قرآن-۷-۴۰ [۸۹۵] محمّد بن طفیل از شریک بن عبد اللّه اینکه روایت را نقل کرده است که در حضور اعمش که مریض بود به رسم عیادت نشسته بودم که ابو حنیفه و إبن شبرمة و إبن ابی لیلی وارد مجلس شدند. و رو به اعمش کردند و گفتند: یا ابا محمّد تو در آخرین روزهای عمر و در آستانه آخرت هستی و درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام احادیث مبالغه‌آمیزی نقل کرده‌ای سزاوار است در پایان عمر از گفته‌های خویش توبه کنی اعمش گفت سند احادیثی را که در شأن و منزلت علی علیه السّلام گفتم بیان کنید تا بدانم کدام حدیث را می گویید. آنان بعضی از احادیث را اشاره کردند. اعمش گفت بلی ابو متوکل ناجی حدیثی را ابو سعید خدری برایم نقل کرد و گفت رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: چون قیامت کبری برپا شود، خدای سبحان به من و [صفحه ۲۶۹] علی علیه السّلام می‌فرماید: «ألقیا فی النّار من أبغضکما و أدخل الجنّة من أحبّکما». -روایت-۱-۶۴ هر کسی دشمن کینه‌توز تو و علی است در آتش جهنم اندازید و هر کسی محبّ و مطیع شماست در بهشت داخل کنید و اینکه به

جهت آیه شریفه ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید است -قرآن-۱۵۲-۱۸۵ ابو حنیفه با عصبانیت برخاست و به دوستانش گفت برخیزید از اینکه بدتر و شدیدتر کلامی گفته نمی‌شود. [۸۹۶] اعمش از ابو متوکّل ناجی و او از ابو سعید خدری حدیثی را روایت کرد که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، خدای قادر به من و علی علیه السّلام دستور می‌فرماید، برخیزید هر کسی که از دوستان و محبّان و پیروان شماست به بهشت داخل کنید و هر کسی دشمن و مخالف شماست به جهنم اندازید. علی علیه السّلام بر شفیر و لبه جهنّم می‌ایستد و می گوید، اینکه برای من و آن برای تو. معنای کلام سبحان در قرآن ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید هم همین است که اجازه اینکه کار به ما دو نفر داده می‌شود. -قرآن-۳۱-۶۴ [۸۹۷] محمّد بن حسین از پدرش و او از جدش از علی علیه السّلام در توضیح و تفسیر آیه کریمه ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید بیان کرد. -قرآن-۱۱۲-۱۴۵ علی علیه السّلام فرمود: رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله برایم بیان فرمود: آن هنگامی که مردم در روز قیامت اجتماع کنند، من و تو در سمت راست عرش ساکن می‌شویم آن گاه به من و تو گفته می‌شود: «قوما فالقیا من ابغضکما و خالفکما و کذّبکما فی النّار». -روایت-۱-۶۲ یا محمّد تو و علی برخیزید و دشمنان و مخالفان و تکذیب کنندگان خود را به جهنم اندازید.«۱۵۴ -پاورقی-۱۰۵-۱۰۷ [صفحه ۲۷۰] [۱۵۸] أنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقی السّمع و هو شهید. [ق ۳۷] قطعاً در اینکه [عقوبتها] برای هر صاحبدل و حق نیوشی که خود به گواهی ایستد، عبرتی است -قرآن-۷-۸۱ [۸۹۹] منذر ثوری از محمّد بن حنفیّه [فرزند علی علیه السّلام نقل کرد علی علیه السّلام در توضیح کلام خدا أنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقی السّمع و هو شهید فرمود: من آن صاحب قلب سلیمی هستم که ربّ جلیل در آیه فوق به آن اشاره فرمود. -قرآن-۱۲۹-۲۰۳ [۹۰۰] سفیان ثوری از سدیّ از عطاء نقل کرد إبن عباس مفسّر مشهور بیان کرد روزی دو شتر بزرگ به رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله هدیه شد، آن حضرت رو به اصحاب کرد و فرمود آیا در بین شما کسی هست که دو رکعت نماز را خالصانه برای خدای عزّ و جل به جای آورد و قلبش فقط متوجّه اللّه باشد و از کار دنیا چیزی در قلبش خطور نکند و در ذهنش راه نیابد، تا یکی از دو شتر را به او بدهم علی علیه السّلام برخاست و به نماز ایستاد. وقتی نماز را به پایان رسانید، جبرئیل به رسول اللّه گفت یکی از دو شتر را به او عنایت فرما. رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود، او در تشهّد درنگ و توقف کوتاهی نمود و تفکّری کرد تا کدام یک را انتخاب کند. جبرئیل گفت تفکرش برای اینکه بود که کدام یک را انتخاب کند که چاق‌تر باشد تا در راه خدا بکشد و صدقه بدهد و تفکّر او برای وجه اللّه بود نه برای خود و دنیای خود پس رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله هر دو شتر را به علی علیه السّلام داد. در آن هنگام خدای سبحان آیه شریفه أنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو -قرآن-۴۲-۹۲ [صفحه ۲۷۱] ألقی السّمع و هو شهید را بر محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله نازل فرمود. -قرآن-۱-۲۷ یعنی در نماز علی علیه السّلام پند و اندرزی نیکو برای کسانی است که قلبی سالم و عقلی کامل دارند یا آن کسانی که در نماز آنچه با زبان می گویند با گوش می‌شنوند. و اینکه چنین فردی شهید و حاضر القلب نامیده می‌شود. رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: هر کسی دو رکعت نماز با صفا بخواند که امور دنیا در آن نماز به قلب و ذهنش خطور نکند، خدای تعالی از او راضی می‌شود و همه گناهانش را عفو می کند. [۱۵۹] کانوا قلیلًا مّن اللیل ما یهجعون و بالاسحار هم یستغفرون و فی أمولهم حقّ للسّائل و المحروم [ذاریات ۱۹ ۱۷] و از شب اندکی را می‌غنودند، و در سحرگاهان از خدا طلب آمرزش می کردند و در اموالشان برای سائل و محروم حقّی [معین بود -قرآن-۷-۱۱۱ [۹۰۱] قتادة از سعید بن جبیر نقل کرد که إبن عباس در توضیح آیه کریمه کانوا قلیلًا مّن اللّیل ما یهجعون ... گفت اینکه آیه در حقّ علی حسن حسین و فاطمه علیهم السّلام نازل شد. -قرآن-۸۴-۱۲۵ علی إبن ابی طالب علیه السّلام چنان بود که دو ثلث آخر شب را به نماز و مناجات و تلاوت قرآن مشغول بود و ثلث اول شب را استراحت می کرد. چون سحرگاهان فرا می‌رسید آن

حضرت به دعا و استغفار مبادرت می‌کرد. در سیره علی علیه السّلام وارد شده است که در هر شب هفتاد رکعت نماز و یک ختم قرآن در پایان آن نماز انجام می‌داد. [صفحه ۲۷۲] [۱۶۰] أنّ المتّقین فی جنّات و نعیم [طور/ ۱۷] پرهیزگاران در باغهایی هستند و در ناز و نعمت‌اند. -قرآن-۷-۴۱ [۹۰۲] سفیان بن عیینهٔ از منصور و او از مجاهد نقل کرد ک إبن عباس در شأن نزول و تفسیر آیه کریمه فوق بیان کرد، أنّ المتّقین درباره علی علیه السّلام حمزه فاطمه علیها السّلام و جعفر طیّار نازل شد که مصداق بارز متقین در نزد خدا هستند و اینان در آخرت به بوستان‌هایی زیبا دست می‌یابند. -قرآن-۱۳۱-۱۴۵ إبن عباس در ادامه می‌گوید: در هر بوستان از بهشت علیا، در وسطش خیمه‌ای از لؤلؤ وجود دارد و در داخل هر خیمه‌ای تختی از طلا نصب است و در هر تختی هفتاد بستر و فرش مهیاست که از آن متقین هست [۱۶۱] و الّذین ءامنوا و اتّبعتهم ذرّیّتهم بأیمن ألحقنا بهم ذرّیّتهم و ما ألتناهم مّن عملهم مّن شیء. [طور/ ۲۱] و کسانی که گرویده و فرزندانشان آنان را در ایمان پیروی کرده‌اند، فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی از کار [ها] شان نمی‌کاهیم -قرآن-۷-۱۱۱ [۹۰۳] حکم بن ظهیر از سدیّ و او از ابی مالک و او از ابی مالک و او از إبن عباس نقل کرده است که آیه کریمه و الّذین ءامنوا و اتّبعتهم ذرّیّتهم ... در شأن نبی صلی اللّه علیه و آله علی فاطمه حسن و حسین علیهم السّلام نازل شد. -قرآن-۱۳۶-۱۷۸ [۹۰۴] عبد الرّحمان بن عمر حکایت کرد که هر گاه بزرگان را می‌شمردیم از ابو بکر و عمر و عثمان نام می‌بردیم مردی برخاست و گفت یا بن عمر؟ پس علی علیه السّلام را چرا نام نمی‌بری [صفحه ۲۷۳] در جواب گفتم وای بر تو؟ علی علیه السّلام از اهل بیت است و هیچ کسی را نمی‌توان با او مقایسه کرد، علی علیه السّلام با نبی صلی اللّه علیه و آله در یک درجه و رتبه هستند. خدای سبحان در قرآن فرموده است و الّذین ءامنوا و اتّبعتهم ذرّیّتهم -قرآن-۳۹-۷۷ و همچنین فاطمه علیها السّلام با رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در یک درجه است و علی علیه السّلام با آن دو بزرگوار نیز در یک درجه هستند. [۹۰۵] زراره و حمران از محمّد بن مسلم و او از ابو جعفر علیه السّلام و ابی عبد اللّه در توضیح آیه و اتّبعتهم ذرّیّتهم بأیمن نقل کرده‌اند: -قرآن-۱۲۰-۱۴۸ اطفال و فرزندان به واسطه اعمال صالح پدران محافظت می‌شوند و مورد لطف و عنایت پروردگار قرار می‌گیرند. کما اینکه که خدای تعالی مال و دفینه دو فرزند را به جهت ایمان و تقوا و صلاح پدر به دست خضر علیه السّلام محافظت کرد. [۹۰۷] سعید بن جبیر از إبن عباس نقل کرده است خدای سبحان ذریّه مسلمانان را به پدرانشان ملحق می‌کند، هر چند از نظر اعمال پایین‌تر از پدران خود باشند برای اینکه که موجب شادی و روشنی چشم پدران را فراهم فرماید. إبن عباس آن گاه برای تأیید گفتار خویش آیه ألحقنا بهم ذرّیّتهم ... را قرائت کرد.«۱۵۵ -قرآن-۵۱-۷۲-پاورقی-۹۴-۹۶ [صفحه ۲۷۴] [۱۶۲] و النّجم اذا هوی ما ضلّ صاحبکم و ما غوی و ما ینطق عن الهوی أن هو ألّا وحی یوحی [نجم ۳ ۱] سوگند به اختر [قرآن چون فرود می‌آید، که یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده است و از سر هوس سخن نمی‌گوید. اینکه سخن به جز وحیی که وحی می‌شود نیست -قرآن-۷-۱۰۶ [۹۱۰] مالک بن غسّان نهشلی از ثابت و او از انس بن مالک نقل کرد: در عهد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله ستاره‌ای از جای خود حرکت کرد، مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: اینکه ستاره را بنگرید، در خانه هر کسی فرود آید او خلیفه و جانشین من است همه حاضران به نظاره پرداختند و دیدند آن کوکب درخشان در منزل علی بن ابی طالب علیه السّلام فرود آمد. جماعتی از حضّار گفتند: محمّد صلی اللّه علیه و آله از شدّت علاقه و زیادی محبّت به علی علیه السّلام به گمراهی کشیده شد. جبرئیل آیه شریفه و النّجم إذا هوی ما ضلّ صاحبکم و ما غوی و ما ینطق عن الهوی أن هو إلّا وحی یوحی را بر مصطفی صلی اللّه علیه و آله نازل کرد و پاسخ محکمی به آن یاوه گویان داد.«۱۵۶ -قرآن-۲۰-۱۲۱-پاورقی-۲۱۹-۲۲۱ [۹۱۲] ابی بشر از سعید بن جبیر نقل کرد إبن عباس گفت در محفلی در حضور رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله با عدّه‌ای از جوانان بنی هاشم نشسته بودیم ستاره‌ای از جای خود حرکت کرد، مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: اینکه ستاره در منزل

هر کسی فرود آید او وصیّ و جانشین من است جوانی از بنی هاشم برخاست و به تماشای آن کوکب درخشان پرداخت تا اینکه که آن ستاره در خانه علی علیه السّلام فرود آمد. [صفحه ۲۷۵] عدّه‌ای از آن جماعت گفتند: یا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله حبّ وافر و علاقه فراوان تو نسبت به علی علیه السّلام تو را به غوایت و گمراهی کشانده و در شأن او مبالغه می کنی بلافاصله آیه شریفه و النّجم اذا هوی ... و هو بالافق الاعلی بر پیامبر نازل شد.«۱۵۷ -قرآن-۲۴۰-۲۵۸-قرآن-۲۵۹-۲۸۵-پاورقی-۳۰۸-۳۱۰ [۹۱۴] منصور بن ابی اسود از جعفر بن محمّد علیه السّلام و او از پدرش تا می‌رسد به علی علیه السّلام که آن حضرت حکایت کرد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: هر گاه ستاره‌ای از آسمان به منزل یکی از اصحابم فرود آید آن صحابی خلیفه وصیّ و جانشین من است فردای آن روز دیدند، ستاره‌ای نورانی و درخشان که نورش همه جا را فرا گرفته بود به حرکت درآمد، تا در بیت و حجره علی علیه السّلام فرود آمد. جماعتی از مخالفان و معاندین و منافقان به هیجان آمده گفتند: اینکه مرد، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله گمراه شده و در ضلالت افتاده است در آن هنگام خدای سبحان آیه و النّجم إذا هوی ما ضلّ صاحبکم و ما غوی ... را بر محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله نازل فرمود تا مشت محکمی بر دهان آن ژاژخواهان و بیهوده‌گویان کم خرد نواخته شود. -قرآن-۳۴-۸۳ [۹۱۶] سفیان ثوری از سدیّ و او از مجاهد نقل کرده است که از إبن عباس در تفسیر و توضیح آیه و النّجم إذا هوی گفت -قرآن-۱۱۴-۱۳۴ هنگامی که مردم مدینه از انصار رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله هفت صد دینار نقد جمع‌آوری کردند و به حضور نبی صلی اللّه علیه و آله رسیدند، گفتند: یا رسول اللّه اینکه دینارها را برای شما جمع‌آوری کردیم از ما بپذیرید. خدای سبحان آیه قل لّا أسئلکم علیه أجراً إلّا المودّة فی القربی را در جواب آنان فرستاد. -قرآن-۲۸۱-۳۳۵ [صفحه ۲۷۶] یعنی برای تبلیغ رسالت و تعلیم قرآن اجر و مزدی از شما نمی‌خواهم و اگر هم مزدی در کار باشد مودّت و محبّت اهل بیت را به عنوان پاداش آن قرار می‌دهم گروهی از منافقین مسلمان‌نما گفتند: چه تقاضای نابجایی از ما دارد، از ما می‌خواهد که اهل بیت او را دوست بداریم در آن هنگام آیات سوره نجم نازل شد و فرمود: و النّجم أذا هوی ... زمانی که قرآن را به صورت نجماً نجماً بر محمّد صلی اللّه علیه و آله فرستادیم ما ضلّ صاحبکم او و رسولی راستین و راست گفتار است و هرگز گمراه نشد و در ضلالت نیفتاد. -قرآن-۱۸۴-۲۰۲-قرآن-۳۰۴-۳۲۰ و ما غوی از اینکه که اهل بیتش را تفضیل و برتری داده است به فرمان ما بود -قرآن-۱-۱۰ ما ینطق عن الهوی در آنچه مصطفی صلی اللّه علیه و آله می گوید از سر هوی و هوس نیست -قرآن-۱-۲۱ أن هو ألّا وحی یوحی بلکه از منبع وحی و منشأ الهی سخن می گوید. -قرآن-۱-۲۵ [۱۶۳] و أنّه هو أضحک و أبکی [نجم ۴۳] و هم اوست که می‌خنداند و می گریاند. -قرآن-۷-۳۳ [۹۱۷] قتادة از عطاء نقل کرد که إبن عباس صحابی نوجوان رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در شرح آیه کریمه و أنّه هو أضحک و أبکی گفت -قرآن-۱۲۸-۱۵۴ خدای سبحان علی علیه السّلام و حمزه و جعفر طیّار را در جنگ بدر به واسطه کشتن بعضی از سران لجوج کفّار مثل عتبه و شیبه و ولید بن عتبه خندان و شاد و مسرور گردانید و در مقابل بعضی از کفّار مکّه را با سرنگون کردن در آتش جهنّم گریان و نالان کرد. [صفحه ۲۷۷] [۱۶۴] مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لّا یبغیان فبایّ الاء ربّکما تکذّبان یخرج منهما اللّؤلؤ و المرجان [رحمن ۲۱ ۱۹] دو دریا را به گونه‌ای روان کرد که با هم برخورد کنند. میان آن دو، حدّ فاصلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید! از هر دو [دریا] مروارید و مرجان برآید. -قرآن-۷-۱۱۵ [۹۱۸] زیاد بن منذر از جویبر و او از ضحّاک در توضیح اینکه آیه کریمه نقل کرد مرج البحرین یلتقیان دو بحر که به هم ملاقات کردند علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام هستند. -قرآن-۹۴-۱۱۶ یخرج منهما اللّؤلؤ و المرجان که از الحاق و ازدواج آن دو بزرگوار حسن و حسین علیهما السّلام به عنوان لؤلؤ و مرجان ایجاد شدند.«۱۵۸ -قرآن-۱-۳۰-پاورقی-۱۴۱-۱۴۳ [۹۲۰] سعید بن جبیر از إبن عباس در تفسیر قول خدای تعالی نقل کرد: مرج

البحرین یلتقیان دو بحر علی و فاطمه علیهما السّلام هستند که با هم ازدواج کردند. -قرآن-۱-۲۲ بینهما برزخ لّا یبغیان بین آن دو علاقه‌ای وافر و محبّتی دائم است که هرگز جدا نشود و فانی نگردد. -قرآن-۱-۲۴ یخرج منهما اللّؤلؤ و المرجان نتیجه اینکه پیوند و ارتباط دو گوهر ارجمند و درّ گرانبها به نامهای حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام است «۱۵۹ -قرآن-۱-۳۰-پاورقی-۱۵۵-۱۵۷ [۹۲۲] ابی عبد الرحمان سلمی از قول انس بن مالک نقل کرد: رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: اذا فقدتم الشّمس فاتوا القمر، و اذا فقدتم القمر فاتوا الزّهرهٔ فاذا فقدتم الزّهرهٔ فاتوا الفرقدین -روایت-۱-۱۰۳ اگر خورشید را از دست دادید به سوی ماه بشتابید و اگر ماه پنهان شد به جانب [صفحه ۲۷۸] زهره بروید. اگر به زهره نتوانستید دست پیدا کنید به جانب فرقدین روید. فردی سؤال کرد یا رسول اللّه شمس و قمر و زهره و فرقدان چیستند! بیان فرمایید. آن حضرت فرمود: شمس آسمان هدایت من هستم قمر عالم تاب آسمان ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام است ستاره زهره در شب تاریک و ظلمانی فاطمه علیها السّلام است و فرقدان دو فرزندم حسن و حسین علیهما السّلام هستند. [۱۶۵] و السّابقون السّابقون أولئک المقرّبون [واقعه ۱۰] و سبقت گیرندگان مقدّم‌اند. آنان‌اند همان مقرّبان خدا . -قرآن-۷-۴۹ [۹۲۴] ابی نجیح از مجاهد و او از إبن عباس نقل کرده است سابقون سه نفر بودند یوشع بن نون سابق به سوی موسی بن عمران علیه السّلام است صاحب یاسین به جانب عیسی علیه السّلام و سابق سوم علی بن ابی طالب علیه السّلام به سوی نبی صلی اللّه علیه و آله است «۱۶۰ -پاورقی-۱۴۶-۱۴۸ [۹۲۵] ابی نجیح از مجاهد و او از إبن عباس روایت کرد که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: سابقین جهان چهار نفر بودند، یوشع بن نون به موسی علیه السّلام سبقت صاحب یاسین به عیسی علیه السّلام سبقت علی علیه السّلام به محمّد صلی اللّه علیه و آله و سبقت ابراهیم «۱۶۱ -پاورقی-۲۰۷-۲۰۹ [۹۲۷] مقاتل بن سلیمان از ضحّاک نقل کرد إبن عباس گفت از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله درباره آیه شریفه و السّابقون السّابقون أولئک المقرّبون پرسیدم -قرآن-۶۷-۱۰۹ [صفحه ۲۷۹] آن حضرت فرمود: از جبرئیل تفسیر آیه را سؤال کردم بیان کرد سابقون در آیه شریفه علی علیه السّلام و شیعیانش هستند که از همه مردم در رفتن به بهشت سبقت می‌گیرند. [۹۲۸] حکم بن ظهیر از سدیّ نقل کرد آیه و السّابقون السّابقون در شأن علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد.«۱۶۲ -قرآن-۴۸-۷۱-پاورقی-۱۳۰-۱۳۲ [۹۲۹] سدیّ از ابی مالک غفاری و او از إبن عباس در شرح آیه و السّابقون السّابقون نقل کرد سابقون امّت محمّد صلی اللّه علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السّلام است -قرآن-۷۶-۹۹ [۹۳۱] عطاء بن ابی رباح از قول عبد اللّه بن عباس در تفسیر آیه شریفه و السّابقون السّابقون گفت سابقون سه تن بودند، یوشع بن نون به سوی موسی علیه السّلام شمعون بن یوحنّا به جانب عیسی علیه السّلام و علی علیه السّلام به نبی اللّه صلی اللّه علیه و آله «۱۶۳ -قرآن-۸۶-۱۰۹-پاورقی-۳۱۰-۳۱۲ [۱۶۶] و ثلّهٔ مّن الاوّلین و قلیل مّن الاخرین [واقعه ۱۳] گروهی از پیشینیان و اندکی از متأخّران -قرآن-۷-۵۱ [۹۳۲] حسین انصاری از قول محمّد بن فرات نقل کرد در حضور جعفر بن محمّد علیه السّلام مردی از تفسیر و معنای آیه شریفه ثلّهٔ مّن الاوّلین و قلیل مّن الاخرین سؤال کرد. -قرآن-۱۳۸-۱۷۹ آن جناب فرمود: ثلّهٔ مّن الاوّلین سه نفر بودند فرزند آدم علیه السّلام هابیل که به دست برادرش کشته شد و مؤمن آل فرعون و صاحب یاسین جانشین عیسی علیه السّلام -قرآن-۱۸-۳۷ [صفحه ۲۸۰] امّا قلیل مّن الاخرین فقط علی بن ابی طالب علیه السّلام است «۱۶۴ -قرآن-۵-۲۴-پاورقی-۷۴-۷۶ [۹۳۴] شعیب بن واقد از محمّد بن سهل و او از جعفر بن محمّد علیه السّلام نقل کرده است که آن بزرگوار فرمود: ثلّهٔ مّن الاوّلین فرزند آدم علیه السّلام به نام هابیل است که به دست برادرش کشته شد و لیکن قلیل مّن الاخرین علی بن ابی طالب علیه السّلام است -قرآن-۱۳۰-۱۴۹-قرآن-۲۴۰-۲۵۹ [۱۶۷] و اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین [واقعه ۲۷] و یاران راست یاران راست کدام‌اند! -قرآن-۷-۴۲ [۹۳۶] جابر جعفی از ابو جعفر محمّد بن علی علیه السّلام نقل کرد که علی علیه السّلام فرمود: نبوّت و رسالت محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله در روز

دوشنبه ابلاغ و اعلام گردید و من روز سه‌شنبه از رسالت نبوّی مطلع شدم و مسلمانی خود را اعلام کردم هرگاه نبی صلی اللّه علیه و آله نماز می‌گزارد، من در سمت راست آن حضرت نماز را به جماعت اقتدا می‌کردم و احدی از مردان با ما نبود، خدای سبحان هم آیه و اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین ... را برای من نازل فرمود. -قرآن-۱۸۰-۲۱۵ [۹۳۷] عثمان بن مغیره از زید بن وهب نقل کرد که عبد اللّه بن مسعود گفت نخستین حرکتی که بعد از مبعوث شدن رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله دیدم اینکه بود یک زمانی برای تجارت و خرید کالا به مکّه سفر کردم عباس بن عبد المطلب که با من دوست بود در کنار چاه زمزم نشسته بود به سوی او رفتم و در کنارش نشستم طولی نکشید، دیدم مردی خوش سیما با چهره‌ای نورانی در حالی که دو جامه سفید بر تن داشت و نوجوانی زیباروی در سمت راست و بانویی با وقار همراه او بود آنان از باب الصفا وارد مسجد الحرام شدند. [صفحه ۲۸۱] او ابتدا در مقابل رکن ایستاد، دست‌ها را بلند کرد و تکبیر گفت سپس آن نوجوان در سمت راست وی ایستاد و با بلند کردن دست‌ها تکبیر گفت بعد آن بانو که در پشت سر آن دو ایستاده بود تکبیر گفت و آنان سپس قنوت را طولانی کردند. از عباس بن عبد المطلب پرسیدم اینان کیستند! گفت آن نفر اول برادرزاده‌ام محمّد بن عبد اللّه است و آن نوجوان علی بن ابی طالب علیه السّلام و آن بانو خدیجه همسر محمّد صلی اللّه علیه و آله است دینی را که اینکه سه نفر برگزیدند و بر اساس آن عبادت می‌کنند در روی زمین احدی غیر از اینکه سه تن ندارد. [۱۶۸] و الّذین ءامنوا باللّه و رسله أولئک هم الصّدّیقون و الشّهداء عند ربّهم لهم أجرهم و نورهم [حدید/ ۱۹] و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده‌اند، آنان همان راستینان‌اند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود [و] ایشان راست اجر و نورشان -قرآن-۷-۱۰۷ [۹۳۸] إبن ابی لیلی از برادرش عیسی و او از عبد الرّحمان بن ابی لیلی و او از پدرش نقل کرد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: صدّیقین سه نفرند، حبیب بن نجّار که مؤمن ال یاسین است و حزقیل مؤمن آل فرعون و علی بن ابی طالب علیه السّلام سومین مؤمن که با فضیلت‌ترین و برترین همه آنان است [۹۳۹] محمّد بن ابی لیلی از عیسی بن عبد الرّحمان و او از پدرش و جدش به نام داود بن بلال بن أحیحهٔ از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نقل کرد مصطفی صلی اللّه علیه و آله فرمود: صدّیقین عالم سه نفرند حبیب بن نجّار، مؤمن آل یاسین که در قرآن از زبان او گفته شد: یا قوم اتّبعوا المرسلین و حزقیل مؤمن آل فرعون که گفت -قرآن-۱۰۲-۱۳۱ ا تقتلون رجلا -قرآن-۱-۱۶ [صفحه ۲۸۲] أن یقول ربّی اللّه و قد جاءکم بالبیّنات من ربّکم و علی بن ابی طالب علیه السّلام سومین مؤمن که بهترین و فاضل‌ترین آنان است ۱۶۵». -قرآن-۱-۶۲-پاورقی-۱۵۴-۱۵۶ [۱۶۹] یأیّها الّذین ءامنوا اتّقوا اللّه و ءامنوا برسوله یؤتکم کفلین من رّحمته و یجعل لّکم نوراً تمشون به و یغفر لکم و اللّه غفور رّحیم [حدید/ ۲۸] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت آن راه سپرید و بر شما ببخشاید، و خدا آمرزنده مهربان است -قرآن-۷-۱۵۱ [۹۴۳] محمّد بن مروان از کلبی و او از ابو صالح نقل کرد إبن عباس مفسّر قرآن در توضیح و تفسیر آیه کریمه گفت یؤتکم کفلین من رّحمته یعنی حسن و حسین علیهما السّلام را به شما عنایت کردم -قرآن-۱۲۹-۱۵۵ و یجعل لّکم نوراً تمشون به منظور از نور در اینکه آیه علی بن ابی طالب علیه السّلام است که در پناه علم او هدایت می‌شوید.«۱۶۶ -قرآن-۱-۳۱-پاورقی-۱۵۳-۱۵۵ [۹۴۵] محمّد بن ابی شعیب از جابر بن عبد اللّه انصاری و از ابو جعفر علیه السّلام روایت کرد که آن جناب در تفسیر آیه شریفه یؤتکم کفلین من رّحمته فرمود، کفلین یعنی حسن و حسین علیهما السّلام -قرآن-۱۴۶-۱۷۲-قرآن-۱۸۰-۱۸۶ و یجعل لّکم نوراً تمشون به یعنی برای شما امام عادل قرار دادم تا در سایه امامت او به راه حقّ و صراط مستقیم هدایت یابید و آن امام هادی علی بن ابی طالب علیه السّلام است -قرآن-۱-۳۱ [۹۴۶] عبد اللّه بن واصل از سعد بن طریف نقل کرد که ابو جعفر علیه السّلام در توضیح آیه [صفحه ۲۸۳] یأیّها الّذین ءامنوا اتّقوا اللّه و ءامنوا برسوله یؤتکم کفلین من رّحمته و

یجعل لّکم نوراً تمشون به فرمود: هر کسی به ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام تمسّک کند برایش نوری حاصل شود و قلبش نورانی گردد.«۱۶۷ -قرآن-۱-۱۱۱-پاورقی-۲۳۵-۲۳۷ [۹۴۸] مالک بن انس از زهری از سالم و او از پدرش نقل کرد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: «اکثرکم نوراً یوم القیامهٔ اکثرکم حبّا لآل محمّد صلی اللّه علیه و آله » -روایت-۱-۸۲ نورانی‌ترین شما در روز قیامت آن کسی است که عاشق‌ترین افراد به آل محمّد صلی اللّه علیه و آله باشد [۱۷۰] یأیّها الّذین ءامنوا أذا ناجیتم الرّسول فقدّموا بین یدی نجوکم صدقهً ذلک خیر لّکم و أطهر فأن لّم تجدوا فأنّ اللّه غفور رّحیم ء أشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صدقات فأذلم تفعلوا و تاب اللّه علیکم فأقیموا الصّلوهٔ و ءاتوا الزّکوهٔ و أطیعوا اللّه و رسوله و اللّه خبیر بما تعملون [مجادله ۱۴ ۱۲] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه با پیامبر خدا گفت و گوی محرمانه می‌کنید، پیش از گفت و گوی محرمانه خود صدقه‌ای تقدیم بدارید. اینکه [کار] برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر چیزی نیافتید بدانید که خدا آمرزنده مهربان است -قرآن-۷-۳۱۵ آیا ترسیدید که پیش از گفت و گوی محرمانه خود صدقه‌هایی تقدیم دارید! و چون نکردید و خدا هم بر شما بخشود، پس نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و از خدا و پیامبر او فرمان برید، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است -روایت-۱-۱۵۸ [صفحه ۲۸۴] [۹۴۹] إبن ابی نجیح از مجاهد نقل کرد، بر طبق آیات بالا مناجات رایگان با رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله ممنوع شد و سخن گفتن و نجوا کردن با مصطفی صلی اللّه علیه و آله منوط به صدقه دادن شد، جز علی علیه السّلام همه اصحاب خود را پنهان کردند و از سخن گفتن با رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله بازماندند امّا علی علیه السّلام دیناری نقد داشت آن را در راه خدا صدقه داد و به نجوای خود با نبی صلی اللّه علیه و آله ادامه داد. تا اینکه که آیات رخصت نازل شد و نجوای بدون صدقه را آزاد گذاشت [۹۵۰] سلیمان احول از مجاهد در شرح آیه یأیّها الّذین ءامنوا اذا نجیتم الرّسول فقدّموا بین یدی نجویکم صدقهً ... گفت -قرآن-۴۸-۱۲۶ به مسلمانان از مهاجر و انصار امر شد هر کسی قصد سخن گفتن و نجوا با رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله را داشته باشد ابتدا صدقه را به اهلش برساند، سپس با نبی صلی اللّه علیه و آله سخن بگوید. نخستین کسی که صدقه داد و با مصطفی صلی اللّه علیه و آله سخن گفت علی بن ابی طالب علیه السّلام بود احدی غیر او با صدقه دادن با آن حضرت سخن نگفت آن گاه آیه دیگری نازل شد و اینکه حکم را برداشت و اجازه نجوا با رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله را بدون صدقه صادر فرمود. [۹۵۱] لیث از مجاهد نقل کرد، علی علیه السّلام فرمود: در قرآن آیه‌ای وجود دارد که هیچ کسی قبل از من به آن عمل نکرد و بعد از من هم احدی به آن آیه عمل نخواهد کرد و آن آیه نجواست چون آن آیه نجوا با نبی صلی اللّه علیه و آله را بدون صدقه ممنوع کرد، من یک دینار داشتم آن را به ده درهم تبدیل کردم و هرگاه اراده سخن گفتن یا نجوا و پرسش با آن حضرت را می‌کردم درهمی صدقه می‌دادم تا اینکه که درهم‌ها تمام شد و آیه فأن لّم تجدوا فأنّ اللّه غفور رّحیم نازل شد و آن حکم را نسخ کرد. -قرآن-۴۵۰-۴۹۰ [۹۵۴] علیّ بن علقمه از علیّ بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرده است که چون آیه شریفه اذا -قرآن-۱۰۸-۱۱۳ [صفحه ۲۸۵] نجیتم الرّسول فقدّموا بین یدی نجویکم صدقهً نازل شد، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله مرا احضار کرد و فرمود: یا علی آیا یک دینار برای مکالمه و نجوا کافی است -قرآن-۱-۵۰ گفتم یا رسول اللّه یک دینار زیاد است و کسی را توانایی اینکه مقدار نیست فرمود: چه مقدار برای اینکه کار کافی است گفتم شعیرهٔ. آن حضرت فرمود: انّک لزهید -روایت-۱-۱۳ [تو خیلی زاهد هستی . بلافاصله آیه ء أشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صدقات نازل شد و حکم تکلّم با پرداخت صدقه را لغو کرد. -قرآن-۱۴-۶۲ سپس علی علیه السّلام فرمود: به سبب من به اینکه امت تخفیف داده شد. چنین آیه‌ای برای هیچ کسی قبل از من نازل نشد و برای هیچ کسی بعد از من هم نازل نخواهد شد.«۱۶۸ -پاورقی-۱۹۷-۱۹۹ [۹۵۸] لیث از مجاهد نقل کرد، علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: در کتاب خدا آیه‌ای است که احدی قبل از من به آن عمل نکرد و هیچ کسی بعد از من هم

نمی‌توانـد به آن عمل کنـد و آن آیه نجواست یا أیّها الّـذین ءامنوا أذا ناجیتم الرّسول فقـدّموا بین یـدی نجویکم صدقـةً در آن هنگـام از مـال دنیـا فقـط یـک دینار نقـد داشـتم آن را به ده درهم تبـدیل کردم هرگاه با رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله نجوا می‌کردم یا پرسشـی داشتم قبل از آن یک درهم در راه خدا صدقه می‌دادم -قرآن-۱-۸۱ تا اینکه که آیه کریمه نسخ شد، در حـالی که هیـچ کسـی قبل از من به آن آیه شـریفه عمل نکرد و نخواهـد کرد.«۱۶۹ -پاورقی-۱۲۸-۱۳۰ [صفحه ۲۸۶] [۹۶۲] عثمـان بن محمّـد از جریر و او از لیث و او از مجاهـد روایـتی را نقـل کرد که علی بن ابی طـالب علیه السّـلام فرمـود: در قرآن آیه‌ای است که احـدی غیر از من به آن آیه کریمه عمل نکرده و عمل نخواهد کرد و آن آیه نجوا یأیّها الّذین ءامنوا أذا ناجیتم الرّسول فقـدّموا بین یـدی نجویکم صدقـةً است -قرآن-۱۱۹-۱۹۴ چون اینکه فرمـان یزدان صـادر شـد، همگـان پیـامبر را تنها گذاشـته ترک کلاـم و سـخن با آن حضـرت کردنـد، امّا من دیناری نقـد همراهم بود آن را به ده درهم تبـدیل کردم و در هر نجوایی درهمی را انفاق کرده با رسول اللّه به نجوا و گفت و گو نشسـتم چون خدای سـبحان تنهایی محمّد مصـطفی صلی اللّه علیه و آله و عقب‌نشـینی مسـلمانان را مشاهـده کرد، فرمان خویش را نسخ فرمود و آیه ء أشـفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صـدقات ... را نـازل کرد واحـدی غیر از من به اینکه آیه عمل نکرد.« ۱۷۰ -قرآن-۱۴۴-۱۹۶-پاورقی-۲۶۵-۲۶۷ [۹۶۴] محمّد بن فضـیل از کلبی از ابی صالـح نقل کرد، إبن عباس در توضـیح و شـرح آیه نجوا بیان کرده است در بین مسـلمانان صدر اول مشـهور شد نخستین کسـی که بعد از آیه نجوا با رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله سخن گفت علی بن ابی طالب علیه السّلام بود او دیناری در اختیار داشت آن را در راه خـدا انفاق کرد، سپس با نبی صـلی اللّه علیه و آله به نجوا و سـخن گفتن پرداخت امّا سـایر مردم چنین کـاری نکردنـد در حالی که تنها گذاشـتن رسول اللّه برای آنان مشـقّت داشت و هم خرج کردن پول و انفاق کردن بر آنان سخت و ناگوار بود «۱۷۱ -پاورقی-۴۹۹-۵۰۱» [۹۶۶] ابو ایّوب انصاری نقل کرده است آیه یأیّها الّذین ءامنوا أذا نجیتم الرّسول -قرآن-۴۸-۸۹ [صفحه ۲۸۷] فقـدّموا بین یـدی نجویکم صدقةً درباره علی علیه السّـلام نازل شد. آن زمان که همه مسـلمانان از ترس انفاق به گوشه‌ای پنهان شدند، علی علیه السّـلام ده بار با رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نجوا کرد و در هر نجوایی یک دینار در راه خـدا انفاق کرد. [۹۶۷] ابو زبیر از جابر بن عبـد اللّه انصاری نقل کرد،«۱۷۲» -پاورقی-۶۲-۶۴ من بـا او نجوا نمی‌کردم بلکه خـدای سـبحان بـا او نجوا و گفت و گو می‌کرد«۱۷۳». -پاورقی-۸۴-۸۶ [۱۷۱] لّا تجـد قوماً یؤمنون بـاللّه و الیوم الاخر یوآدّون من حادّ اللّه و رسوله و لو کانوا ءابآءهم أو أبنآءهم أو أخونهم أو عشـیرتهم أولئک کتب فی قلوبهم الایمان و أیّـدهم بروح مّنه و یدخلهم جنّت تجری من تحتها الانهار خالدین فیها رضـی اللّه عنهم و رضوا عنه أولئک حزب اللّه ألا أنّ حزب اللّه هم المفلحون [مجادله ۲۲] قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسـین ایمان داشته باشد [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند هر چند پدرانشان یا پسـرانشان یا برادرانشان یا عشـیره آنان باشـند دوست بدارند. در دل اینهاست که خـدا ایمـان را نوشته و آنهـا را بـا روحی از جـانب خـود تأییـد کرده است و آنـان را به بهشـتهایی که از زیر [درختـان آن جویهایی -قرآن-۷-۳۴۶ -روایت-۱-۳۶ [صـفحه ۲۸۸] روان است در می‌آورد همیشـه در آنجـا ماندگارنـد خـدا از ایشـان خشـنود و آنها از او خشنودند اینان‌اند حزب خدا آری حزب خداست که رستگاران‌اند. [۹۷۰] حکم بن ظهیر از حسین بن زید از جعفر بن محمّـد علیه السّـلام و آن حضـرت از پـدرش نقـل کرده است آیه کریمه لاـ تجـد قوماً یؤمنون بـاللّه و الیوم الاـخر یوآدّون من حـادّ اللّه و رسوله و لو کـانوا ءاباءهم أو أبناءهم أو أخوانهم أو عشـیرتهم أولئک کتب فی قلوبهم الایمان و أیّـدهم بروح مّنه و یـدخلهم جنّت تجری من تحتها الانهار خالدین فیها رضـی اللّه عنهم و رضوا عنه أولئک حزب اللّه ألا أنّ حزب اللّه هم المفلحون -قرآن-۱۰-۳۵۱ در شأن علی بن ابی طالب علیه السّـلام نازل شـد. [۹۷۱] ابـان بن تغلب نقل کرده است علی بن محمّـد بن بشـر گفت روزی در حضور محمّد بن علی علیه السّـلام نشسـته بودم مردی سوار بر شتر وارد شد و نامه‌ای را تقدیم

کرد آن حضـرت چـون نـامه را خوانـد گفـت مهلّـب از مـا چـه چیزی می‌خواهـد! در جـواب گفـت دنیـا و آخرت را از شـما می‌خواهد، چون در نزد شـما اهل بیت هم دنیا و هم آخرت است آن جناب گفت ما شاء اللّه هر کسـی ما را برای خدا دوسـت بدارد نفع می‌برد و حبّ ما اهل بیت چیزی است که خدای سـبحان بر قلب‌های بندگان می‌نگارد و تثبیت می‌کند. هر کسی در قلبش مهر و محبّت ما نگاشته شود، احدی قادر به محو آن نیست آیا نشنیدی که خدای تعالی در قرآن فرمود: أولئک کتب فی قلوبهم الا-یمن و أیّدهم بروح مّنه و یـدخلهم جنّات تجری من تحتهـا الا-نهر خلـدین فیها رضـی اللّه عنهم و رضوا عنه أولئک حزب اللّه ألا- أنّ حزب اللّه هم المفلحون و حبّ و دوستی مـا اهـل بیت نه تنها از ایمان است بلکه از اصل ایمان است -قرآن-۱-۱۹۴ [صفحه ۲۸۹] [۱۷۲] و یؤثرون علی أنفسـهم و لو کان بهم خصاصهٔ. [حشـر/ ۹] و هر چنـد در خودشان احتیاجی [مبرم باشـد آنان را بر خودشان مقدّم می‌دارند. -قرآن-۷-۵۴ [۹۷۲] عـاصم بن کلیب از پـدرش و او از ابی هریرهٔ حکایت کرد: در اوایل شب مردی به حضور نبی صـلی اللّه علیه و آله رسـید و از گرسـنگی شکوه و ناله می‌کرد، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به خانه همسرانش پیغام فرسـتاد، گفتند: جز آب چیز دیگری در خانه نیست رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در تاریکی صدای پایی را شنید و پرسید، کیست علی علیه السّلام گفت من هستم یا رسول اللّه علی علیه السّلام چون از ماجرا خبردار شد به خانه رفت و از فاطمه علیها السّـلام پرسـید: آیا در خانه چیزی هست فاطمه علیها السّلام گفت فقط غذای کودکان موجود است ولی میهمـان گرسـنه را ترجیـح می‌دهم علی علیه السّـلام فرمود: پس کودکـان را بخوابـان تـا تقاضای غـذا نکننـد، من هم چراغ را خاموش می‌کنم تا میهمان خجالت نکشـد. و آنان از میهمان اینکه چنین پـذیرایی کردند چون صـبح فرا رسـید، خدای سـبحان آیه شـریفه و یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصهٔ. را برای آنان نازل کرد. -قرآن-۹۳-۱۴۰ [۹۷۳] مجاهد از إبن عباس نقل کرد آیه کریمه و یؤثرون علی أنفسـهم و لو کان بهم خصاصـهٔ. در تحسـین علی فاطمه حسن و حسـین علیهم السّـلام نازل شد. -قرآن-۵۱-۹۸ [صـفحه ۲۹۰] [۱۷۳] و الّذین جاءوا من بعـدهم یقولون ربّنا اغفرلنا و لأخوننا الّـذین سـبقونا بالایمان و لا تجعل فی قلوبنا غلّا لّلّذین ءامنوا ربّنا أنّک رءوف رّحیم [حشر/ ۱۰] و [نیز] کسانی که بعد از آنان مهاجران و انصار آمده‌اند [و] می‌گویند: پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای و در دلهایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌انـد [هیـچ گونه کینه‌ای مگـذار. پروردگارا، به راستی که تو رؤوف و مهربانی -قرآن-۷-۱۶۲ [۹۷۴] مکیّ بن ابراهیم گفت عثمـان شـحّام برایم نقـل کرد، سلمهٔ بن اکوع حکایت کرد نبی صـلی اللّه علیه و آله در کنار قبرسـتان بقیع برای نماز حاضـر شد و علی علیه السّـلام او را همراهی می‌کرد، جعفر بن ابی طالب هم به آن حضـرت پیوست رسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله فرمود: یا جعفر؟ در کنار برادرت علی علیه السّـلام بایست هر سه به نماز ایستادند، در پایان نماز، رسول اللّه به جعفر بن ابی طـالب فرمود: یـا جعفر؟ هم اکنون جبرئیـل از جـانب ربّ العالمین خبر آورد که برای تو در بهشت دو بال سبز رنگ از زبرجـد و یـاقوت قرار داده است که در صـبح و شب به هر مکـانی که بخـواهی می‌تـوانی پرواز کنی علی علیه السّـلام گفت یا رسـول اللّه اینکه کرامت برای برادرم جعفر است امّـا برای من چه چیزی است رسـول اللّه صـلی اللّه علیه و آله فرمـود: یـا علی خـدای عزّ و جـلّ طـایفه‌ای از امّتـم را خلـق کرده که تـا روز قیـامت برایت اسـتغفار و طلب رحمت می‌کننـد. علی علیه السّـلام پرسـید: آنان چه کسانی هسـتند! نبی صـلی اللّه علیه و آله فرمود: خـدای رحمان در کتاب منزل فرمود و الّذین جاؤا من بعدهم یقولون ربّنـا اغفر لنا و لاخوننا الّـذین سـبقونا بالایمان و لا تجعل فی قلوبنا غلّا -قرآن-۷۵-۱۹۱ [صفحه ۲۹۱] لّلّذین ءامنوا ربّنا أنّک رءوف رّحیم -قرآن-۱-۴۲ یا علی آیا احدی در ایمان از تو سـبقت گرفته است ؟ تنها تو سابق در ایمان و اسلام هستی و مؤمنان تا قیامت برای تو دعا و اسـتغفار می‌کننـد. [۹۷۵] ابی بصـیر از عکرمهٔ نقل کرد إبن عباس در شـرح و توضـیح اینکه آیه شریفه بیان کرد: خدای سـبحان در قرآن شـریف اسـتغفار برای علی علیه السّلام را بر هر مسلمانی فرض و واجب قرار داد و آن

آیه کریمه و الّذین جاؤا من بعدهم یقولون ربّنا اغفرلنا و لاخوننا الّذین سبقونا بالایمن است -قرآن-۲۳۱-۳۱۳ و علی علیه السّلام از اولین مؤمنان و با سابقه‌ترین فرد در ایمان و مسلمانی است [۹۷۶] عبد اللّه بن عباس داستانی را از علی علیه السّلام حکایت می‌کند و می‌گوید، همراه علی علیه السّلام از کوچه‌ای عبور می‌کردم گروهی مشغول دعا بودند، علی علیه السّلام فرمود: برای من دعا و استغفار کنید. چون مأمور به دعا در حقّ من هستید و خدای عزّ و جلّ فرمود: و الّذین جاؤا من بعدهم یقولون ربّنا اغفرلنا و لاخوننا الّذین سبقونا بالایمان -قرآن-۱-۸۳ و من نخستین ایمان آورنده به کتاب خدا و رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و از سابقه‌داران در ایمان هستم [۱۷۴] أنّ اللّه یحبّ الّذین یقاتلون فی سبیله صفّا کأنّهم بنیان مّرصوص [صف ۴] در حقیقت خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سرب‌اند، جهاد می‌کنند. -قرآن-۷-۸۱ [۹۷۷] زبیر بن عدیّ از ضحّاک نقل کرد، از إبن عباس درباره آیه کریمه أنّ اللّه یحبّ الّذین یقاتلون فی سبیله صفّا کأنّهم بنیان مّرصوص -قرآن-۸۳-۱۵۷ سؤال شد که آنان چه کسانی هستند! [صفحه ۲۹۲] إبن عباس گفت علی بن ابی طالب علیه السّلام حمزه اسد اللّه و اسد رسول صلی اللّه علیه و آله عبیدهٔ بن حارث و مقداد بن اسود، از اینکه قبیل مردان‌اند که خدای سبحان در آیه شریفه آنان را توصیف و مورد محبّت خویش قرار داده است «۱۷۴ -پاورقی-۲۷۴-۲۷۶ [۹۷۸] ضحّاک از إبن عباس روایت کرد علی علیه السّلام وقتی به قتال و نبرد می‌پرداخت چون بنیان مرصوص و سدّ آهنین بود و خدای سبحان آیه أنّ اللّه یحبّ الّذین یقاتلون فی سبیله صفّا کأنّهم بنیان مّرصوص را در تحسین و تمجید او نازل کرد. -قرآن-۱۵۸-۲۳۲ [۱۷۵] هو الّذی بعث فی الامّیّن رسولًا مّنهم یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمهٔ. [جمعه ۲] اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد. -قرآن-۷-۱۱۱ [۹۸۰] عبد الملک مروان از کلبی و او از ابی صالح نقل کرد، إبن عباس مفسّر مشهور در تفسیر و توضیح آیه هو الّذی بعث فی الامّیّن رسولًا مّنهم یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمهٔ. بیان کرد: -قرآن-۱۲۱-۲۲۵ الکتب یعنی قرآن منزل و الحکمهٔ یعنی ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام -قرآن-۱-۶-قرآن-۲۶-۳۴ معنای آیه چنین می‌شود: رسالت نبی صلی اللّه علیه و آله تعلیم کتاب خدا و تعلیم ولایت علی علیه السّلام به بندگان خداست [صفحه ۲۹۳] [۱۷۶] فأنّ اللّه هو مولیه و جبریل و صالح المؤمنین و الملئکهٔ بعد ذلک ظهیر. -قرآن-۷-۸۵ [تحریم ۴] در حقیقت خدا خود سرپرست اوست و جبرئیل و صالح مؤمنان [نیز یاور او هستند] و گذشته از اینکه فرشتگان هم پشتیبان او خواهند بود [۹۸۱] حدیث مرفوع از علی علیه السّلام روایت شد که آن حضرت فرمود: رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در توضیح آیه کریمه و بیان مصداق صالح المؤمنین فرمود: -قرآن-۸۱-۹۶ صالح المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام است [۹۸۲] ابو علی احمد بن محمّد بن علی قاشانی از عمری و او از علی بن موسی علیه السّلام و او از جدّش نقل کرد، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: منظور از صالح المؤمنین در آیه کریمه فأنّ اللّه هو مولیه و جبریل و صالح المؤمنین و الملئکهٔ ... -قرآن-۱۹۷-۲۱۲-قرآن-۲۳۱-۲۹۶ علی بن ابی طالب علیه السّلام است «۱۷۵ -پاورقی-۴۵-۴۷ -قرآن-۱۹۵-۲۱۰ [صفحه ۲۹۴] [۹۸۹] عمّار یاسر حکایت می‌کند که علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: روزی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله مرا فراخواند و فرمود: یا علی آیا دوست داری بشارتی به تو بدهم عرض کردم یا رسول اللّه تو پیوسته بشارت دهنده به خیر و خیرات بودی و هستی آن گاه پیامبر فرمود: یا علی در شأن تو آیه‌ای در قرآن نازل شد. عرض کردم کدام آیه است بفرمایید تا بشنوم فرمود: جبرئیل نزد من آمد و آیه و جبریل و صالح المؤمنین را قرائت کرد. -قرآن-۳۶-۶۲ شادباش که تو و فرزندان مؤمن پدرت از صالحین‌اند. [۹۹۲] حکم بن ظهیر از سدیّ و او از ابی مالک نقل کرد إبن عبّاس در شرح آیه فوق بیان کرده است که صالح المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام است و ملائکه الهی پشتیبان و یاور او هستند. -قرآن-۱۲۲-۱۳۷ [۹۹۵]

حبّان از کلبی و او از ابی صالح نقل کرد عبد اللّه بن عبّاس در تفسیر آیه بیان کرد: أن تظاهرا علیه درباره عایشه و حفصه نازل شد. -قرآن-۱-۱۸ فانّ اللّه هو مولاه و جبریل فقط برای رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل شد. -قرآن-۱-۳۳ و صالح المؤمنین درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام اختصاصاً نازل شد. -قرآن-۱-۱۷ [۹۹۶] حسین بن سلیمان از سدیر صیرفی و او از ابی جعفر علیه السّلام نقل کرد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله دوبار علی علیه السّلام را به یاران و اصحابش معرفی کرد، بار اوّل در غدیر خم که به حاضران فرمود: من کنت مولاه فعلیّ مولاه -روایت-۱-۳۲ امّا مرتبه دوم وقتی که آیه کریمه فأنّ اللّه هو مولیه و جبریل و صالح المؤمنین -قرآن-۴۲-۹۳ [صفحه ۲۹۵] و الملئکة ... نازل شد. -قرآن-۱-۱۴ آن حضرت دست علی علیه السّلام را گرفته به میان جمعیت حاضر در مسجد آورد و فرمود: ای مردم اینکه علی بن ابی طالب علیه السّلام و صالح المؤمنین است پس حق او را فراموش نکنید. [۱۷۷] فلمّا رأوه زلفةً سیئت وجوه الّذین کفروا. [ملک ۲۷] و آن گاه که آن [لحظه موعود] را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند درهم رود، و گفته شود: اینکه است همان چیزی که آن را فرا می‌خواندید؟. -قرآن-۷-۵۰ [۹۹۷] سهل بن عامر از شریک و هر دو از اعمش در توضیح آیه کریمه فلمّا رأوه زلفةً سیئت وجوه الّذین کفروا. گفتند: هنگامی که مقام و منزلت و جایگاه بلند علی علیه السّلام را در نزد خدای سبحان مشاهده کنند، چهره کافران تیره و تار می‌گردد و بر صورت آنان سیاهی غالب می‌شود.«۱۷۶ -قرآن-۷۹-۱۲۲-پاورقی-۳۱۱-۳۱۳ [۹۹۸] در تفسیر عتیق از عمرو بن ابی بکّار تمیمی از ابی جعفر محمّد بن علی علیهما السّلام در توضیح آیه کریمه فلمّا رأوه زلفةً نقل شد: -قرآن-۱۳۲-۱۴۹ کافر دلان وقتی جایگاه ارزشی و منزلت والای علی علیه السّلام را در نزد نبی صلی اللّه علیه و آله بنگرند به تکذیب فضایل او می‌پردازند و سعی در کتمان آن می‌کنند. [۹۹۹] حمّاد بن ابراهیم از مغیرة نقل کرد، که ابو جعفر علیه السّلام در تفسیر و شرح آیه کریمه فلمّا رأوه زلفةً ... وقتی علی علیه السّلام را در کنار حوض کوثر با نبی صلی اللّه علیه و آله ببینند آتش خشم و شرمندگی آنان افزون شده سیئت وجوه الّذین کفروا و چهره آنان تیره و تار می‌شود. -قرآن-۱۰۹-۱۳۰-قرآن-۲۶۸-۲۹۳ [صفحه ۲۹۶] [۱۷۸] فستبصر و یبصرون بأیّکم المفتون [قلم ۶ ۵] به زودی خواهی دید و خواهند دید که کدام یک از شما دستخوش جنونید. -قرآن-۷-۴۱ [۱۰۰۲] کعب بن عجرة از عبد اللّه بن مسعود نقل کرد عده‌ای از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام سؤال کردند که در نزد شما چگونه مردی است ؟ نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: علیّ اقدمکم اسلاماً و اوفرکم ایماناً و اکثرکم علماً و ارجحکم حلماً و اشدّکم فی اللّه غضباً، علّمته علمی و استودعته سرّی و وکّلته بشأنی فهو خلیفتی فی اهلی و امینی فی امّتی -روایت-۱-۱۹۶ علی سابقه‌دارترین و برترین مؤمن و عالم‌ترین انسان و حلیم‌ترین شماست در حقّ اللّه سخت‌گیر، وارث علم من و محرم اسرارم وکیل در کارم است خلیفه و جانشین در اهل و عیالم و در میان امّتم امین من است بعضی از افراد قریش گفتند: علی علیه السّلام نبی صلی اللّه علیه و آله را فریفته و مفتون خود کرده است که هیچ عیبی از او نمی‌گوید و فقط خوبی‌های او را ذکر می‌کند. خدای سبحان آیه فستبصر و یبصرون بأیّکم المفتون را نازل فرمود. -قرآن-۱۹-۵۳ یعنی قیامت نزدیک است و آن گاه مشخص می‌شود کدام یک مفتون و فتنه‌گرند. [۱۰۰۳] ابی عبد اللّه جدلی از عبد اللّه بن مسعود قاری مشهور قرآن نقل کرد که عبد اللّه مسعود می‌گوید: صبحگاهی با رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله وارد مسجد شدیم مردم مبهوت ماندند، تا اینکه که علی علیه السّلام وارد مسجد شد و بر نبی صلی اللّه علیه و آله سلام و ادب کرد. عده‌ای از افراد چون علی علیه السّلام را دیدند چهره درهم کشیدند. پیامبر صلی اللّه علیه و آله به آنان نگاه کرد و فرمود: آیا نمی‌پرسید بهترین و وارسته‌ترین میان شما چه کسی است گفتند: بلی یا رسول اللّه بفرمایید چه کسی است [صفحه ۲۹۷] نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: افضلکم علی بن ابی طالب علیه السّلام اقدمکم اسلاماً و اوفرکم ایماناً و اکثرکم علماً و ارجحکم حلماً و اشدّکم للّه غضباً، و اشدّکم نکایة فی العدوّ فهو عبد اللّه و

اخو رسوله فقد علّمته علمی و استودعته سرّی و هو امینی علی امّتی -روایت-۱-۲۵۹ علی بن ابی طالب علیه السّلام با فضیلت‌ترین فرد در میان شماست او از سابقه‌دارترین مسلمانان و برترین مسلمان و برترین مؤمن و عالم‌ترین انسان و حلیم‌ترین شماست در حقّ اللّه سخت‌گیر و در مقابل دشمن کوبنده است او عبد اللّه و برادر مصطفی صلی اللّه علیه و آله است من معلّم او و او صحابی وفادار پسر عمّ و امین بر امّتم است بعضی از حاضران در مسجد که از مقام والای علی علیه السّلام ناخرسند بودند، گفتند: علی بن ابی طالب علیه السّلام رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله را فریفته که هیچ عیبی از او نمی‌بیند و همیشه از خوبی‌های او سخن می گوید. در همان لحظه آیه شریفه فستبصر و یبصرون بأیّکم المفتون نازل شد. -قرآن-۳۰-۶۴ یعنی به زودی مفتون و فریب خورده مشخّص می‌شود که کدام یک از ما هستیم [۱۷۹] و هو أعلم بالمهتدین [قلم ۷] و او به راه یافتگان داناتر است -قرآن-۷-۳۰ [۱۰۰۶] عمرو بن شمر از دلهم بن صالح نقل کرد ضحّاک بن مزاحم حکایت کرد: وقتی قریش مقام و منزلت و جایگاه رفیع علی علیه السّلام را نزد نبی صلی اللّه علیه و آله می‌دیدند که پیوسته رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله او را اکرام و احترام خاصی روا می‌داشت و بی‌اندازه تجلیل و تعظیم و تکریم می‌نمود. بر آنان سخت و گران می‌آمد، لذا از علی علیه السّلام شکوه و رنجش داشتند و چون تحمّل آن همه محبّت و عظمت را نداشتند لب به اعتراض گشوده و [صفحه ۲۹۸] گفتند: نبی صلی اللّه علیه و آله به وسیله علی علیه السّلام مفتون و فریفته شد. در جواب آن جاهلان خدای ناظر و قادر آیات سوره قلم را بر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل فرمود: ن و القلم و ما یسطرون ما أنت بنعمهٔ ربّک بمجنون و أنّ لک لاجراً غیر ممنون و أنّک لعلی خلق عظیم فستبصر و یبصرون بأیّکم المفتون أنّ ربّک هو أعلم بمن ضلّ عن سبیله و هو أعلم بالمهتدین -قرآن-۱-۲۱۸ یعنی خدای سبحان آگاه به آن گمراهان بی‌منطق است که سخن ناروا و اعتراض‌آمیز در حق علی علیه السّلام و نبی صلی اللّه علیه و آله می گویند. و هو أعلم بالمهتدین و همچنین خدای دانا، عالم به مهتدین که علی بن ابی طالب علیه السّلام باشد هست «۱۷۷ -قرآن-۱-۲۳-پاورقی-۱۲۲-۱۲۴ [۱۸۰] لنجعلها لکم تذکرهً و تعیها أذن واعیهٔ«۱۷۸». -قرآن-۷-۴۵-پاورقی-۴۶-۴۸ [۱۰۰۷] ابو عمرو بن ابی زکریا شعرانی و دیگران گفتند ابو بکر مفید از ابو الدّنیا اشجّ برای ما نقل کرد که از علی بن ابی طالب علیه السّلام شنیدیم فرمود: هنگامی که آیه شریفه و تعیها أذن وعیهٔ نازل شد. -قرآن-۲۶-۴۳ مصطفی صلی اللّه علیه و آله مرا به حضور طلبید و فرمود: یا علی از خدای حکیم مسئلت کردم گوشهای تو را اذن واعیهٔ قرار دهد. -قرآن-۱۲۳-۱۳۳ [۱۰۰۸] اعمش از عدیّ بن ثابت و او از زرّ بن حبیش نقل کرده است که علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: [صفحه ۲۹۹] روزی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله مرا به سینه‌اش چسبانید و فرمود: امرنی ربّی ان ادنیک و لا أقصیک و ان تسمع و تعی و حقّ علی اللّه ان تعی -روایت-۱-۹۱ خدای بزرگ مرا فرمان داد تو را به خویشتن نزدیک سازم و از خود دور نسازم تا سخنان مرا بشنوی و شنوا گردی و بر خداوند مقرر گردید که گوش تو را شنوا گرداند. آن گاه آیه شریفه و تعیها أذن وعیهٔ نازل شد. -قرآن-۲۳-۴۰ [۱۰۰۹] محمّد بن عمرو بن علی بن ابی طالب علیه السّلام از پدرش و پدر او از علی بن ابی طالب علیه السّلام حکایت کرد روزی مصطفی صلی اللّه علیه و آله به من فرمود: ۱۷۹» -روایت-۳-۸۱ و اینکه آیه شریفه و تعیها أذن وعیهٔ نازل شد. -قرآن-۲۳-۴۰ یا علی تو اذن واعیهٔ و گوش شنوا برای دریای بیکران علم من هستی یا علیّ؟ انا المدینهٔ و انت الباب و لا یوتی المدینهٔ الّا من بابها. -روایت-۱-۷۹ من شهر علم و تو باب او هستی همیشه شهر از در آن گشوده می گردد. و ورود به شهر از در آن آغاز می‌شود«۱۸۰». -پاورقی-۱۲۱-۱۲۳ [۱۰۱۱] علیّ بن حوشب از مکحول نقل کرد که علی علیه السّلام فرمود وقتی آیه و تعیها أذن وعیهٔ نازل شد مصطفی صلی اللّه علیه و آله به من فرمود: یا علی از خدای علیم و حکیم خواستم گوش تو را أذن وعیهٔ و شنوا قرار دهد«۱۸۱». -قرآن-۹۱-۱۰۸-قرآن-۲۲۹-۲۳۸-پاورقی-۲۵۵-۲۵۷ [۱۰۱۴] ولید بن مسلم از مکحول و او از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرده

است آن هنگام که آیه شریفه و تعیها أذن وعیهٔ نازل شد. -قرآن-۱۳۳-۱۵۰ رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به من فرمود: یا علی از خدای منّان خواستم گوش تو را اذن واعیه [گوش شنوا] قرار دهد. [صفحه ۳۰۰] و ربّ جلیل نیز درخواست مرا پذیرفت و چنان که خواسته بودم اجابت کرد«۱۸۲». -پاورقی-۷۶-۷۸ [۱۰۱۵] ولید بن مسلم از علیّ بن حوشب فزاری نقل کرد که مکحول گفته است از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله شنیدم آیه شریفه و تعیها أذن وعیهٔ را قرائت کرد، سپس توجّه و التفاتی به علی بن ابی طالب علیه السّلام نمود و گفت -قرآن-۱۵۱-۱۶۸ یا علی سألت اللّه ان یجعلها اذنک -روایت-۱-۴۶ از خدای کریم خواستم گوشهای تو را اذن واعیه و شنوا قرار دهد. و علی علیه السّلام همیشه می‌فرمود: بعد از دعای رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله هرگز کلامی را که از آن حضرت می‌شنیدم فراموش نکردم ۱۸۳». -پاورقی-۱۶۳-۱۶۵ [۱۰۱۶] یحیی بن صالح از علیّ بن حوشب و او از مکحول درباره آیه و تعیها أذن وعیهٔ نقل کرد مصطفی صلی اللّه علیه و آله آیه شریفه فوق را قرائت کرد و آن گاه فرمود: از خدای خویش خواستم گوش‌های علی بن ابی طالب علیه السّلام را أذن وعیهٔ و شنوا قرار دهد. -قرآن-۸۰-۹۷-قرآن-۲۷۱-۲۸۰ علی علیه السّلام بعد از آن پیوسته می گفت ما سمعت من رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله کلاماً الّا وعیته و حفظته فلم انسه -روایت-۱-۹۶ هر سخن و گفتاری از مصطفی صلی اللّه علیه و آله شنیدم آن را ضبط و ثبت کردم و هرگز مبتلی به نسیان نشدم و حدیثی را فراموش نکردم ۱۸۴». -پاورقی-۱۵۵-۱۵۷ [۱۰۲۰] عبد اللّه بن زبیر اسدیّ از صالح بن میثم و او از بریدهٔ اسلمی شنید که گفت مصطفی صلی اللّه علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود«۱۸۵»: -پاورقی-۱۸۴-۱۸۶ انّ اللّه امرنی ان ادنیک و لا اقصیک و ان اعلّمک و ان تعی و حقّ علی اللّه ان تعی -روایت-۱-۱۰۴ خدای سبحان مرا فرمان داد، تو را به خویشتن نزدیک سازم و به تو علم و دانش بیاموزم تا شنوا گردی و خداوند بر خود مقرر فرمود که گوش تو را شنوا قرار دهد. [صفحه ۳۰۱] [۱۰۲۷] اعمش از مسلم بطین از سعید بن جبیر و او از إبن عبّاس نقل کرده است روزی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: یا علیّ؟ انّ اللّه امرنی ان ادنیک و لا اقصیک و ان احبّ من یحبّک و ان اعلّمک و تعی و حقّ علی اللّه ان تعی -روایت-۱-۱۳۹ یا علی خدای بزرگ به من فرمان داد، تو را به خویشتن نزدیک سازم و لحظه‌ای از خود دور نکنم دوستدار تو را دوست بدارم تو را علم و حکمت بیاموزم تا گوش تو شنوا گردد، و خدای توانا نیز چنین کرد و گوش تو را شنوا گردانید. پس خدای سبحان آیه شریفه و تعیها أذن وعیهٔ را نازل کرد. -قرآن-۳۱-۴۸ آن گاه مصطفی صلی اللّه علیه و آله خطاب به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: یا علی از پروردگارم خواستم گوش تو را از گوشهای شنوا و أذن وعیهٔ قرار دهد. -قرآن-۱۷۲-۱۸۱ از آن پس علی علیه السّلام پیوسته می گفت ما سمعت اذنای شیئاً من الخیر و العلم و القرآن الّا وعیته و حفظته -روایت-۱-۷۶ یعنی پس از نزول آیه شریفه و دعای خیر مصطفی صلی اللّه علیه و آله در حقّ من هر چیزی از خیر و علم و قرآن به سمع و اذن من اصابت کرد همه را ضبط و ثبت کردم و هرگز فراموش نکردم [۱۸۱] سأل سائل بعذاب واقع لّلکفرین لیس له دافع [معارج ۲ ۱] پرسنده‌ای از عذاب واقع شونده‌ای پرسید که اختصاص به کافران دارد [و] آن را بازدارنده‌ای نیست -قرآن-۷-۵۷ [۱۸۶۰۳۰] سفیان بن عیینه از جعفر بن محمّد علیهما السّلام و او از پدرش روایت کرد علی علیه السّلام ۱۸۶» -پاورقی-۱۱۷-۱۱۹ [صفحه ۳۰۲] نصب کرد و فرمود: ایّها النّاس من کنت مولاه فعلیّ مولاه -روایت-۱-۴۷ و اینکه خبر در اطراف و اکناف منتشر شد. نعمان بن حرث فهری وقتی خبر غدیر را شنید به نزد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله آمد و گفت یا محمّد ما را امر کردی بگوییم لا اله الّا اللّه و انّ محمّداً رسول اللّه تو را اطاعت کردیم آن گاه دستور دادی جهاد و حج و نماز و زکات و روزه به جای آوریم همه اینها را قبول کردیم ولی تو به اینکه همه راضی نشدی سپس اینکه غلام علی بن ابی طالب علیه السّلام را به عنوان جانشین خود نصب کردی و گفتی من کنت مولاه فهذا مولاه -روایت-۱-۳۱ امّا از تو سؤالی می کنم آیا اینکه کار از طرف توست یا از جانب

خدای تو! مصطفی صلی اللّه علیه و آله دوباره تکرار فرمود: به آن خدایی که غیر او معبودی نیست انتخاب علی علیه السّلام از جانب خدای بی‌همتا بود نعمان از نزد رسول اللّه بازگشت در حالی که عصبانی و ناراضی بود و با خود می گفت خدایا اگر اینکه کار و نصب علی علیه السّلام بر حق است مرا طاقت پذیرش آن نیست از آسمان سنگی یا عذابی دردناک بر من بفرست بیدرنگ خدای جبّار سنگی آتشین بر سرش کوبید و هلاکش کرد. آن گاه آیه سأل سائل بعذاب واقع لّلکفرین لیس له دافع بر نبی صلی اللّه علیه و آله نازل شد.«۱۸۷ -قرآن-۷۹-۱۲۹-پاورقی-۱۷۸-۱۸۰ [۱۰۳۳] سفیان بن سعید از منصور از ربعی و او از حذیفهٔ بن یمان روایت کرده است وقتی نبی صلی اللّه علیه و آله برای جانشینی علی علیه السّلام در غدیر خم فرمود: من کنت مولاه فهذا مولاه نعمان بن منذر فهری از جای برخاست و گفت یا محمّد آیا اینکه انتصاب به دستور پروردگار است یا از جانب توست [صفحه ۳۰۳] رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: البته خدای قادر و علیم مرا دستور فرمود تا علی علیه السّلام را در میان شما نصب کنم نعمان بن منذر که از اینکه انتصاب ناراضی و ناراحت بود با عصبانیت به طرف شتر خود رفت و گفت اللّهمّ أنزل علینا حجارهً من السّماء. خدایا؟ مرا تاب و تحّمل ولایت علی علیه السّلام نیست پس سنگی از آسمان بر من فرودآر. هنوز به نزدیک شتر خود نرسیده بود که سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و در دم هلاک شد. آن گاه آیه کریمه سأل سائل بعذاب واقع لّلکفرین لیس له دافع -قرآن-۲۳-۷۳ برای پیامبر صلی اللّه علیه و آله نازل شد و اینکه حادثه را اینکه گونه بیان کرد. [۱۰۳۴] سعید بن ابی سعید مقبری از ابی هریرهٔ نقل کرد برد و چون مصطفی صلی اللّه علیه و آله در غدیر خم بازوی مرتضی علیه السّلام را گرفته در میان جمعیت حاضر فرمود: من کنت مولاه فهذا مولاه -روایت-۱-۳۱ در آن هنگام مردی اعرابی برخاست و گفت یا محمّد صلی اللّه علیه و آله ما را دعوت کردی بگوییم اشهد ان لا اله الّا اللّه و محمّداً رسول اللّه تو را تصدیق کردیم دوباره امر به نماز و روزه کردی اجابت کردیم سپس به زکات فرمان دادی آن را هم پذیرفتیم و تسلیم شدیم امّا تو به اینها قانع نشدی و اکنون پسر عمّ خود را بر ما ولیّ گردانیدی سؤالی دارم آیا اینکه کار به فرمان یزدان و خدای سبحان است یا از پیش خود او را بر ما ولایت دادی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: اینکه کار از جانب خداست نه از طرف من به آن خدایی که شریک و همتا ندارد اینکه امر مهم به دستور خداوند سبحان است نه از جانب من و سه بار اینکه جمله را تکرار کرد. [صفحه ۳۰۴] اعرابی که از اینکه گفتار سخت عصبانی شده بود به سرعت به سوی شتر خود رفت و گفت اللّهمّ ان کان هذا هو الحقّ من عندک .... -روایت-۱-۵۸ خدایا؟ اگر انتصاب ولایت علی علیه السّلام حقّ است از آسمان عذابی دردناک یا سنگی آتشین بر من فرودآور. هنوز اینکه کلمات تمام نشده بود که آتشی سوزنده از آسمان فرو ریخت و او را هلاک کرد. و به دنبال آن آیه کریمه سأل سائل بعذاب واقع لّلکفرین لیس له دافع نازل شد. -قرآن-۲۶۰-۳۱۰ [۱۸۲] و من یعرض عن ذکر ربّه یسلکه عذاباً صعداً. [جن ۱۷] و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، وی را در قید عذابی [روز] افزون درآورد. -قرآن-۷-۵۴ [۱۰۳۵] حسین بن علوان از علی بن غراب و او از کلبی و او از ابی صالح نقل کرد، إبن عبّاس مفسّر مشهور در تفسیر آیه کریمه و من یعرض عن ذکر ربّه ... -قرآن-۱۴۸-۱۷۵ گفت ذکر ربّ یعنی ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام و ولایت اولاد گرامی‌اش و هر کسی از ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام روی بگرداند او را عذابی شدید فرا خواهد رسید. [۱۸۳] أنّ ربّک یعلم أنّک تقوم أدنی من ثلثی اللیل و نصفه و ثلثه و طائفهٔ مّن الّذین معک [مزمل ۲۰] در حقیقت پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با توانند، نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را به نماز] برمی‌خیزید. -قرآن-۷-۱۰۱ [۱۰۳۶] عبیدهٔ بن حمید از کلبی و او از ابی صالح نقل کرد، که إبن عباس در تفسیر و [صفحه ۳۰۵] توضیح آیه کریمه أنّ ربّک یعلم أنّک تقوم أدنی من ثلثی الّلیل و نصفه و ثلثه و طائفهٔ مّن الّذین معک گفت -قرآن-۲۱-۱۱۶ طائفهٔ مّن الّذین معک یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام و ابوذر که مثل رسول اللّه

نیمی از شب یا یک سوم شب را به نماز و مناجات و قرائت قرآن بیدار بودند. -قرآن-۱-۲۳ [۱۰۳۷] محمّد بن مروان سدیّ از قتادهٔ و او از عطاء نقل کرد إبن عبّاس در تفسیر و توضیح اینکه آیه شریفه گفت أنّ ربّک یعلم أنّک یعنی یا محمّد؟ خدای تو می‌داند که برای اقامه نماز و تلاوت قرآن کمتر از نصف یا یک سوم یا دو سوم شب را بیدار می‌مانی و همچنین خدا می‌داند طائفهٔ مّن الّذین معک یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام که همیشه و پیوسته همراه توست مثل تو شب زنده‌داری می‌کند. -قرآن-۱-۲۲-قرآن-۱۹۴-۲۱۷ سپس إبن عباس ادامه داد و گفت نخستین کسی که با رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به نماز ایستاد علی علیه السّلام بود نخستین کسی که اسلام آورد علی علیه السّلام بود نخستین کسی که با رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله بیعت کرد علی بود نخستین مهاجر فی سبیل اللّه همراه مصطفی صلی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام بود نخستین کسی که همراه رسول اللّه شب‌ها بیدار بود و به نماز و تلاوت قرآن می‌پرداخت علی علیه السّلام بود و اینکه آیه شریفه برای او نازل شد. [۱۸۴] کلّ نفس بما کسبت رهینهٔ. ألّا أصحاب الیمین فی جنّات یّتساءلون [مدثر/ ۴۰ ۳۸] هر کسی در گرو دستاورد خویش است به جز یاران دست راست که در میان باغها از یکدیگر می‌پرسند. -قرآن-۷-۷۹ [۱۰۳۸] جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرد ابو جعفر علیه السّلام در شرح آیه کریمه ألّا أصحب الیمین ... بیان فرمود: -قرآن-۹۶-۱۱۸ [صفحه ۳۰۶] ما و شیعیانمان اصحاب یمین هستیم که در جنّات منزل و مأوی داریم «۱۸۸ -پاورقی-۷۷-۷۹ [۱۸۵] فلا صدّق و لا صلّی و لکن کذّب و تولّی [قیامت ۳۲ ۳۱] پس [گوینده] تصدیق نکرد و نماز برپا نداشت بلکه تکذیب کرد و روی گردانید. -قرآن-۷-۵۴ [۱۰۴۰] در شأن نزول آیه شریفه فوق عمّار یاسر حکایت کرد: من و ابوذر غفاری در زیر خیمه‌ای که إبن عبّاس با مردم سخن می‌گفت حضور داشتیم ابوذر برخاست و گفت ای مردم مرا جندب بن جنادهٔ [ابوذر غفاری می‌گویند، هرگز دروغ نگفتم آیا صدق و صداقت مرا قبول دارید! حاضران در مجلس گفتند: بلی یا ابوذر؟ گفت ای مردم آیا می‌دانید، در روز غدیر خم رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله هزار و سیصد نفر را و در روز سمرات پانصد نفر از خواص را جمع‌آوری کرد و فرمود: اللّهمّ من کنت مولاه فأنّ علیّا مولاه أللّهمّ وال من والاه و عاد من عاداه -روایت-۱-۹۱ و در آن هنگام عمر بن خطّاب نخستین کسی بود که برخاست و گفت بخ بخ ای فرزند ابو طالب بر تو مبارک باد که مولای من و مولای هر مؤمن و مؤمنه‌ای شدی در همان وقت هنگامی که معاویهٔ بن ابی سفیان اعلام ولایت علی علیه السّلام را شنید به مغیرهٔ بن شعبه رو آورد و گفت هرگز به ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام اعتراف نمی‌کنم و محمّد صلی اللّه علیه و آله را در اینکه گفتارش تصدیق و تأیید نمی‌کنم چون اینکه سخنان بیهوده از معاویه شنیده شد، خدای سبحان آیات زیر را بر نبی صلی اللّه علیه و آله نازل فرمود: فلا صدّق و لا صلّی و لکن کذّب و تولّی ثمّ ذهب ألی أهله یتمطّی أولی لک فأولی -قرآن-۱۳۰-۲۲۴ [صفحه ۳۰۷] و آنان را تهدید کرد. ای دوستان و یاران آیا اینکه چنین نبود! همگی گفتند: بلی یا ابوذر؟ راست می‌گویی چنین بود [۱۰۴۱] ابی مریم از یونس بن حسّان و او از عطیّه نقل کرد، که حذیفهٔ بن یمان حکایت کرد در غدیر خم در کنار مصطفی صلی اللّه علیه و آله نشسته بودم و اکثر مهاجر و انصار در مجلس حضور داشتند، رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رو به روی همه ایستاد و فرمود: ای مردم خدای سبحان به من فرمانی جدید صادر کرد و فرمود: یا ایّها الرّسول بلّغ ما أنزل الیک من ربّک سپس علی علیه السّلام را صدا زد و در سمت راست خود قرار داد و گفت ای مردم آیا می‌دانید من به شما از شما اولی‌ترم -قرآن-۶۵-۱۱۹ گفتند: بلی یا رسول اللّه فرمود: پس بدانید، من کنت مولاه فعلیّ مولاه أللّهمّ وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله -روایت-۱-۱۱۳ . حذیفه در ادامه سخن گفت به خدا سوگند در آن روز معاویه را دیدم با حالت غضبناکی از جایش برخاسته و از مجلس خارج شد، در حالی که در سمت راستش عبد اللّه بن قیس اشعری و در سمت چپش مغیرهٔ بن شعبه بودند با تکبر و غرور خاصی به جایگاه خود می‌رفت و با خود زمزمه می‌کرد و می‌گفت هرگز محمّد صلی اللّه علیه و

آله را در آنچه گفته تصدیق نمی‌کنم و ولایت علی علیه السّلام را هیچ وقت نمی‌پذیرم خدای تعالی آیات فلا صدّق و لا صلّی و لکن کذّب و تولّی ثمّ ذهب ألی أهله یتمطّی را بر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل فرمود. -قرآن-۲۰-۹۶ چون مصطفی صلی اللّه علیه و آله تصمیم گرفت او را برگرداند و تنبیه و مجازات کند، بار [صفحه ۳۰۸] دیگر جبرئیل فرود آمد و گفت یا محمّد؟ در اینکه کار تعجیل نکن او دشمن سرسخت اهل بیت توست و آن حضرت ساکت و آرام شد. [۱۸۶] أنّ الابرار یشربون من کأس کان مزاجها کافوراً. عیناً یشرب بها عباد اللّه یفجّرونها تفجیراً. یوفون بالنّذر و یخافون یوماً کان شرّه مستطیراً. و یطعمون الطّعام علی حبّه مسکیناً و یتیماً و أسیراً. -قرآن-۷-۲۱۶ [انسان ۸ ۵] همانا نیکان از جامی نوشند که آمیزه‌ای از کافور دارد. چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و به دلخواه خویش جاریش می‌کنند. [همان بندگانی که به نذر خود وفا می‌کردند، و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسیدند. و به [پاس دوستی خدا ، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند. [۱۰۴۲] هیثم بن عبد اللّه رمّانی نقل کرد، علی بن موسی الرضا علیه السّلام فرمود: پدرم از پدرش جعفر بن محمّد علیه السّلام و او از پدرش محمّد باقر علیه السّلام و او از پدرش علی بن حسین علیه السّلام و او از حسین بن علی علیه السّلام و او از علی بن ابی طالب علیه السّلام روایتی را چنین حکایت کرد: روزی حسن و حسین علیهما السّلام را بیماری عارض شد، آن دو را به حضور رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله بردم آن جناب فرمود: یا ابا الحسن اگر نذری به پیشگاه خداوند انجام دهی امید است خدایم زودتر شفا عنایت فرماید. علی علیه السّلام نذر کرد برای بهبودی دو فرزند، سه روز پشت سر هم روزه بگیرد. به دنبال او فاطمه علیها السّلام هم سه روز نذر را بر خود تکلیف کرد. فضّه خدمتکار فاطمه علیها السّلام هم به پیروی از آن حضرت سه روز نذر را بر خود واجب کرد. [صفحه ۳۰۹] همان روز خدای تعالی آن دو را لباس عافیت پوشانید. چون فردای آن روز شد، همه اهل بیت محمّد صلی اللّه علیه و آله به روزه‌داری پرداختند. و علی علیه السّلام در بازار به نزد شمعون یهودی که از قبل با وی سابقه آشنایی داشت رفت و گفت مقداری جو و اندکی پشم مورد نیاز است شمعون آنچه علی علیه السّلام می‌خواست به او داد و حضرت آنها را در زیر ردا قرار داد و به منزل آورد. فاطمه علیها السّلام جو را آسیاب کرده خمیر کرد و پنج قرص نان پخت علی علیه السّلام بعد از مغرب برای افطار به منزل آمد. فاطمه علیها السّلام افطاری را که شامل چند قرص نان جو و یک ظرف جریش [بلغور] و مقداری آب بود بر سر سفره نهاد. چون می‌خواستند افطار کنند ناگاه مسکینی در منزل را به صدا درآورد و گفت سلام علیکم یا اهل بیت مصطفی من مسکین فرزند مسکینم از گرسنگی بی‌تابم مرا اطعام کنید تا خدای رحمان شما را در بهشت میهمان کند. وقتی اهل منزل صدای حزین و ناله عاجزانه آن مسکین را شنیدند، همگی افطاری را که همان چند قرص نان و مقداری جریش بود به او دادند و خود فقط با آب افطار کردند. روز بعد هم فاطمه علیها السّلام مجدداً پنج قرص نان جو طبخ کرد. علی علیه السّلام بعد از نماز از مسجد به منزل آمد. سفره افطاری آماده شده و پنج قرص نان و مقداری جریش روی سفره حاضر بود امّا تا خواستند دست به غذا ببرند، یتیمی در خانه را به صدا درآورد و گفت السّلام علیکم یا اهل بیت محمّد صلی اللّه علیه و آله یتیمی از اولاد مسلمین هستم پدرم در جنگ احد در رکاب رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله شهید شد. گرسنه‌ام مرا اطعام کنید تا خدای سبحان شما را در بهشت اطعام فرماید. [صفحه ۳۱۰] همگی غذای آن شب را به یتیم دادند و خود با آب افطار کردند. روز سوم نیز فاطمه علیها السّلام پنج نان گرم پخته و همراه با مقداری جریش و آب روی سفره گذاشت تا افطار کنند. ناگاه اسیری در خانه را به صدا درآورد و گفت السّلام علیکم یا اهل بیت نبوّت ای اهل بیت پیامبر صلی اللّه علیه و آله مرا اطعام کنید، خدای بزرگ شما را در جنّت اکرام و اطعام فرماید. آن شب نیز همگی غذای افطار را به آن اسیر دادند و بدون افطار سر بر بالین گذاشتند و شب را گرسنه خوابیدند. چون روز چهارم شد، علی فاطمه حسن و حسین علیهم السّلام که از گرسنگی توان و نیرویی نداشتند به حضور

رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رسیدند. آن حضرت دست به آسمان بلند کرد و گفت الهی هؤلاء اهل بیتی یموتون جوعاً، فارحمهم یا ربّ و اغفر لهم هؤلا اهل بیتی فاحفظهم و لا تنسهم -روایت-۱-۱۱۴ خدایا؟ اینان اهل بیت من هستند و از شدّت گرسنگی بی‌تاب شده‌اند، رحمی بفرما و آنان را مورد مغفرت قرار ده خدایا؟ آنان را حفظ فرما و فراموششان مفرما. چون سخن رسول خدا پایان یافت جبرئیل نزد آن حضرت صلی اللّه علیه و آله فرود آمد و گفت یا محمّد صلی اللّه علیه و آله خدایت سلام می‌فرستد و می‌فرماید، دعایت را مستجاب کردم از اهل بیت تو تشکّر می کنم و از کارشان راضی هستم و آیه أنّ الابرار یشربون من کأس کان مزاجها کافوراً ... تا آیه هذا کان لکم جزءاً و کان سعیکم مشکورا را بر آن حضرت قرائت کرد«۱۸۹». -قرآن-۸-۵۹-قرآن-۷۵-۱۱۹-پاورقی-۱۵۲-۱۵۴ -قرآن-۱۷۶-۱۸۹ [صفحه ۳۱۱] [۱۰۵۳] کلبی از ابی صالح نقل کرد، إبن عبّاس در تفسیر و توضیح آیه کریمه و یطعمون الطّعام علی حبّه ... -قرآن-۸۶-۱۱۶ گفت آیه فوق در تحسین علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام است وقتی که سه قرص نان بیشتر نداشتند و آن را به مسکین و یتیم و اسیر اطعام کردند و شب را گرسنه خوابیدند. [۱۰۵۴] اسحاق بن نجیح از عطاء و او از إبن عبّاس در توضیح آیه شریفه و یطعمون الطّعام علی حبّه .. گفت -قرآن-۸۶-۱۱۶ حسن و حسین علیهما السّلام به بیماری شدیدی مبتلا شدند. همه اصحاب مصطفی صلی اللّه علیه و آله از آن دو عیادت کردند، بعضی از اصحاب گفتند: یا ابا الحسن اگر نذر کنی امید است شفا زودتر حاصل شود. علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام و فضّه نذر کردند که اگر دو سبط پیامبر صلی اللّه علیه و آله شفا یابند، سه روز، روزه بگیرند. چون حسن و حسین علیهما السّلام از پدر و مادر کیفیت نذر را شنیدند گفتند، ما هم نذر [صفحه ۳۱۲] می کنیم که روزه بگیریم خدای سبحان به برکت نذر، آن دو سیّد را شفا عنایت فرمود. فردای آن روز همه اهل خانه روزه‌دار بودند، علی علیه السّلام از همسایه‌اش مقداری پشم و سه صاع جو قرض کرد، سه روز پشت سر هم روزه گرفتند و هر روز افطاری خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند و فقط با آب افطار کردند. تا در روز چهارم جبرئیل به زمین آمد و به حضور رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رسید و گفت یا محمّد؟ خدای تعالی به تو و اهل بیتت تهنیت و تبریک می گوید. سپس آیه أنّ الابرار یشربون من کأس ... را بر پیامبر صلی اللّه علیه و آله قرائت کرد. -قرآن-۱۱-۴۱ مصطفی صلی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام را فراخواند و آیه کریمه را برایش تلاوت کرد و علی علیه السّلام به گریه افتاد و گفت «الحمد للّه الّذی خصّنا بذلک -روایت-۱-۳۵ حمد و سپاس خدای را که اینکه آیات را به ما اختصاص داد و اینکه نعمت‌ها را به ما عنایت فرمود.«۱۹۰ -پاورقی-۱۱۴-۱۱۶ [۱۰۵۶] إبن جریج از عطاء و او از إبن عبّاس در تفسیر آیه و یطعمون الطّعام علی حبّه ... -قرآن-۷۲-۱۰۲ نقل کرد: علی علیه السّلام بابت آبیاری نخلستان اهل مدینه مقداری جو اجرت گرفت ثلث آن را آسیاب کرده نان پختند. مسکینی به در خانه آمد، آن روز همه نان‌ها را به مسکین بخشیدند، روز دیگر یتیمی به در خانه آمد و سهمیه نان آن روز را گرفت و روز سوم اسیری از مشرکین به در خانه آمد، نان روز سوم را هم به آن اسیر دادند. آیه شریفه فوق برای عمل آن سه روز علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام نازل شد. که مسکین و اسیر و یتیم را اطعام کرده سیر کردند.«۱۹۱ -پاورقی-۵۷-۵۹ -قرآن-۱۲۹-۱۴۹ -قرآن-۱۰۳-۱۳۱ [صفحه ۳۱۳] [۱۸۷] أنّ المتّقین فی ظلال و عیون [مرسلات ۴۱] اهل تقوا در زیر سایه‌ها و برکنار چشمه‌ساران‌اند. -قرآن-۷-۴۰ [۱۰۷۱] مجاهد از إبن عبّاس نقل کرد معنای أنّ المتّقین یعنی کسانی که از شرک و گناهان کبیره پرهیز کنند و صاحب تقوا و دارای پروا باشند. -قرآن-۴۸-۶۲ و سرآمد همه متّقین علی حسن و حسین علیهم السّلام هستند که دارای مقامات والای بهشتی هستند و در زیر سایه درختان و خیمه‌های ساخته شده از لؤلؤ در کنار چشمه‌های زلال آرمیده از انواع میوه‌ها متنعّم می‌شوند. و به آنان گفته می‌شود نوشیدنی‌های مطبوع و غذاهای متنوع بر شما گوارا باشد اینها پاداش اطاعت و متابعت شما در دنیاست [انّا کذلک نجزی المحسنین محسنین را نیز اینکه گونه پاداش نیکو می‌دهیم و

محسنین اهل بیت محمّد صلی اللّه علیه و آله هستند که در جنّت مأوی دارند. -قرآن-۵۲-۷۷ [۱۸۸] عمّ یتساءلون عن النّباء العظیم [نباء/ ۲ ۱] درباره چه چیز از یکدیگر می‌پرسند! از آن خبر بزرگ -قرآن-۷-۴۴ [۱۰۷۲] ابو حمزه ثمالی حکایت کرد از ابو جعفر علیه السّلام در تفسیر عمّ یتساءلون عن النّباء العظیم سؤال کردم -قرآن-۷۷-۱۱۳ در جواب فرمود: علیّ بن ابی طالب علیه السّلام به اصحاب خود می گفت به خدا سوگند من نباء عظیم هستم که تمامی امّت درباره من اختلاف کردند. به خدا سوگند، خدای سبحان را نبئی عظیم‌تر و بزرگتر از من نیست و هیچ آیه‌ای از من بزرگتر برای ربّ العالمین نیست «۱۹۲ - پاورقی-۱۳۶-۱۳۸ [صفحه ۳۱۴] [۱۰۷۵] سفیان ثوری از سدیّ از عبد خیر و او از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرد صخر بن حرب به حضور رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رسید و در کنارش نشست و سؤال کرد حکومت و خلافت بعد از تو به عهده کیست نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: آن کس که برای من به منزله هارون برای موسی علیه السّلام بود او جانشین من است در همین حین آیه کریمه عمّ یتساءلون بر رسول اللّه فرود آمد. آن هنگام که اهل مکّه از خلافت علی علیه السّلام می‌پرسیدند. بعضی ولایت او را تصدیق و بعضی دیگر تکذیب می کردند. -قرآن-۲۹-۴۳ کلّا سیعلمون ثمّ کلّا سیعلمون اینکه آیه شریفه انکار و اعتراض بر گفتار آنانی است که ولایت علی علیه السّلام را نمی‌پذیرند، در آینده نزدیک می‌فهمند که خلافت او بر حقّ بود چون در قبر از آنان سؤال می‌شود من ربّک و ما دینک و من نبیّک و من امامک -قرآن-۱-۳۳ نکیر و منکر دو فرشته مخصوص در قبر می‌پرسند، پروردگارت کیست دینت چیست نبیّ‌ات کیست و امام خود را معرّفی کن [۱۸۹] أنّ للمتّقین مفازاً. حدائق و أعنباً. و کواعب أتراباً. و کأساً دهاقاً. لا یسمعون فیها لغواً و لا کذّباً. جزاءً مّن رّبّک عطاءً حساباً. [نبأ ۳۶ ۳۱] مسلماً پرهیزگاران را رستگاری است باغچه‌ها و تاکستانها و دخترانی همسال با سینه‌های برجسته و پیاله‌های لبالب در آنجا نه بیهوده‌ای شنوند و نه یکدیگر را تکذیب کنند. اینکه است پاداشی از پروردگار تو، عطایی از روی حساب -قرآن-۷-۱۵۲ [۱۰۷۶] قتادهٔ از حسن نقل کرد إبن عبّاس در توضیح و تفسیر أنّ للمتّقین مفازاً بیان کرد. -قرآن-۶۶-۸۷ [صفحه ۳۱۵] منظور از متقین در آیه کریمه علی بن ابی طالب علیه السّلام است که سیّد اتقیا و سرور پرهیزکاران است از ارتکاب به فواحش دوری کرده و از نزدیکی به کبائر بر حذر بوده است پاداش او فوز و رستگاری و نجات از آتش جهنّم است اوست که در منازل قرب اللّه جای می گیرد و به نعمت‌های بهشتی متنّعم می‌شود. [۱۹۰] لا یتکلّمون الّا من أذن له الرّحمن و قال صواباً. [نباء/ ۳۸] و [مردم سخن نگویند، مگر کسی که [خدای رحمان به او رخصت دهد، و سخن راست گوید. -قرآن-۷-۶۵ [۱۰۷۷] محمّد بن سنان حکایت کرد ابو حمزه ثمالی گفت روزی به حضور رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رسیدم آن حضرت فرمود: یا ابا حمزه همه مردم در قیامت وارد بهشت می‌شوند مگر آن کسانی که خودشان ابا داشته باشند. گفتم آیا کسی پیدا می‌شود از رفتن به بهشت ابا کند! فرمود: بلی هر که شعار لا اله الّا اللّه و محمّد رسول اللّه -روایت-۱-۴۵ را از قلب و جان نگوید، بویی از بهشت نبرد. گفتم یا رسول اللّه مرجئه و قدریّه و حروریهٔ و بنی امیّه از گویندگان لا اله الا اللّه و محمّد رسول اللّه هستند. فرمود: هیهات هیهات چون قیامت فرا رسد، شهادتین از آنان سلب می‌شود و بدانید جز ما اهل بیت و شیعیانمان کسی به بهشت راه داده نمی‌شود. آیا آیه کریمه یوم یقوم الرّوح و الملئکهٔ صفّا لا یتکلّمون ألّا من أذن له الرّحمن و قال صواباً. را شنیده‌ای -قرآن-۱۷-۱۰۸ بدان آن کسانی که لا اله الّا اللّه و محمّد رسول اللّه -روایت-۱-۴۵ را از سر صدق و با اخلاص بگویند که آن قول صواب است داخل بهشت می‌شوند. [صفحه ۳۱۶] [۱۰۷۸] صالح بن سهل از ابو جارود نقل کرد، ابو جعفر علیه السّلام در تفسیر آیه کریمه یوم یقوم الرّوح و الملئکهٔ صفّا لا یتکلّمون ألّا من أذن له الرّحمن و قال صواباً بیان کرد چون روز قیامت فرا رسد شعار لا اله الّا اللّه و محمّد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله از قلب‌ها همه محو می گردد مگر کسانی که اقرار به ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام داشته باشند. و اینکه به سبب قول خدای سبحان «الّا من أذن له الرّحمن است که

خدای رحمان به آن کسانی که به ولایت علی علیه السّلام اقرار داشته باشند، اجازه دخول به بهشت می‌دهد. -قرآن-۹۸-۱۸۹-قرآن-۴۵۵-۴۸۲ [۱۹۱] و أمّا من خاف مقام ربّه و نهی النّفس عن الهوی فأنّ الجنّهٔ هی المأوی [نازعات ۴۱ ۴۰] و امّا کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید، و نفس خود را از هوس بازداشت پس جایگاه او همان بهشت است -قرآن-۷-۸۸ [۱۰۷۹] سفیان بن عیینه از زهری از مجاهد و او از إبن عباس در تفسیر و توضیح آیه کریمه فامّا من طغی بیان کرد: -قرآن-۱۰۶-۱۲۱ منظور از طغیان‌گر، علقمهٔ بن حرث بن عبد اللّه بن قصّی بود که با تکبّر و غرور، دنیا را بر آخرت ترجیح داده و جهنّم را جایگاه ابدی خویش برگزید. ولی و أمّا من خاف مقام ربّه علی بن ابی طالب علیه السّلام آن عبد صالح و بنده نیکوکاری است که از مقام ربّ، خائف و از حساب و محاسبه پروردگار بیمناک است و و نهی النّفس عن الهوی بر اثر بیم خدای سبحان نفس خویش را همیشه موعظه و نهی از هوی‌پرستی می‌کرد تا گرایش به محارم و لذّات نامشروع پیدا نکند. -قرآن-۵-۳۳-قرآن-۱۸۸-۲۱۴ فأنّ الجنّهٔ هی المأوی جنّت جایگاه کسی است که اینکه چنین از خدای تعالی خائف و از هوای نفس و وسوسه شیطان گریزان باشد -قرآن-۱-۲۴ [صفحه ۳۱۷] [۱۹۲] وجوه یومئذ مّسفرهٔ. ضاحکهٔ مّستبشرهٔ. [عبس ۳۹ ۳۸] در آن روز، چهره‌هایی درخشانند، خندان [و] شادان‌اند. -قرآن-۷-۴۱ [۱۰۸۰] انس بن مالک حکایت می‌کند از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله درباره آیه کریمه وجوه یومئذ مّسفرهٔ سؤال کردم -قرآن-۱۰۵-۱۲۳ آن حضرت صلی اللّه علیه و آله فرمود: ای انس چهره‌های خندان و دل‌های شاد متعلق به فرزندان عبد المطلب است که شامل من و علی بن ابی طالب علیه السّلام حمزه جعفر طیار، حسن علیه السّلام حسین علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام هستیم در قیامت از قبرها برمی‌خیزیم در حالی که چهره‌های ما مثل آفتاب نورانی است و از اینکه که خدای سبحان از ما راضی است بسیار خوشحال و شاد هستیم و خنده‌های شادی بر لبان ماست و یکدیگر را به اجر جزیل و ثواب جمیل بشارت و نوید می‌دهیم [۱۹۳] و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون [مطففین ۲۶] و در اینکه [نعمتها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند. -قرآن-۷-۴۱ [۱۹۳۰۸۱۹۳] جعفر بن علی حریری از قول معاویهٔ بن عمّار دهنی از ابی زبیر و او از جابر بن عبد اللّه انصاری روایت کرده است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در غزوه ۱۹۳» -پاورقی-۱۹۹-۲۰۱ أنّکم تقولون أنّی انتجیت علیّا، ما انا انتجیته أنّ اللّه انتجاه و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون -روایت-۱-۱۱۱ [صفحه ۳۱۸] سخن شما اینکه است که من با علی علیه السّلام به نجوا پرداختم ولی بدانید من تنها با او نجوا نمی‌کردم بلکه خدای رحمان نیز با علی علیه السّلام نجوا می‌کرد. و به اینکه کار هر مشتاق و راغبی میل و علاقه دارد.«۱۹۴ -پاورقی-۲۵۴-۲۵۶ [۱۹۴] و مزاجه من تسنیم عیناً یشرب بها المقرّبون [مطففین ۲۸ ۲۷] و ترکیبش از [تسنیم است چشمه‌ای که مقرّبان خدا از آن نوشند. -قرآن-۷-۵۵ [۱۰۸۲] ابو حمزه از ابو جعفر علیه السّلام از پدرش علی بن حسین علیه السّلام از جابر بن عبد اللّه انصاری روایت کرد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در توضیح و تبیین آیه کریمه و مزاجه من تسنیم فرمود: -قرآن-۲۱۴-۲۳۴ یعنی شرابی گوارا که بهترین نوشیدنی و شراب در بهشت است که آل محمّد صلی اللّه علیه و آله از آن می‌نوشند. و آنان از مقرّبان سابقه‌دار هستند که شامل رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام و خدیجه و ذریّه آنان که در ایمان و عمل به نبی صلی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام اقتدا کردند. [۱۹۵] أنّ الّذین أجرموا کانوا من الّذین ءامنوا یضحکون و اذا مرّوا بهم یتغامزون [مطففین ۲۹] [آری در دنیا] کسانی که گناه می‌کردند، آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می‌گرفتند. -قرآن-۷-۸۷ [۱۰۸۳] محمّد بن عیسی از یونس بن عبد الرّحمان و او از عبد الرّحمان بن سالم و او از [صفحه ۳۱۹] ابی عبد اللّه نقل کرد: آیه أنّ الّذین أجرموا کانوا من الّذین ءامنوا یضحکون و اذا مرّوا بهم یتغامزون در شأن علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. -قرآن-۳۴-۱۱۴ روزی علی علیه السّلام از کنار جمعی از بنی امیّه و منافقین عبور می‌کرد. آن گروه به استهزاء آن حضرت پرداختند و سخن‌های او را به تمسخر گرفتند، چون چنین حرکات زشتی را ادامه دادند، آیه

کریمه در مذمّت آنان نازل شد.«۱۹۵ -پاورقی-۲۵۳-۲۵۵ [۱۰۸۵] کلبی از ابی صالح از إبن عباس در توضیح آیه کریمه نقل کرد ألّذین ءامنوا یضحکون علی بن ابی طالب علیه السّلام و اصحاب آن بزرگوارند. -قرآن-۸۱-۱۰۳ ألّذین أجرموا، گروه منافقین از طایفه قریش هستند. -قرآن-۱-۱۴ [۱۹۶] یایّتها النّفس المطمئنّۀ. ارجعی ألی ربّک راضیۀً مّرضیّۀً. فادخلی فی عبادی و ادخلی جنّتی [فجر/ ۳۰ ۲۷] ای نفس مطمئنّه خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت باز گرد و در میان بندگان من در آی و در بهشت من داخل شو. -قرآن-۷-۱۰۵ [۱۰۸۹] حسن بن محبوب از عبد الرّحمان بن سالم و او از ابو عبد اللّه جعفر بن محمّد صلی اللّه علیه و آله در شأن نزول آیه کریمه یایّتها النّفس المطمئنّۀ. ارجعی ألی ربّک راضیۀً مّرضیّۀً. فادخلی فی عبادی و ادخلی جنّتی نقل کرد: آیه شریفه درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد و خدای سبحان نفس آن حضرت را نفس مطمئنّه نامید. -قرآن-۱۶۰-۲۵۸ [صفحه ۳۲۰] [۱۹۷] و والد و ما ولد [بلد/ ۳] سوگند به پدری [چنان و آن کسی را که به وجود آورد. -قرآن-۷-۲۳ [۱۹۶۰۹۰] اسماعیل بن عبّاد از حسین بن ابی یعفور و او از بعضی از اصحاب نقل کرد، ابو جعفر علیه السّلام در تفسیر و تطبیق والد و ما ولد فرمود: منظور از والد امیر المؤمنین علی علیه السّلام و منظور از ولد حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام است که در آیه کریمه از آن بزرگواران نام برده شد.«۱۹۶ -قرآن-۱۴۰-۱۵۴-قرآن-۱۷۳-۱۷۷-قرآن-۲۲۸-۲۳۱-پاورقی-۳۴۲-۳۴۴ [۱۹۸] فلا اقتحم العقبۀ. [بلد/ ۱۱] ولی نخواست از گردنه [عاقبت نگری بالا رود؟ [۱۰۹۲] محمّد بن فضیل از ابان بن تغلب حکایت کرد وقتی از ابو جعفر علیه السّلام در تفسیر و توضیح آیه کریمه فلا اقتحم العقبۀ سؤال شد، آن حضرت با دست به سینه‌اش اشاره کرد و فرمود: -قرآن-۷-۲۷-قرآن-۲۱۳-۲۳۲ ما آن گردنه و عقبه‌ای هستیم که هر کسی از آن گردنه عبور کند، نجات یابد و از رستگاران خواهد شد.«۱۹۷ -پاورقی-۱۱۴-۱۱۶ [۱۹۹] و الشّمس و ضحیها، و القمر اذا تلیها، و النّهار اذا جلّها. [شمس ۳ ۱] سوگند به خورشید و تابندگی‌اش سوگند به مه چون پی [خورشید] رود، سوگند به روز چون [زمین را روشن گرداند. -قرآن-۷-۶۵ [صفحه ۳۲۱] [۱۰۹۴] محمّد بن فرات از جعفر و او از پدرش نقل کرد عبد اللّه بن عبّاس مفسّر مشهور قرآن در تفسیر آیه کریمه فوق بیان کرد و الشّمس و ضحیها یعنی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله که شمس و آفتاب در بین مردم است -قرآن-۱۴۴-۱۶۱ و القمر اذا تلیها یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام که قمر و مهتاب در کنار خورشید است -قرآن-۱-۱۷ و النّهار اذا جلّها منظور از [النّهار] در آیه شریفه حسن و حسین علیهما السّلام هستند. -قرآن-۱-۱۹ و الّیل اذا یغشاها یعنی بنی امیّه که شب تاریک و ظلمانی هستند و در ظلمات جهل و گمراهی ماندند.«۱۹۸ -قرآن-۱-۱۹-پاورقی-۱۰۸-۱۱۰ [۲۰۰] اذ انبعث أشقاها [شمس ۱۲] آن گاه که شقی‌ترین آنان به پا خاست -قرآن-۷-۲۳ [۱۰۹۶] مسلم اعور از حجیّۀ بن عدیّ حکایت کرد علی بن ابی طالب علیه السّلام گفت روزی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا علی علیه السّلام شقی‌ترین اوّلین چه کسی بود گفتم آن کس که شتر صالح را از پای درآورد. او اوّلین شقی عالم است سپس فرمود آیا می‌دانی شقی‌ترین آخرین کیست گفتم یا رسول اللّه بیان فرمایید تا بدانم کیست فرمود: آن کسی که با شمشیر فرق سرت را بشکافد او شقی‌ترین آخرین است مثل کشنده شتر صالح علیه السّلام که شقی‌ترین اولین بود «۱۹۹ -پاورقی-۶۷-۶۹ [صفحه ۳۲۲] [۱۰۹۹] سعید بن ابی هلال از زید بن اسلم روایت کرد ابا سنان دوئلی گفت به خدمت علی علیه السّلام رسیدم و گفتم ما برای جان تو بیمناک و نگران هستیم علی علیه السّلام فرمود: من هرگز برای خویشتن خوف و هراسی ندارم چون از رسول صادق صلی اللّه علیه و آله شنیدم ضربتی بر فرق سرم فرود می‌آید و محاسنم را رنگین می‌کند و قاتل من شقی‌ترین مردم است همچنان که شقی‌ترین اوّلین شتر صالح علیه السّلام را پی کرد.«۲۰۰ -پاورقی-۲۲۹-۲۳۱ [۱۱۰۱] ابی مطر نقل کرده است از علی بن ابی طالب علیه السّلام سؤال شد، شقی‌ترین مردم چه زمانی آشکار و هویدا می‌شود! و چه کسی شقی‌ترین است علی علیه السّلام فرمود: آن کسی که مرا به شهادت برساند، او شقی و بدبخت‌ترین

است «۲۰۱ -پاورقی-۹۹-۱۰۱ [۱۱۰۶] عبد اللّه بن عمرو نقل کرد از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله شنیدم فرمود: الا انّ شفاعتی لاهل الکبائر من امتی الّا من قتل علی بن ابی طالب علیه السّلام -روایت-۱-۹۶ شفاعت من شامل گناهکاران و اهل کبائر از امّتم می‌شود، مگر قاتل علی بن ابی طالب علیه السّلام که هرگز مورد عفو و شفاعت قرار نمی‌گیرد. [۱۱۰۷] إبن عباس نقل کرد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: شقی‌ترین مردم قاتل علی بن ابی طالب علیه السّلام است سپس إبن عباس اضافه کرد چون علی علیه السّلام شهید شد، دو روز متوالی از آسمان خون بارید. [صفحه ۳۲۳] [۲۰۱] و لسوف یعطیک ربّک فترضی [ضحی ۵] و به زودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد، تا خرسند شوی -قرآن-۷-۳۴ [۱۱۱۰] حمّاد جهنی از جعفر بن محمّد علیه السّلام از پدرش از جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرد، روزی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله وارد منزل فاطمه علیها السّلام شد، در حالی که کسائی از پوست شتر بر شانه فاطمه علیها السّلام بود به آسیاب کردن گندم مشغول بود تا برای بچه‌ها نان تهیه کند. وقتی نبی صلی اللّه علیه و آله دخترش فاطمه علیها السّلام را در آن حالت مشاهده کرد، اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود: یا فاطمه سختی و تلخی دنیا را برای رسیدن به حلاوت و آسایش آخرت تحمّل کن آن گاه آیه کریمه و لسوف یعطیک ربّک فترضی برای خشنودی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل شد.«۲۰۲ -قرآن-۲۳-۵۰-پاورقی-۱۱۷-۱۱۹ [۱۱۱۱] کلبی از ابو صالح از إبن عباس در تفسیر و توضیح و لسوف یعطیک ربّک فترضی بیان کرد. -قرآن-۶۶-۹۳ خدای سبحان ذریّه مصطفی صلی اللّه علیه و آله را داخل بهشت می‌کند به گونه‌ای که آن حضرت از عنایت ربّ کریم راضی و خشنود شود. [۱۱۱۲] محمّد بن حنفیّه از پدرش علی بن ابی طالب علیه السّلام در توضیح آیه کریمه و لسوف یعطیک ربّک فترضی بیان کرد. -قرآن-۱۰۳-۱۳۰ رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: آن قدر برای امّتم شفاعت می‌کنم تا منادی ندا سر دهد، یا محمّد آیا راضی شدی می‌گویم یا ربّ؟ راضی شدم و تو را سپاسگزارم سپس علی علیه السّلام به اهل عراق رو کرد و فرمود: آن گاه شما اهل عراق می‌گویید به آیه -قرآن-۱۷۸-۲۰۵ [صفحه ۳۲۴] کریمه یا عبادی الّذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمهٔ اللّه امیدواریم -قرآن-۷-۷۸ امّا ما اهل بیت می‌گوییم به آیه کریمه و لسوف یعطیک ربّک فترضی امیدوارتر هستیم که شفاعت برای امّت محمّد صلی اللّه علیه و آله قرار داده شد. -قرآن-۴۵-۷۲ [۱۱۱۳] سدیّ از إبن عباس در تفسیر آیه کریمه و لسوف یعطیک ربّک فترضی نقل کرد رضایت محمّد صلی اللّه علیه و آله به اینکه است که احدی از اهل بیتش در آتش جهنم سرنگون نشود. -قرآن-۵۵-۸۲ [۲۰۲] و أمّا بنعمهٔ ربّک فحدّث [ضحی ۱۱] و از نعمت پروردگار خویش با مردم سخن گوی -قرآن-۷-۳۲ [۱۱۱۵] عیسی بن عبد اللّه از پدرش و پدرش از جدّش و او از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرد، آن حضرت فرمود: زمین برای هفت نفر خلق شد. شما به واسطه اینکه هفت نفر رزق و روزی داده می‌شوید و باران باریده می‌شود. به خاطر آنان نصرت و ظفر الهی فرو فرستاده می‌شود و آن هفت تن عبارت از عبد اللّه بن مسعود، ابوذر، عمّار، سلمان مقداد، حذیفه و من که امام اینکه جماعت هستم سپس آیه کریمه و أمّا بنعمهٔ ربّک فحدّث را تلاوت کرد.«۲۰۳ -قرآن-۱۱۹-۱۴۴-پاورقی-۱۶۲-۱۶۴ [۲۰۳] فأذا فرغت فانصب [شرح ۷] پس چون فراغت یافتی به طاعت در کوش -قرآن-۷-۲۴ [۱۱۱۶] سماعهٔ از ابو بصیر و او از ابو عبد اللّه علیه السّلام در تفسیر و توضیح آیه کریمه فأذا -قرآن-۱۰۶-۱۱۰ [صفحه ۳۲۵] فرغت فانصب نقل کرد: خدای سبحان به نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا رسول اللّه چون فراغت یافتی علی بن ابی طالب علیه السّلام را برای ولایت منصوب کن «۲۰۴ -پاورقی-۱۶۸-۱۷۰ [۲۰۴] و التّین و الزّیتون و طور سینین و هذا البلد الامین لقد خلقنا الانسان فی أحسن تقویم ثمّ رددنه أسفل سافلین الّا الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات فلهم أجر غیر ممنون فما یکذّبک بعد بالدّین ألیس اللّه بأحکم الحاکمین [تین ۸ ۱] سوگند به [کوه تین و زیتون «دو کوه در شام و طور سینا و اینکه شهر امن [و امان که براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم سپس او را به پست‌ترین [مراتب پستی بازگردانیدیم مگر

کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، که پاداشی بی‌منّت خواهند داشت پس چه چیز، تو را بعد از اینکه به تکذیب جزا وا می‌دارد! آیا خدا نیکوترین داوران نیست -قرآن-۷-۲۵۲ [۱۱۲۰] عبد الرّحمان بن مهدی از مالك بن انس از زهری نقل کرد انس بن مالك گفت وقتی سوره تین بر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل شد، آن حضرت بسیار شاد و خوشحال شد به گونه‌ای که همه ما اصحاب شادی و خوشحالی آن حضرت را مشاهده کردیم از إبن عباس درباره علت سرور و شادی نبی صلی اللّه علیه و آله و تفسیر سوره تین سؤال کردم إبن عباس بیان کرد و التّین یعنی سرزمین شام و الزّیتون یعنی سرزمین زیتون -قرآن-۲۲-۳۱-قرآن-۵۳-۶۴ [صفحه ۳۲۶] و أرض فلسطین و و طور سینین یعنی طور سینا که جایگاه تکلّم موسی علیه السّلام با خداست -قرآن-۱۷-۲۹ و هذا البلد الامین منظور شهر مقدس مکّه است لقد خلقنا الانسن یعنی محمّد صلی اللّه علیه و آله را که انسان کامل است در احسن تقویم خلق کردیم -قرآن-۱-۲۱-قرآن-۵۲-۶۹ ثمّ رددنه أسفل سفلین یعنی عبادت کنندگان بت که در نازل‌ترین و پست‌ترین مرتبه قرار می‌گیرند. ألّا الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات ابو بکر و عمر، فلهم أجر غیر ممنون یعنی عثمان فما یکذّبک بعد بالدّین یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام ۲۰۵» -قرآن-۱-۲۴-قرآن-۱۰۷-۱۴۵-قرآن-۱۶۱-۱۸۳-قرآن-۱۹۹-۲۲۵-پاورقی-۲۷۱-۲۷۳-قرآن-۲۷۴-۳۰۳ [۱۱۲۱] محمّد بن حاتم از محمّد بن فضیل بن یسار روایت کرد از ابا الحسن علیه السّلام درباره تفسیر سوره تین سؤال کردم آن حضرت فرمود: و التّین یعنی حسن علیه السّلام و الزّیتون یعنی حسین علیه السّلام و طور سینین همان طور سینا و آن امیر المؤمنین علی علیه السّلام است -قرآن-۱-۹-قرآن-۳۹-۵۰-قرآن-۸۱-۹۳ و هذا البلد الامین رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله بلد امین است -قرآن-۱-۲۱ ألّا الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات یعنی کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، که آن امیر المؤمنین علیه السّلام و شیعیان حقیقی او هستند و به آنان اجر و پاداش غیر ممنون داده می‌شود.«۲۰۶ -قرآن-۱-۳۸-پاورقی-۲۲۱-۲۲۳ -قرآن-۷۸-۱۰۴ [صفحه ۳۲۷] [۲۰۵] أنّ الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات أولئک هم خیر البریّة. [بیّنة/ ۶] کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده‌اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند، [و] در آن همواره می‌مانند اینان‌اند که بدترین آفریدگان‌اند. -قرآن-۷-۶۹ [۱۱۲۵] یزید بن شراحیل انصاری کاتب علی علیه السّلام روایتی نقل کرد و گفت از علی علیه السّلام شنیدم بیان کرد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به من فرمود: یا علی کلام خدای سبحان أنّ الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات أولئک هم خیر البریّة را شنیدی بدان که خیر البریّة [بهترین بندگان خدا ، تو و شیعیان حقیقی‌ات هستید و وعده‌گاه من و شما در حوض کوثر است هنگامی که همه مردم برای حساب و کتاب تجمّع کنند. شما در قیامت با نام غرّ محجّلین دعوت می‌شوید.«۲۰۷ -قرآن-۳۳-۹۵-پاورقی-۳۴۷-۳۴۹ [۱۱۲۶] جابر از محمّد بن علی و تمیم بن حذلم از إبن عباس نقل کردند. هنگامی که آیه کریمه أنّ الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات أولئک هم خیر البریّة بر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نازل شد، آن حضرت به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: یا علی -قرآن-۱۰۹-۱۷۱ هو أنت و شیعتک تاتی انت و شیعتک یوم القیامة راضین مرضیّن و یاتی عدوّك غضاباً مقمحین » -روایت-۱-۱۰۳ یا علی تو و شیعیان واقعی‌ات خیر البریّه یعنی بهترین بندگان خدا هستید، چون روز قیامت فرا رسد شما راضی و مرضی در صف محشر حاضر می‌شوید و دشمنان تو غضبناك و سرکوب شده باشند. علی علیه السّلام گفت یا رسول اللّه دشمنان من کیستند! آن حضرت صلی اللّه علیه و آله فرمود: کسانی که از تو تبرّی جویند و تو را لعنت کنند «و من قال رحم اللّه علیّاً یرحمه اللّه » -روایت-۱-۵۱ یعنی هر کسی بگوید: خداوند علی علیه السّلام را رحمت کند، خدای سبحان او را رحمت می‌کند.«۲۰۸ -پاورقی-۱۰۶-۱۰۸ [صفحه ۳۲۸] [۱۱۳۱] جابر جعفی از إبن بریده و او از پدرش نقل کرد: رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله آیه کریمه أنّ الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات أولئک هم خیر البریّة را تلاوت کرد و دستش را بر کتف علی علیه السّلام گذاشت و فرمود: -قرآن-۵۴-۱۱۶ یا علی تو و شیعیانت مصداق اینکه آیه شریفه و خیر البریّه هستید. یا

علی در قیامت تو و شیعیانت سیراب وارد صحرای محشر می‌شوید، امّا دشمنانت تشنه مقهور و ذلیل وارد محشر شوند. [۲۰۹۲۰۹۳۲] از جابر بن یزید جعفی از ابو جعفر محمّد بن علی علیه السّلام نقل شده است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: منظور از أنّ الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات ... علی علیه السّلام و شیعیان حقیقی او هستند.«۲۰۹ -قرآن-۱۶۵-۲۰۷-پاورقی-۲۵۹-۲۶۱ [۱۱۳۹] ابی زبیر حکایت کرد جابر بن عبد اللّه انصاری گفت روزی در حضور رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نشسته بودیم علی بن ابی طالب علیه السّلام به خدمت آن حضرت رسید. هنگامی که چشم نبی صلی اللّه علیه و آله به رخسار علی علیه السّلام افتاد، فرمود: برادرم علی علیه السّلام به نزد شما آمد، سپس رو به کعبه کرد و گفت به خدای اینکه خانه سوگند، اینکه مرد و شیعیانش در قیامت از فائزان و رستگاران‌اند. [صفحه ۳۲۹] آن گاه رو به ما کرد و فرمود: ای یاران بدانید: «أنّه اوّلکم ایماناً باللّه و اقومکم بامر اللّه و أوفاکم بعهد اللّه و اقضاکم بحکم اللّه و اقسمکم بالسّویه و اعدلکم فی الرّعیه و اعظمکم عند اللّه مزیّة». -روایت-۱-۱۷۳ علی اولیّن مؤمن و پایدارترین شما در امر اللّه و با وفاترین در عهد اللّه و عالم‌ترین در حکم اللّه با انصاف‌ترین در تقسیم بیت المال و عادل‌ترین در حفظ حقوق رعیت و با مزایاترین شخص در نزد خداست بعد از اینکه بیانات آیه شریفه أنّ الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات أولئک هم خیر البریّة بر نبی صلی اللّه علیه و آله نازل شد. -قرآن-۳۹-۱۰۱ سپس جابر بن عبد اللّه ادامه داد و گفت هرگاه در جمعی بودیم و علی علیه السّلام از راه می‌رسید، اصحاب مصطفی صلی اللّه علیه و آله می‌گفتند: ای مردم بهترین بندگان خدا بعد از محمّد صلی اللّه علیه و آله به سوی شما می‌آید.«۲۱۰ -پاورقی-۲۷۰-۲۷۲ [۱۱۴۱] عاصم بن ضمرة روایت کرده جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرد در مسجد مدینه نشسته بودیم و رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در میان ما بود فرمود: انّ للّه لواءاً من نور و عموداً من زبرجد خلقها قبل ان یخلق السّماوات بالفی سنة، مکتوب علی رداء ذلک اللواء لا اله الّا اللّه محمّد رسول اللّه آل محمّد خیر البریّة، صاحب اللواء امام القوم -روایت-۱-۲۱۸ خدای سبحان را لوائی از نور و عمودی از زبرجد است که هزار سال قبل از خلقت آسمان آن را خلق کرد، بر روی آن رداء نوشته است لا اله الّا اللّه محمّد رسول اللّه آل محمّد بهترین مردم‌اند و صاحب پرچم امام آن جماعت و طایفه است پس علی بن ابی طالب علیه السّلام رو به مصطفی صلی اللّه علیه و آله کرد و گفت حمد و سپاس خدای عزّ و جلّ را که ما را به وسیله تو هدایت کرده و کرامت و شرافت عنایت فرمود. سپس نبی صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا علی آیا می‌دانی هر کسی ما را دوست داشته باشد خدای [صفحه ۳۳۰] سبحان او را همراه ما، داخل بهشت می‌کند و آن گاه آیه شریفه فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر را تلاوت کرد. -قرآن-۷۳-۱۰۳ [۱۱۴۲] عطیّه عوفی می‌گوید روزی به حضور جابر بن عبد اللّه انصاری رسیدم زمانی که از کبر سن ابروهای او بر روی چشمانش افتاده بود به او گفتم از علی بن ابی طالب علیه السّلام برایم سخن بگو. جابر، ابروان خویش را به کناری زد و گفت علی علیه السّلام از بهترین خلایق و والاترین انسان است که قرآن شریف او را خیر البریّة نامید.«۲۱۱ -قرآن-۱۴۳-۱۵۴-پاورقی-۱۶۲-۱۶۴ [۱۱۴۶] مقاتل بن سلیمان از ضحّاک و او از إبن عباس درباره اولئک هم خیر البریّة نقل کرد، اینکه آیه کریمه در حقّ علی علیه السّلام و اهل بیتش نازل شد که بهترین بندگان خدا و والاترین انسان‌ها هستند.«۲۱۲ -قرآن-۷۳-۹۶-پاورقی-۲۳۵-۲۳۷ [۲۰۶] فأمّا من ثقلت موزینه فهو فی عیشة رّاضیة. [قارعه ۷ ۶] امّا هر که سنجیده‌هایش سنگین برآید، پس وی در زندگی خوشی خواهد بود -قرآن-۷-۵۳ [۱۱۴۹] ابی صالح از إبن عباس در توضیح آیه شریفه فأمّا من ثقلت موزینه ... نقل کرد تنها کسی که در قیامت کفّه حسناتش بر همگان رجحان دارد، علی بن ابی طالب علیه السّلام است و اینکه به سبب آن است که در نامه عمل آن حضرت جز حسنات چیز دیگری وجود ندارد و کفّه دیگر خالی از سیئات و خطاست و خدای سبحان را حتی در طرفة -قرآن-۵۹-۸۷ [صفحه ۳۳۱] عینی عصیان و نافرمانی نکرده است پس به دلیل آیه فأمّا من ثقلت موزینه فهو فی عیشة رّاضیة آن حضرت دارای شخصیتی

ارجمند و اعمالی وزین است و از زندگی و حیات اخروی راضی و خشنود است -قرآن-۲۲-۶۸ [۲۰۷] ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النّعیم [تکاثر/ ۸] سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین پرسیده خواهید شد. -قرآن-۷-۴۰ [۱۱۵۰] حسن بن حسین از ابو حفص صائغ روایت کرد ابو جعفر بن محمّد علیه السّلام در تفسیر و توضیح آیه کریمه ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النّعیم بیان فرمود: -قرآن-۱۲۶-۱۵۹ نعیم ما اهل بیت محمّد صلی اللّه علیه و آله هستیم سپس آیه و اذ تقول للّذی انعم اللّه علیه و انعمت علیه را قرائت کرد.«۲۱۳ -قرآن-۷۵-۱۲۸-پاورقی-۱۴۶-۱۴۸ [۱۱۵۲] ابو حفص صائغ حکایت کرد، عبد اللّه بن حسن در توضیح آیه کریمه لتسئلنّ یومئذ عن النّعیم بیان کرد ای ابا حفص به خدا سوگند در قیامت از شما درباره ولایت ما اهل بیت سؤال می‌کنند. که در حق ما چگونه رفتار کردید ... -قرآن-۸۳-۱۱۱ [صفحه ۳۳۲] [۲۰۸] و العصر. أنّ الانسان لفی خسر. ألّا الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر. [عصر/ ۳] سوگند به عصر، که واقعاً انسان دستخوش زیان است مگر کسانی که به خدا گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند. -قرآن-۷-۱۱۲ [۱۱۵۳] ابو هشام محمّد بن یزید بن رفاعهٔ از عمویش علی بن رفاعهٔ و او از پدرش نقل کرد که با علی بن عبد اللّه بن عباس قصد سفر حج را داشتم او در مدینه برای خواندن خطبه به منبر رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نشست و سوره مبارکه عصر را قرائت کرد و در توضیح و تبیین اینکه سوره چنین گفت و العصر. أنّ الانسان لفی خسر یعنی ابو جهل بن هشام و انسان‌های هم کیش او در خسران بوده و از زیانکاران‌اند. -قرآن-۱-۳۱ ألّا الّذین ءامنوا یعنی مؤمنان و از جمله آنان ابو بکر است و عملوا الصّالحات یعنی کسانی که اعمال صالح انجام دهند که از اینکه قبیل بود عمر بن خطّاب و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام که توصیه به حق و سفارش به صبر و استواری کرده و می‌کند. -قرآن-۱-۱۹-قرآن-۶۸-۸۶-قرآن-۱۷۷-۲۱۰ [۱۱۵۴] ابی بن کعب حکایت کرد، برای رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله سوره عصر را قرائت کردم و عرض کردم پدر و مادرم فدایت شوند، تفسیر اینکه سوره را برایم بیان فرمایید. نبی صلی اللّه علیه و آله «فرمود: و العصر انّ الانسان لفی خسر قسم به عصر که انسان در خسران و زیان است و بالاخص ابو جهل بن هشام که زیان بارترین آنان است -قرآن-۴۰-۷۰ و تواصوا بالصّبر بدانید توصیه کننده به صبر، علی بن ابی طالب علیه السّلام است ۲۱۴» -قرآن-۱-۱۶-پاورقی-۹۲-۹۴ [۱۱۵۶] زبیر بن عدیّ از ضحّاک نقل کرد إبن عباس در تبیین سوره عصر بیان کرد [صفحه ۳۳۳] و العصر. أنّ الانسن لفی خسر یعنی ابو جهل و ألّا الّذین ءامنوا و عملوا الصّالحات عبارت‌اند از علی علیه السّلام و سلمان و عبد اللّه بن مسعود.«۲۱۵ -قرآن-۱-۳۰-قرآن-۴۹-۸۷-پاورقی-۱۶۱-۱۶۳ [۱۱۵۸] سفیان از إبن جریج از عطاء نقل کرد إبن عباس مفسّر مشهور قرآن درباره علی علیه السّلام بیان کرد. خدای سبحان همه خصلت‌های نیک را در سیمای علی علیه السّلام جمع کرد. و طبق آیه ألّا الّذین ءامنوا علیّ علیه السّلام نخستین مؤمن و سابقه‌دارترین مسلمان بود -قرآن-۹۵-۱۱۴ و عملوا الصّالحات از نظر اعمال صالح سرآمد روزگار بود نخستین نمازگزار هم او بود که در بین همه اهل زمین به عبادت ربّ جلیل پرداخت -قرآن-۱-۱۸ و تواصوا بالحقّ علی علیه السّلام توصیه کننده به قرآن بود قرآنی که آن را از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله تعلیم گرفت -قرآن-۱-۱۶ و تواصوا بالصّبر پیامبر صلی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام را سفارش به صبر در دنیا و حفظ و نگه‌داری فاطمه علیها السّلام و جمع‌آوری قرآن و همچنین او را به قضای دین و غسل بدن و دیوار کشیدن بر دور قبرش تا به واسطه جمع شدن و نشستن زنان بر روی آن مورد اذیت قرار نگیرد و او را به حفظ و پرستاری حسن و حسین علیهما السّلام توصیه کرد. -قرآن-۱-۱۶ [۲۰۹] أنّا أعطینک الکوثر. [کوثر/ ۱] ما تو را [چشمه] کوثر دادیم -قرآن-۷-۲۶ [۱۱۶۰] زبیر بن ابی بکر از محمّد بن یحیی حکایت کرد: حسین بن علی علیه السّلام کسی را به خواستگاری عائذهٔ، دختر شعیب بن بکّار بن -قرآن-۱۷۱-۱۹۶ [صفحه ۳۳۴] عبد الملک فرستاد. او در جواب گفت چگونه با مردی که ثروت ندارد ازدواج کنم حسین بن

علی علیه السّلام فرمود: وای بر او چگونه مرا به ناداری عیب‌جویی می کند! و حال اینکه که خدای سبحان کوثر را به ما اهل بیت بخشیده است [۱۱۶۱] عمرو بن خالد از زید بن علی و او از پدرانش تا می‌رسد به علی بن ابی طالب علیه السّلام که آن جناب بیان کرد: رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: خدای کریم جایگاه من و اهل بیتم را در کوثر به من نشان داده است «۲۱۶ -پاورقی-۱۳۰-۱۳۲ [۱۱۶۳] عطیّه عوفی نقل کرد، انس بن مالک گفت روزی به حضور رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رسیدم فرمود: قد أعطیت الکوثر -روایت-۱-۲۰ خدای سبحان کوثر را به من عنایت فرمود. سؤال کردم یا رسول اللّه کوثر چیست فرمود: نهر فی الجنّهٔ عرضه و طوله ما بین المشرق و المغرب لا یشرب احد منه فیظماء، و لا یتوضّی منه احد ابداً فیشعث لا یشربه انسان خفر ذمتی و لا من قتل اهل بیتی » -روایت-۱-۱۸۶ کوثر نهری در بهشت است که عرض و طول آن به اندازه فاصله بین مشرق تا مغرب است هر کسی از آن بنوشد هرگز تشنه نشود و هر کسی با آن آب وضو سازد محدث نگردد. ولی بدانید هر کسی قاتل اهل بیت من باشد یا ذمّه مرا نادیده بگیرد، هرگز از آن آب نمی‌نوشد. احمد روحانی بهار ۱۳۸۰ ه. ش

پاورقی

[۱] همین روایت را جماعتی از عبد الکریم نقل کردند. [۳] روایت ۴۳/ شواهد التنزیل از عامر شعبی به همین معنی نقل شد. [۴] روایت ۴۵/ شواهد التنزیل از عبد الملک به همین معنی نقل شد. [۵] روایت ۴۸/ شواهد التنزیل از عبد اللّه حسین اشعر به همین معنا نقل شده است [۶] روایت ۵۲/ شواهد التنزیل مجدداً از مجاهد با همین متن و لفظ نقل شد. [۷] اینکه حدیث را جماعتی دیگر از محمّد بن حسن روایت کردند [همان طوری که از زکریا بن میسره نقل شد.] [۸] روایت ۶۱/ شواهد التنزیل از نصر بن مزاحم از اصبغ نباتهٔ با همین مضمون و محتوا نقل شده است [۹] روایت شماره ۶۴/ شواهد التنزیل از ابو عبد اللّه حسین بن حکم حبری در کتاب تفسیرش از مالک بن اسماعیل به همین معنی نقل شد. [۱۰] روایت ۶۶/ شواهد التنزیل در مورد کثرت آیات نازله است و بیان می کند در قرآن برای هر حادثه‌ای آیه‌ای نازل شد. [۱۱] روات رقم ۶۸ و ۶۹/ شواهد التنزیل از قول راویان دیگری مثل روایت ۶۷ از حذیفهٔ بن یمان نقل شد. [۱۲] روایت رقم ۷۳، ۷۲، ۷۱/ شواهد التنزیل مثل همین روایت از إبن عباس نقل شده است [۱۳] ترجمه اینکه گفتار مشابه ترجمه روایت شماره ۷۶/ شواهد التنزیل است [۱۴] روایت شماره ۷۹، ۸۰/ شواهد التنزیل هم از إبن عباس با همین الفاظ نقل شد. [۱۵] فجر/ ۴۰ [۱۶] شواهد التنزیل ج ۱ ص ۷۸. [۱۷] روایت رقم ۹۴/ شواهد التنزیل از قول ابی جعفر علیه السّلام نقل شد که آل محمّد صلی اللّه علیه و آله صراط مستقیم الهی هستند که خداوند بندگانش را به اینکه صراط راهنمایی کرده است [۱۸] روایت‌های ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰/ شواهد التنزیل با الفاظ مختلف ولی به یک مفهوم و مضمون نقل شده است [۱۹] شواهد التنزیل ج ۱ ص ۸۳ [۲۰] روایت ۱۰۳ و ۱۰۴/ شواهد التنزیل به همین معنی و مضمون نقل شد. [۲۱] شواهد التنزیل ج ۱ ص ۸۶ [۲۲] شواهد التنزیل ج ۱ ص ۸۹ [۲۳] سوره ص ۲۶ [۲۴] نور/ ۵۵ [۲۵] روایت رقم ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹/ شواهد التنزیل به همین معنی نقل شده است [۲۶] اینکه روایت از طریق عایشه و معقل بن یسار و غیر اینکه دو نیز وارد شده است [۲۷] مؤلف کتاب مستقلی در باب علم علی علیه السّلام تالیف کرده است علاقه‌مندان می‌توانند برای اطّلاع بیشتر به آن کتاب مراجعه کنند. [۲۸] اینکه روایت به طریق مختلف نقل شده است مینائی در کتاب خصائص ص ۴۴، إبن عساکر در تاریخ دمشق حدیث ۹۳۵، إبن سعد در کتاب طبقات ج ۸ ص ۱۷، عبد الباقی در کتاب معجم صحابه ج ۵ ص ۱۳۵. [۲۹] حسین حبری همین روایت را در کتاب تفسیرش آورده است [۳۰] اینکه روایت را جماعتی دیگر از عکرمه و جماعتی از إبن عباس نقل کردند. [۳۱] روایت ۱۳۴/ شواهد التنزیل تقریباً به مضمون همین روایت است [۳۲] روایت ۱۳۸/ شواهد التنزیل مشابه همین روایت است [۳۳] روایت رقم ۱۴۰/ شواهد التنزیل از حکیم

بن جبیر از علی بن حسین بـا همین لفظ و متن نقل شـد. [۳۴] روایت رقم ۱۵۰/ شواهد التنزیل از سعید بن مسروق از منذر به همین معنی نقل شـده است [۳۵] روایت رقم ۱۵۴/ شواهـد التنزیل از ربیع بن خثیم در همین معنی با انـدک اختلافی نقل شـد. [۳۶] روایت رقم ۱۵۷/ شواهـد التنزیل از طریق احمد بن محمّد بن نصـر از محمّد بن مروان با اندکی اختلاف نقل شده است و روایت رقم ۱۵۸/ شواهـد التنزیـل از إبن عباس با همین متن و الفاظ در شأن علی علیه السّلام نقل شـد. [۳۷] روایت رقم ۱۶۰ شواهد التنزیل از مجاهد از إبن عباس به همین معنی نقل شد. [۳۸] بقره ۲۷۳ [۳۹] روایت رقم ۱۶۶/ شواهد التنزیل از ابو جناده سلولی از اعمش مثل همین روایت رقم ۱۶۵ نقل شد. [۴۰] آل عمران ۵۹. [۴۱] آل عمران ۵۹. [۴۲] اینکه مختصری از روایات است که در اینکه جـا آوردیم که مفصـل آن در کتابهای تفسیری در ذیل آیه شـریفه ذکر شـده است [۴۳] روایت رقم ۱۷۹/ شواهـد التنزیل از حسن بن حسـین از یحیی بن علی در همین معنی نقل شـد. [۴۴] آل عمران ۱۴۴ ۱۴۲. [۴۵] آل عمران ۱۴۶. [۴۶] روایت دیگری از طریق اشـخاص دیگری از اصـبغ بن نباته به همین نقل شـده است [۴۷] روایت رقم ۲۰۱/ شواهد التنزیل نیز با همین لفظ و معنی از مالک بن عطیـهٔ از إبن خالـد نقل شد. [۴۸] روایت رقم ۲۰۸/ شواهد التنزیل از اصبغ بن نباته از إبن عباس با همین متن و الفاظ نقل شـده است [۴۹] روایت رقم ۲۱۲/ شواهد التنزیل از ابو سـعید خدری با همین متن و محتوا نقل شده است [۵۰] روایت رقم ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰/ شواهد التنزیل از إبن عبّاس نقل شد، آیه شریفه در حقّ علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. [۵۱] باز هم از محمّـد بن حنفیّه روایت رقم ۲۲۵/ شواهـد التنزیل مثل روایت ۲۲۴ نقل شد. [۵۲] روایت رقم ۲۲۹ و ۲۳۰/ شواهـد التنزیل با همین متن و الفاظ نقل شـد. [۵۳] سوره طه ۲۵. [۵۴] مائده ۵۶ [۵۵] روایت رقم ۲۳۸ فقط چند بیت شـعر عربی بـود که ذکر نکردم [۵۶] حمـانی از محمّـد بن فضـیل همین روایت را در تفسـیر عـتیق نقـل کرده است که در شواهـد التنزیـل با رقم ۲۴۳ ذکر شـد. [۵۷] روایـت ۲۴۶/ شواهـد التنزیـل تقریبـا مشـابه همین روایت است [۵۸] مولف کتـاب می گوید اینکه حدیث طولانی بود آن را مختصـر کرده است [۵۹] آل عمران ۷۱. [۶۰] روایت رقم ۲۵۸/ شواهد التنزیل از إبن عباس با همین معنی و لفظ نقل شد. [۶۱] روایت رقم ۲۶۴/ شواهد التنزیل از إبن اذینه و او از حمران به همین معنی و لفظ نقل شد. [۶۲] روایت رقم ۲۷۸/ شواهـد التنزیل تقریباً به معنی است که از قول زبیر بن عوّام بیان شد. [۶۳] روایت رقم ۲۸۲/ شواهد التنزیل تقریباً مشابه همین روایت است [۶۴] روایت رقم ۲۸۵/ شواهد التنزیل از إبن عبّاس در همین معنی نقل شد. [۶۵] روایت رقم ۲۹۷ و ۲۹۸/ شواهـد التنزیـل از إبن عباس به همین معنی نقل شـد. [۶۶] روایت رقم ۳۰۳/ شواهـد التنزیل از ابی حمراء با همین متن و لفظ در توضـیح و تفسیر آیه شریفه نقل شده است [۶۷] روایت رقم ۳۱۶ و ۳۱۷/ شواهد التنزیل از انس بن مالک با همین متن و الفاظ نقل شـده است [۶۸] روایت رقم ۳۱۱ و ۳۱۳ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸/ شواهد التنزیل از انس بن مالک تقریباً به همین معنی نقـل شـد. [۶۹] روایـت رقم ۳۲۱/ شواهـد التنزیـل تقریباً به همین معنی نقل شـده است [۷۰] روایـت رقم ۳۲۹/ شواهد التنزیل از شعبی با همین متن و لفظ نقل شده است [۷۱] روایت رقم ۳۳۱/ شواهد التنزیل از شعبی همین گونه نقل شده است [۷۲] روایت رقم ۳۳۹/ شواهد التنزیل از جابر إبن عبد اللّه انصاری با همین محتوا و معنی نقل شد. [۷۳] روایت رقم ۳۴۴/ شواهـد التنزیـل از إبن عباس به همین معنی نقل شـد. [۷۴] روایـت رقم ۳۶۰/ شواهـد التنزیـل با همین لفظ و محتوی نقل شـده است [۷۵] عیاشـی در تفسیرش روایت ۳۶۴/ شواهـد التنزیل را از طریق محمّـد کاشانی از قاسم بن محمّـد قرشـی اصـفهانی از سلیمـان منقری نقـل کرده است [۷۶] از محمّـد بـاقر علیه السّـلام نیز مثـل همین روایت نقل شـده است [۷۷] روایـت رقم ۳۷۶/ شواهـد التنزیـل بـا همین لفظ و متن از علی بن ابی مغیره نقل شـده است [۷۸] روایت رقم ۳۸۰/ شواهـد التنزیل با همین لفظ و معنی از اسـباط بن نصر نقل شد. [۷۹] روایت ۳۹۲/ شواهـد التنزیل از ابی جعفر علیه السّـلام با همین متن و لفظ نقل شد. [۸۰] روایـت رقم ۴۰۰/ شواهـد التنزیـل از إبن عبـاس در همین معنی نقـل شـد. [۸۱] روایـت رقم ۴۰۲/ شواهـد التنزیـل مشابه همین

روایت است [۸۲] روایت رقم ۴۱۶/ شواهد التنزیل از مجاهد در همین معنی نقل شد. [۸۳] روایت ۴۰۸/ شواهد التنزیل به همین معنی است [۸۴] و همچنین روایت ۴۱۱ و ۴۱۲ به همین معنی آمده است [۸۵] روایت ۴۱۹ شواهد التنزیل از تفسیر عتیق از قول محمّد بن حسن کوفی همین روایت نقل شده است و همچنین روایت ۴۲۰/ شواهد التنزیل از محمّد قرشی با سلسله روات آن باز هم همین روایت بالا نقل شده است [۸۶] روایت رقم ۴۳۱/ شواهد التنزیل از قول مینا، غلام عبد الرحمان بن عوف با اندک اختلافی نقل شده است [۸۷] روایت رقم ۴۴۸/ شواهد التنزیل از ابراهیم بن ایّوب از جابر بن عبد اللّه با همین لفظ و محتوی نقل شد. [۸۸] روایت رقم ۴۶۱ و ۴۶۲ شواهد التنزیل مشابه همین روایت است [۸۹] روایت رقم ۴۷۰/ شواهد التنزیل با همین متن و لفظ از ابی سعید خدری نقل شد. [۹۰] مؤلّف می‌گوید روایت در اینکه باب بسیار زیاد است که در کتاب طیب الفطرة فی حبّ العتره مشروحاً ذکر شد. [۹۱] روایت ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ از روات مختلف و به الفاظ و مضمون روایت ۴۹۰ نقل شد. [۹۲] روایت ۴۹۹ و ۵۰۲ شواهد التنزیل مشابه همین روایت است [۹۳] روایت ۵۰۷ شواهد التنزیل با همین متن و لفظ نقل شده است [۹۴] روایت ۵۰۸ شواهد التنزیل مشابه همین روایت است [۹۵] مثل همین روایت از صباح بن یحیی از حرث در کتاب تفسیر عیاشی نقل شد. [۹۶] انبیاء/ ۱۰۳. [۹۷] روایت ۵۳۱/ شواهد التنزیل از ابو القاسم بغوی از طریق عبید اللّه بن عمر با همین متن و لفظ نقل شد. [۹۸] روایت رقم ۵۳۵ و ۵۳۶/ شواهد التنزیل منقول از قیس إبن عباده مثل همین روایت است [۹۹] روایت رقم ۵۳۹ و ۵۴۰/ شواهد التنزیل تقریباً با همین محتوی و مضمون نقل شد. [۱۰۰] روایت رقم ۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵/ شواهد التنزیل تقریباً با همین محتوی و مضمون در شأن علی علیه السّلام و دو همرزمش نقل شد. [۱۰۱] برای ترجمه به روایت شماره ۵۴۹/ شواهد التنزیل مراجعه شود. [۱۰۲] مؤمنون ۹۵ ۹۳. [۱۰۳] زخرف ۴۴ ۴۳. [۱۰۴] روایت رقم ۵۶۲ و ۵۶۳/ شواهد التنزیل تقریباً به همین محتوی است [۱۰۵] إبن عبد اللّه پسر محمّد بن حنفیّه است [۱۰۶] روایت رقم ۵۷۹/ شواهد التنزیل به همین مضمون و محتوی نقل شد. [۱۰۷] روایت رقم ۵۹۳ و ۵۹۴/ شواهد التنزیل تقریباً به یک معنی است که با همین مضمون نقل شد. [۱۰۸] روایت رقم ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، و ۶۱۲/ شواهد التنزیل با همین مضمون و معنی نقل شد. که تکراری است [۱۰۹] همین روایت از عبد اللّه بن مسعود از طریق روات دیگری نیز نقل شده است که روایت شماره ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ از اینکه قبیل است که متن روایت واحد است ولی راویان آن متعددند. [۱۱۰] مؤلف در ذیل روایت بیان کرده روایت اینکه باب را تحت عنوان «باب شجاعت در کتابی به نام «الخصائص جمع‌آوری و تدوین کرده است [۱۱۱]. ۱. روایت شماره ۶۳۹/ شواهد التنزیل از أنس بن مالک از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله با همین مضمون نقل شده است ۲. روایت شماره ۶۴۰/ شواهد التنزیل از أنس بن مالک از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله با همین متن و مضمون نقل شد. ۳. روایت شماره ۶۴۴، ۶۴۳، ۶۴۲، ۶۴۱/ شواهد التنزیل به همین مضمون است که در روایت متن کتاب ذکر شد. [۱۱۲] روایت شماره ۶۵۱ و ۶۵۲/ شواهد التنزیل از هلال بن یساف با همین متن و مضمون نقل شده است روایت رقم ۶۵۳/ شواهد التنزیل از طریق یزید بن هارون به همین معنی نقل شد. [۱۱۳] روایت شماره ۶۵۵/ شواهد التنزیل باز هم از طریق عامر بن سعد با همین مضمون و محتوا درباره اهل بیت نقل شده است [۱۱۴]. ۱] روایت شماره ۶۶۱/ شواهد التنزیل به نقل از سفیان ثوری از ابی حجاف داود بن ابی عوف از عطیه عوفی از ابو سعید خدری روایت شد، آیه شریفه در شأن پنج تن آل محمّد صلی اللّه علیه و آله نازل شده است ۲] روایت رقم ۶۶۲/ شواهد التنزیل به نقل از عمار بن محمّد ثوری از نظر الفاظ روایت و متن مثل روایت رقم ۶۶۰/ شواهد التنزیل است ۳] روایت رقم ۶۶۳/ شواهد التنزیل به نقل از هارون عجلی از عطیه از ابو سعید خدری حکایت شد آیه أنّما یرید اللّه .. درباره نبی صلی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام فاطمه علیها السّلام حسن و حسین علیهما السّلام نازل شده است ۴] روایت رقم ۶۶۴/ شواهد التنزیل به نقل از اعمش از عطیه از ابو سعید خدری گفته شده آیه أنّما یرید اللّه .. در طهارت و تطهیر نبی صلی اللّه علیه و آله

علی علیه السّلام فاطمه علیها السّلام حسن و حسین علیهما السّلام نازل شده است ۵] روایت رقم ۶۷۱/ شواهد التنزیل از طریق حبّان بن علی عنزی از کلبی از ابی صالح از إبن عباس نقل آیه أنّما یرید اللّه .. در شأن رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام فاطمه علیها السّلام حسن و حسین علیهما السّلام نازل شده است ۶] روایت رقم ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ و ۷۱۷/ شواهد التنزیل از ام سلمه روایت شد در شأن اهل بیت نازل شده است ۷] روایت رقم ۷۵۶/ شواهد التنزیل از حکیم بن سعید از ام سلمه نقل شد آیه شریفه در شأن اهل بیت نبی صلی اللّه علیه و آله نازل شده است ۸] روایت رقم ۷۶۷/ شواهد التنزیل از عطیّه عوفی از ابو سعید خدری نقل شد. آیه کریمه در شأن نبی صلی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام فاطمه علیها السّلام حسن و حسین علیه السّلام نازل شده است ۹] روایت رقم ۷۶۹/ شواهد التنزیل از اعمش از عطیّه عوفی از ابو سعید خدری با همین لفظ و متن نقل شده است ۱۰] روایت رقم ۷۷۰/ شواهد التنزیل از عطیّه از ابو سعید خدری نقل شد آیه کریمه در شأن اهل بیت مصطفی صلی اللّه علیه و آله که پنج تن هستند نازل شده است [۱۱۵]. ۱] روایت ۶۶۶/ شواهد التنزیل از عطیه عوفی از ابو سعید خدری نظیر روایت متن نقل شده است ۲] روایت رقم ۷۰۰/ شواهد التنزیل از سالم بن ابی حفصه از ابی حمراء در همین معنی نقل شد. [۱۱۶]. ۱] روایت ۶۶۸/ شواهد التنزیل از عطیّه عوفی از ابو سعید خدری با همین متن و لفظ نقل شده ولی به جای هشت ماه مدت شش ماه ذکر شده است ۲] روایت رقم ۶۹۵/ شواهد التنزیل از ابو حمراء در همین معنی نقل شده است ۳] روایت رقم ۶۹۶/ شواهد التنزیل از ابو نعیم از یونس همین روایت را نقل کرده است ۴] روایت رقم ۶۹۷/ شواهد التنزیل ابو داود از ابی حمراء با اندک اختلافی همین روایت را نقل کرده است ۵] روایت رقم ۶۹۸/ شواهد التنزیل از نافع از ابی حمراء همین روایت نقل شده است ۶] روایت رقم ۶۹۹/ شواهد التنزیل از ابی شیبه از یحیی همین روایت نقل شده است ۷] روایت رقم ۷۰۱/ شواهد التنزیل نافع از ابی حمراء به همین معنی و مضمون نقل کرده است ۸] روایت رقم ۷۰۲/ شواهد التنزیل ابو داود از ابی حمراء همین روایت را نقل کرده است ۹] روایت رقم ۷۶۶ و ۷۷۱ و ۷۷۲ و ۷۷۳/ شواهد التنزیل با اندک اختلافی در همین معنی روایت شده است [۱۱۷]. ۱] روایت ۷۰۸/ شواهد التنزیل از عبید اللّه بن موسی همین روایت نقل شده است ۲] روایت ۷۰۹ و ۷۰۱ و روایت رقم ۷۱۱ و ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴/ شواهد التنزیل از راویان متعدد از ام سلمه با همین متن و مضمون نقل شده است ۳] روایت ۷۳۱/ شواهد التنزیل از شهر بن حوشب از ام سلمه همین روایت نقل شده است ۴] روایت ۷۵۳/ شواهد التنزیل از یحیی بن عبید از عمر بن ابی سلمه همین روایت با اندک اختلافی نقل شده است ۵] روایت ۷۵۴ و ۷۵۵/ شواهد التنزیل از عمر بن ابی سلمه با همین مضمون و محتوا درباره آیه کریمه نقل شده است [۱۱۸] روایت رقم ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴/ شواهد التنزیل از ام سلمه با همین مضمون و محتوا نقل شده است [۱۱۹]. ۱] روایت ۷۴۰/ شواهد التنزیل از شهر بن حوشب همین روایت با اندک اختلافی نقل شده است ۲] روایت ۷۴۱/ شواهد التنزیل و ۷۴۲/ شواهد التنزیل از شهر بن حوشب از ام سلمه همین روایت نقل شده است ۳] روایت ۷۴۳ و ۷۴۴ و ۷۴۵ و ۷۴۶/ شواهد التنزیل با اندک اختلافی با همین مضمون و محتوا در توضیح آیه کریمه أنّما یرید اللّه .. نقل شده است [۱۲۰]. ۱] روایت ۷۴۸ و ۷۴۹ و ۷۵۰ و ۷۵۱ و ۷۵۲/ شواهد التنزیل به نقل از راویان متعدد از ام سلمه با اندک تغییری در الفاظ در همین مورد نقل شده است ۲] روایت ۷۶۸/ شواهد التنزیل از عطیّه عوفی از ابو سعید خدری با اندک اختلافی با همین مضمون نقل شده است [۱۲۱]. ۱] روایت ۷۶۱/ شواهد التنزیل از ابی لیلی کندی از ام سلمه در همین معنی است ۲] روایت ۷۶۲/ شواهد التنزیل از عمار دهنی از عقرب از ام سلمه در همین معنی نقل شده است ۳] روایت ۷۶۳/ شواهد التنزیل از عمرة همدانیه از ام سلمه در همین مضمون نقل شده است ۴] روایت رقم ۷۶۴/ شواهد التنزیل از ابی معاویه بجلی از عمرة همدانیه از ام سلمه همین روایت نقل شد. ۵] روایت رقم ۷۵۸/ شواهد التنزیل در همین معنی نقل شده است ۶] روایت رقم ۷۵۹/ شواهد التنزیل از ام سلمه در همین معنی نقل شده است

[۱۲۲] اعمش از مجاهد از إبن عباس همین روایت را با شماره ۷۹۳/ شواهد التنزیل نقل کرده است [۱۲۳] سلیم بن قیس عامری هم از علی علیه السّلام همین روایت را نقل کرد و گفت از علی علیه السّلام شنیدم فرمود: رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به یاسین نامگذاری شد و ما آل او آل یاسین هستیم [۱۲۴] سفیان ثوری از منصور از مجاهد از قول إبن عباس همین روایت را ذیل آیه سلام علی آل یاسین در شماره ۷۹۶/ شواهد التنزیل نقل کرد. [۱۲۵] همین روایت در شماره ۸۰۱/ شواهد التنزیل از طریق روایت دیگری مثل إبن سائب از ابی صالح از إبن عباس نقل شده است و همچنین سفیان ثوری از منصور از مجاهد از إبن عباس همین روایت را در روایت ۸۰۲ نقل کرده است [۱۲۶] ابی خالد کابلی از ابی جعفر در روایت شماره ۸۰۹/ شواهد التنزیل نقل کرد الرّجل السالم لرجل علیّ و شیعته یعنی مرد سلیم النفس برای رجل دیگر، علی علیه السّلام و شیعیان او هستند. [۱۲۷] اینکه روایت را محمّد بن یحیی بن ضریس از نصر نیز نقل کرده است [۱۲۸] روایت شماره ۸۱۴/ شواهد التنزیل هم از ابی صالح از إبن عباس در همین معنی نقل شد. [۱۲۹] همین روایت را عدّه‌ای از راویان از قول یحیی نقل کرده‌اند و همچنین قنفذ بزّاز از حمّانی نیز همین روایت را در شماره ۸۲۳/ شواهد التنزیل از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نقل کرد. [۱۳۰] محمّد بن عیسی واسطی و احمد بن غفار از إبن عباس در شماره ۸۲۵/ شواهد التنزیل همین روایت را نقل کرده‌اند و همچنین روایت ۸۲۶ و ۸۲۷/ شواهد التنزیل با همین الفاظ و عبارت نقل شد. [۱۳۱] إبن راهویه از عبد اللّه بن حمید همین روایت را در سندش نقل کرده است [۱۳۲] همین روایت را عامر شعبی نیز از إبن عباس نقل کرده فقط به جای لا تؤذونی نوشته بود لا تکذّبونی روایت ۸۳۳/ شواهد التنزیل همین کتاب [۱۳۳] همین روایت را مصبحن بن هلقام از عبد الغفور با سندش از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نقل کرده است [۱۳۴] روایت ۸۴۰ و ۸۴۱/ شواهد التنزیل که به وسیله عمرو بن شعیب نقل شده با همین مضمون است [۱۳۵] روایت ۸۴۴/ شواهد التنزیل اشعاری است به مضمون و معنی آیه شریفه لا اسئلکم علیه اجراً... است [۱۳۶] حکام حسکانی می‌گوید: روایت ۸۴۶/ شواهد التنزیل از إبن عباس همین گونه نقل شده است [۱۳۷] روایت ۸۴۸ و ۸۴۹ از طریق ابی مالک از إبن عباس با همین معنی و مضمون نقل شده است [۱۳۸] همین روایت از طریق ابو ذر غفاری از إبن عباس نقل شده است [۱۳۹] روایت ۸۵۶/ شواهد التنزیل از روات دیگری از طریق عبد العزیز بن محمّد بن عمران از علی بن جابر با همین الفاظ و مضمون نقل شده است [۱۴۰] اینکه روایت از طریق محمّد بن خالد واسطی نیز نقل شده است و روایت ۸۵۸/ شواهد التنزیل از طریق عبد اللّه بن عباس از نبی صلی اللّه علیه و آله با همین الفاظ و عبارات نقل شده است [۱۴۱] همین روایت از عبّاد بن یعقوب از عیسی بن عبد اللّه در رقم ۸۶۱/ شواهد التنزیل نقل شد و الفاظ و مضمونش با اینکه روایت یکی است [۱۴۲] روایت ۸۶۳/ شواهد التنزیل از حکم بن عبد الملك از علی علیه السّلام همین گونه نقل شده است - و روایت ۸۶۴/ شواهد التنزیل از قیس بن میسره از ابی صادق همین گونه روایت شده است - و روایت ۸۶۵/ شواهد التنزیل از ابی حفض با الفاظ و مضمون اینکه روایت یکی است [۱۴۳] روایت ۸۶۷/ شواهد التنزیل از ابی عبد الرحمان مسعودی از حارث اصبغ بن نباتهٔ از علی علیه السّلام با همین متن و الفاظ نقل شده است [۱۴۴] برای ترجمه به روایت شماره ۸۶۲ مراجعه شود. [۱۴۵] قرأت جعفر بن محمّد از پدرش و از جدش از علی علیه السّلام به جای یصدّون یضحکون قرائت شد. [۱۴۶] مثل همین روایت در تفسیر عیاشی نقل شد. و همچنین روایت رقم ۸۶۹/ شواهد التنزیل که از اصبغ نباتهٔ از علی علیه السّلام حکایت شد با همین عبارت و الفاظ است و همچنین روایت رقم ۸۷۰/ شواهد التنزیل از طریق ابی یقظان از زاذان از علی علیه السّلام با کمی اختلاف الفاظ روایت شده است و روایت رقم ۸۷۱/ شواهد التنزیل از تفسیر عتیق از طریق ابی سعید خدری با همین مضمون نقل شده است [۱۴۷] روایت ۸۷۳/ شواهد التنزیل از طریق ابی صالح از إبن عباس با اندك اختلافی مثل همین روایت مبسوط نقل شده است [۱۴۸] حاکم حسکانی توضیح داده است که اینکه روایت منقول از علی علیه السّلام

را فقط با همین اسناد در کتب روانی دیدم [۱۴۹] محمّد ۱ [۱۵۰] از طریق علی بن هاشم از فطر از جعفر بن حسین هاشمی روایتی به همین معنی و مضمون نقل شده است و همچنین از سبیعی از ابی جعفر الباقر علیه السّلام همین روایت ذکر شده است [۱۵۱] روایت ۸۸۴/ شواهد التنزیل از طریق ابی الحسن مدائنی از هارون عبدی از ابو سعید خدری با همین الفاظ و محتوا نقل شده است روایت ۸۸۵/ شواهد التنزیل از جعفر بن سلیمان از ابی هارون عبدی از ابو سعید خدری در همین معنی نقل شده است [۱۵۲] روایت ۸۸۸/ شواهد التنزیل از طریق عمرو بن زیاد باهلی از موسی بن جعفر با همین الفاظ و متن نقل شده است توضیح اینکه که اینکه روایت درباره اصحاب و یاران پیامبر شاید مقداری مبالغه‌آمیز باشد و روایت ۸۹۲، ۸۹۱، ۸۹۰/ شواهد التنزیل از طریق مبارک بن فضاله از حسن همین روایت را نقل کرده است و همچنین روایت رقم ۸۸۹/ شواهد التنزیل با اندکی اختلاف از اسلم بن جنید از حسن همین گونه نقل شده است [۱۵۳] ابو عمران موسی بن احمد بن عمر بن غیلان هم اینکه روایت را نقل کرده و مؤلف کتاب فقط روایت آن را تحت شماره ۸۹۲/ شواهد التنزیل ذکر کرده است [۱۵۴] روایت ۸۹۸/ شواهد التنزیل از سعد بن ظریف از عکرمه با اندک اختلافی در همین معنی روایت شده است [۱۵۵] روایت ۹۰۹ و ۹۰۸/ شواهد التنزیل از طریق راوی دیگری از إبن عباس با همین مضمون و محتوا نقل شده است [۱۵۶] روایت ۹۱۱/ شواهد التنزیل با اندکی اختلاف از ثابت بنانی از انس بن مالك با همین محتوا نقل شده است [۱۵۷] اینکه روایت در شماره ۹۱۳/ شواهد التنزیل از طریق إبن عباس زین العابدین و ضحّاك و ربیعه و همچنین در امالی صدوق نقل شده و همچنین از عایشه و بریدۀ اسلمی در تفسیر فرات نقل شده است و همچنین اینکه روایت از طریق زرارۀ بن أوفی از إبن عباس نقل شد که مصنف در روایت ۹۱۵/ شواهد التنزیل به طور کامل آن را ذکر کرده است [۱۵۸] روایت ۹۱۹/ شواهد التنزیل از طریق محمّد بن رستم از زاذان از سلمان فارسی با همین الفاظ و متن در شرح آیه کریمه فوق ذکر شده است [۱۵۹] روایت ۹۲۱ و ۹۲۳/ شواهد التنزیل از طریق إبن ابی نجیح از مجاهد از إبن عباس عین همین روایت است [۱۶۰] روایت ۹۱۵/ ۹۲۶/ شواهد التنزیل که عده‌ای دیگر از روایت از إبن عباس نقل کردند که با متن و عبارت همین روایت یکی است [۱۶۱] سبقت ابراهیم به چه کسی بوده را ذکر نکرده است [۱۶۲] روایت ۹۳۰/ شواهد التنزیل از طریق روات دیگری از إبن عباس به همین معنی نقل شده است [۱۶۳] اینکه روایت در تفسیر عتیق هم ذکر شده است [۱۶۴] روایت ۹۳۵/ شواهد التنزیل از طریق روات دیگر از جعفر بن محمّد علیه السّلام با همین الفاظ و متن نقل شده است [۱۶۵] روایت ۹۴۰ و ۹۴۱ و ۹۴۲/ شواهد التنزیل از طریق راویان دیگر از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله با همین الفاظ و محتوا نقل شده است [۱۶۶] روایت ۹۴۴/ شواهد التنزیل که از جابر بن عبد اللّه انصاری از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نقل شد، با همین الفاظ و متن است [۱۶۷] مؤیّد اینکه کلام ابو جعفر علیه السّلام روایت رقم ۹۴۷/ شواهد التنزیل است که ابو سعید خدری از قول رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله چنین نقل کرد: أما و اللّه لا یحبّ اهل بیتی عبد الّا اعطاه اللّه نوراً حتّی یرد علیّ الحوض و لا یبغض اهل بیتی عبد الّا احتجب اللّه عنه یوم القیامۀ. [۱۶۸] روایت ۹۵۵/ شواهد التنزیل از روات دیگری از علی بن علقمه از علی علیه السّلام نقل شد که متن دو روایت یکی است همچنین یحیی حمّانی از اشجعی از سفیان ثوری همین روایت را نقل کرده است و همچنین روایت ۹۵۷/ شواهد التنزیل از یحیی بن آدم از عبید اللّه بن اشجعی از سفیان بن سعید ثوری از عثمان بن مغیره از سالم از علی بن علقمه از علی علیه السّلام با همین متن و الفاظ نقل شده است [۱۶۹] روایت ۹۵۹/ شواهد التنزیل از روات دیگری از طریق لیث از مجاهد از علی علیه السّلام با همین الفاظ روایت شده است و روایت ۹۶۰/ شواهد التنزیل هم از طریق لیث از مجاهد از علی علیه السّلام نقل شد جز اینکه که روایت مختصر و کوتاهتر نقل شده است و همچنین روایت ۹۶۱/ شواهد التنزیل از طریق شریك از مجاهد نقل شده که مختصر و ملخّص همین روایت است [۱۷۰] روایت رقم ۹۶۳/ شواهد التنزیل صالح بن عبد اللّه کرمزی در کتاب تفسیر از قول جریر از

لیث از مجاهد از علی علیه السّلام نقل کرد که الفاظ و متن روایت با اینکه روایت یکی است [۱۷۱] روایت رقم ۹۶۵/ شواهد التنزیل از طریق سفیان از سلیمان احول از مجاهد با همین متن و الفاظ نقل گردید. و همچنین روایان دیگری از لیث مطابق همین روایت را نقل کردند و همچنین شبل بن عبّاد از ابی نجیح اینکه روایت را نقل کرد و همچنین حبّان از لیث از مجاهد هم اینکه روایت را نقل کرد. [۱۷۲] روایت فوق در توضیح و تفسیر نجوا نیست بلکه نقل یک فضیلت از فضایل بی‌شمار علی علیه السّلام است که به مناسبت در اینکه جا ذکر شد. [۱۷۳] روایت ۹۶۸/ شواهد التنزیل از جابر بن عبد اللّه انصاری همین گونه نقل شده است فقط تغییراتی جزئی در متن روایت است که ابو بکر و عمر وقتی مناجات آن دو طولانی شد، سؤال کردند و رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فرمود: ما أنا ناجیته بل اللّه ناجاه [۱۷۴] روایت ۹۷۹/ شواهد التنزیل از طریق کلبی از ابی صالح از إبن عباس نقل شد که تقریباً همین روایت است فقط افرادی مثل سهل بن حنیف و حارث بن صمهٔ و ابی دجّانه را به علی علیه السّلام و حمزه و مقداد اضافه کرده است [۱۷۵]. ۱] روایت ۹۸۳/ شواهد التنزیل از طریق علی بن جعفر علیه السّلام از برادرش از پدرش از جدش از علی علیه السّلام از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نقل شد. صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام ۲] روایت ۹۸۴/ شواهد التنزیل از اسماء بنت عمیس از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نقل شد. صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام است ۳] روایت ۹۸۵/ شواهد التنزیل از روات دیگری از اسماء بنت عمیس از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نقل شد. صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب ۴] روایت ۹۸۶/ شواهد التنزیل به نقل از اسماء بنت عمیس که از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله که آن حضرت فرمود صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام ۵] روایت ۹۸۷/ شواهد التنزیل از طریق جعفر بن محمّد از پدر و جدش و پدرانشان از رسول اللّه روایت شد صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام ۶] روایت ۹۸۸/ شواهد التنزیل از طریق ام جعفر از جده‌اش اسماء بنت عمیس از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نقل شد صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام ۷] روایت ۹۹۰/ شواهد التنزیل از طریق وکیع از اعمش از زید بن وهب از حذیفه از رسول اللّه نقل شد صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام ۸] روایت ۹۹۱/ شواهد التنزیل از طریق زبیر بن عدیّ از ضحّاک از إبن عباس نقل شد، صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام است ۹] روایت ۹۹۳/ شواهد التنزیل از طریق ابو حمزه ثمالی از عبد اللّه بن عطاء از ابی جعفر علیه السّلام نقل شد، صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام ۱۰] روایت ۹۹۴/ شواهد التنزیل از قول ابو قتیبهٔ از إبن سیرین نقل شد، صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام [۱۷۶] روایت ۱۰۰۰/ شواهد التنزیل از طریق داود بن سرحان از جعفر بن محمّد [ع با اندک اختلافی در همین معنی روایت شده است و همچنین روایت ۱۰۰۱/ شواهد التنزیل از طریق عیسی بن هشام از داود بن سرحان با همین الفاظ نقل شده است [۱۷۷] مثل همین روایت را طاووس از امام باقر علیه السّلام نقل کرد. [۱۷۸] حاقه ۱۲. [۱۷۹] برای ترجمه سخن رسول خدا [ص به روایت شماره ۱۰۰۸ مراجعه شود. [۱۸۰] روایت ۱۰۱۲/ و ۱۰۱/ شواهد التنزیل از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به همین معنی نقل شد. [۱۸۱] روایت ۱۰۱۳/ شواهد التنزیل به همین معنی و مضمون است [۱۸۲] روایت ۱۰۱۹/ شواهد التنزیل با همین متن و لفظ نقل شده است [۱۸۳] در روایت ۱۰۲۶/ شواهد التنزیل جعفر بن برقان از میمون بن مهران از إبن عباس و او از نبی صلی اللّه علیه و آله با همین لفظ و محتوا نقل کرده است [۱۸۴] روایت ۱۰۱۷، ۱۰۱۸/ شواهد التنزیل از قول رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به همین لفظ و محتوا نقل شده است [۱۸۵] روایت ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۸ و ۱۰۲۹/ شواهد التنزیل از محدّثان مختلف به همین لفظ، و محتوا نقل شده است که به علت تکراری بودن ذکر نکردیم [۱۸۶] باید علی بن حسین علیه السّلام باشد [۱۸۷] روایت ۱۰۳۱/ شواهد التنزیل از طریق شریح بن نعمان از سفیان بن عیینه از پدرش از علی بن حسین علیه السّلام نقل شد و عین روایت ۱۰۳۰/ شواهد التنزیل را حکایت نمود.

و روایت ۱۰۳۲/ شواهد التنزیل از طریق جابر جعفی از محمّد بن علی نقل شد و به جای نعمان بن حرث فهری حارث بن عمرو فهری ذکر شده و بقیه متن خبر با روایت ۱۰۳۰/ شواهد التنزیل یکی است [۱۸۸] روایت ۱۰۳۹/ شواهد التنزیل از طریق روات دیگر از جابر بن عبد اللّه از ابو جعفر علیه السّلام نقل شده است جز اینکه که در اینکه روایت فرمود شیعیان ما، اصحاب یمین هستند. [۱۸۹]. ۱] روایت ۱۰۴۳/ شواهد التنزیل از طریق حسن بن مهران از مسلمهٔ بن جابر از امام جعفر صادق علیه السّلام در همین معنی نقل شده است ۲] روایت ۱۰۴۴/ شواهد التنزیل از طریق روح بن عبد اللّه از جعفر صادق علیه السّلام نقل شده است ۳] روایت ۱۰۴۵/ شواهد التنزیل همین روایت از معاویهٔ بن عمّار از جعفر صادق علیه السّلام با همین محتوا و الفاظ و موضوع نقل شده است ۴] روایت ۱۰۴۶/ شواهد التنزیل همین روایت از طریق احمد بن معاویهٔ از محمّد بن بحر از روح بن عبد اللّه از جعفر بن محمّد علیه السّلام از پدر و جدش از علی علیه السّلام نقل شده است ۵] روایت ۱۰۴۷/ شواهد التنزیل از طریق لیث بن ابی سلیم از مجاهد از إبن عباس با همین متن و محتوا نقل شده است ۶] روایت ۱۰۴۸/ شواهد التنزیل همان روایت رقم ۱۰۴۲/ شواهد التنزیل است که از طریق روات دیگری از طریق مجاهد از إبن عبّاس نقل شد که داستان نذر و سه روز، روزه بودن علی و خانواده‌اش را ذکر کرده است ۷] روایت ۱۰۴۹/ شواهد التنزیل همان روایت رقم ۱۰۴۲/ شواهد التنزیل است که از طریق عبد اللّه بن محمّد بن احمد بن نصر مقری از عبد اللّه بن عبد الوهاب نقل شده است ۸] روایت ۱۰۵۰/ شواهد التنزیل همان روایت رقم ۱۰۴۲/ شواهد التنزیل است که جماعتی از ابی حامد و جماعتی از احمد مروزی از لیث بن ابی سلیم نقل کرده‌اند. ۹] روایت ۱۰۵۱/ شواهد التنزیل همان روایت ۱۰۴۲/ شواهد التنزیل است که از طریق قعقاع بن عبد اللّه سعدی از لیث از مجاهد از إبن عبّاس در توضیح آیه یوفون بالنذرداستان سه روز روزه‌دار بودن علی علیه السّلام و خانواده‌اش مفصل نقل شده است ۱۰] روایت ۱۰۵۲/ شواهد التنزیل از طریق حبّان علیّ ابو علی عنزی از کلبی از ابی صالح از إبن عباس در مورد داستان نذر علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام نقل شده است [۱۹۰] روایت ۱۰۵۵/ شواهد التنزیل از طریق مقاتل از اصبغ بن نباتهٔ از سعید بن جبیر از إبن عباس در توضیح آیه أنّ الابرار یشربون .. نقل شد. که آیه درباره علی علیه السّلام فاطمه علیها السّلام حسن و حسین علیهما السّلام نازل شد که در آخرت شراب بهشتی و مخصوص می‌نوشند. [۱۹۱] روایت ۱۰۵۷/ شواهد التنزیل از طریق کلبی از ابی صالح از إبن عباس نقل شد که آیه یطعمون الطّعام علی حبّه .. درباره علی علیه السّلام نازل شده است [۱۹۲] روایت ۱۰۷۳/ شواهد التنزیل از طریق یکی از اصحاب نبی صلی اللّه علیه و آله از ابو حمزه ثمالی با همین الفاظ و متن نقل شده است - روایت ۱۰۷۴/ شواهد التنزیل از ابان بن تغلب از ابو جعفر در توضیح نباء العظیم نقل شد، که گفت علی علیه السّلام آن نبأ عظیمی است که درباره‌اش اختلاف کردند. [۱۹۳] جنگ طائف [۱۹۴] اینکه روایت را سبیعی در تفسیرش از طریق معاویه بن عمّار از ابی زبیر از جابر بن عبد اللّه انصاری نیز ذکر کرده است [۱۹۵] روایت ۱۰۸۶ و ۱۰۸۷ و ۱۰۸۸/ شواهد التنزیل در همین معنی و از روات دیگری نقل شد. [۱۹۶] روایت ۱۰۹۱/ شواهد التنزیل از جابر بن عبد اللّه انصاری از ابو جعفر علیه السّلام به همین معنا نقل شده است [۱۹۷] روایت ۱۰۹۳/ شواهد التنزیل از محمّد بن خالد برقی از محمّد بن فضیل با همین متن و لفظ نقل شده است [۱۹۸] روایت ۱۰۹۵/ شواهد التنزیل از طریق سفیان ثوری از منصور از مجاهد از إبن عباس شبیه همین روایت بدون هیچ تغییری نقل شده است [۱۹۹] روایت ۱۰۹۷/ شواهد التنزیل از قول زید بن اسلم از نباتهٔ بن اسد از علی علیه السّلام از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله با همین مضمون و عبارت نقل شده است روایت ۱۰۹۸/ شواهد التنزیل از طریق عمر بن صهیب از پدرش از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در همین معنی روایت شده جز اینکه که در آخر روایت ذکر کرده است علی علیه السّلام به اهل عراق گفت ای اهل عراق به خدا سوگند، دوست دارم که شقی‌ترین شما برخیزد و محاسنم را با خونم رنگین نماید. - روایت رقم ۱۱۰۳/ شواهد التنزیل در همین معنی است - و روایت رقم ۱۱۰۴/

شواهد التنزيل از عمّار یاسر با همین مضمون نقل شد. - و همچنین روایت رقم ۱۱۰۸/ شواهد التنزیل از ضحّاک بن مزاحم از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به همین مضمون نقل کرد. [۲۰۰] روایت ۱۱۰۰/ شواهد التنزیل از عمیر بن عبد الملک مثل همین روایت نقل شد. [۲۰۱] روایت ۱۱۰۲/ شواهد التنزیل از ابو طفیل چنین نقل شد. چون عبد الرحمان بن ملجم برای بیعت به حضور علی علیه السّلام آمد، آن حضرت او را دوبار برگرداند و گفت او آن شقی است که محاسنم را به خونم رنگین می‌کند. [۲۰۲] روایت ۱۱۰۹/ شواهد التنزیل از طریق جعفر بن محمّد علیه السّلام از پدرش و او از جابر بن عبد اللّه با همین متن و الفاظ در شأن نزول آیه کریمه و لسوف یعطیک ربّک فترضی‌نقل شد. [۲۰۳] روایت ۱۱۱۴/ شواهد التنزیل از علی بن ابی طالب علیه السّلام در همین معنی نقل شده است [۲۰۴] روایت ۱۱۱۷/ شواهد التنزیل از عبد اللّه بن سنان از ابو عبد اللّه علیه السّلام با همین متن و لفظ روایت شده است و روایت ۱۱۱۸/ شواهد التنزیل از طریق روات دیگر از ابو عبد اللّه علیه السّلام در همین معنی ذکر شده است و همچنین روایت ۱۱۱۹/ شواهد التنزیل از طریق عبد الرّحمان بن حمّاد از فضل از ابو عبد اللّه علیه السّلام در تفسیر آیه کریمه در همین معنی نقل شد. [۲۰۵] روایت ۱۱۲۴/ شواهد التنزیل از موسی بن جعفر علیه السّلام نقل شد فما یکذّبک بعد بالدّین یعنی ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام [۲۰۶] روایت ۱۱۲۲/ شواهد التنزیل از طریق محمّد بن فضیل صیرفی از موسی بن جعفر علیه السّلام در همین معنی و متن نقل شده است و همچنین روایت ۱۱۲۳/ شواهد التنزیل از داود بن محمّد سهندی از محمّد بن فضیل صیرفی از موسی بن جعفر علیه السّلام در تفسیر سوره مبارکه تین همین گونه بیان شد. [۲۰۷] روایت ۱۱۳۰/ شواهد التنزیل از ابو داود از ابو برزه در همین معنی نقل شده است [۲۰۸] روایت ۱۱۲۸/ شواهد التنزیل از عمر بن هارون از جابر بن عبد اللّه با همین محتوا نقل شده است - روایت ۱۱۲۹/ شواهد التنزیل از عمرو بن شمر از جابر بن عبد اللّه و همچنین از شداد بن رشید از جابر بن عبد اللّه از باقر العلوم علیه السّلام نقل شده است و همچنین روایت ۱۱۳۰/ شواهد التنزیل به همین معنی است [۲۰۹] و روایت ۱۱۳۳/ شواهد التنزیل از عمرو بن شمر از جابر بن عبد اللّه از ابو جعفر از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله همین گونه نقل شده است - روایت ۱۱۳۴/ شواهد التنزیل از عمرو بن شمر از جابر از ابو جعفر از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله همین روایت است فقط در آخر روایت اضافه شده است « یا علی علیه السّلام تو و شیعیانت در حالی که راضی و مرضی هستید در قیامت بر من وارد می‌شوید.» - روایت ۱۱۳۵/ شواهد التنزیل از طریق شدّاد از جعفی از جابر بن عبد اللّه از ابو جعفر از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به همین متن و لفظ نقل شده است - روایت ۱۱۳۶ و ۱۱۳۷ و ۱۱۳۸ از روات مختلف از جابر از ابو جعفر علیه السّلام از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در همین معنی نقل شده است - روایت ۱۱۴۵/ شواهد التنزیل کلبی از ابی صالح از إبن عباس بیان کرد خیر البریهٔ، علی و شیعیانش هستند. [۲۱۰] روایت ۱۱۴۰/ شواهد التنزیل از عبد اللّه لهیعه با همین لفظ و متن نقل شدهاست [۲۱۱] روایت ۱۱۴۳/ شواهد التنزیل از عطیّه عوفی از ابو سعید خدری از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در همین معنی نقل شده است [۲۱۲] روایت ۱۱۴۸/ شواهد التنزیل از کلبی از ابی صالح از إبن عباس نقل شده که آیه کریمه درباره علی علیه السّلام و شیعیانش نازل شده است و همچنین روایت ۱۱۴۷/ شواهد التنزیل از إبن عباس نقل شده که آیه شریفه فقط درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شده است و او را به عنوان بهترین انسان معرفی فرمود. [۲۱۳] روایت ۱۱۵۱/ شواهد التنزیل از طریق علی بن عباس از حسن بن محمّد مزنی از حسن بن حسین از ابو حفض از جعفر بن محمّد علیه السّلام با همین محتوا نقل شد. [۲۱۴] روایت ۱۱۵۵/ شواهد التنزیل از قول ابی امامهٔ از ابی بن کعب از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله با همین معنی ذکر شده است [۲۱۵] روایت رقم ۱۱۵۷/ شواهد التنزیل از طریق ابی هریره از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله در همین معنی نقل شده است فقط اینکه که در معنی الّا الّذین ءامنوا و ...نقل شده علی علیه السّلام و شیعیانش هستند که مصداق اینکه آیه شریفه هستند. [۲۱۶] روایت

۱۱۶۲/ شواهد التنزیل از ابی حمزه از علی بن حسین علیه السّلام از پدرش و جدّش از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله همین روایت را نقل کرده است [۲۱۶] روایت ۱۱۶۲/ شواهد التنزیل از ابی حمزه از علی بن حسین علیه السّلام از پدرش و جدّش از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله همین روایت را نقل کرده است

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی

(حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰ ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹